

با کسب هفت جایزه
**درخشش بیست و یک روز بعد در
جشنواره کودک و نوجوان اصفهان**



پخش ۹ فیلم توسط

موسسه فرهنگی تبلیغاتی بهمن سبز



کارگر ساده نیازمندیم

تهیه کننده: منوچهر هادی
کارگردان: منوچهر هادی
نویسنده: پدram کریمی
بازیگران: آتیلا پسیانی، یکتا ناصر، سحر
قریشی، سیامک صفری، بهرام افشاری، سیروس
همتی، مجید اصغری، مهرن احمدی، مهدی محرابی



بیست و یک روز بعد

تهیه کننده: محمدرضا شفا
کارگردان: سید محمدرضا خردمندان
نویسنده: سید محمدرضا خردمندان
احسان تقفی
بازیگران: ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیرحسین
صدیق، سینا رازانی، جلال فاطمی، مهدی
قربانی، حسین شریفی



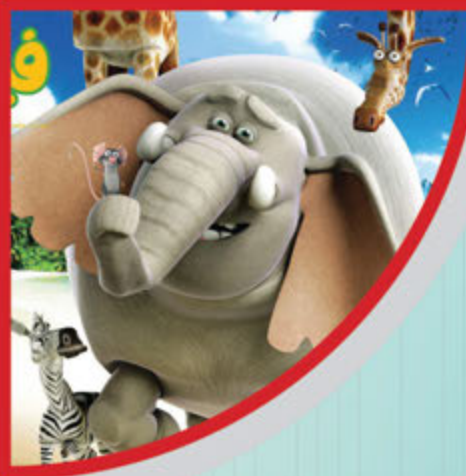
زیر سقف دودی

تهیه کننده: پوران درخشنده
کارگردان: پوران درخشنده
نویسنده: پوران درخشنده
بازیگران: فرهاد اصلانی، مریلا زارعی، بهنوش
طباطبایی، شهرام حقیقت دوست، حسام نواب
صفوی، آریتا حاجیان، ابوالفضل میری، لاله مرزبان



فیلشاه

تهیه کننده: حامد جعفری
کارگردان: هادی محمدیان



فیلم های سینمایی «زیر سقف دودی»، «کارگر ساده نیازمندیم»، «بیست و یک روز بعد»، «قهرمان کوچک»، «فصل نرگس»، «پری دریایی»، «فیلشاه»، «شهری که نمی خوابد» و «رهایی از بهشت» امسال توسط موسسه بهمن سبز عرضه و اکران می شوند

با ما همراه باشید

 bahmansabz_ir

 Bahmansabz_ir

وَاللَّهُ

فهرست

رویدادها	۴
گزارش؛ رونمایی از مجموعه مستند رویای آمریکایی و بازتاب انتشار آن	۱۲
گزارش؛ برنامه تلویزیونی چشم شب روشن، روز قدس در آیین نگاه سینماگران	۱۹
دیدگاه؛ مخاطب سنجی در سینمای ایران	۲۴
گزارش؛ معرفی برگزیدگان جشنواره فیلم کودک و نوجوان، بیست و یک روز بعد در جشنواره فیلم کودک و نوجوان	۲۸
پرونده؛ اکران اکسیدان و مادر قلب اتمی!	۳۳
گفتگو؛ جشنواره کودک و میزبانی سینمای حوزه هنری	۶۰
در استان ها	۶۱



سوره سینما

خبرنامه داخلی سازمان سینمایی حوزه هنری
شماره پنجم تیر ماه ۱۳۹۶

صاحب امتیاز: سازمان سینمایی حوزه هنری
مدیرمسئول و سردبیر: یزدان عشیری
مجری طرح: آرشد رمضانیان

تحریریه: ابوالفضل ذوالفقاری، امید عشیره،
تینا جلالی، راحله خدایمی، نرگس ساجد

گرافیک، صفحه آرایی: مانی گرافیک
عکاس: سحر قریب

با سپاس از فاطمه پزشکی، حامد نیکومرام،
محمد علی حیدری، بهادر زارع

تلفن: ۸۸۹۱۸۱۲۸-۸۸۸۰۹۵۰۷

آدرس: تهران، خیابان سمیه، نرسیده به خیابان حافظ
ساختمان حوزه هنری، طبقه چهارم، سازمان سینمایی حوزه هنری

«سوره سینما» پایگاه خبری تحلیلی سینمای ایران:
www.sourehcinema.ir

بانک جامع اطلاعات سینمای ایران
www.sourehcinema.com/Default.aspx

صفحه اینستاگرام «سوره سینما»
[instagram.com/sourehcinema](https://www.instagram.com/sourehcinema)

کانال تلگرام روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری
[@sourehcinema_com](https://t.me/sourehcinema_com)

«کانال تلگرام «سوره سینما»
[@sourehcinema](https://t.me/sourehcinema)

سخن نخست

که کشتی چو آن را ببیند ز دور
فرازش یکی روشنایی ز نور

فضای فرهنگ و سینما نگران کننده است. این نگرانی با روندی که سینما اکنون دارد شدیدتر و وخیم تر هم خواهد شد. رهبری معظم انقلاب در دیدارهای ماه مبارک رمضان به کرات گلایه ها و هشدارهایی نسبت به وضعیت فرهنگ و افق حرکت آن داشته اند؛ چرا و چگونه سینما تا به این حد از مسیر اصلی و اهداف آرمانی اش دور و دورتر می شود؟ متأسفانه، جهت گیری این سینما به طرف موضوعات اصلی و مفاهیم و ضرورت های مهم اجتماعی و فرهنگی کشور نیست. در حالی که حتی، از جدی ترین مباحث اجتماعی و مضامین مورد نیاز جامعه غافل شدیم از نیازهای سینما در عرصه مفاهیم کلان استراتژیک ملی و بین المللی هم بسیار دور افتاده ایم. به بهانه رونق سالن های سینمایی موجی دهشتناک از هجویه ها و کمدی مبتذل سینمای ما را فرا گرفته است و در این مسیر، دغدغه های دلسوزان فرهنگی و سینماگران متعهد و اندیشه ورز هم به جایی نخواهد رسید.

دریای سینما طوفانی، آشفته و بی ثبات و هردمبیلی است و به نظر می رسد نظارت های حداقلی که وجود داشته هم، دستخوش ذائقه های سیاسی و جریانی و مرعوب تنگ نظری های سیاسی و همین موجی گردیده که فراگیر شده است.

اکنون اگر چه هنوز جریان باریکی از سینمای فرهنگ ساز و هدفمند نفس می کشد اما سیطره نوعی سینمای لودگی و هجویه های سبک و نازل کاملاً ملموس و مشهود است. فیلم هایی مملو از قصه های سرهم بندی شده برای تخلیه صحنه ها و دیالوگ های سخیف و مزین به الفاظ رکیک و رفتارهای جنسی و جلف.

در این میان، حوزه هنری انقلاب اسلامی که در طول حدود چهار دهه گذشته به مثابه پرچم دار و چراغ راه سینمای ایران عمل کرده در چنین اتمسفری نگرانی ها و واکنش هایش را نسبت به سوگیری غلط سینمای کشور اعلان کرده است و از آن جایی که این نهاد خود را موظف نسبت به شئون قانونی و حفظ چارچوب های آن می داند همواره تلاش داشته تا اعتراض و دغدغه هایش را قانون مند و از طریق مجاری قانونی به نمایش بگذارد. عدم انتخاب برخی از فیلم های مسئله دار برای نمایش در سینماهای حوزه هنری در این راستاست. حوزه هنری با بکارگیری این تدبیر و تمهید ضمن رعایت ساحت قوانین به نوعی هشدارش را نسبت به مسیر حرکت سینمای ایران و پیامدهای تلخ و زیان بار آن بیان کرده و سعی می کند تا به مثابه فانوس دریایی سینما از طریق چراغ ها، لنزهای نوری و علامت هایی که می فرستد جزیره ها، صخره ها و آبسنگ ها را، که برای کشتی ها و کشتی رانی خطرناک اند، مشخص کند.

زمانی این نهاد در مواجهه با گسترش موج فیلم های «فسادمحور» و «عشق های مثلی» علم جلوگیری از اکران این گونه فیلم ها را برافراشت که بعد از گذشت چند سالی شاهد کم رنگ شدن تولید آن نوع فیلم ها بودیم و امروز متأسفانه، سینما مسیری دیگری می رود و خطر نفوذ فرهنگی دشمن از طریق تخطئه و تضعیف مبانی اعتقادی و اخلاقی و تولید انبوه آثار سخیف و مبتذل شرایط خطرناکی را رقم زده، باز این حوزه هنری انقلاب است که به مقابله برخاسته تا اجازه ندهد آثار مغایر و متضارب با آرمان های انقلاب، ارزش ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی و مخرب بنیان های خانواده و اخلاق میدان داری کنند و در این راه، نه تنها از طریق گفتمان سازی و تولید فیلم های خانواده محور و استراتژیک همچون: «یه حبه قند»، «میهمان داریم»، «مزار شریف»، «ماجرای نیمروز»، «بیست و یک روز بعد» بلکه با سیاست گذاری در عرصه سینماداری تلاش کرده و می کوشد سالن های سینمایش که با برند و محوریت «تحکیم بنیان های خانواده، اخلاق و سرگرمی های سالم» فعال است از آثاری که باعث تضعیف بنیان خانواده، خدشه به مناسبات اخلاقی، تخطئه باورهای فرهنگی و اجتماعی و مبانی دینی می شوند حمایت نکند.

بیا تا بگویم چه باشد خشاب
خرمند آن را نهاده بر آب

که کشتی چو آن را ببیند ز دور
فرازش یکی روشنایی ز نور

بپوید ره و گم نگردد ز جای
چنین است اندیشه ناخدای

نسخه نمایش خانگی فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» وارد بازار شد



از عوامل تولید «ماجرای نیمروز» می توان به: فیلمنامه: محمد حسین مهدویان و ابراهیم امینی، مدیر فیلمبرداری: هادی بهروز، طراح گریم: محسن دارسنج، طراح صحنه و لباس: بهزاد جعفری، تدوین: سجاد پهلوان زاده، صدابردار: هادی ساعد محکم، صداگذار: مهرشاد ملکوتی، موسیقی: حبیب خزایی فر، مدیر تولید: سعید شرفی کیا، جلوه های ویژه: محسن روزبهانی، برنامه ریز: وحید کاشی، دستیار اول کارگردان: عبدالرحیم صاحب الفصول، انتخاب بازیگر و بازیگردان: ابراهیم امینی، عکاس: سحاب زرعی باف، مشاور رسانه ای: بیتا موسوی، مجری طرح: کامران حجازی و تهیه کننده: سید محمود رضوی محصول مشترک موسسه سینمای مهر، بنیاد سینمایی فارابی، سازمان سینمایی حوزه هنری انقلاب اسلامی و موسسه تصویر شهر است.

نسخه نمایش خانگی فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» اثر محمدحسین مهدویان به تهیه کنندگی سید محمود رضوی از ۱۳ تیر ماه توسط موسسه هنرهای تصویری سوره از موسسات سازمان سینمایی حوزه هنری وارد بازار شد.

به گزارش سوره سینما، «ماجرای نیمروز» نوروز ۹۶ اکران عمومی شد و با توجه به فضای سیاسی تاریخی فیلم که به حوادث مهم انقلاب در ابتدای سال ۶۰ می پردازد، توانست به فروش نزدیک به ۵ میلیاردی دست یابد. این رقم برای چنین اثری رکورد قابل توجه ای در سینمای ایران است.

همچنین این اثر در جشنواره فیلم فجر سال گذشته هم مورد توجه مخاطبین و منتقدین قرار گرفت و توانست ۵ سیمرغ بلورین را از آن خود کند و فیلم منتخب مردمی این رویداد شود.

در «ماجرای نیمروز» مهرداد صدیقیان، احمد مهرانفر، هادی حجازی فر، مهدی زمین پرداز، حسین مهری، محیا دهقانی، لیندا کیانی، امیراحمد قزوینی، امیرحسین هاشمی و جواد عزتی با حضور مهدی پاکدل به ایفای نقش می پردازند.

در خلاصه داستان این فیلم آمده است: در محله های پر آشوب تهران، در پیچاپیچ خیابان ها و کوچه ها و در پستوی خانه ها سرگردان و حیران. آیا این جستجو را فرجامی هست؟



حوزه هنری با ۳ فیلم کوتاه در جشنواره «ریور» ایتالیا



سازمان سینمایی حوزه هنری با ۳ فیلم کوتاه «مادر»، «گزارشگر» و «سیخفیل» در یازدهمین جشنواره «ریور» ایتالیا حضور داشت.

به گزارش سوره سینما، ۳ فیلم کوتاه «مادر»، «گزارشگر» و «سیخفیل» از محصولات «باشگاه فیلم سوره» وابسته به سازمان سینمایی حوزه هنری در جشنواره فیلم کوتاه «ریور» ایتالیا به نمایش در آمد.

فیلم های کوتاه «مادر»، «گزارشگر» ساخته محمدرضا خردمندان و «سیخفیل» ساخته سامان غنایمی است. جشنواره «ریور» فیلم های کوتاه داستانی، مستند، انیمیشن و دانشجویی با مدت زمان از ۱۰۰ ثانیه تا ۳۰ دقیقه را به رقابت گذاشت. این جشنواره داورانی از سه کشور انگلستان، پرتغال و ایتالیا داشت که همه فیلمساز، فیلمنامه نویس یا تهیه کننده بودند.

یازدهمین جشنواره فیلم کوتاه «ریور» از ۲۶ خرداد تا ۹ تیر در شهر پادوای ایتالیا برگزار شد.

رایت فیلم «اکسیدان»

توسط حوزه هنری خریداری نشد

خندق آبادی گفت: رایت فیلم «اکسیدان» توسط مدیرعامل موسسه هنرهای تصویری سوره خریداری نشده است.

به گزارش سوره سینما، در پی انتشار خبری مبنی بر اینکه «حوزه هنری رایت فیلم تحریمی اکسیدان را خرید» خندق آبادی مدیرعامل موسسه هنرهای تصویری سوره در گفت و گو با فارس درباره خرید رایت فیلم «اکسیدان» گفت: رایت فیلم «اکسیدان» توسط موسسه هنرهای تصویری سوره خریداری نشده و این خبر کذب است.

همچنین، منوچهر محمدی تهیه کننده فیلم «اکسیدان» خبر خرید رایت ویدیویی این فیلم توسط حوزه هنری را تکذیب کرد.

روابط عمومی فیلم سینمایی «اکسیدان» طی خبری اعلام کرد: در پی انتشار خبری مبنی بر اینکه رایت ویدیویی این فیلم سینمایی توسط حوزه هنری خریداری شده است، به اطلاع می رساند منوچهر محمدی تهیه کننده این فیلم سینمایی با تکذیب این خبر توضیح داد که قرار داد رایت ویدیویی فیلم در دی ماه سال ۹۵ و پیش از فیلمبرداری با حوزه هنری تنظیم شده بود، اما پس از اتفاقات اخیر پیرامون فیلم و عدم نمایش آن توسط حوزه هنری، توزیع نسخه شبکه نمایش خانگی فیلم سینمایی «اکسیدان» توسط یک شرکت ویدیو رسانه بخش خصوصی انجام خواهد شد.

بسته ویژه جشنواره فیلم عمار برای روز جهانی قدس

«بر عهد خود می مانیم»



دعوت سازمان سینمایی حوزه هنری برای هم صدایی سینماگران باملت فلسطین

سازمان سینمایی حوزه هنری در آستانه فرارسیدن روز قدس به منظور همدردی و همصدایی با ملت مظلوم فلسطین با صدور بیانیه‌ای از هنرمندان و سینماگران، صنوف و فعالان سینمایی برای حضور گسترده و باشکوه در راهپیمایی روز قدس، دعوت به عمل آورد.

به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی سازمان سینمایی حوزه هنری، در این بیانیه آمده است: بی تردید، هنرمندان و سینماگران متعهد اگرچه تاکنون با اهتمام به هنر مقاومت و پایداری و ثبت و ضبط مبارزات و انقلاب‌های آزادی بخش و جنبش‌های مقاومت در منطقه و جهان اسلام با ملت فلسطین، حزب الله لبنان، انقلاب مردم یمن، جنبش اعتراضی شیعیان بحرین و نبرد غرور آفرین ملت سوریه و عراق علیه داعش و گروه‌های تکفیری همصدا و همراه بوده و هستند یکبار دیگر، به عنوان طلیعه داران قشر آگاه، استعمار ستیز و عدالت خواه همگام با سایر اقشار مردم در راهپیمایی بزرگ و باشکوه روز جهانی قدس شرکت کرده ضمن ابراز خشم و نفرت از استکبار جهانی از مبارزات حق طلبانه مردم مظلوم و مبارز فلسطین حمایت خواهند کرد.

فیلم عمار بود. این انیمیشن داستان یک کودک فلسطینی است که بر اثر حمله رژیم صهیونیستی به زمین بازی آن‌ها، زخمی شده است و در خانه مشغول بازی رایانه‌ای است و در تخیلات خویش در بازی میان تیم منتخب دنیا که مربی آن به صورت نمادین علی دایی است، سعی می‌کند تیم مقابل را که رژیم صهیونیستی است شکست دهد.

فیلم کوتاه «بر خورد از نوع نزدیک»، دیگر اثر این بسته فیلم بود. داستان این اثر نیز درباره کشتن کودکان فلسطینی توسط سربازان رژیم غاصب صهیونیستی است. داوود جلیلی کارگردانی این اثر را بر عهده داشته است.

فیلم داستانی «نامه‌های سنگی» به کارگردانی محمود عرفانی، دیگر اثر بسته فیلم عمار است که داستان پسر بچه‌ای را روایت می‌کند که قصد کمک به کودکان مظلوم فلسطینی را دارد اما در این راه مشکلاتی پیش می‌آید و او تلاش دارد تا به هر نحو که شده کودکان فلسطینی را یاری کند. «نامه‌های سنگی»، لوح افتخار بخش فیلمنامه ششمین جشنواره عمار را در کارنامه دارد.

«یک سطل آب»، مستندی به کارگردانی محمدتقی رحمتی اثر بعدی جشنواره عمار برای اکران به مناسبت روز جهانی قدس، داستان جانبازی است که در تدارک برای پرپایی راهپیمایی روز قدس است

نماهنگ‌های «دولت کاریکاتور»، «زخم قدس»، «آیات سجیل»، «گرم بنوشید» و «فلسطین، مسئله اصلی» دیگر آثار جشنواره مردمی فیلم عمار به مناسبت فرارسیدن روز جهانی قدس بودند.

بر اساس این گزارش، علاقمندان جهت دریافت و اکران این آثار می‌توانند به سایت اکران مردمی جشنواره عمار به نشانی Ekran. ammarfilm.ir مراجعه کنند. □

در آستانه روز جهانی قدس، دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار، مجموعه فیلم‌هایی را با عنوان «بر عهد خود می مانیم» برای اکران و نمایش به این مناسبت، ارائه کرد. به گزارش سوره سینما، در آستانه روز جهانی قدس دبیرخانه جشنواره مردمی فیلم عمار، مجموعه فیلم‌هایی را برای اکران و نمایش به این مناسبت، ارائه کرد. در این مجموعه چند اثر از تولیدات باشگاه فیلم سوره نیز گنجانده شده.

بنابر این گزارش، فیلم کوتاه «ولد» به کارگردانی امیرعباس ربیعی، اولین اثر این مجموعه فیلم است. «ولد» به زبان عربی تهیه شده و روایت سرنوشت یک میهمان تازه در بیمارستان کوچکی در شهر غزه است که زیر بمباران هر بار قسمتی از آن خراب می‌شود. قصه‌ای کوتاه از یک جدال مادرانه با بمب‌های کودک کش.

فیلم کوتاه «ولد» در کنار کسب فانوس پنجمین جشنواره مردمی فیلم عمار، برگزیده بهترین فیلم کوتاه اجتماعی جشنواره فیلم تراسه سینماتوگرافیک ایتالیا و جشنواره بین‌المللی «اوپن فیلم» بنگلادش شد.

انیمیشن «آنتراکت» به کارگردانی سیدمحمد رضا خردمندان، اثر بعدی بسته فیلم جشنواره عمار برای روز جهانی قدس بود. «آنتراکت» برگرفته از «Entract» کلمه‌ای فرانسوی و به معنای حد فاصل بین ۲ پرده موسیقی است. فیلم نیز در فاصله بین ۲ قطعه موسیقی روایت می‌شود. ایده «آنتراکت» از داستان تک تیراندازی اسرائیلی است که در جریان جنگ ۲۰۱۴ غزه با انتشار پستی در صفحه اینستاگرام خود ادعا کرد در یک روز توانسته ۱۳ کودک فلسطینی را هدف قرار دهد.

انیمیشن «زمین بازی ما» به کارگردانی سیدمحسن مهاجری، یکی دیگر از آثار بسته

«دایان» با موضوع آوارگان سوری آماده نمایش شد

فیلم سینمایی «دایان» اولین ساخته بلند سینمایی بهروز نورانی پور در سکوت خبری به پایان رسید. این فیلم برخی از مراحل فنی خود از جمله اتانولاز را در پراگ پشت سر گذاشت و آماده نمایش شد.

به گزارش سوره سینما بخشی از صحنه‌های این فیلم در سوادکوه انجام شده و سکانس‌هایی از فیلم در کوهستان ضبط شده است. در این فیلم علاوه بر بازیگران آذربایجانی، بازیگران کرد هم به ایفای نقش می‌پردازند.

در این اثر سینمایی علیرضا آرایش طراح صحنه و لباس، سامان لطفیان مدیر فیلمبرداری، بهنام شیخ احمدی صدابردار، ایمان توکلی برنامه ریز با همکاری دارند، همچنین ناصر باباییان نقش اول «دایان» را ایفا می‌کند.

«دایان» فیلم مستند داستانی روایتگر فردای جنگ است؛ روایتگر افرادی که در یک روستا زندگی می‌کنند و برای فردای بهتر تلاش می‌کنند. این فیلم درباره افرادی است که جنگ را تجربه کرده‌اند.

بهروز نورانی پور کارگردانی مستند «A157» را در کارنامه خود به ثبت رسانده که توانسته جوایز متعددی را برای این فیلم اثرگذار از آن خود کند.

«رهایی از بهشت» نامزد بهترین انیمیشن جشنواره سیکاف شد

انیمیشن ایرانی «رهایی از بهشت» جزو چهار نامزد دریافت جایزه بهترین انیمیشن سینمایی از جشنواره سیکاف کره جنوبی قرار گرفت. به گزارش سوره سینما، فیلم سینمایی «رهایی از بهشت» به کارگردانی علی نوری اسکویی در ادامه حضورهای خارجی خود توانست جزو چهار فیلم نامزد دریافت جایزه بهترین انیمیشن سینمایی از جشنواره سیکاف کره جنوبی قرار بگیرد.

این جشنواره که از معتبرترین جشنواره های انیمیشن است همه ساله در انتهای ماه جولای در سئول برگزار می شود.

فیلم «رهایی از بهشت» در بخش مسابقه جشنواره های انیمیشن برلین، گلدن بریج، هنگ کنگ و چندین جشنواره بین المللی دیگر نیز حضور دارد. اکران این فیلم توسط موسسه بهمن سبز در سالجاری صورت می گیرد.



حضور فیلم کوتاه «ماهی» در جشنواره جهانی فیلم اتریش



هشتمین جشنواره جهانی فیلم مستقل اتریش که فیلم های سینمایی، مستند و کوتاه را به رقابت می گذارد، میزبان یک فیلم کوتاه ایرانی شد. به گزارش سوره سینما، فیلم کوتاه «ماهی» ساخته سامان حسین پور به نمایندگی از ایران در این جشنواره حضور داشت و با فیلم هایی از آمریکا، هند، اتریش، فرانسه، کانادا، ویتنام، چین، آلمان، اسپانیا و لهستان به رقابت پرداخت. فیلم کوتاه «ماهی» به نویسندگی و کارگردانی سامان حسین پور و تهیه کنندگی حوزه هنری کردستان با موضوع کمبود آب تولید شده است و داستان پیرزن و پیرمردی را روایت می کند که با بحران کمبود آب دست و پنجه نرم می کنند. این فیلم سومین ساخته سامان حسین پور، فیلم ساز کردستانی، است که تاکنون جوایز بسیاری را از آن خود کرده و در ده ها جشنواره ملی و بین المللی به نمایش درآمده است. هشتمین جشنواره جهانی فیلم مستقل اتریش از ۱۷ تا ۲۱ ماه می برگزار شد.

انیمیشن تماشاچی در سه جشنواره جهانی باهاما، ونزوئلا و رومانی

انیمیشن کوتاه «تماشاچی» ساخته محسن باقری دستگردی به بخش مسابقه سه جشنواره جهانی در کشورهای باهاما، ونزوئلا و رومانی راه یافت. به گزارش سوره سینما، اولین جشنواره باهاما با عنوان Caribbean Film Festival and Market ۲۱ الی ۵ نوامبر ۲۰۱۷ برگزار خواهد شد. همچنین این اثر تولیدی هنرمند چهار محال و بختیاری در دو جشنواره بین المللی با عنوان Maracay International Film & Video Festival در ونزوئلا و پنجمین جشنواره Short Film Breaks رومانی راه یافته است که هر دو تا پایان ۲۰۱۷ برگزار خواهند شد.

لقمان قاسمی و محسن باقری دستگردی و شرکت VEST PRODUKTION دامنارک از تهیه کنندگان این انیمیشن هستند. این انیمیشن جامعه ای را به تصویر کشیده که تفاوت ها را نمی پذیرد و به دنبال نابودی این تفاوت هاست.

طراحی شخصیت این فیلم بر عهده فاطمه باقری هفشجانی، انیمت: سینا کوهی فایق دهکردی، اکرم قائد امینی و مهسا اسدی، اسکن آن بر عهده خدیجه قنبری شیخ شبانی، رنگ احمد رضا باقری هارونی، صدا حسین قورچیان، تدوین مهدخت اصغریان بوده است و مدیریت تولید پروژه را سجاد شیرازی چالشتی و طراحی تیتراژ آن را امین حکمت پناه به عهده داشته اند. سحر قانع پور، میلاد غلامی، مهسا دهقان قهفرخی و سمیه محمدی نیز در تولید این اثر همکاری داشته اند.



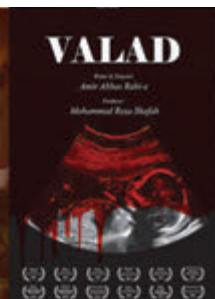
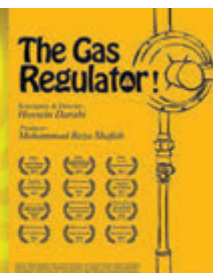
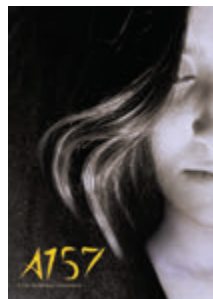
نمایش تولیدات سازمان سینمایی حوزه هنری در ۱۲ جشنواره خارجی

تولیدات سازمان سینمایی حوزه هنری در سه ماهه نخست امسال در ۱۲ جشنواره خارجی به نمایش درآمد.

به گزارش سوره سینما؛ ۸ فیلم از تولیدات سازمان سینمایی حوزه هنری در ۱۲ جشنواره خارجی حضور داشته و دو جایزه کسب کرد. برپایه این خبر، اسامی فیلم‌ها و جشنواره‌هایی که آثار در آن حضور و نمایش داشته بدین شرح است:

مستند A157 به کارگردانی بهروز نورانی پور در جشنواره «Movie that Matter» کشور هلند / فیلم کوتاه علمک به کارگردانی حسین دارابی در یازدهمین جشنواره فیلم‌های کوتاه «۲۰ min max» کشور آلمان / انیمیشن «آتراکت ساخته محمدرضا خردمندان در جشنواره «انیمافیل» کشور چک / مستند A157 در جشنواره «سینیه دونوی» کشور ایتالیا / فیلم کوتاه علمک در جشنواره «Skepto» کشور ایتالیا / فیلم کوتاه «برگ‌های پاییزی» به کارگردانی سامان حسین پور در نوزدهمین جشنواره فیلم‌های کوتاه کودکان «مواند فرائز» آلمان / مستند A157 در جشنواره «سینیه دونوی» کشور تایلند / فیلم‌های کوتاه علمک، مثل بادکنک، مرد و بچه و ولد در جشنواره «سلولارت» کشور آلمان / فیلم کوتاه علمک در جشنواره «Nations» کشور اتریش / نمایش فیلم سینمایی خسته نباشید به کارگردانی افشین هاشمی و محسن قزایی در سومین جشنواره فیلم «The Earth Day» کشور آمریکا / فیلم‌های کوتاه مادر، گزارشگر و سیخفیل در جشنواره «رپور» کشور ایتالیا / انیمیشن آتراکت در جشنواره «انیماموندی» کشور برزیل.

همچنین مستند A157 به کارگردانی بهروز نورانی پور جایزه اصلی بهترین فیلم بخش مستند جشنواره «سینیه دونوی» کشور ایتالیا و جشنواره «سینیه دونوی» کشور تایلند را از آن خود کرد.



جدیدترین خبرها از مستند «ترور سرچشمه» محمدحسین مهدویان



روزنامه هیچ‌کس در دیدرس نیست. به یکباره بر دوربینی ویژه در انتهای اتاق که اجزای آن قابل رویت نیستند و به پیشنهاد آقای کارگردان ساخته شده است، تصویری از محمدحسین مهدویان نقش می‌بندد. او از میهمان دعوت می‌کند تا روی صندلی بنشیند و این گونه گفتگو آغاز می‌شود. مهدویان در اتاق کناری روی میلی رو به دوربین نشست و پرسش‌ها را یکی پس از دیگری مطرح می‌کند.

این فضا قرار است برای حدود بیست و هفت نفر دیگر به غیر از سیدجلال ساداتیان که پاسخ‌گوی سوالات بوده است تکرار شود؛ البته هر بار از قاب‌بندی و نگاهی متفاوت. افراد انتخاب شده به خانه قدیمی سری خواهند زد تا روایتی مستند از واقعه هفت‌تیر و به شهادت رسیدن ۷۲ تن از رهبران و اعضای حزب جمهوری اسلامی در سال ۱۳۶۰ ارائه دهند.

گفتنی است: مستند بلند «ترور سرچشمه» به کارگردانی محمدحسین مهدویان و تهیه‌کنندگی مجید رجبی‌معمار، محصول مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی است و در اولین نمایش عمومی، در یازدهمین دوره جشنواره بین‌المللی سینماحقیقت روی پرده می‌رود.

طبقه دوم خانه‌ای قدیمی در مرکز شهر، این روزها لوکیشن اصلی «ترور سرچشمه» جدیدترین اثر مستند «محمدحسین مهدویان» شده و قرار است نود درصد از فیلمبرداری در این محل انجام شود. ده درصد باقی مانده هم مربوط به تصاویر آرشیوی است که در طی چهار ماه تحقیق به دست آمده است. به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی مرکز گسترش سینمایی مستند و تجربی، دو اتاق به هم چسبیده در طبقه دوم ساختمان برای انجام مصاحبه‌های مستند فراهم شده است که تیم تولید روزانه پذیرای چهار مصاحبه‌شونده هستند تا روایت خود را از اتفاقات آن سال‌ها بگویند.

سی و شش سال از اتفاق تلخ انفجار در دفتر حزب جمهوری اسلامی می‌گذرد. آیت‌الله دکتر سیدمحمد بهشتی سخنانش را در آن روز تاریخی به این شکل آغاز کرده بود: «ما بار دیگر نباید اجازه دهیم استعمارگران برای ما مهره‌سازی کنند و سرنوشت مردم ما را به بازی بگیرند. تلاش کنیم کسانی که متعهد به مکتب هستند و سرنوشت مردم را به بازی نمی‌گیرند، انتخاب شوند...»

این آخرین جملات وی پیش از انفجار ساختمان و شهادت بود. جملاتی که حالا روی صفحات روزنامه‌ها به یادگار مانده‌اند و بخشی از صحنه‌ی یک فیلم مستند ۸۰ دقیقه‌ای محسوب می‌شوند.

یک میز بازجویی مشابه همان‌هایی که مورد استفاده اداره ساواک بود، به همراه دستگاه قدیمی ضبط صدا و میکروفن‌هایش و البته پرونده‌هایی که روی یکدیگر تلبار شده‌اند، در میانه اتاق جایگاهی برای مصاحبه‌شونده‌ها فراهم کرده است. یکی از مطلعین وارد اتاق شده و به اطراف می‌نگرد. جز انبوهی کتاب

عیادت رئیس حوزه هنری از حبیب الله کاسه ساز



محسن مؤمنی شریف رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی به همراه جمعی از مدیران این نهاد آقایان: کورش زارعی رئیس مرکز هنرهای نمایشی حوزه هنری، حبیب احمدزاده نویسنده، محقق و مستندساز و یزدان عشیری مدیر روابط عمومی و امور محافل سازمان سینمایی حوزه هنری با حضور در بیمارستان بقیه الله الاعظم (عج) از «حبیب الله کاسه ساز» عیادت کردند و در جریان روند درمان وی قرار گرفتند.

به گزارش سوره سینما رئیس حوزه هنری در دیدار ضمن آرزوی سلامتی و بهبودی عاجل برای این تهیه کننده سینمای انقلاب و دفاع مقدس اظهار داشت: امیدواریم بزودی سلامتی کامل برای این عزیز حاصل شود و شاهد حضور مجدد این تهیه کننده پرکار و زحمتمکش به صحنه فعالیت سینمایی و فرهنگی باشیم.

بر پایه این خبر، حبیب الله کاسه ساز از تهیه کنندگان با سابقه سینمای ایران است که از بهمن ماه سال گذشته از بیماری سرطان رنج می برد و در این مدت در حال درمان این بیماری است.

یادآوری می شود: حبیب الله کاسه ساز متولد ۱۳۴۱ در تهران است، وی فارغ التحصیل رشته فیلمنامه نویسی از دانشکده سینما و تئاتر دانشگاه هنر است. کاسه ساز بازی در فیلم هایی چون «پرواز در نهایت» (۱۳۶۹)، «هور در آتش» (۱۳۷۰)، «آخرین مرحله» (۱۳۷۴) و «کارگردانی فیلم» (کارناوال مرگ) (۱۳۸۷) را در کارنامه هنری اش دارد. این هنرمند، تهیه کنندگی فیلم هایی نظیر: «پرنده باز کوچک» (۱۳۸۰)، «او» (۱۳۸۲)، «پروانه ای در مه» (۱۳۸۴)، «خراچی ها ۱ و ۲» (۸۷-۱۳۸۵)، «نظام از راست» (۱۳۸۷)، «مأموریت تهران» (۱۳۸۹) و ... همچنین، مجموعه های «در چشم باد» (۸۷-۱۳۸۲) و «فوق سری» (۱۳۹۳) و - را به عهده داشته است. وی به عنوان مجری طرح، مدیر تولید، مدیر تدارکات و سرمایه گذار نیز سابقه فعالیت دارد. از جمله سوابق اجرایی کاسه ساز، می توان به مدیریت تولید و پشتیبانی امور سینمایی وزارت ارشاد، مدیر عامل انجمن سینمای انقلاب و دفاع مقدس، عضویت در هیأت مدیره انجمن سینمای جوان ایران، عضویت در شورای عالی جوانان و عضویت در هیأت مدیره شهرک سینمایی دفاع مقدس، دبیری جشنواره فیلم پلیس و ... اشاره کرد.

اقبال مخاطبان به «ویلاهی ها» در هفته نهم نمایش

مدیر دفتر پخش حوزه هنری گفت: فیلم سینمایی «ویلاهی ها» با اقبال خوبی مواجه شده و اکران فیلم در سینماهای حوزه همچنان ادامه دارد.

به گزارش سوره سینما، غلامرضا فرجی مدیر پخش و بازاریابی حوزه هنری درباره ادامه اکران فیلم «ویلاهی ها» در سینماهای حوزه هنری گفت: فیلم سینمایی «ویلاهی ها» وارد هفته نهم نمایش خود شده و در سالن های سینمای حوزه هنری اکران فیلم ادامه دارد. جالب است که اقبال مخاطب در هفته های اخیر نسبت به فیلم بهتر شده است و این فیلم در سالن سپیده و آزادی به نمایش خود ادامه می دهد.

وی ادامه داد: روز جمعه در نزدیک به ۳ میلیون تومان فروش فیلم تنها در سینما سپیده بوده است که رقم بسیار خوبی است.

فرجی درباره اکران فیلم در شهرستان ها گفت: فیلم در پردیس چهارباغ، قزوین، هویزه و دیگر سینماهای شهرستان ادامه دارد.

بنابراین گزارش فیلم سینمایی «ویلاهی ها» هم اینک در سینماهای کورش، مگامال، آزادی، ملت، سروش، سپیده، امام علی، چهارباغ، قزوین، شیراز، آبادان، اهواز، تبریز، هویزه، سیمرغ، ملایر، فلسطین و کانون (همدان) و بهمن زنجان به نمایش درمی آید.

فیلم داستان رشادت های زنان فرمانده جنگ در سال های دفاع مقدس است، خانواده برخی رزمندگان در مجتمع های ویلاهی در حوالی خط مقدم ساکن شده اند.





برگزیدگان بخش اقتباس از کتاب‌های حوزه هنری در جشنواره فیلم کودکان و نوجوانان

نویسندگان این فیلمنامه‌ها جوایزی اهدا شود. بنا بر این گزارش اسامی برگزیده‌های این بخش در جشنواره به این ترتیب است: **جایزه بهترین اقتباس از کتاب «زمانی برای بزرگ شدن»** نوشته محسن مومنی به طور مشترک به مهدی ترابی برای فیلمنامه «او برادرم بود» و علی اصغر احمدی مقدم برای فیلمنامه «سوختن در آب غرق شدن در آتش» اهدا شد.

جایزه بهترین اقتباس از کتاب «قصه‌های سیلان» نوشته محمدرضا بایرامی به طور مشترک به مهناز وحدتی برای فیلمنامه «کوه مرا صدا زد» و زهرا امیری برای فیلمنامه «سپیددشت» اهدا شد.

جایزه بهترین اقتباس از کتاب «بچه‌های کارون» نوشته احمد دهقان به طور مشترک به کبری التج برای فیلمنامه «آذرخش» و محمدجواد اعتباری برای فیلمنامه «شبیه کارون» تعلق گرفت.



سازمان سینمایی حوزه هنری برای جریان سازی امر اقتباس، برنامه‌های مختلف و متنوعی را در نظر گرفته و از مدتها قبل اقتباس را در دستور کار خود قرار داده است که از این جمله می‌توان به اقتباس سینمایی از کتاب‌های: «دا»، «پایی که جا ماند!»، «آن بیست و سه نفر» و چندین اثر ارزشمند دیگر در زمینه دفاع مقدس نام برد که روی آنها کار شده و تلاش می‌شود شرایط تولید آنها فراهم گردد.

به گزارش سوره سینما بر اساس همین سیاست این واحد توسعه فعالیت‌های استانی سازمان سینمایی حوزه هنری در تفاهمی با جشنواره بین‌المللی فیلم کودک و نوجوان برنامه ریزی کرده اند تا امسال در این جشنواره به اقتباس توجه ویژه‌ای شود و مقرر شد در صورتی که فیلمنامه‌نویسان علاقمند به امر اقتباس از روی سه کتاب با محوریت کودک و نوجوان به نام‌های:

«زمانی برای بزرگ شدن» نوشته محسن مومنی، «قصه‌های سیلان» نوشته محمدرضا بایرامی و «بچه‌های کارون» نوشته احمد دهقان فیلمنامه‌هایی ارائه دهند که در جشنواره یکی از رتبه‌های اول تا سوم را کسب کند به

رونمایی از لوگوی فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد»



با آغاز فعالیت های تبلیغاتی فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» نخستین ساخته سینمایی سیدمحمد رضا خردمندان، از لوگوی جدید این فیلم رونمایی شد.

به گزارش سوره سینما؛ لوگوی فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» توسط محمد روح الامین طراحی و اجرا شده است. روح الامین پیش از این طراحی لوگوی فیلم های سینمایی «آرایش غلیظ»، «ایستاده در غبار»، «من»، «تیک آف»، «برادرم خسرو»، «رگ خواب» و ... را بر عهده داشته است.

«بیست و یک روز بعد» به کارگردانی سیدمحمد رضا خردمندان و تهیه کنندگی محمد رضا شفا از نیمه تابستان امسال روی پرده سینماها می رود. در این فیلم ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیر حسین صدیق، جلال فاطمی، رضا استادی، سینا رازانی به همراه دو بازیگر نوجوان سینمای ایران مهدی قربانی و حسین شریفی نقش آفرینی می کنند. «بیست و یک روز بعد» در بخش مسابقه سودای سیمرغ سی و پنجمین جشنواره فیلم فجر حضور داشت و با استقبال مخاطبان و اهالی سینما، نامزد فیلم برتر از نگاه تماشاگران این جشنواره شد.

این فیلم ملودرامی اجتماعی از زندگی نوجوانی به نام «مرتضی» است که در راه تحقق آرزوی ناکام پدرش، با چالش بسیاری روبرو می شود.

عوامل فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» عبارتند از: کارگردان: سیدمحمد رضا خردمندان، تهیه کننده: محمد رضا شفا، نویسنده: سیدمحمد رضا خردمندان، احسان ثقفی، مدیر فیلمبرداری: علیرضا برازنده، مشاور کارگردان: محمد لطفعلی، طراح گریم: جلال موسوی، طراح صحنه و لباس: کامیاب امین عشایری، مدیر صداپردازی: امیرنوبخت، تدوین: محمد رضا مویینی، هدی مویینی، صداگذار: محمود موسوی نژاد، مدیر تولید: ابراهیم زاهدی فر، مدیر برنامه ریزی: سعید عباسی، منشی صحنه: داریوش اسقایی، مدیر جلوه های ویژه

رایانه ای: محمد رضا نجفی امامی، مدیر تدارکات: رسول سیدحاتمی، عکاس: نوید سجادی حسینی، تصویربردار پشت صحنه: محمد مهدی پور، مدیر تبلیغات: سیدعلی طباطبایی، مشاور رسانه ای: هادی فیروزمندی، مجری طرح: باشگاه فیلم سوره، محصول سازمان توسعه سینمایی سوره. پخش این فیلم بر عهده موسسه بهمن سبز حوزه هنری است.

«خانه ای در خیابان چهل و یکم» وارد شبکه نمایش خانگی سوره شد

فیلم سینمایی «خانه ای در خیابان چهل و یکم» به کارگردانی حمیدرضا قربانی توسط موسسه هنرهای تصویری سوره میهمان خانه ها شد.

به گزارش سوره سینما سعید خندق آبادی مدیر عامل موسسه هنرهای تصویری سوره درباره توزیع نسخه نمایش خانگی فیلم سینمایی «خانه ای در خیابان چهل و یکم» به کارگردانی حمیدرضا قربانی در سطح کشور گفت: «خانه ای در خیابان چهل و یکم» یک فیلم شریف و بسیار موفق می باشد که توزیع این فیلم از امروز آغاز شده و هم وطنان عزیز می توانند نسخه با کیفیت و قانونی «خانه ای در خیابان چهل و یکم» را در فروشگاه های معتبر سراسر کشور و همچنین از وب سایت هنرهای تصویری سوره تهیه کنند.

وی گفت: نسخه نمایش خانگی فیلم سینمایی «خانه ای در خیابان چهل و یکم» به همراه فیلم کوتاه بسیار جذاب پشت صحنه از روند ساخت فیلم و همینطور عکسهای صحنه و پشت صحنه می باشد.



حمایت هنرمندان حوزه هنری از مردم فلسطین



و حرکت‌های امیدبخش مسلمانان بیدار دل علیه اسلام خمود و جمود و اسلام بی تفاوت و در یک کلام اسلام آمریکایی است.

روز قدس امروز در سراسر جهان مردمان آزاده و وجدان‌های بیدار را به میدان مبارزه با جاهلان و اصحاب زور و زر و تزویر کشانده است و مرز بیداری و نور را رقم زده است. تمام کسانی که خرده وجدانی در دل دارند و در میدان حق و باطل بی تفاوت نیستند این روز بزرگ را عزیز می‌دارند و در این فرصت تاریخی با حضور در صفوف فشرده راه پیمایی روز قدس از مظلوم‌ترین مردم جهان حمایت می‌کنند. مردمی که نسل در نسل بر قبله نخست مسلمانان سلام داده‌اند و در مسجدالاقصی نماز شکر به جا آورده‌اند و امروز این سرزمین خدایی را لگدکوب چکمه‌های قلدران بی وجدانی می‌بینند که جز با زبان گلوله و آتش حرف نمی‌زنند.

روز قدس یادآور بیعت مردم آزاده و بیدار دل با ولایت فقیه و با آرمان‌های امام راحل و دلواپسی‌های مقام معظم رهبری است، مردی که با حکمت و عقل و با درایت و عشق طرحی نو در انداخته است و به مدد حضرت دوست و توکل به وعده‌های کتاب مبین مقابل اصحاب فتنه آخر الزمان شمشیر کشیده است و فتوحی بزرگ را رقم زده است. ما هنرمندان و اصحاب فکر و اندیشه در روز مبارک قدس با قلم و قدم و با فریاد خویش گام در این میدان می‌نهیم و بیش از هر زمان دل در گرو محبت و ولایت حضرت امام خمینی (ره) و قائد بزرگ روزگارمان آیت الله خامنه‌ای سپرده ایم و در این روز بزرگ و به یادماندنی حماسه‌ای تازه از جنس مقاومت و بیداری و عشق را فریاد خواهیم کرد. و سرانجام قدس سرانجامی نیک و به یادماندنی است چرا که وعده خداوند حق است و سرانجام قدس ما را آزاد خواهد کرد.» □

هنرمندان حوزه هنری در بیانهای به مناسبت روز جهانی قدس که به نماد استکبار ستیزی و مبارزه با ظلم تبدیل شده است حمایت خود را از مردم مظلوم فلسطین اعلام و از جنایات رژیم صهیونیستی اعلام انزجار کردند.

به گزارش سوره سینما مشروح بیانیه هنرمندان حوزه هنری به شرح زیر است: روز قدس در تاریخ پر افتخار انقلاب اسلامی روزی بزرگ و به یادماندنی است، روزی است که بزرگ معمار انقلاب حضرت امام خمینی آن را بنیان نهاد و هم اینک از پس این همه سال این روز در تقویم مبارزات مردم آزاده جهان به نماد استکبار ستیزی و مبارزه با صهیونیسم اشغالگر بدل شده است و روزی است که کمترین برکت آن بیداری خلق جهان

در نشست رونمایی از مجموعه مستند «رویای آمریکایی» مطرح شد

حسین دهباشی:

جوانان با دیدن این مستند به مشکلات مهاجرت پی می برند

در ابتدای این مراسم حسین دهباشی گفت: این پنج مستند دارای ویژگی‌هایی همچون کم‌خرج بودن، عدم تعلق به کمپانی‌های بزرگ و جسارت ساختاریست که البته در ایران نیز اگر بخواهیم به طور مستقل فیلم مستند بسازیم باید به تولید کم‌خرج روی بیاوریم. این مستندساز بیان کرد: آمریکایی‌ها جهان غرب را «دنیای آزاد» می‌نامند اما حتی در این دنیای به اصطلاح آزاد ساخت مستند بسیار مشکل است؛ طی ۳۸ سال گذشته هیچ‌گونه ویزای خبری برای خبرنگاران ایرانی توسط آمریکا صادر نشده مگر در موارد خاص مثل نشست سالانه سازمان ملل متحد؛ همچنین از ابتدای اعمال تحریم‌ها تا کنون هیچ گفتگویی بین مقامات آمریکایی با خبرنگاران ایرانی صورت نگرفته که این مسائل نشان‌دهنده مشکل بودن فضای دسترسی اصحاب رسانه به مسائل دنیای غرب است.

وی ادامه داد: ذائقه آمریکایی‌ها به سینمای سرگرم‌کننده است و مستندهایی از این قبیل در آمریکا از استقبال چندانی برخوردار نمی‌شود و البته در ایران نیز مخاطب چنین آثاری قشر نخبه جامعه هستند نه خانواده‌ها؛ البته هر اثر کم‌مخاطب الزاماً معتبر نیست و کم‌مخاطبی هم یک نقص محسوب نمی‌شود.

دهباشی درباره شیوه‌های مستندسازی در ایران و جوامع غربی گفت: در کشورهای غربی مستند به سه شکل تهیه می‌شود؛ اول توسط شرکت‌های اصلی و با بودجه بالا، دوم مستندهای به اصطلاح جشنواره‌ای که الزاماً برای اکران عمومی و نمایش در تلویزیون تهیه نمی‌شوند و سوم مستندهای دانشگاهی که طی تحقیقات گسترده و با بودجه، پشتیبانی و امکانات دانشگاهی تهیه می‌شوند که متأسفانه چنین مستندهایی در ایران ساخته نمی‌شود؛ مستندهای ایرانی با تحقیقات بسیار محدود و پایین‌تر از حد استاندارد ساخته می‌شوند.

وی افزود: مجموعه مستند رویای آمریکایی تولید سالهای ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۴ است و متأسفانه در ایران بسیار دیر عرضه شد؛ مسائلی همچون مشکلات کار، مسکن و سهام که در این مجموعه به آنها اشاره شده در حال حاضر با سیاست‌های اقتصادی ترامپ تا حد زیادی رفع شده و بنابراین طرح چنین مسائلی تاریخ مصرف خود را دارد اما به هر صورت خوب است که جوانان ایرانی که طبق آمار ۶۰ درصد از آنان متمایل به مهاجرت از ایران هستند با این مشکلات اقتصادی آشنا شوند تا نسبت به مشکلات مهاجرت مطلع شوند و آمریکا برایشان رویا نباشد.

در پایان حسین دهباشی گفت: در ایران مستندسازی که به افشاگری می‌پردازد ممکن است مشکلاتی برایش پیش بیاید و یا مستندش را توقیف کنند اما در کشورهای غربی چنین برخوردهایی با مستندسازان صورت نمی‌گیرد و آنان با فراغ بال به فعالیت می‌پردازند؛ در ایران مستندسازی که با مجوز مشغول فیلمبرداری در کوچه و خیابان است را ابتدا بازداشت می‌کنند و سپس از او درباره فعالیتش می‌پرسند.

همچنین سعید مستغاثی در ادامه این جلسه گفت: اصطلاح مستند افشاگرانه یک معنای کلی دارد که تمامی انواع مستند از جمله مستندهای علمی و زیست‌محیطی را در بر می‌گیرد اما در اینجا معنای خاصی از آن را لحاظ می‌کنیم یعنی مستندهایی که به بیان وقایع پشت‌پرده مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی می‌پردازند که اکثر مردم چیزی از آنها نمی‌دانند؛ چنین مستندهایی در آمریکا زیاد ساخته می‌شوند و حتی جایزه اسکار نیز به آنها اعطا شده مثل مستند «شهروند چهارم».

وی افزود: این مجموعه مستند در آمریکا مخاطبان زیادی نداشته؛ در کشورهای نظیر آمریکا پدیده‌ای به شکل سانسور و توقیف آثار وجود ندارد بلکه ممیزی آثار با شکل جدیدی به صورت عدم پشتیبانی برای پخش و اکران اعمال می‌شود؛ به عنوان مثال در زمان ریاست جمهوری جرج بوش مستند بسیار جالبی به نام «تور جورج بوش» در آمریکا ساخته شد که هیچ نهادی حاضر به اکران آن نشد.

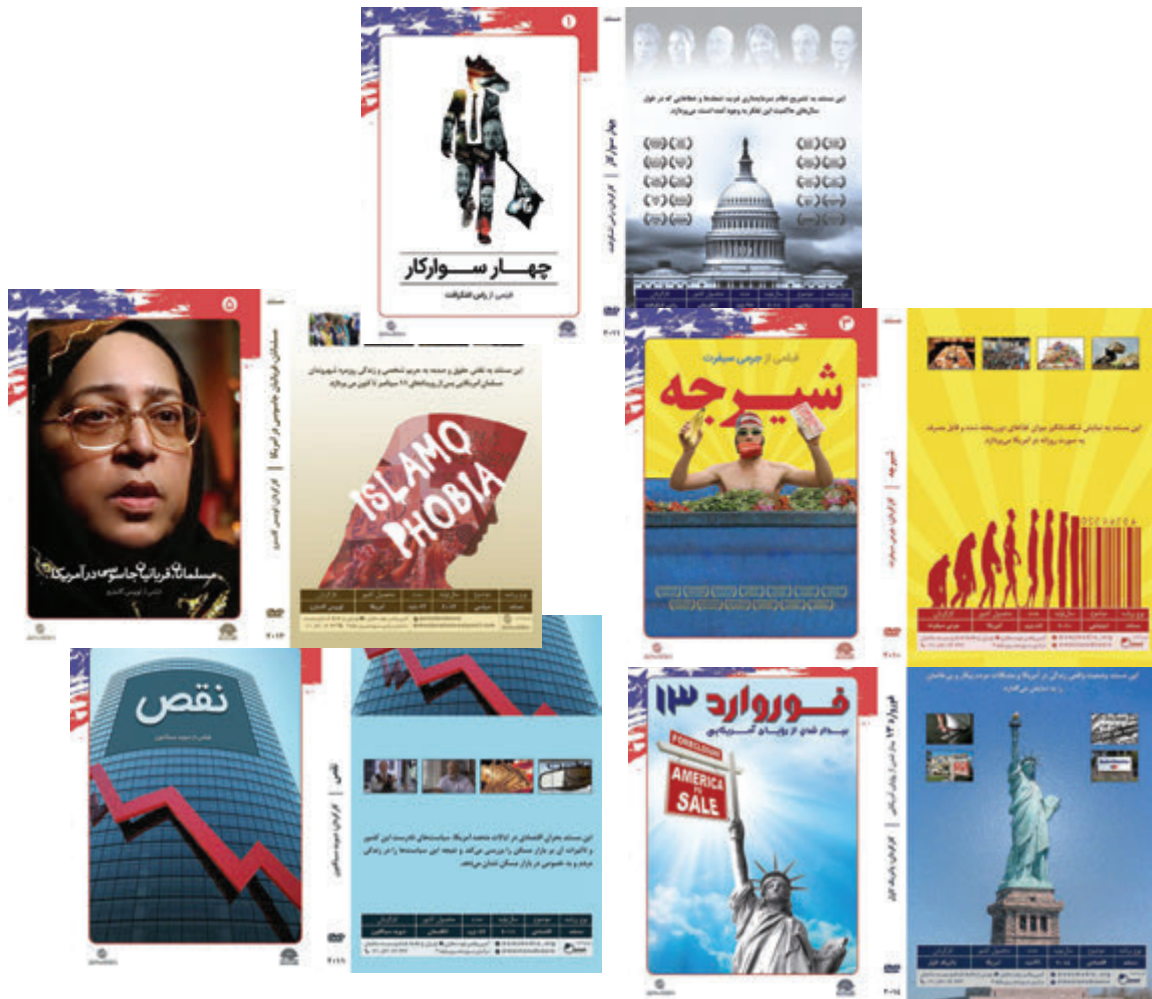
این منتقد سینما تصریح کرد: اگر مجموعه مستند رویای آمریکایی با صدای اصلی و به شکل زیرنویس فارسی عرضه می‌شد مخاطبان اعتماد بیشتری به مفاهیم آثار می‌کردند چون ممکن است گمان کنند که صحبت‌های اشخاص این مجموعه عوض شده است. ۱۵

نشست رونمایی از مجموعه مستند «رویای آمریکایی» امروز سیزدهم تیرماه با حضور حسین دهباشی و سعید مستغاثی برگزار شد. به گزارش سوره سینما؛ در این نشست از پنج مستند اقتصادی آمریکایی به نام‌های «چهار سوارکار»، «فوروارد ۱۳»، «شیرجه»، «نقص»، و «مسلمانان، قربانیان جاسوسی در آمریکا» رونمایی شد؛ این مستندها با دوبله فارسی در مراکز فروش محصولات فرهنگی عرضه می‌شوند.



یک منتقد سینمایی عنوان کرد:

اقدام انقلابی و قابل تحسین حوزه هنری در انتشار مستندهای افشاگرانه بین المللی



سوارکار» به کارگردانی راس اشکرافت که صریح نقد و روشنگری می کند قطعا تاثیر بیشتری روی مخاطب ما دارد تا فیلم هایی که در ایران ساخته می شوند؛ چرا که اغلب مخاطب به توهم توطئه بودن فیلم های مستندهای داخلی نگاه دارد و این مستندهای خارجی تماشاگر داخلی ما را تا حدودی غنی می کند.

مستغاثی در بخش دیگری از صحبت خود گفت: اغلب فیلم های مستند ما در کنار سیستم تبلیغاتی جهانی رسانه های آنها گم می شود چون آنها از پروپاگاندای به شدت قوی برخوردار هستند و این باعث می شود صحبت ها و تحلیل های رسانه های ما پذیرفته نشود اما وقتی نقل قولی از خودشان مطرح می شود این کاملاً در جهت منافع ماست چون نقد آنها توسط مخاطب ما پذیرفتنی است. به خاطر اینکه بیشتر فیلمسازان آنجا در خدمت سیستم هستند و انتقادی هم مطرح می شود سطحی است و عمق چندانی ندارد لذا وقتی چنین مستندهایی به یکباره رونمایی می شود بسیار قابل تأمل می شود.

وی همچنین برپایی جشنواره های مستند ویژه نمایش این گونه فیلم ها همچون «افق نو» یا هفته های برگزاری فیلم و یا برنامه رونمایی این نوع مستندها را مناسب ارزیابی کرد.

شایان ذکر است مراسم رونمایی از مجموعه مستند «روای آمریکایی» در محل خبرگزاری فارس برگزار شد.

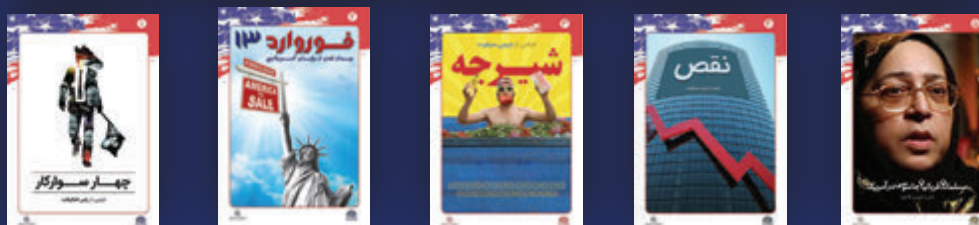
اقدام مرکز مستند سوره در دوبله و انتشار مستندهای افشاگرانه فیلمسازان بین المللی ارزشمند و تاثیرگذار است و قطعاً، این گونه آثار که ضد سیستم و نظام سلطه هستند و نقد نظام سرمایه داری دارند، موثرتر از بسیاری از مستندهای داخلی هستند.

به گزارش سوره سینما، سعید مستغاثی در گفتگویی با بیان این مطلب افزود: فیلمی همچون «چهار سوارکار» به کارگردانی راس اشکرافت که صریح نقد و روشنگری می کند قطعا تاثیر بیشتری روی مخاطب ما دارد تا فیلم های مستندی که در ایران ساخته می شوند.

وی ادامه داد: به غیر از مستندهای مربوط به شبکه های اصلی که پروپاگاندایی برای سیستم غرب هستند؛ یکسری از مستندها با نگاه اعتراضی ساخته می شوند. کارگردانی نظیر «مایکل مور» و «الیور استون» که از درون خود سیستم غرب هستند و اعتراضاتشان را با ساخت این نوع فیلم ها بیان می کنند.

این نویسنده و منتقد سینما افزود: به نظر من ساخت چنین فیلم هایی توسط سازندگانی که از دل سینمای غرب بیرون می آیند تاثیر بیشتری روی مخاطب ما دارد تا مستندهای اعتراضی که فیلمسازان ما بسازند. خصوصاً مستندهایی که با اسناد بیشتر و صریح تر بیان می شوند.

وی با اشاره به اینکه پاره ای از این فیلم های اعتراضی سطحی به موضوعات غرب می پردازند و دربرگیرنده اهم مشکلات آنجا نیستند گفت: فیلمی همچون «چهار



ظرفیت های بین المللی سینمای مستند ضد سلطه

تسنیم نوشت:

به تازگی مجموعه «روای آمریکایی» توسط سازمان سینمایی حوزه هنری رونمایی شد و به واسطه این محصول چهره‌های تازه از واقعیت جامعه و سیاستهای آمریکا نمایان می‌شود.

«مایکل مور» را همه اهالی سینما و رسانه می‌شناسند. مستندساز جنجالی که به دلیل مواضع ضد آمریکایی و آثار افشاگرانه‌اش در جهان شهره است. سینماگری با آثار درخشانی چون: «فارنهایت ۹۱۱» و «بولینگ برای کلمباین»؛ مستندهای که به دلیل غنا و قدرت ساختاری شان معتبرترین جوایز جشنواره‌های جهانی «کن» و «اسکار» را ربودند. «فارنهایت ۹۱۱» مستندی است که سلسله‌ای از وقایع را در یک خط طولی ارزیابی و تحلیل می‌کند و می‌کوشد بر اساس اسناد، دولت آمریکا را جنگ طلب و مدافع سلطه‌گری تصویر نماید و پشت پرده رابطه «رئیس جمهور وقت آمریکا» را با شبکه بن لادن افشا می‌کند. در حالی که تصاویر شکسته و هراس آور انفجار برج‌های دوقلو و فریادهای مردم و جیغ و داد زنان و کودکان در خیابان‌های اطراف، به این مارتن مستند، رنگ فاجعه بار و تأسّف آور می‌دهد تصاویر بوش رئیس‌جمهور را می‌بینیم که با وجود اطلاع از موضوع برخورد هواپیما با برج‌های دوقلو، در کلاس درسی نشسته و برای دانش

آموزان کتاب می‌خواند. اسناد نظامی که در این مستند معرفی و افشا می‌شوند، تکان دهنده و قابل توجه‌اند و نشان دهنده سلسله پیچیده‌ای از روابط پشت پرده قدرت سیاسی و نظامی امریکا است. این اثر مستند در تصویر تاریخ پس از یازده سپتامبر که لبریز از جنگ، خونریزی، آدمکشی، جنایت، سیاست بازی، دروغ و فریب به مردم و افکار عمومی جهان است موفق و تأثیرگذار است.

همچنین، مستند «بولینگ برای کلمباین» پرده از واقعیتی بر می‌دارد که تا روزگار خود به زبان رسمی آمار منتشر نشده بود. این مستندساز در حاشیه داستان حمله مسلحانه یک دانش آموز به دبیرستان «کلمباین» در امریکا، آماری مقایسه‌ای و تکان دهنده از میزان سالانه قتل با اسلحه در کشورهای جهان ارایه می‌دهد. مقایسه این آمار بسیار جالب است: فرانسه ۲۲۵ نفر، کانادا ۱۶۵ نفر، انگلیس ۶۸ نفر، استرالیا ۶۵ نفر و سرانجام آمریکا، که دارای رتبه نخست است با ۱۱۲۷ نفر است. این مستند افشای واقعیت تباهی و فساد اجتماعی رایج در جامعه آمریکا از زبان آمار را روایت می‌کند.

در حوزه سینمای داستانی و فیلم‌های مستند باز شاهد خلق آثار تکان دهنده و ماندگاری توسط الیور استون هستیم. فیلم‌هایی که از درون به نقد نظام سرمایه

داری و دولتمردان آمریکایی می‌پردازند. متأسفانه، با فضایی که عموماً توسط رسانه‌های امپریالیستی ایجاد شده با تحلیل‌های غلط و تحریف شده‌ای مواجه ایم. به هر صدای معترض و هر موضع انتقادی از سوی روشنفکران، هنرمندان و سینماگران در جهان سوم و بویژه، در کشور ما انگ‌ها و برچسب‌های خاصی نسبت داده می‌شود. یا به نوعی به سفارشی نویسی و فیلم‌های پروپاگاندایی متصف می‌گردند. در این میان، آثاری که توسط هنرمندان و منتقدان غربی تولید می‌شوند تأثیرگذارتر و حقیقی‌تر به نظر می‌آیند.

سازمان سینمایی حوزه هنری در سال‌های اخیر با ایجاد «مرکز مستند سوره»؛ مرکزی تخصصی برای تولید و پژوهش در حوزه سینمای مستند کارنامه‌ای پر بار و درخشانی را رقم زده است. ساخت ده‌ها اثر مستند در زمینه مهم‌ترین موضوعات چالشی داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی از جمله اتفاقات مهم این مرکز بوده است. آثاری همچون: «A157» و «در برابر طوفان» و ... این مرکز در اقدامی هوشمندانه و آگاهانه با ابتکاری جالب، رویکردی بین‌المللی را در پیش گرفته تا فراتر از امکانات و بضاعت‌های داخلی، بستری برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های بین‌المللی و مستندهای چالشی فراهم نماید.

اگر چه شناسایی استعداد های هنری و مستند سازان منتقد و انقلابی و مستقل در اقصی نقاط دنیا مسیری سخت و دشوار است اما پاسخ به نیازی بود که در این زمینه وجود داشت. تداوم تلاش ها و فعالیت های این مرکز اینک به بار نشسته و تولید چند مجموعه قوی و غنی از بهترین مستندهای جهانی از جمله «روای آمریکایی» یکی از دستاوردهای مهم و ماندگار این مرکز است.

نگاه استراتژیک سازمان سینمایی حوزه هنری اکنون جواب داده است و افقی را باز کرده که فراتر از دایره و جغرافیای ملی با راهبردی بین المللی سیر مطالعاتی و پژوهشی جدی را شکل دهد که مجموعه «روای آمریکایی» و انتشار و توزیع مستندهایی از «لوییس کاسترو»، «دیوید سینگتون»، «جرمی سیفرت»، «پاتریک لاول» و «راس اشکرافت» از نتایج سحرآمیز آن اطلاق می شود.

بسته فرهنگی «روای آمریکایی» شامل مستندهای «چهار سوار کار»، «فوروارد ۱۳»، «شیرجه»، «نقض» و «جاسوسی» است که از تهیه کنندگان آن خریداری شده و با دوبله، زیرنویس فارسی و در بسته ویژه ای تولید شده است.

شکی نیست که اسلام هراسی و شیعه هراسی پروژه هایی هستند که توسط غرب و در رأس آنها آمریکا در دهه های گذشته به ویژه پس از حادثه ۱۱ سپتامبر به شدت دنبال می شوند و هدف از آن هم تنها یک چیز بوده و هست، بهانه تراشی برای تهاجم نظامی و فرهنگی و اقتصادی به کشورهای مسلمان و مستقل اسلامی. در این بین ابزارهای مختلفی به کمک دولت های غربی آمده، رسانه های وابسته، شبکه های ماهواره ای پرطمطراق، سایت های اینترنتی فراوان و فیلم های سینمایی دروغین علیه مسلمانان که همگی با هدف مشترک اسلام ستیزی و اسلام هراسی، هر آنچه از هنر و فن بیان دارند خرج می کنند تا مردم مغرب زمین را نسبت به مسلمانان بدبین کنند. علاوه بر این جاسوسی از مسلمانان در کشورهای غربی شدت بیشتری گرفته و تنها به جرم مسلمان بودن، هر فرد مسلمان هدف فعالیت های اطلاعاتی فراوانی قرار می گیرد و هر آن امکان شود مکالمات یا خواندن پیام هایش وجود دارد. در این راستا، مستند «مسلمانان، قربانیان جاسوسی در آمریکا» به وضعیت مسلمانان این کشور می پردازد؛ اسلام هراسی در آمریکا مسلمانان را با تهدید روبه رو ساخته و ضمناً، آنها را هدف پیگردها و سخت گیری های قضایی بدون علت خاصی قرار می دهد. نبود اطلاعات واقعی و توطئه های پلیس نیویورک، به ویژه بعد از ۱۱ سپتامبر از علل اسلام هراسی در آمریکا شمرده می شود؛ هر دو گروه مسلمانان و تهدید کنندگان دائماً در حال مقابله با یکدیگر بوده اند و در این بین قربانان اصلی، مسلمانانی هستند که در این کشور زندگی می کنند. به طور قطع، انتشار و توزیع این مستند می تواند فضای ذهنی افکار عمومی داخلی و منطقه را دچار تغییر نماید و چشم اندازی از وضعیت تبعیض، بی عدالتی، ظلم و اجحاف کشور یا کشورهای را به نمایش بگذارد که مدعی دموکراسی و آزادیخواهی هستند.

یا فیلم مستند «شیرجه» که به توزیع ناعادلانه و دور ریختن مواد غذایی در آمریکا می پردازد آن روی سکه

رفاه و توسعه یافتگی را در کشورهای غربی و آمریکا تصویر می کشد که به قیمت توزیع کاملاً ناعادلانه مواد غذایی در سطح بین المللی صورت می گیرد.

معمولاً در خبرها و مقالات اینگونه عنوان می شود که مصرف کالری در میان مردم آمریکا بسیار بیشتر از سایر جوامع است و آمریکایی ها از نظر مواد غذایی مشکلی ندارند و در رفاه کامل به سر می برند اما واقعیت چهره دیگری هم دارد. این آمار همه حقیقت را بیان نمی کنند؛ اینکه تمام آمریکایی ها چنین وضعیتی ندارند و ایالت های مختلف در این کشور، همگی از عدالتی فراگیر در مصرف کالری بهره مند نیستند. البته شاید این واقعیت هنوز وجه تلخ ماجرا را نمایان نسازد، تلخ تر آن است که این رفاه و توسعه یافتگی به قیمت توزیع کاملاً ناعادلانه مواد غذایی در سطح بین المللی به دست می آید، آنجا که روزانه بخش زیادی از تولیدات غذایی جامعه آمریکا توسط شرکت های تولید کننده آنها دور ریخته می شود در حالیکه می توان همین مواد را در قالب کمک های بشردوستانه که آمریکا در مواقع گوناگون مدعی آن است در اختیار مردمان دیگر کشورها به ویژه در حوزه آفریقا قرار داد. دور ریختن مواد غذایی در آمریکا در حالی است ساکنین بسیاری از کشورهای فقیر و حتی افرادی در شهرهای ایالات متحده از کمبود غذا در رنج هستند. مستند «شیرجه» با طرح این موضوع به دنبال بررسی این چالش و ارائه راه چاره ای برای آن است.

یا مستند «چهار سوار کار» اولین مستند «راس اشکرافت» است که به بررسی و تحلیل امپراطوری ها و بانک ها می پردازد. مستند ۱۰۰ دقیقه ای «چهار سوار کار» دارنده ی بیش از بیست عنوان و جایزه بین المللی از سوئد، کانادا، انگلیس، بلژیک، نیوزلند، ایتالیا، روسیه، شیلی، ایرلند، آفریقای جنوبی، آلمان است. نام این مستند برگرفته از مفهومی مشابه از مشاهدات یوحنا در انجیل است. اما عمده ی تفسیرها، چهار سوار کار، به ترتیب نمادهایی از پیروزی، جنگ، قحطی و مرگ هستند. این مستند بر این مدعا است که اکنون، همان آینده ای است که «طومار وقایع آینده» وعده ی ظهور آن «چهار سوار کار» را در آن داده بود؛ جهان به واسطه ی جنگ، قحطی و مرگ، فتح شده است و باید عوامل پدید آورنده ی این شرایط را شناسایی و برای زدودن آن ها از جوامع بشری کاری کرد.

یکی از نقاط قوت این مستند حضور چهره های برجسته ی سیاسی و اقتصادی است که در واقع پیامش را از طریق آرا و عقاید این افراد بیان می کند؛ حضور این افراد در این مستند خوش ساخت، به این اثر اعتبار علمی نیز افزوده است. همچنین، این مستند در پنج حوزه به تشریح و تبیین مسائل مبتلا به نظام اقتصادی- سیاسی غرب و به تبع آن، جهان بین الملل می پردازد؛ امپراطوری ها، بانک داری، تروریسم، منابع طبیعی و پیشرفت.

نکته مهم در خصوص انتشار و آماده سازی این طیف آثار هوشمندی و درایتی است که توسط متخصصان و کارشناسان «مرکز مستند سوره» و «سازمان سینمایی حوزه هنری» صورت گرفته است. در شرایطی که رسانه های غربی و سیاستمداران مغرض آن ها با دمیدن بر طبل هیاهو و جنجال و با بهره گیری و سوء استفاده از

فضای ملتپه امروز دنیا بویژه، بعد از حوادث تروریستی در اروپا و آمریکا نسبت به تشدید فضای «اسلام هراسی» و «اسلام ستیزی» تلاش های گسترده ای را برای ایجاد تنفر و انزجار از اسلام و جمعیت مسلمانان در اروپا و آمریکا و خشونت های صورت گرفته علیه مسلمانان در جوامع اروپایی دامن می زند و بعضاً، با بزرگ نمایی مسائل و ایجاد هراس از تبعات تهدیدها و ترورها در بخش هایی از افکار عمومی دنیا موفق شدند فضای روانی و روحی دلخواهشان را رقم بزنند انتشار و پخش این جنس از مستندها، که بی واسطه و بی پرده توسط مستندسازان غربی در جهت انتقال واقعیت ها و نقد درونی جوامع غربی و افشای پشت پرده های واقعی و توطئه ها و دسیسه های آن ها تولید شده اهمیت صدچندان می یابد.

بدون تردید، در طول تاریخ معاصر و در تمامی سال های گذشته، بخصوص، بعد از پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی همواره، شاهد اقدامات و تحرکات پیدا و پنهان غرب و صهیونیسم بین الملل در جهت تخریب و تخطئه دین اسلام و چهره نورانی و ابعاد شخصیتی پیامبر اکرم (ص) بوده ایم. توطئه های گسترده فرهنگی، اقتصادی، نظامی و رسانه ای غرب از یک سو، در کنار فضا سازی های سیاسی و امنیتی بعد از وقایع ۱۱ سپتامبر و بعد از آن پیوسته و متوالی در مقیاس های متفاوت وجود داشته و تداوم یافته است و کار به جایی رسیده تا نظام سلطه در صدد جعل گروهک های افراطی به نام «داعش» در سرزمین های اسلامی شده است که همچون زامبی ها تصاویری پر از وحشت و خشونت و خون ریزی را به نام اسلام و پیامبر در اذهان جهانیان به ثبت رسانده اند و این اواخر، با سناریوهای متعدد به صورت تروریسم کور و مبهم در نقاط مختلف جهان این اقدام های مذبحانه، شکل وسیع تر، گسترده تر و وقیحانه تری هم به خود گرفته است.

البته این بدان معنا نیست که در این کشورها هنرمندان و روشنفکران حقیقت جو و عدالت خواه نباشد. مستندسازان و سینماگران بسیاری در این کشورها با خلق آثاری ارزشمند همیشه تلاش کرده اند تا با نگاه اصولی و واقع بینانه آسیب ها و تهدیدات نظام سرمایه داری را نقد و تحلیل نمایند.

پس وقتی در متن کشورهای غربی- اروپایی و آمریکایی- روشنفکران واقعی، عدالتخواهان و هنرمندان آزاده و مستقلی فعالیت می کنند که فراتر از جغرافیایی تبلیغات امپریالسم و نظام سلطه به انسان، اخلاق و حقیقت احترام می گذارند و به رسالت انسانی و هنری خویش واقفند چرا از این ظرفیت ها استفاده نکنیم؟

شناسایی این هنرمندان مستقل و حمایت و کمک برای عرضه محصولات فرهنگی از این دست بی گمان، یکی از نیازهای اجتناب ناپذیر ماست. وقتی رسانه ها و سینمای غرب پیوسته به تولید فیلم ها و سریال هایی می پردازند تا جهان اسلام و خاورمیانه را به گستره ای لبریز از خشونت، ترور، انفجار، وحشی گری، تجاوز، غارت و تحجر تصویر نمایند و همه را هم، مزورانه به نام اسلام معرفی می کنند گشایش فضا و فرصت برای عرضه آثار هنری و مستندهای افشاگرانه و انقلابی نیازی جدی به شمار می آید. □



کارشناسان و صاحب نظران به انگیزه انتشار مجموعه مستند «روایک آمریکایی» مطرح کردند:

قدردانی از اقدام بی نظیر حوزه هنری

سازمان سینمایی حوزه هنری در سال های اخیر به واسطه مرکز مستندسازی سوره ساخت ده ها فیلم مستند را تولید کرده که مهم ترین موضوعات چالشی داخلی، منطقه ای و بین المللی را به تصویر کشیده است همچون: «A۱۵۷» و «در برابر طوفان» و.. که این فیلم ها در فستیوال های مختلف مورد تشویق و تحسین قرار گرفتند؛ اما چندی پیش در اقدامی هوشمندانه و بارویکردی بین المللی جدیدی تولید چند مجموعه قوی و غنی از بهترین مستندهای جهان را تحت عنوان «روایک آمریکایی» در یک بسته به مخاطب ارائه داده است. این مجموعه شامل مستندهای «چهار سوار کار»، «فوروارد ۱۳»، «شیرجه»، «نقض» و «جاسوسی» است که از تهیه کنندگان آن خریداری شده و با دوبله و زیرنویس فارسی به مخاطب عرضه گردید. در خصوص تاثیر گذاری که این مستندهای بین المللی می توانند داشته باشند با چند کارشناس گفت و گو کردیم که از نظر می گذرانید:

دکتر محمدصادق کوشکی: اقدام بی نظیر حوزه هنری قابل تقدیر است

دکتر محمدصادق کوشکی عضو هیات علمی دانشگاه تهران در گفت و گو با سوره سینما بیان کرد: شناخت جامعه و حتی نخبگان ما از آمریکا شناخت بسیار محدود و غیردقیقی است؛ علی رغم اینکه آمریکا در تاریخ معاصر و سالهای پس از پیروزی انقلاب اسلامی به عنوان دشمن درجه یک اقدامات خصمانه و طراحی هایی متعددی را برای جلوگیری از پیشرفت جمهوری اسلامی به مرحله اجرا درآورده است ولی ما شناخت دقیقی از کشور آمریکا، مناسبات حاکم بر این جامعه و بویژه، هیات حاکمه این کشور و اندیشه های حاکم بر هیات حاکمه نداریم.

وی با اشاره به ساخت این مستندها در ادامه گفت: یکی از اقدامات موثری که در جهت پرکردن این خلاء صورت گرفته تلاش مرکز مستندسازی سازمان سینمایی حوزه هنری در قالب انتخاب فیلم های مستند جدیدی است که توسط فیلمسازان آمریکایی در جهت معرفی این کشور، هیات حاکمه آن و مناسبات و اندیشه های حاکم بر آن است، این اقدام حوزه هنری نه تنها می تواند موجب افزایش دانش عمومی مردم نسبت به آمریکا را فراهم کند بلکه به عنوان یک ابزار مهم پژوهش قابلیت بهره برداری در دانشگاهها و مراکز تحقیقاتی کشورمان می شود.

کوشکی ادامه داد: این فیلم ها به عنوان ابزارهایی



جهت مشاهده غیرمستقیم جامعه آمریکا به کار گرفته می شود و از سوی دیگر دقت در گزینش این آثار و تلاش برای ترجمه دقیق و باکیفیت آن نکته مهمی است که این آثار را برای مصرف کنندگان آن قابل اعتماد می سازد؛ همچنین جدید بودن این آثار و نگاه انتقادی حاکم بر آنها که نمایانگر نگرش بخش اندیشمند و متفکر جامعه آمریکا به این کشور و مناسبات حاکم بر آن است ویژگی دیگر این آثار است و این روندی است که توقع می رود حوزه هنری با کیفیت بیشتر و با دقت افزونتری ادامه دهد تا آنجا که بتوان ادعا کرد خلاء حاکم بر جامعه ما و فقر اطلاعات و دانش پایه در خصوص آمریکا توسط انتشار چنین آثاری رفع شده و فضا را جهت مقابله دقیق تر با این دشمن درجه

یک ملت ایران مساعد سازد.

وی در بخش دیگری از صحبت خود گفت: این اقدام حوزه هنری از این جهت در نوع خود بی نظیر بوده که تاکنون رخ نداده و قابل تقدیر است و همین دقت نظر توقع جامعه مخاطب را از دست اندرکاران آن افزایش می دهد و در حقیقت می توان گفت که مرکز مستند حوزه هنری با این اقدام خود گام مهمی در جهت عمل به وظایف هنری و اطلاع رسانی خود برداشته و امید می رود با بهره گیری از اتاق های فکر و متخصصان حوزه مطالعاتی آمریکای شمالی کیفیت علمی این طرح افزایش پیدا کند.

دبیر کل مجمع جهانی اساتید مسلمان دانشگاهها: چرا از توانایی های بین المللی مهم ایران فیلم مستند ساخته نمی شود؟

دکتر سهراب صلاحی دبیر کل مجمع جهانی اساتید مسلمان دانشگاهها در گفت و گو با سوره سینما بیان کرد: در زمان پیشروی آمریکایی ها در عراق؛ آنها مدعی بودند که می خواهند نزدیک به یکصد سال در عراق بمانند و امپراطوری آمریکا را جهانی کنند اما بعدها دیدیم که توسط ایران شکست خوردند و بارها هم اعلام شد که جمهوری اسلامی اولین عامل شکست آمریکا در عراق بوده و بعد از جنگ جهانی دوم در عرصه بین الملل هیچ واقعه ای به اندازه شکست آمریکا در عراق برایشان سهمگین نبود.



کشور خود دارند، دوبله و نشان دادن آن در تلویزیون و شبکه نمایش خانگی یا اکران آن در دانشگاهها تاثیر گذار است.

غفوری در بخش دیگری از صحبت خود توضیح داد: بحث نقد عملکرد غرب توسط فیلمسازان غربی از آن جهت که آنها نگاه مستقلی دارند و دستشان در روایت یکسری مسائل باز تر است و با نگاه انتقادی می توانند بعضی وقایع را به درستی نشان دهند و از جهت دیگر فیلمساز آمریکایی مقیم آن کشور دسترسی اش به مدارک و اسناد و شخصیت ها سهل تر است راحت تر و با شرایط بهتری می توانند راجع به موضوعات فیلم بسازند.

وی ادامه داد: اما به این موضوع هم باید توجه کنیم که بسیاری از موضوعات و چالش ها هم هست که فیلمسازان غربی نمی توانند به آن ورود کنند مثل واقعه حمله به هواپیمای مسافربری که نزدیک به ۲۹۰ نفر از هموطنان ما شهید شدند. فیلمساز آمریکایی با نگاه انتقادی راجع به این موضوع نمی تواند فیلم بسازد. اینجا وظیفه مستندسازان ایرانی بیشتر دیده می شود.

غفوری همچنین گفت: موضوعات مختلف زیادی هستند که هیچ فیلمساز غربی به سراغ ساخت آن نمی توانند بروند که در این موارد نقش فیلمسازان داخلی به خوبی روشن می شود به عنوان نمونه فیلم A157 که با هوشمندی و درایت آقای نورانی پور ساخته شد که از محصولات حوزه هنری است و تاثیر پذیری آن از فیلمسازان خارجی به مراتب بیشتر است. این فیلم هم در داخل و هم در دنیا مورد تحسین و تمجید قرار گرفت. ●

منبع: سینما پرس



می آید و باید همه با آمریکا بسازیم وبازی آن را ببذیریم و ذیل پرچم قدرتش بایستیم.

دبیر کل مجمع جهانی اساتید مسلمان دانشگاهها با بیان اینکه این افراد آمریکا را قدرت جهان می دانند گفت: سوال من این است که آمریکا قرار بود نزدیک به یکصد سال در عراق بماند و نتوانست بماند؛ حتی تعدادی در دولت ایران تصمیم داشتند با آقای بوش ملاقات داشته باشند اما بوش در پاسخ گفت ما به عراق نیامدیم تا با ایران مذاکره کنیم بلکه می خواهیم ایران را تنبیه کنیم، آنها معتقد بودند که راه رسیدن به ایران از عراق می گذرد و بدون مهار انقلاب اسلامی آنها کارشان در منطقه حل نمی شود.

وی توضیح داد: حال صحبت اینجاست وقتی ایران در لبنان و عراق آمریکا را شکست می دهد چرا در داخل ایران عده ای بر طبل ترس می کوبند و می گویند با آمریکا باید بسازیم؟ آیا این افراد نمی بینند آقای ترامپ چه افتضایی در جهان علیه آمریکا رقم می زند؟ دکتر صلاحی در پایان با اشاره به اینکه بن بست تمدن غرب بعد از جنگ جهانی دوم کاملاً آشکار شد گفت: بزرگترین شکست تاریخی آمریکا این بود که در عراق نتوانست کاری از پیش ببرد که چنین شکستی به تدبیر و هوشمندی رهبر عظیم انقلاب اسلامی بر می گردد. چرا مسئولین ما در مذاکرات از این دستاورد بزرگ بهره نمی برند و در جلساتشان به این موضوع اشاره نمی کنند؟ چرا در قالب مستندهای موثق به ثبت و روایت آن نمی پردازیم؟

وی با اشاره به اینکه ایران قدرت فرمانطقه ای به حساب می آید بیان کرد: از صحنه شکست آمریکا از عراق هزاران فیلم مستند باید ساخته شود که اگر آمریکا در عراق شکست نمی خورد الان پیشروی کرده عربستان، سوریه، ایران و روسیه را هم در دست خود گرفته بود.

به اعتقاد وی، اقدام حوزه هنری در انتشار و توزیع مستندهای افشاگرانه علیه نظام سلطه از زوایای مختلف دارای اهمیت است: نخست اینکه چون برآمده از متن خلایقیت ها و مشاهدات نخبگان غرب است تاثیر گذارتر و قابل وثوق تر است، دوم اینکه شعاع تاثیر گذاری وسیع تری بر خور دارند و رسانه های و بنگاه های پخش در مقیاس بزرگ تری این آثار را عرضه می کنند همچنین، می تواند هنرمندان و نخبگان داخلی را ترغیب و تشجیع کند تا بدور از شعار و با نگاهی واقع بینانه تری به فرسودگی و فساد قدرت در غرب پی ببرند.

دکتر صلاحی تصریح کرد: در زمینه گسترش این گونه آثار هر چه کار کنیم کم است و تلاش حوزه هنری جای تشکر دارد.

سلیم غفوری:

باید با استفاده از مستندهای فراملی عملکرد نظام سلطه را به چالش بکشیم

سلیم غفوری مدیر شبکه مستند سیما نیز در گفت و گو با سوره سینما بیان کرد: باید هم از ظرفیت فیلمسازان داخلی و هم خارجی استفاده کنیم تا بتوانیم عملکرد نظام سرمایه داری را به چالش بکشیم.

وی ادامه داد: قطعا در این میان استفاده از فیلم های مستند فیلمسازان خارجی که نگاه منقدانه به مسائل



وی ادامه داد: برای من پرسش است که چرا چنین مباحثی در داخل کشور بین روشنفکران ما و در آکادمی ها و محافل علمی ایران مطرح نمی شود و مورد بحث و بررسی قرار نمی گیرد؟ ضمن اینکه بسیاری از منتقدین اروپایی به غرب و تمدن فرومانده غربی نقد صریح دارند ما از تحلیل های آنها هم استفاده نمی کنیم.

دکتر صلاحی در بخش دیگری از صحبت خود گفت: متأسفانه مشکلی که ما امروز با آن روبرو هستیم این است که گروهی از شبه روشنفکران در ایران هستند که ذهنشان به زمان جنگ سرد برمی گردد و به نوعی فسیل شده اند و اصلاً قبول ندارند که آمریکا خطا می کند. آنها معتقد هستند در هر صورت آمریکا شوروی را شکست داده و کشور مدرن به حساب

ارزایی فروش سینماها در ماه رمضان؛

افزایش ۲۰ درصدی مخاطبان سینماهای حوزه هنری نسبت به سال ۹۵



ارزایی هانسان می دهد که سینماها در ماه مبارک رمضان امسال، به رغم تعطیلات لیالی قدر، پاره ای اتفاقات و همزمانی با مسابقات والیبال و فوتبال همچنان مانند سال های گذشته با استقبال مخاطبان روبرو شدند. امسال هم سینمادارها بهر سم چند سال گذشته در ماه رمضان، فیلم هار انا پاسی را شب برای مخاطبان به نمایش گذاشتند؛ طرح ویژه ماه مبارک رمضان امسال هم بر پا بود و فیلم هایی که مخاطبین بیشتری داشتند طبیعتا، سانس های بیشتری را تا انتهای شب به خود اختصاص می دادند. فیلم ها تا ساعت ۱۷ با بلیت نیم بها به مخاطبان عرضه می شدند. در سیداکران فیلم ها هم اگر چه مثل سال گذشته تنوع زیادی دیده نشد اما چند فیلم به نمایش در آمده به خوبی توانستند مخاطبان را به سینماها دعوت کنند. البته، ذکر این نکته هم ضروری است که استقبال مخاطبان از فیلم ها به موقعیت جغرافیایی سینماها هم بستگی دارد و به گفته کارشناسان، ساکنین محدوده سینماها قطعاً دسترسی آسانتری به سینماها دارند تا مخاطبینی که باید ساعت ها از وقت خود را هزینه کنند تا به تماشای فیلمی بنشینند. در کنار این، نکته دیگری که قابل توجه بود پخش مسابقات فوتبال و والیبال در ساعت های پایانی شب بود که مخاطبان سینما رو تر جیح می دادند به جای آنکه این مسابقات را در خانه های خود تماشا کنند به پردیس های سینمایی از جمله «چار سو» رفته و در جمع سینما رو ها این رقابت را به تماشا بنشینند. به هر حال آنچه که آمار نشان داده سینماها در این ایام با ریزش تماشاگر مواجه نبوده. با تعدادی از مدیران سینما در مورد وضعیت فروش فیلم ها در این ایام گفت و گو کردیم که در ادامه می خوانید:

غلامرضا فرجی:

طرح بلیت نیم بها در جذب مخاطب تاثیر داشت

غلامرضا فرجی مسئول پخش سینماهای حوزه هنری در گفت و گو با سوره سینما بیان کرد: سینماهای حوزه هنری نسبت به سال ۹۵ با افزایش بیست درصدی فروش مواجه بودند.

وی توضیح داد: هر کدام از فیلم هایی که در این ایام به نمایش در آمد بسته به رویکرد خود و با حال و هوایی که داشتند مخاطب را به خود جذب کردند؛ اما در این میان فیلم «تهنگ عنبر ۲» با چرخش مالی خوبی همراه بود چرا که قسمت اول این فیلم با مخاطب انبوهی همراه بود و قسمت اول پیشتر خود را معرفی کرده بود.

فرجی در بخش دیگری از صحبت خود با اشاره به عدم تبلیغات کافی فیلم ها گفت: حلقه مفقوده فیلم ها در سینمای ایران بحث تبلیغات فیلم هاست. متأسفانه، به دلیل بالا بودن نرخ پخش تیزر فیلم ها از تلویزیون و همچنین، گران بودن تبلیغات شهری فیلم ها بدون معرفی به مخاطب نمایش داده می شود و این باعث می شود فیلم ها نتوانند به گیشه مطلوب دست پیدا کنند. وی افزود: هر چند اعتقاد دارم فیلم خوب با ساختار و فیلم نامه مناسب در بدترین شرایط به گیشه خوب دست پیدا می کند اما در هر صورت تاثیر تبلیغات محیطی را نمی توان نادیده گرفت.

مسئول پخش سینماهای حوزه هنری در خصوص گران شدن بلیت سینماها نیز توضیح داد: گرانی بلیت بیشتر متوجه پردیس های سینمایی بود و الا سینماهای حوزه هنری با افزایش نرخ بلیت مواجه نبودند. در مراکز استان ها هم قیمت بلیت فیلم ها ده درصد با ارزش افزوده معادل ده هزار ریال گرانت تر شد. اتفاقاً، طرح بلیت نیم بها تا ساعت ۱۷ مخاطبان را به سینما آمدن ترغیب کرد.

مدیر پردیس سینمایی «ملت»:

ریزش مخاطب نداشته ایم

مریم جلالی در گفت و گو با سوره سینما در مورد وضعیت فروش فیلم ها در این ماه توضیح داد: علی رغم اینکه همه می دانیم ماه رمضان با ویژگی های خاص خود همراه است اما نوع و حال و هوای فیلم ها هم در جذب مخاطب تاثیر بسیاری دارد؛ همچنین قرار گرفتن ماه رمضان در فصل های گرم سال ویژگی دیگری در چرخش مالی فیلم ها قلمداد شود ضمن اینکه تسهیلاتی هم که سینماها برای مخاطبان در نظر می گیرند از عوامل دیگر فروش فیلم هاست.

وی ادامه داد: سال گذشته فیلم های بیشتری در این ماه نمایش داده شد اما امسال تعداد فیلم ها کمتر بود با این حال ما با افت مخاطب مواجه نبودیم هر چند قیمت بلیت فیلم ها هم با افزایش همراه بود.

جلالی در بخش دیگری از صحبت خود با اشاره به وقایع اجتماعی اخیر و تاثیر آن روی گیشه فیلم ها گفت: قطعاً سینماها با ریزش نسبی مواجه بودند همزمان مسابقات فوتبال و والیبال هم در این ایام در سید فرهنگی مردم قرار گرفت و این مسئله کمی ذائقه مردم را تغییر داد.

مدیر پردیس سینمایی ملت افزود: با این وجود فیلم «تهنگ عنبر ۲» در صدر فروش فیلم ها در این ماه قرار داشت و توانست ارتباط خوبی با مخاطب برقرار کند؛ همچنین، فیلم «ویلایی ها» «برادر خسرو» و «زیر سقف دودی» هم گیشه قابل توجهی داشتند.

وی در ادامه با اشاره به این نکته که پردیس سینمایی ملت سالن های زیادی دارد گفت: مخاطبین پردیس سینمایی ملت با مخاطبین مجموعه های تجاری سینمایی کاملاً فرق می کنند. این گروه تماشاگران از قبل فیلم هایشان را به صورت اینترنتی خرید می

کنند. اما معمولاً مخاطبین مجموعه های تجاری در کنار خرید از فروشگاه های سری هم به سینما می روند.

جلالی با بیان اینکه تماشاگران پردیس سینمایی ملت برای فیلم دیدن از قبل تدارک می بینند گفت: ما هم تلاش به عنوان سینمادار تلاش می کنیم امکانات لازم را برای مخاطبانمان فراهم کنیم همچنین تلاش ما این است که برای مخاطبی که به سینما ملت می آید تنوع انتخاب فیلم ارائه دهیم. مثلاً فیلم «تیک آف» را هم در سانس هایی به نمایش گذاشتیم.

مدیر پردیس سینمایی «آزادی»:

سینماها با «رگ خواب» و فیلم های جدید دوباره جان می گیرند

رضا سعیدی پور نیز در گفت و گو با سوره سینما بیان کرد: از آغاز ماه رمضان استقبال مخاطبین از فیلم ها در سینماها خوب بود، مردم بعد از افطار تا پاسی از شب اوقات فراغت خود را در سینماها به دیدن فیلم دلخواهشان می گذرانند.

مدیر سینما آزادی ادامه داد: فیلم ها در پردیس سینمایی «آزادی» با استقبال مخاطبین همراه بود و ما شاهد گردش مالی خوبی برای فیلم ها بودیم، فیلم های «گشت ۲» و «تهنگ عنبر ۲» در این مجموعه با اقبال مخاطبان همراه بود.

وی ادامه داد: البته پاره ای اتفاقات در کنار تعطیلی لیالی قدر در مقطعی در کاهش مخاطبان تاثیر داشت. سعیدی پور در ادامه گفت: با پایان ایام سوگواری و در هفته آخر ماه مبارک رمضان و با اکران فیلم های جدید از جمله: «رگ خواب» ما شاهد جان گرفتن دوباره سینماها شدیم و مخاطبان از این فیلم ها استقبال می کنند. ●

گزارشی از برنامه تلویزیونی «چشم شب روشن» با حضور رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری

حوزه هنری فانوس دریایی سینما



برنامه تلویزیونی «چشم شب روشن» تیرماه در دو نوبت میزبان محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری و مهرداد فرید دبیر شورای عالی تهیه کنندگان سینما بود که به موضوع عدم اکران چند فیلم در سینماهای حوزه هنری و شاخصه ها و معیارهای پیرامون آن پرداختند.

به گزارش سوره سینما؛ بخش هایی از سخنان محمد حمزه زاده در این برنامه به شرح زیر است:

قسمت اول برنامه:

ارتباط گسترده حوزه هنری با سینماگران

حوزه هنری با بخش قابل توجهی از فیلمسازان و سینماگران در ارتباط است و با آنها نشست های مستمر می گذارد؛ خیلی از آنها از ما بابت همین سیاست عدم اکران این دست از فیلم ها تشکر می کنند چرا که باعث شده فضایی را فراهم آوریم تا فرصت اکران برای فیلم های بهتر فراهم شود و اعتماد خانواده ها هم به سینما بیشتر شود.

سینمای فعلی ایران نیاز به رشد دارد

حوزه هنری دلایل خاص خود را برای عدم نمایش برخی فیلم ها دارد که ترجیح می دهد رسانه ای نکند گفت: اعتقاد داریم سینمای فعلی ایران نیاز به رشد دارد و نباید از داخل با آن مبارزه کرد و به پیکره آن آسیب وارد کرد.

اگر بنا بر مدعی بودن در عدم اکران برخی فیلم ها باشد مدعی اصلی ما هستیم. دوست دارم امشب کمی از دستاوردهای حوزه هنری برای سینمای ایران صحبت کنم. این نهاد همواره محلی بوده برای رشد بهترین کارگردانان سینمای ایران که همه می دانید این افراد امروز گل سر سبد سینمای ایران هستند. این افراد فرزندان انقلاب و امام (ره) هستند که در فضای حوزه هنری امکان رشدشان فراهم شده است.

سرمایه گذاری حوزه هنری در سینمای ایران قابل مقایسه با دیگران نیست

اما به لحاظ مالی و اقتصادی سرمایه گذاری که حوزه هنری در سینمای ایران می کند اصلاً قابل مقایسه با سرمایه هایی که در ده سال گذشته برای تولید در سینمای ایران صورت گرفته نیست. کل مجموعه تولیدات سینمای ایران در یکسال به صد میلیارد تومان می رسد اما تنها سینما «بهمن» حوزه هنری در میدان انقلاب ۱۲۰ میلیارد تومان ارزش دارد یا سینما «آزادی» بیش از ۲۰۰ میلیارد تومان است. این را در نود و چهار سالن سینماهای حوزه هنری در سراسر کشور ضرب کنید و ببینید حوزه هنری چه سرمایه عظیمی را برای سینمای ایران آورده است.

شورای عالی تهیه کنندگان و کارنامه ای با پنج بیانیه حوزه هنری در هر روز فرصت دویست هزار صندلی را برای نمایش فیلم فراهم می کند. آقایان شورای عالی تهیه کنندگان و ... برای این صندلی های خالی

هستیم. بیشتر مضامینی را در فیلم هایمان استفاده کردیم که مورد پسند آنها نبوده است که در نهایت باعث می شود که تنها صد هزار نفر به دیدن فیلم های اکران بنشینند.

آیا مشکل حال حاضر سینمای ایران سانسور فیلم هاست. مشکلات عمیق تر و بزرگ تری داریم. با همان اندک فیلمی که اکران نکردیم به صورت کاملاً شفاف با فیلمسازان در مورد سانسور یا دیالوگ فیلم هایشان صحبت کردیم و می کنیم و به آنها ایرادات و مشکلات را می گوئیم.

حوزه هنری فانوس دریایی سینما است

یک نوع هدایت است که هدایت شونده باید در دیدرس هدایت کننده باشد مانند برج مراقبت. یک نوع هدایت هم هست که مانند فانوس دریایی که هدایت شونده باید همواره هدایت کننده را ببیند.

وزارت ارشاد به وظیفه هدایتی خود درست عمل نمی کند و به نوعی برج مراقبت دچار اختلال است. نقش نهادهایی مثل حوزه هنری در سینما مانند فانوس دریایی است.

تبدیل نشدن مخاطبان سینما به مشتری

حوزه هنری معتقد است بنا به دلایلی مخاطبان سینما تبدیل به مشتری نمی شوند. فیلمسازان ما همواره در ساختن فیلم هایشان به یکسری مخاطب توجه می کنند که این مخاطبان مشتری سینمای ایران نمی شوند و گروه زیادی از مردم ما این نوع محتوا را برای سینما رفتن انتخاب نمی کنند. ما باید به ذائقه مردم توجه کنیم ببینیم آنها به چه توجه دارند. تلاش می کنیم ذائقه مخاطب را بشناسیم.

چه کردند؟ به لحاظ کیفی فیلمها را ارزیابی نمی کنم اما می خواهم بدانم شما برای تعامل با بیننده چه فیلم هایی را تولید کرده اید؟ در بررسی سوابق شورای عالی تهیه کنندگان پنج بیانیه وجود دارد که سه تای آن علیه حوزه هنری و یکی مربوط به قاچاق فیلم و یکی هم، برای توقیف فیلم «مشکل گیتی» بود که تیزرهای آن از شبکه های ماهواره پخش می شد.

چالش فیلم هایی که امکان اکران پیدا نمی کنند

در ده سال گذشته از پانصد فیلم تولید شده در سینمای ایران ما نزدیک به یازده فیلم را اکران نکردیم. این در حالی است که در ده سال گذشته ۳۵۰ فیلم فرصت نمایش در سالن ها را پیدا نکردند شما به عنوان جایی که بالاترین شورای برنامه ریزی تهیه کنندگان کشور هستید برای نمایش دادن این نوع فیلم ها چه کردید؟ در حالیکه نود درصد صندلی های سینمای ما خالیست این ۳۵۰ فیلم به دلیل انحصار طلبی فرصت اکران نیافتند و شما هم برای دفاع از این فیلم ها هیچ بیانیه ای صادر نکردید و نمی کنید.

حوزه هنری همواره بر مدار شان تاسیس خود گام بر می دارد و یکسری اهداف را دنبال می کند گفت: ما بر اساس عرف قانون ایران و جهان در طول پنج سال تنها پنج تاده فیلم را نمایش نداده ایم و هیچ وقت هم علیه آن ها بیانیه صادر نکردیم در حالیکه الان باید به آقایان جواب هم پس بدهیم.

نداشتن یک هدف هزار میلیارد تومانی

در سالهای گذشته فروش فیلم ها بین هفتاد تا دویست میلیارد تومان بوده که پرسش اینجاست چرا این مبلغ نباید به هزار میلیارد تومان برسد؟ دلیل اینجاست که در سالهای اخیر سینمای ایران به سمت ذائقه مخاطب نرفته و ما از خواسته های مردم ناآگاه



قسمت دوم برنامه :

۳۸ میلیون سینما رو داریم

حوزه هنری شأن تاسیس و رسالت و اهدافی مشخص دارد. طبیعی است که در اسناد بالادستی سیاست‌ها و اهدافی تعیین و طراحی می‌شود که حوزه هنری باید اجرا کند. وقتی می‌گوییم حوزه هنری نقشی شبیه فانوس دریایی دارد، معنی‌اش این است که ثبات هدف و رویکرد داشته باشد. نباید به اقتضای مسائل و مقتضیات سیاسی روز جایگاه خودش را عوض کند و تغییر دهد. باید یک جایگاه ثابت داشته باشد و یک نشانی مشخص را بدهد.

در حوزه‌ی اکران، قطعاً، کار حوزه هنری قانونی است و کسی نمی‌تواند مدعی باشد که ما قوانین را زیر پا گذاشته‌ایم. در برنامه قبل گفته‌ام که اساساً سهم فیلم‌هایی که ما اکران نمی‌کنیم نسبت به تولیدات کل سینمای کشور بسیار ناچیز است. این در حالی است که متأسفانه سالی ۳۰ یا ۴۰ فیلم به خاطر نابرابری‌ها و بی‌عدالتی‌های که در مدیریت اکران کشور وجود دارد اصلاً اکران نمی‌شوند و در سوی دیگر، ۸۰ تا ۹۰ درصد ظرفیت سینماهای ما پر نمی‌شود و خالی است.

هر شخص و سازمان و گروهی بر اساس دیدگاه‌هایش، یک نظام مسائل برای حوزه فعالیت خودش شناسایی می‌کند و فهرستی از مهم‌ترین مسائل حال و پیش روی موضوع فعالیتش دارد. ما به عنوان یک سازمان فعال در حوزه سینما بعد از بررسی‌هایی که کرده‌ایم و بر اساس مطالعات و تجربیاتی که در سینما داریم، مسائلی را در سینما احصا کرده‌ایم. بخشی از این مسائل مربوط می‌شود به حوزه‌ی "تولید" و بخشی دیگر مربوط می‌شود به حوزه‌ی "تماشا".

در سالیان گذشته، تأکید دولت جمهوری اسلامی نه فقط در زمینه سینما بلکه در همه محصولات فرهنگی عمدتاً روی تولید بوده است. طبیعی است که این انقلاب یک انقلاب فرهنگی بوده، دغدغه‌هایش فرهنگی بوده و وزارت ارشاد یا سازمان تبلیغات اسلامی را به خاطر همین دغدغه ایجاد کرده است. اما

از عناصر جذابیت‌بخش به فیلم‌ها و سینما - که فرض بگیریم ۱۰-۱۲ تا هست - برخی فیلمسازان فقط یکی دو تا عنصر را انتخاب کرده‌اند و به عنوان طعم دهنده از آن‌ها استفاده می‌کنند که یکی از این‌ها طنز است. در همین فضای طنز، بعضاً، فضاهای اخلاقی و اعتقادی را ندیده می‌گیرند. شما وقتی به اتفاق خانواده وارد یک فضایی می‌شوید، مثل رستوران. اگر احساس کنید آن فضا ناامن است و قابل اعتماد نیست بعداً دیگر آنجا نمی‌روید.

ما دنبال این هستیم که سینماهايمان از ناحیه خانواده‌ها به عنوان یک فضای امن برای ارائه یک محتوای خوب شناخته شود. به عنوان یک فضای اخلاقی دارای امنیت و اطمینان برای خانواده‌ها به حساب آید.

مهم‌ترین شاخص‌های ما باورهای اعتقادی، مذهبی و سیاسی، دستاوردها و آرمان‌های انقلاب و حفظ شئون اجتماعی است. هر فیلمی که مخل مبانی اعتقادی جامعه باشد در سینماهای حوزه اکران نمی‌شود. اگر یک چنین فیلمی که به عفت عمومی و باورهای اعتقادی و مذهبی مردم خدشه وارد می‌کند را در سینمای ما نمایش دهیم آن وقت مردم حق دارند که بیايند اعتراض کنند و از ما شکایت کنند. می‌توانند گلایه کنند و اظهار ناراضی نمایند. این حق آن‌هاست. در این خصوص راجع به گروه خاصی از مردم صحبت نمی‌کنیم. ما داریم راجع به ۸۰ درصد از مردم صحبت می‌کنیم که سینما نمی‌روند. پرفروش‌ترین فیلم ما همین روزها نزدیک بیست میلیارد تومان فروخت و تعداد بیننده‌هایش دو میلیون نفر است؛ دو میلیون نفر از حدود چهار میلیون نفر که شرایط سینما رفتن دارند و علاقمند به فعالیت‌های اجتماعی هستند. ۳۸ میلیون نفر سینما نمی‌روند. ما سینما را در گیر ذائقه آن دو میلیون نفر کرده‌ایم.

برای اکران فیلم روندی طی می‌شود. همین آقای مهردادفرید که اینجا نشسته، خودشان گفته‌اند به خاطر نظرات حوزه هنری اصلاحاتی در فیلم‌شان انجام داده‌اند و مهم این است که معتقدند فیلم‌شان بهتر شده است. ما این را می‌خواهیم. ما به هیچ وجه مایل نیستیم که فیلمی امکان نمایش پیدا نکند.

در باره ملاحظات اصلی در عدم اکران فیلم‌ها باید اشاره کنم که ما یک مجموعه خط قرمزهایی داریم که مبنایش جلب اعتماد خانواده‌هاست. فیلم‌هایی که مرزهای اخلاقی را رد می‌کنند، ما اکران نمی‌کنیم. همین الان، بعضی فیلم‌ها در شوخی‌هایی که در آن‌ها گنجانده شده و در مضامین و رفتارهایی که برای جذابیت بیشتر آورده‌اند خطوطی را رد می‌کنند. می‌بینید که تلویزیون با برنامه خندوانه در سطح رسانه‌ها درگیر است. مرز شوخی‌ها اندکی جا به جا شده و رسانه ملی را دچار چالش کرده و جامعه نسبت به این‌ها عکس‌العمل نشان داده است. در سینما هم این‌گونه مصادیق خصوصاً، در حوزه فیلم‌های طنز وجود دارد.

در سال‌های ۹۰-۹۱ تم خیانت در فیلم‌ها زیاد شده بود. در سال‌هایی خدشه در اصل قصاص بر جسته شده بود، یک مواقعی بحث ظلم به زنان در احکام اسلامی پر رنگ‌تر شده بود، اما الان در سینمای امروز، شما این مباحث را پررنگ نمی‌بینید. یا پیشنهاد اصلی فیلم به

برنامه‌ریزی‌هایی که صورت گرفته، توجهی که شده، یا منابعی که مصروف شده، به طور کامل یا کافی صرف حوزه توزیع و تماشا نشده است. زیرساخت‌های توزیع و نمایش و تماشا مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

بی‌اعتمادی مردم به محتوای فیلم‌ها

بر اساس مسأله شناسی حوزه هنری، مهم‌ترین مسأله سینمای کشور این نیست که چند تا فیلم ساخته می‌شوند که حوزه اکران نمی‌کند. مسئله این است که مردم سینما نمی‌روند و ۸۰ درصد ظرفیت سینماهای کشور خالی است. اما سوال مهم این است که چرا خالی است؟

شما اگر به عنوان صاحب سرمایه - هر کسب و کاری را راه انداخته باشید - اگر یک روز - دو روز - چند روز در مغازه بنشینید و ببینید مشتری نمی‌آید و از آن طرف هزینه‌هایتان هم ثابت باشد، خیلی زود به اهمیت مشتری و درآمد فکر می‌کنید و بررسی می‌کنید که چرا مشتری نمی‌آید. ما همواره درگیر این مسأله هستیم که چرا مردم از سینماها استقبال نمی‌کنند؟ برداشت ما و مطالعات ما این است و مذاکرات و نظرسنجی‌های ما نشان می‌دهد که مردم و خانواده‌ها به محتوایی که در سینمای کشور ارائه می‌شود اعتماد ندارند. آن اعتماد و فضای امنی که مردم خانواده‌هایشان را با خیال راحت بیاورند وجود ندارد. وقتی از مردم حرف می‌زنیم، طبیعی است که به آمار رسمی جمعیت توجه می‌کنیم. مثلاً به مشارکت موجود در انتخابات‌ها نگاه می‌کنیم و این ظرفیت بالای چهار میلیون نفر را مشتری بالقوه می‌دانیم. ما دنبال این هستیم که در چارچوب آن مسأله شناسی، سینماهايمان را برای این چهار میلیون نفر به یک مکان امن تبدیل کنیم. طوری که وقتی خانواده از سینما بیرون آمد احساس بدی نداشته باشد. برایش دغدغه نباشد که چرا آن الفاظ عنوان شده؟ فلان شوخی چقدر بد بوده و کسی به کسی چپ‌چپ نگاه نکند. الان بخش قابل‌اعتنایی از یک نوع سینما در کشور و یک نوع فیلم در کشور اکران می‌شود که این‌ها سرمایه‌های اصلی سینما را - که مشتریانش هستند - پس می‌زند. آن‌ها را از این فضا دور می‌کند.



چالش کشیدن این اصول نیست. فیلم‌هایی که پیشنهادشان این باشد که در حدود الهی و قوانین فقهی و دینی خدشه وارد کنند، یعنی یک اصل را زیر سوال ببرند، در سینماهای حوزه هنری جایی ندارند.

مسئله مان موضوع فیلم‌ها نیست. بلکه مضمون و پیشنهاد فیلم‌هاست. همین الان فیلم خوب «رگ خواب» در سینماها اکران است. فیلمی است که موضوعش یکی از چالشی‌ترین معضلات جامعه‌ی امروز است: ازدواج سفید. فیلمساز شجاعانه آمده این آسیب اجتماعی را طرح کرده و هنرمندانه از میان بسیاری از خط‌قرمزها طوری عبور کرده که مضمون فیلم کاملاً سازنده و مؤثر است و به مخاطبان توجه و تنبه خوبی می‌دهد. باید ببینیم وقتی مخاطبی از سالن سینما بیرون می‌آید پیشنهاد فیلم به وی چه بوده است؟ با چه داستانی در سالن سینما را ترک می‌کند؟ ما به موضوع فیلم کار نداریم که می‌تواند خیانت، دزدی، بزهکاری و هر معضل دیگر اجتماعی باشد. ما به رویکرد و دلالت نهایی و پیشنهاد فیلم و فیلمساز کار داریم.

مسئله سینما و فرهنگ کشور این نیست که تعداد کمی از محصولات، برچسب غیربهداشتی می‌خورد. گاهی از ما توقع دارند درباره‌ی مسائل موجود در فیلم‌ها در سطح رسانه‌های عمومی اعلام نظر کنیم. این کار به اعتماد مردم لطمه می‌زند. یک سال و نیم پیش وزارت بهداشت در رسانه‌ها اعلام کرد صنایع لبنی از روغن پالم استفاده می‌کنند. فضایی در جامعه شکل گرفت که شرکت‌ها و مراکز تولیدی لبنیات را تا مرز ورشکستگی پیش برد. دغدغه‌ای جدی هم به دغدغه‌های مردم اضافه شد که حاصلش کاهش مصرف محصولات لبنی بود. در حالی که این تذکر می‌توانست بین مسئولین و موسسات تولیدکننده مطرح و با جدیت، حل و فصل شود.

برخی مسائل را اصلاً نمی‌توان در رسانه‌ها مطرح کرد و ما از رک‌گویی اکراه داریم. چون مایل نیستیم همان مختصر اعتمادی که خانواده‌ها به سینماها دارند از بین برود.

منافع، هم کوتاه مدت و هم بلندمدت است

ما در قبال کارهای خوب و قابل احترام فراوانی که در سینمای کشور تولید می‌شوند، با حداکثر حسن نیت برخورد می‌کنیم و حتی برای خیلی از آن‌ها تسهیلات مناسبی را هم فراهم می‌کنیم. تقریباً نود و هشت درصد مجموع آثار تولید شده در سینمای ایران بدون هر گونه مساله و مشکلی نمایش داده می‌شوند.

صرفاً در قبال تعداد بسیار کمی از آثار، با یک دو راهی مواجه می‌شویم. در هر سال تعداد کمتر از انگشتان یک دست فیلم

سینمایی درخواست اکران در مجموعه سینماهای حوزه هنری را دارند که از نظر شورای اکران حوزه هنری، دارای اشکالاتی در محتوا هستند و ما این فیلم‌ها را باعث قهر هر چه بیشتر خانواده‌ها با سینما می‌دانیم. این تعداد اندک فیلم، دوراهی‌ای در مقابل ما قرار می‌دهند. اینکه به تلاش خود برای خانوادگی نگه داشتن فضای سینما ادامه دهیم، یا به جیب خودمان و سود مادی بیشتر برای همکاران تهیه‌کننده‌مان فکر کنیم.

ما در این موارد حتماً گزینه‌ی اول که به سود خانوادگی تر شدن فضای سینماهاست را انتخاب می‌کنیم و معتقدیم حتی سود واقعی‌تر و ماندگارتر مادی و معنوی برای همه‌ی خانواده‌ی سینما در همین حفظ حضور خانواده‌ها در سینماست.

ما با عدم اکران یک فیلم گاهی از یک میلیارد تا چهار میلیارد تومان درآمد صرف نظر می‌کنیم. در حالی که گاهی برای تأمین حقوق ماهانه‌ی سازمان به مشکل داریم. طبیعی است این زنجیره سینماها با صدها نیروی متخصص در کشور به منابع مالی نیاز دارد. چرا چشم از این درآمد می‌پوشیم؟ به این دلیل که به اعتقاد ما فروش نباید در این حد باشد، بلکه باید فروش سالیانه‌ی سینمای کشور ۵۰۰ میلیارد و هزار میلیارد تومان باشد. چه زمانی ممکن است به این فروش برسیم؟ وقتی که پای مردم به سینماها باز شود. نباید برای منفعت کوتاه مدت، منافع بلند مدت را از دست بدهیم. باید با چشم‌پوشی از منافع گذرا، آن ظرفیت عظیم مردمی و اعتماد مردمی را به سینما برگردانیم. نباید کاری کنیم که مردم به سینما پشت کنند. این نگاه است که به نفع تجارت و اقتصاد سینماست. متأسفانه مسیری که بخشی از سینمای ایران الان طی می‌کند، از مایه خوردن است. در اواخر رژیم پهلوی و سال‌های ۵۳ و ۵۴ به خاطر نوع فیلم‌ها و وضعیتی که سینماها داشت اصلاً کسی به سینما نمی‌رفت. نباید سینما به دوران سالهای ۵۴ و مانند زمان طاغوت برگردد و وضعیت به جایی برسد که کسی سینما نرود و این صنعت بخوابد.

خوشبختانه و با افتخار باید بگویم که سینمای ایران شاید تنها صنعت و تجارتی باشد که در حال حاضر صد درصد متکی به محصولات داخلی است. هیچ فیلم خارجی در سینمای فعلی اکران نمی‌شود. این اقدام که بسیار ارزشمند هم هست، لزوماً نه با سرمایه‌سازان فیلم بلکه با سرمایه‌سازان سینماگران است که آن ۸۰ درصد ظرفیت خالی را با فیلم‌های خارجی پر نکرده‌اند. اگر این مسیر تولیدی و از مایه خوردن بخوابد در سینمای ایران ادامه داشته باشد، ناگزیر باید سراغ فیلم‌های خارجی برویم. نگوئیم فیلم‌های خارجی لزوماً بد است، همین الان تلویزیون دارد روزی ده فیلم خارجی نمایش می‌دهد. فیلم خارجی خوب هم داریم.

مهرداد فرید در این برنامه ضمن انتقاد از عدم نمایش برخی از فیلم‌ها در سینماهای حوزه هنری خاطر نشان ساخت: در مواردی که دوستان حوزه هنری برای فیلم پیشنهاد دادند باعث بهبود کیفیت فیلم شد. صادقانه می‌گویم که پیشنهادهای اصلاحی حوزه هنری به شخصه به فیلم کمک کرده است. من نمی‌خواهم مطلقاً این را نفی کنم. طبیعی است که همفکری همیشه جواب بدهد و باعث رشد شود. وقتی تعامل به صورت تبادل فکر اتفاق بیفتد مؤثر است. در رابطه با فیلم خودم این تجربه را دارم. این نوع نگاه می‌تواند باعث ارتقای آثار هم بشود. ما چرا نباید حرف حساب را بپذیریم؟

ابراهیم نبوی در جمع‌بندی بحث عنوان کرد: الزاماً از مجموع بحث‌ها می‌توان نتیجه گرفت هر آنچه را که حوزه هنری در خصوص فیلم‌ها می‌گوید و بسته‌های پیشنهادی که می‌دهد بحث نامربوط فرهنگی نیست و گاهی اوقات کمک هم به فیلم می‌شود. به نوعی تعامل تلقی می‌شود.

وی ادامه داد: روند عدم نمایش‌های حوزه هنری رو به کاهش بوده و این نشان می‌دهد خیلی از مسائل با تعامل قابل حل است و شایسته است حوزه هنری و شورای عالی تهیه‌کنندگان و وزارت ارشاد و اعضای دیگر صنف این تعامل را ادامه دهند. ۱۱



قدس در آئینه نگاه سینماگران

یکبار فیلمی سینمایی با این موضوع داشته باشیم خیلی خوب است و برای تغذیه فرهنگی سینمای کشورمان کافی است.

سجاده چی در ادامه در پاسخ به پرسشی دیگر مبنی بر اینکه آیا تولیدات سینمایی در زمینه قدس می تواند ارزش های انسانی را به جهان نشان بدهد، تصریح کرد: به نظر شخصی خودم فلسطین یکی از موضوعاتی است که در سطح جهان چالشی است و این گونه اتفاقات همیشه در بخش هایی، میزان کمی از حق را دارند، یعنی هر موضوعی که در جهان دچار چالش بین المللی می شود ممکن است کم یا زیاد حقی داشته باشند اما فلسطین یک موضوع منحصر به فرد است و تمام حق با مردم آواره آنجاست. به هر حال در این کشور مناقشه ای طولانی ایجاد شده و به سمت لاینحل شدن رفته است که در نهایت هم گاهی به فراموشی سپرده می شود. به عنوان مثال، طی سالیان اخیر بعضا تظاهرات های خودجوش در کشورهای غربی در حمایت از فلسطین، باعث می شد اسرائیل تخت فشار قرار بگیرد اما الان طی این سه چهار سال اخیر اتفاقی مثل پیدا شدن گروهک های داعش پدید آمد و تمام توجه افکار عمومی به این سمت رفت و فلسطین فراموش شد. منظورم از این حرف ها این نیست که برویم و کمک کنیم؛ چون موضوع فلسطین یک مناقشه بین المللی است و همه مردم جهان در حل آن نقش دارند. اما یکی از راه های کمک به این کشور این است که درباره آن فیلم بسازیم تا فلسطین زنده بماند و این گونه به آن ها کمک کنیم.

این فیلم نامه نویس در پایان درباره اینکه قدس به عنوان یک الگو در شعار آزادی خواهی از چه ظرفیت های سینمایی برخوردار است، خاطرنشان کرد: ظرفیت در ذات هر موضوعی است، به عنوان



ما به ساختن این گونه فیلم ها در سینما نیاز داریم اما فیلم هایی می سازیم که واقعا نیاز ما را برطرف نمی کنند. فقط امیدوارم روزی نرسد که مسئولان ما به این نتیجه برسند که دست از این موضوعات بردارند بلکه راه هایی پیدا کنند و اجازه بدهند جریان آزاد سینما این مسیر را پیدا کند. این اتفاق در سینمای ما شدنی است البته اگر مشکلات حل شود.

او همچنین درباره اینکه چه ضعف هایی در تولیدات سینمایی ما در خصوص فلسطین وجود دارد، گفت: به هر حال فیلم خوب را بودجه و سفارش نمی سازد، بلکه دغدغه هنرمندی می سازد که در وهله اول یک آر티ست است و زبان سینما را می شناسد و در وهله دوم دغدغه دارد. اگر هنرمند دغدغه کاری داشته باشد، مطمئنا راه ساختنش را پیدا می کند. به عنوان مثال، همیشه دلیل ساخته شدن فیلم های خوب و موفق در حوزه دفاع مقدس، حضور فیلم سازانی بوده که واقعا دغدغه این موضوع را داشتند و همین مسئله باعث موفقیت اثرشان شد. بنابراین اگر ما فیلم سازانی هم که دغدغه فلسطین را داشته باشند پیدا کنیم و حداقل هر دو یا سه سال

سجاده چی:

به ساختن فیلم هایی با موضوع فلسطین نیاز داریم

مهدی سجاده چی، فیلم نامه نویس، درباره لزوم ساخت آثاری سینمایی با موضوعیت قدس و فلسطین اظهار کرد: سینمای ما به ساختن فیلم هایی با این موضوع نیاز دارد اما فیلم هایی که ساخته می شود نیاز ما را برطرف نمی کند. ما برای اینکه به فلسطین کمک کنیم باید فیلم بسازیم تا همیشه زنده بماند.

نویسنده فیلم سینمایی «هفت رنگ» در گفت و گویی با پایگاه خبری حوزه هنری در پاسخ به اینکه با توجه به مفهوم جنگ نرم چقدر لازم است در زمینه مسائلی چون فلسطین آثار سینمایی تولید کنیم، خاطرنشان کرد: سینما یک رسانه است و طبیعتا نمی شود موضوعی مثل فلسطین را نادیده گرفت و بدیهی است که باید در این زمینه آثاری داشته باشیم؛ اما از آنجایی که در حال حاضر سینما مخاطبانی دارد که به گیشه ها رونق می بخشند و تقریبا هم همه فیلم ها صرفا برای سرگرمی ساخته می شوند، درباره موضوع فلسطین فیلم ساختن کمی سخت است؛ فیلمی که مخاطب آن را ببیند تا هزینه و زحمت فیلم ساز بر باد نرود. مشکل آنجاست که فقط مسئله فلسطین نیست و حتی در زمینه دفاع مقدس نیز ما به مشکلاتی در سینما برمیخوریم؛ چون اصولا فیلم هایی ساخته نمی شود که مخاطب واقعی داشته باشند.

وی ادامه داد: بنابراین با توجه به مشکلات موجود در این عرصه، فیلم سازان خوب هم از ورود به این حوزه پرہیز می کنند و همین مسئله دُری را برای افرادی باز می کند که در حوزه های دیگر راهی برای فیلم ساختن پیدا نمی کنند. در نتیجه به سراغ این گونه فیلم ها می آیند و فقط می خواهند کاری ساخته باشند؛ بدون اینکه به ساختار فیلم توجه کنند. من فکر می کنم

مثال، ماجرای عاشورا یک ظرفیت فوق العاده‌ای دارد و بی‌بدیل است و به نظر من تا بد می‌شود از آن الهام گرفت. قدس هم یکی از آن مسائل است؛ منتها به محض اینکه موضوعات سیاسی می‌شوند، عده‌ای شک می‌کنند که نکند اتفاق دیگری افتاده است. به مردم خودمان نگاه نکنید که قانع هستند و می‌دانند قدس واقعا اشغال شده و باید به دست صاحبان اصلی‌اش بازگردد. یک مشکل دیگری که مطرح است این است که زمان زیادی صرف این ماجرا شده است و تقریباً حدود ۷۰ سال است که ادامه دارد و جزو اخبار سیاسی جهان شده ولی اینکه هنوز مردم فلسطین پای خواسته خود هستند خیلی خوب است؛ اما باید یادمان باشد که این نوع مفاهیم در رسانه‌ها فرسوده می‌شوند و این اتفاق ذات خبر است که وقتی اتفاقی قدیمی می‌شود خیلی اهمیت پیدا نمی‌کند.

رافعی:

اهل هنر درباره فلسطین به روشنگری بپردازند

عباس رافعی، فیلم‌ساز، با بیان اینکه ماجرای قدس و جنگ طولانی فلسطین یک تراژدی تلخ است، تأکید کرد: وظیفه همه فیلم‌سازان سینما، برنامه‌سازان تلویزیون و اهالی هنر این است که درباره فلسطین به روشنگری بپردازند و تصویر مردمی را که سال‌هاست با جنگ سر می‌کنند پوشش بدهند.

این کارگردان در گفت‌وگویی با خبرنگار پایگاه خبری حوزه هنری درباره اینکه با توجه به مفهوم جنگ نرم چقدر لازم است در زمینه مسائلی چون فلسطین آثار سینمایی تولید شود، اظهار کرد: متأسفانه مردم ما به دلیل اطلاع‌رسانی ناقص رسانه‌ها هیچ اطلاعاتی در مورد فلسطین ندارند، یعنی اکثر مردم نمی‌دانند که فلسطین هم کشوری بوده که دولت و پاسپورت داشت که یهودیان مهمان آن سرزمین شدند و دیگر به کشورشان بازنگشتند و آنجا را تصاحب کردند. اکنون که حدود ۸۰ سال از جنگ فلسطین می‌گذرد ما به وسیله ساخت فیلم سینمایی است که می‌توانیم با هجمه عظیم رسانه‌ها که این رویداد را تاریخ‌سازی می‌کنند از کشور تصاحب‌شده فلسطین بیشتر بگوییم. به نظر من رسانه‌ها و هم فیلم‌سازان ما در این زمینه بسیار کم‌کاری کرده‌اند. ما در سینما آثار درخشانی در مورد فلسطین یکی دو مورد بیشتر نداشته‌ایم. به عنوان مثال یکی از آن آثار درخشان «بازمانده» زنده یاد سیف‌الله داد بود که خیلی خوب به موضوع فلسطین پرداخت.

وی که تجربه ساخت فیلم‌های «بیگانگان»، «تولد دیگری»، وقایع‌نگاری یک جنایت از پیش تعیین شده» و «روز داوری» با موضوع فلسطین را داشته گفت: متأسفانه کشور فلسطین در حال محو شدن از روی نقشه است. من فکر می‌کنم وظیفه همه اهالی هنر به‌ویژه فیلم‌سازان و برنامه‌سازان این است که در این زمینه روشنگری کنند. الان حدود ۸۰ سال است که مردم فلسطین به خانه‌هایشان بازنگشته‌اند، این اتفاق واقعا یک تراژدی تلخ است که ما کمتر فیلم سینمایی از آن دیدیم. اینجا صحبت از جنگ نرم می‌شود؛ در حالی که جنگ در فلسطین دیگر به یک جنگ سخت تبدیل شده است. فلسطین سرزمین بی‌آب و علفی نبوده و برای خودش یک کشور بود، متأسفانه رژیم

اشغالگر فلسطین را این گونه نشان می‌دهند که و به شدت در رسانه‌هایشان به نفع خودشان خوب کار می‌کنند تا رفتارشان را به حق نشان بدهند.

رافعی در ادامه در زمینه اینکه قدس به عنوان یک الگو در شعار آزادی خواهی از چه ظرفیت‌های سینمایی برخوردار است، توضیح داد: به هر حال ما وقتی به مظلومیت می‌پردازیم و فلسطینیان هم در تاریخ جنگ طولانی کشورشان همیشه مورد ظلم قرار گرفته‌اند، خودش یک موقعیت دراماتیک و ظرفیت سینمایی است، یعنی در واقع هجومی که پی در پی روی خانه و کاشانه فلسطین وارد می‌شود و در مجموع مبارزه ۸۰ ساله، یک ظرفیت سینمایی است. به عنوان مثال در حال حاضر خیلی سال از جنگ جهانی گذشته است اما همچنان از آن فیلم می‌سازند، فلسطین هم همین طور است و نباید فراموش شود.

این کارگردان در پایان درباره اینکه آیا تولید آثار سینمایی در زمینه قدس می‌تواند ارزش‌های انسانی را



به جهان نشان بدهد، خاطر نشان کرد: قطعاً این اتفاق می‌افتد، وقتی ما درباره حقوق بشر صحبت می‌کنیم در واقع یکی از مصادیقش همین فلسطین است. اگر قرار باشد فیلمی درباره حقوق بشر بسازیم چه چیزی بهتر از مسائل و اتفاقات روز جهان مثل فلسطین است.

امیریل ارجمند:

قدس تلنگری است برای همه ما که انسان باشیم
بازیگر فیلم سینمایی «شکارچی شنبه» قدس را تلنگری برای انسانیت عنوان کرد و گفت: وضعیت حال حاضر منطقه ما از جنگ نرم خارج شده و به یک جنگ واقعی تبدیل شده است؛ چون فقط مختص فلسطین نیست. ما باید هوشیار باشیم و آگاهی‌مان را بالا ببریم. این هنرمند در آستانه روز جهانی قدس درباره اینکه با توجه به مفهوم جنگ نرم چقدر لازم است که در زمینه مسائلی چون فلسطین آثار سینمایی تولید شود، توضیح داد: در حال حاضر این اتفاقات و جنگ طلبی به غیر از فلسطین در سوریه، عراق و حتی مرزهای پاکستان و افغانستان در حال رخداد است و دیگر خاص یک نقطه نیست و از جنگ نرم خارج شده است بلکه به یک جنگ واقعی و علنی تبدیل شده است. ما باید در این زمینه آگاهی‌مان را بالا ببریم و نقطه‌گذاری‌مان را محدود نکنیم. اینکه فقط به یک نقطه تمرکز کنیم درست نیست و باید هوشمندانه رفتار کنیم.

وی در ادامه همین مطلب در زمینه تولید بیشتر

آثار سینمایی با موضوعیت قدس و اینکه آیا این اقدام می‌تواند ارزش‌های انسانی را به جهان نشان بدهد؛ خاطر نشان کرد: اگر واقعا درست اتفاق بیفتد و بحث سفارشی بودن مطرح نباشد قطعاً تأثیرگذار خواهد بود؛ چون به هر حال فرق اینکه یک اتفاق با اعتقاد ساخته شود تا اینکه سفارشی باشد خیلی زیاد است. یک فیلم سینمایی باید دارای درام و قصه خوب باشد، در این صورت است که در همه جهان تأثیر خواهد گذاشت؛ چراکه مهم کار با کیفیت ارائه دادن است تا آن اثر را به یک اتفاق هنری تبدیل کند. اگر جنگ نرم است پس باید ابزار و آدم‌هایش هم وجود داشته باشند. ما سردار سلیمانی را داریم، باید در اینجا هم چنین سردارانی داشته باشیم.

ارجمند سپس در پاسخ به پرسشی مبنی بر اینکه قدس به عنوان یک الگو در شعار آزادی خواهی، از چه ظرفیت‌های سینمایی برخوردار است، اظهار کرد: اگر در این زمینه عمیق باشیم وقتی این طرف و آن طرف را نگاه کنیم، از بحث اشغال یک چیز دیگری هم از اطرافمان به دست می‌آوریم که کمی عمیق‌تر است، یعنی یک جایی تصمیم گرفته می‌شود واقعا اشغال کرد و این اشغال به هر قیمت و بهانه‌ای رویکردهایی مثل کشتار و خراب کردن خانه‌ها را دارد که به نظر یک فاجعه انسانی است. کشور ما دارای این ظرفیت است و شیعه علی‌وار بودنمان می‌گوید که باید خاصیت انسان بودنمان و انسانی رفتار کردنمان را داشته باشیم. خواهی نخواهی ما بیش از اطرافمان درباره موضوع فلسطین در سینما و تلویزیون کار انجام داده‌ایم. به نظر من قدس تلنگری برای همه انسان‌هاست؛ چون انسان آزاد است و این آزادی است که مهم‌ترین رکن انسانیت را تشکیل می‌دهد.

این بازیگر سینما و تلویزیون در پایان گفت: من هیچ‌وقت خاطره‌ای از جشنواره فجر که فیلم «شکارچی شنبه» در آن شرکت کرد را فراموش نمی‌کنم. اکنون توصیه‌ام به کارگردانان نیست بلکه به عوامل بالاتر از کارگردانان است که اگر قرار است کاری



را که دوست دارند تولید شود حمایت کنند؛ چون سفارش دادن تنها بهانه نیست بلکه باید حمایت کنند. ما باید در این عرصه باهم همسو باشیم و دست به دست هم بدهیم و طبق فرمایشات رهبر معظم انقلاب الان وقت دست به دست هم دادن است. □

اظهار نظر دو عضو کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

سینماهای حوزه هنری مورد اعتماد خانواده هاست

سینمایی را از ذهن برخی خانواده‌ها پاک کنیم این مسئله به این منجر شده که نتوانیم قشر متدین جامعه را در سالن‌های سینمایی ببینیم. وی گفت: در طول سالیان گذشته شاهد بودیم هر زمان فیلم‌های ارزشی با کیفیت در سینماها اکران شد جمعیت قابل توجهی از اقشار مختلف جامعه در سینماها حضور پیدا کردند و هر زمان هم که تولیدات نامناسبی روانه اکران شود اقبال عمومی از این فیلم‌ها کم است. قطعاً به این نکته باید اهمیت دهیم که عدم حضور خانواده‌ها در سینماها از محتوای فیلم‌ها ناشی می‌شود.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از صحبت خود گفت: اکثر خانواده‌ها به خدماتی که در سالن‌های سینمایی به آنها ارائه می‌شود حساسیت دارند و تمایل دارند زمانی که خانواده آنها با لحظه‌های فیلم ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند در آرامش و اطمینان خاطر به سر برند.

همچنین، حجت الاسلام سالک از دیگر اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس عنوان کرد: از اینکه حوزه هنری با ملاک‌های ارزشی فیلم‌هایی در جهت تحکیم نظام خانواده را در سینماها به نمایش می‌گذارد جای بسی تقدیر و تشکر دارد؛ ما توقعی هم جز این میزان دقت عمل از حوزه هنری نداریم.

وی تصریح کرد: اگر روزی حوزه هنری فیلم‌های مسئله دار و هنجارشکن را در سینماهایش به نمایش در بیاورد این خلاف منویات و سیاست‌های رهبری است و باید پاسخگو باشد.

عضو کمیسیون فرهنگی مجلس با تأکید بر اینکه کنترل در اکران و پخش فیلم در سینماهای حوزه هنری وظیفه خطیر مسئولین این سازمان است افزود: شکی نیست انتخاب درست فیلم‌ها به اطمینان خاطر و آرامش خانواده‌ها کمک می‌کند و فیلم‌های فاقد ارزش به گسترش فساد در جامعه دامن می‌زند.

وی، معتقد است یک محصول سینمایی باید سه مرحله: مرحله مجوز ساخت، مجوز نمایش و انتخاب سینمادار را بگذراند تا مورد استفاده مردم قرار گیرد. به نظر من، مرحله مهم انتخاب فیلم توسط سینماداران است که چه فیلمی را در سینماهایشان به نمایش در بیاورند و تشخیص می‌دهند فیلم‌هایی با سلاقی مخاطب در چه سینمایی به نمایش در بیاید. بدیهی است حوزه هنری با توجه به مسئولیتی که بر عهده دارد تشخیص می‌دهد چه فیلمی را در سینماهای زیر مجموعه اش نمایش دهد. ▶



اکثر خانواده‌ها به خدماتی که در سالن‌های سینمایی به آنها ارائه می‌شود حساسیت دارند و تمایل دارند زمانی که خانواده آنها با لحظه‌های فیلم ارتباط عاطفی برقرار می‌کنند در آرامش و اطمینان خاطر به سر برند.



شکی نیست انتخاب درست فیلم‌ها به اطمینان خاطر و آرامش خانواده‌ها کمک می‌کند و فیلم‌های فاقد ارزش به گسترش فساد در جامعه دامن می‌زند.

حجت الاسلام نصرالله پژمانفر معتقد است حوزه هنری باید از کبان و ارزش سینما پاسداری کند. حراسان از کبان، شأن و جایگاه سینما از جمله وظایف این نهاد است و باید مطابق با آرمان‌های انقلاب و امام گام بردارد که اگر غیر از این عمل کند باید پاسخگو باشد.

به گزارش سوره سینما این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس در مورد نحوه انتخاب فیلم‌ها توسط حوزه هنری برای اکران عمومی که مبتنی بر اطمینان خاطر و آرامش خانواده‌هاست تأکید کرد و گفت: وظیفه نهاد‌های فرهنگی و انقلابی همچون حوزه هنری و دیگر مراکز انقلابی است که اجازه ندهند سینما از فضای گفتمان انقلاب خارج شود. حوزه هنری باید در اکران فیلم‌هایش مراعات و دقت لازم را داشته باشد.

وی افزود: حوزه هنری دارای رسالتی است که باید از ظرفیت‌های موجود سالن‌هایش به نحو احسن بهره‌برد و اختصاص دادن سالن‌هایش به فیلم‌های ارزشی و خانواده‌محور در اولویت برنامه‌هایش باید قرار گیرد؛ چراکه اقشار مردم و خانواده‌ها به این سالن‌ها برای تماشای فیلم مورد علاقه خود می‌روند و به نوعی به این سالن‌ها اعتماد دارند. از طرف دیگر از آنجایی که سالن‌های سینمایی توسط بخش خصوصی اداره می‌شود نمی‌توانیم سالن‌داران را به اکران فیلم‌ها ملزم کنیم و اجبار در اکران فیلم‌ها به صاحبان سینما به هیچ عنوان منطقی نیست.

این نماینده مجلس شورای اسلامی با بیان اینکه در مورد حضور کمرنگ خانواده‌ها در سالن‌های سینمایی در سال‌های اخیر توضیح داد: به این نکته باید توجه کرد فرهنگی که بین مردم شکل می‌گیرد حاصل فرایند سالیانتمادی ارتباط بین مردم است. اگر امروز با عدم استفاده از سالن‌های سینمایی توسط قشر قابل توجهی مواجه هستیم این حاصل عدم اطمینان خانواده‌ها به این مکان‌هاست.

وی ادامه داد: همانطور که می‌دانیم قبل از انقلاب سالن‌های سینمایی مراعات موازین شرعی را نمی‌کردند لذا این مکان‌ها در بین افراد متدین جامعه چه زن و چه مرد از پیشینه نامناسب برخوردار بود. هر چند ساختار گذشته سینماها بعد از انقلاب تغییر کرده اما متأسفانه، برنامه‌ریزی منسجمی در مورد مفاهیم کلی فیلم‌ها صورت نگرفته است.

پژمانفر ادامه داد: البته عده‌ای از مردم که با سالن و سینما رابطه نداشتند بعد از انقلاب به این مکان‌ها راه پیدا کردند اما از آنجایی که نتوانستیم یکسری ابهامات گذشته در مورد سالن‌های

تضعیف نهاد انقلابی حوزه هنری؛ پای منافع چه جریانی در میان است؟

در حالی که سالانه دو یا سه فیلم از تسهیلات اکران در سینماهای حوزه به دلایل مختلف از جمله: «فیلم های هنجارشکن و منافعی عفت عمومی و مغایر با شئون اسلامی» برخوردار نمی شوند از سوی جریاناتی با هجمه های رسانه ای سعی دارند فعالیت های این مرکز را مخدوش سازند.

حوزه هنری انقلاب اسلامی به عنوان یکی از مهم ترین نهادهای فرهنگی و هنری در کشور دارای اهدافی و شرح وظایف روشن و شفاف است. اهداف و رسالت این نهاد انقلابی اینگونه تعریف شده است: «فراهم ساختن زمینه ی رشد و شکوفایی و گسترش هنر مبتنی بر معرفت اسلامی و متعهد به ارزشهای انقلاب اسلامی»، «بهره گرفتن از هنر در تبیین و ترویج مبانی و ارزشهای اسلامی و فضائل اخلاقی»، «تبیین و معرفی وجوه گوناگون و ویژگی های ذاتی و فنی هنر و ادبیات انقلاب اسلامی»، «دفاع از آرمان ها و اصول انقلاب اسلامی از طریق شناخت علمی و دقیق جریان های هنری معارض با تفکر اسلامی» و «کشف راه های اصولی مقابله فرهنگی با آنها/ایجاد زمینه ی رشد استعدادها و خلاقیت های هنری و ادبی از طریق شناسایی»، «تربیت، تقویت و معرفی هنرمندان برجسته ی مسلمان» و «ایجاد جریاناتی هدایت گر هنری بر بنیاد تولید و نمونه آفرینی هنری و ادبی».

این مرکز با برخورداری از حدود ۱۰۰ سالن سینمایی فعال در سطح کشور به مثابه یکی از مراکز مهم و تاثیرگذار در مسیر حرکت، رشد، توسعه و ارتقای سینمای کشور هم به شمار می آید. در کنار نقش مهمش در تولید و خلق آثار هنری و ادبی و فیلم های سینمایی در مقام قرارگاه بصیرتی هنر انقلاب اسلامی نیز قرار دارد و به تعبیری نقش فانوس دریایی را در عرصه هنر و سینما ایفا می کند.

سالانه، حدود پنجاه فیلم در سالن های متعدد این نهاد برای استفاده عموم بویژه خانواده ها به نمایش در می آید و با توجه به مراقبت و صیانتی که از این سالن ها و پردیس های سینمایی می شود مهمترین و مطمئن ترین فضا برای خانواده هاست.

در حالی که سالانه دو یا سه فیلم از تسهیلات اکران در سینماهای حوزه به دلایل مختلف از جمله: «فیلم های هنجارشکن و منافعی عفت عمومی و مغایر با شئون اسلامی» برخوردار نمی شوند هر از گاهی از سوی جریاناتی الم شنگه راه می اندازند و با هجمه های رسانه ای و بیابیه نویسی و فشارهای صنفی سعی دارند تا فعالیت های این مرکز را مخدوش سازند.

چرا جریانی اصرار دارد با جوسازی، اتهام زنی و برچسب «تحریم» حرکت قانونمند نهادهای انقلابی و مراکز فرهنگی دلسوز و دغدغه مند را در جهت منافع خودشان تضعیف نمایند؟ چرا تلاش می کنند تا حرکت قانونی حوزه هنری را به عنوان یک حرکت غیرقانونی

سالن های سینمایی و صیانت و مراقبت از سینماهایش را «فراقانونی» تعبیر کنند و با جوسازی رسانه ای و فشار ژورنالیسم حوزه هنری و مسئولانش را تحت فشار قرار دهند؟

چرا وقتی بنیاد سینمایی فارابی از اکران یک فیلم خودداری می کند و به اعتراض سازندگان آن هم، وقعی نمی نهد کسی از اصطلاح من در آوردی «تحریم» استفاده نمی کند؟ یا وقتی بسیاری از سینماداران دولتی، مالکان سینماهای خصوصی از نمایش برخی فیلم ها سر باز می زنند کسی به آن ها انگ تحریم نمی زند؟

متأسفانه جریانی منفعت طلب با روحیه تمامیت خواهش و به پشتوانه چند رسانه و شبکه اجتماعی با دامن زدن به موضوعی کوچک در سال های اخیر فضای نامناسب و تفرقه افکنانه ای را ساخته اند و خانواده سینما را دچار تششت، تفرقه و کدورت نموده اند. چه کسانی از این تفرقه و حواشی سود می برد؟

حوزه هنری و همه سینماداران بخش خصوصی و دولتی وظیفه دارند از میان فیلم هایی را که توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی پروانه نمایش اخذ کرده اند بر اساس اولویت ها و بردنشان دست به انتخاب بزنند. در این راستا، بر اساس اساسنامه و هدفگذاری کلان سازمانی تعدادی از فیلم ها در رتبه نخست و اولویت قرار می گیرند و آثاری هم همگرا با اهداف کلان و برند سازمانی نیستند و انتخاب نمی شوند و یا مشمول سبد کامل تسهیلات نمی گردند. طبیعی است، طبق قانون این حق را دارند که به سود و زیان مادی و معنوی اش ببینند.

حوزه هنری به حق نشان داده است به عنوان متولی هنر و سینمای انقلاب همواره در کنار فیلم های ارزشی و اجتماعی شریف و نجیب و پاک بوده و هست. البته نباید نادیده گرفت که در این مسیر، بعضاً، دچار تصمیم گیری های دوگانه هم شده است.

چه کسی مدعی است که اقدام حوزه هنری در عدم نمایش فیلم های هنجارشکن غیرقانونی است؟ اگر غیر قانونی است براساس کدام مصوبه و قانون؟ کدام دستگاه نظارتی می تواند سینمادار را وادار کند که در اکران فیلمش حق انتخاب نداشته باشد و هر فیلمی را که مجوز دارد الزاماً باید اکران نماید؟ کمیسیون فرهنگی مجلس و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی؟ یا... پس چرا تاکنون اقدام نکرده اند؟

حال این سؤال پیش می آید اگر در تحمیل فیلم ها برای اکران، سینماداران دچار ضرر مادی یا معنوی شوند این دستگاه های مسئولیت را قبول می کنند و پاسخ گو می شوند؟ آیا تشکل های صنفی که مواضع معتزانه تنیدی از طریق انتشار بیابیه های متوالی دارند مسئولیت این آسیب ها و زیان ها را می پذیرند؟ چرا عده ای اصرار دارند جنگ را مغلوبه کنند تا از آب

گل آلود ماهی خودشان را صید کنند؟ آنچه از فحواي تصمیمات حوزه هنری می توان دریافت و در سخنان مسئولان سینمایی این نهاد بارها تأکید شده است سینماهای حوزه هنری سینماهای خانواده است و تاکنون با عملکرد و ارتباط دو سویه و متقابل توانسته فضای مطمئن و قابل اعتمادی را در متن خانواده ها فراهم سازد و نظرسنجی های مدیران فرهنگی و بسیاری از سینماگران هم این را تأیید می کند که سینماهای حوزه هنری به دلیل مدل نظارتی و مدیریتی حاکم بر آن ها از فضایی برخوردارند که باعث آرامش خاطر خانواده و همنشینی جمعی آن هاست.

چرا جریانی اصرار دارد مسئولان حوزه هنری این در طراحی و مهندسی مخاطبان عمومی سینما برغم گذشت چهاردهه از فعالیت سینمای انقلاب با دغدغه های هدفمند و «فرهنگ محور» متأسفانه اتفاقی صورت نگرفته است. به استثنای «گروه سینما هنر و تجربه» که برای آثار و مخاطبین خاص شکل گرفته است.

چه اشکالی دارد در دسته بندی سینماها با توجه با «فقدان نظام درجه سنی مخاطب» در چرخه اکران فیلم در ایران موضوعی و تخصصی بر اساس گروه ها و پایگاه های اجتماعی تعریف شود. وقتی متولیان حوزه هنری اصرار دارند که سالن های سینمایی خود را برای میزبانی از خانواده ها تعریف کنند کجای این کار ایراد دارد؟ چرا چنین تصمیم معقول و منطقی به تریش قبای عده ای بر می خورد؟ چرا آن عده منافع فردی، شخصی، باندي و گروهی خودشان را بر کل جامعه و سینما ترجیح می دهند؟ چرا عده ای «قیل و قال پرست» در سینما برای یک دستمال قیصر به را به آتش می کشند؟

حوزه هنری در طول پنج و شش سال گذشته از مجموع حدود ۳۰۰ فیلم سینمایی که در سینماها اکران شده فقط یک درصد از این فیلم ها را نتوانسته است در سینماهایش نمایش دهد. این در حالی است که از میان همین یک درصد برخی فیلم ها بعد از نمایش در سایر سینماها با تبعات و انتقادات تند گروه های مختلف اجتماعی و حتی، علما و مراجع هم مواجه شده اند و از پرده سینماها پایین کشیده شدند؛ که ای کاش در زمان اکران این فیلم ها به دغدغه های حوزه هنری و دیگر دلسوزان فرهنگی توجه می شد تا سینما به خاطر چند فیلم انگشت شمار هزینه های سنگین اجتماعی، بدنامی و ریزش انبوه مخاطبان عمومی و قهر خانواده ها را تحمل نمی کرد.

این چه روحیه زیاده خواه، افزون طلب و تمامیت خواهی است که با موج سواری بر واژه های «تحریم» بخش عظیمی از وقت، انرژی و انسجام خانواده سینما را می گیرد؟ واقعاً چه اهداف و منفعی در میان است؟

منبع: خبرگزاری دانشجو

تحلیل کارشناسان پیرامون «ضرورت مسئله شناسی و مخاطب سنجی در سینمای ایران»:

اکثر فیلم‌های سینمایی برای خانواده‌ها مناسب نیست

کم توجهی سینماگرها به مخاطب سنجی

دکتر محمدعلی السستی، جامعه شناس و استاد دانشگاه در خصوص سینمای اجتماعی و اقتضائات آن گفت: سینمای ما خوراک خود را با توجه به تحقیقات علمی و درست تامین نمی‌کند، عدم توجه به نظام درجه بندی فیلم‌ها نیز یکی از این مسائل است. مخاطب شناسی و مخاطب سنجی در آثار سینمایی، مسئله‌ای حساس و خطیر است که متأسفانه به آن خیلی کم توجه می‌شود. آفت این اتفاق نیز زمانی به چشم می‌آید که برخی از فیلم‌های اجتماعی ما که صرفاً برای گروه خاصی مناسب است، روی دیگر گروه‌های سنی تأثیر منفی می‌گذارد.

وی می‌افزود: اساس تولید فیلم در سینمای اجتماعی ما نگرانی یا دغدغه‌ایست که سینماگر احساس می‌کند. یعنی آن فرد موضوعی ذهنش را درگیر می‌کند و همان مسئله باعث ساخت فیلم می‌شود. اما سینمای اجتماعی اینگونه نیست، فیلم‌های اجتماعی باید براساس تحقیقات گسترده ساخته شود، در این تحقیقات مشخص می‌شود که این فیلم در رابطه با کیست، چه گروهی درگیر آن می‌شود، برای کدام رده سنی مناسب است و چه نتایجی دربر خواهد داشت.

این مدرس دانشگاه بر این باور است اگر یک فیلم با این تحقیقات ساخته شود، می‌توان گفت که بروی مخاطب هدفش تأثیر می‌گذارد و فیلمساز نیز به تمام خواسته‌هایش می‌رسد، اما چون معمولاً فیلم‌های اجتماعی ما اینگونه ساخته نمی‌شود و تحقیق جامعی پشت آنها نیست، صرفاً به دغدغه‌های سازنده بسنده می‌شود. به همین دلیل هم نمی‌توان گفت فیلم‌های اجتماعی و خانواده محور ما، فیلم‌هایی است که طیف گسترده‌ای مخاطب را درگیر خود می‌کند.

السستی اضافه کرد: زمانی که شما تحقیق مناسبی برای فیلم‌تان نکرده باشید، به درستی نمی‌دانید فیلم‌تان برای چه گروه سنی مناسب است، پس مخاطبان فیلم‌تان هم قابل پیش بینی نیستند. فرض کنیم من به عنوان یک سینماگر به این نتیجه می‌رسم افرادی که درگیر اعتیاد هستند، اعتماد به نفس کافی برای ترک کردن مواد را ندارند، پس می‌خواهم فیلمی تولید کنم که در آن نشان دهم انسان می‌تواند با افزایش اعتماد به نفس بر اعتیاد قلبه کند. من با این روش می‌خواهم تعداد افرادی که مواد مخدر را ترک می‌کنند افزایش دهم و نوعی عده‌ای را اصلاح کنم، اما اگر این فیلم برای مخاطب خودش اکران نشود، بخشی از افرادی که درگیر اعتیاد نیستند را با این تفکر که آنها پس از اعتیاد هم می‌توانند ترک کنند، به سمت استفاده از مواد مخدر می‌فرستم. یعنی شاید من به ۵ نفر کمک کنم که ترک کنند، اما ۹۵ نفر را به سمت اعتیاد تشویق می‌کنم. این موضوعی است که فیلمسازان ما باید به آن توجه کنند و حتماً پیش از ساخت فیلم با تحقیق گسترده مخاطبان خود را بشناسند.

اکثر فیلم‌های سینمایی برای خانواده‌ها مناسب نیست

دکتر سیمینا فردوسی روانشناس در خصوص فیلم‌های اجتماعی سینمای ایران گفت: خیلی از فیلم‌هایی که در حال



اشاره: محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری به تازگی در گفتگویی زنده به مسئله شناسی و آسیب شناسی مخاطب در سینمای ایران پرداخت.

وی در بخشی از صحبت‌هایش تصریح کرد: براساس مسأله شناسی حوزه هنری، مهم‌ترین مسأله سینمای کشور این نیست که چند تا فیلم ساخته می‌شوند که حوزه اکران نمی‌کند. مسئله این است که مردم سینما نمی‌روند و ۸۰ درصد ظرفیت سینماهای کشور خالی است. اما سوال مهم این است که چرا خالی است؟ ما همواره درگیر این مسأله هستیم که چرا مردم از سینماها استقبال نمی‌کنند؟ برداشت ما و مطالعات ما این است و مذاکرات و نظر سنجی‌های ما نشان می‌دهد که مردم و خانواده‌ها به محتوایی که در سینمای کشور ارائه می‌شود اعتماد ندارند. آن اعتماد و فضای امنی که مردم خانواده‌هایشان را با خیال راحت بباورند وجود ندارد. وقتی از مردم حرف می‌زنیم، طبیعی است که به آمار رسمی جمعیت توجه می‌کنیم.

مثلاً به مشارکت موجود در انتخابات‌ها نگاه می‌کنیم و این ظرفیت بالای چهار میلیون نفر را مشتری بالقوه می‌دانیم. ما دنبال این هستیم که در چارچوب آن مسأله شناسی، سینماهایمان را برای این چهار میلیون نفر به یک مکان امن تبدیل کنیم. ما دنبال این هستیم که سینماهایمان از ناحیه خانواده‌ها به عنوان یک فضای امن برای ارائه یک محتوای خوب شناخته شود. به عنوان یک فضای اخلاقی دارای امنیت و اطمینان برای خانواده‌ها به حساب آید.

وی اضافه کرد: مهم‌ترین شاخص‌های ما باورهای اعتقادی، مذهبی و سیاسی، دستاوردها و آرمان‌های انقلاب و حفظ شئون اجتماعی است. هر فیلمی که مغل مبانی اعتقادی جامعه باشد در سینماهای حوزه اکران نمی‌شود.

اگر یک چنین فیلمی که به عفت عمومی و باورهای اعتقادی و مذهبی مردم خدشه وارد می‌کند را در سینمایمان نمایش دهیم آن وقت مردم حق دارند که بپایند اعتراض کنند و از ما شکایت کنند.

ما داریم راجع به ۸۰ درصد از مردم صحبت می‌کنیم که سینما نمی‌روند. پر فروش‌ترین فیلم ما همین روزها دو میلیون نفر بیننده داشت؛ دو میلیون نفر از حدود چهار میلیون نفر که شرایط سینما رفتن دارند و علاقمند به فعالیت‌های اجتماعی هستند. ۳۸ میلیون نفر سینما نمی‌روند. ما سینما را درگیر ذائقه آن دو میلیون نفر کرده‌ایم.

به منظور تحلیل و ارزیابی چالش مخاطب در سینما و مغفول ماندن ظرفیت‌های بالقوه در این زمینه با چند کارشناس به گفتگو نشستیم:

مهرداد فرید: پیشنهادهای حوزه هنری به فیلم کمک کرد



مهرداد فرید «دبیر شورای عالی تهیه کنندگان» گفت: در مواردی که دوستان حوزه هنری برای فیلم پیشنهاد دادند باعث بهبود کیفیت فیلم شد. صادقانه می گویم که پیشنهادهای اصلاحی حوزه هنری به شخصه به فیلم کمک کرده است.

به گزارش خبرنگار سینمایی خبرگزاری فارس، در ادامه مناظره هفته گذشته در میان رئیس سازمان سینمایی حوزه هنری و دبیر شورای عالی تهیه کنندگان سینما در ارتباط با تصمیمات حوزه هنری درباره عدم اکران تعداد محدودی از فیلم ها در سالن های سینمایی که متعلق به این نهاد است صحبت های قابل توجهی صورت گرفت.

هر کدام از دو طرف نگاه خود را نسبت به این موضوع عنوان داشتند. اما در بخشی از این مناظره به نکته ای اشاره شد که به نظر می رسد برای افرادی که گاهی به دلیل موج رسانه ای از عدالت دور می شوند بهتر است به این قسمت از آن توجه داشته باشند.

محمد حمزه زاده رئیس سازمان سینمایی در ارتباط با تعامل با فیلمسازانی که آثارشان نیاز به اصلاح برای اکران در سینماهای حوزه دارد گفت: همواره برای اکران فیلم روندی طی می شود. همین آقای مهرداد فرید که اینجا نشسته، خودشان گفته اند به خاطر نظرات حوزه هنری اصلاحاتی در فیلم شان انجام داده اند و مهم این است که معتقدند فیلم شان بهتر شده است. ما این را می خواهیم. ما به هیچ وجه مایل نیستیم که فیلمی امکان نمایش پیدا نکند.

مهرداد فرید در این برنامه ضمن انتقاد از عدم نمایش برخی از فیلم ها در سینماهای حوزه هنری نیز در ارتباط با این گفته اذعان کرد: در مواردی که دوستان حوزه هنری برای فیلم پیشنهاد دادند باعث بهبود کیفیت فیلم شد. صادقانه می گویم که پیشنهادهای اصلاحی حوزه هنری به شخصه به فیلم کمک کرده است. من نمی خواهم مطلقاً این را نفی کنم. طبیعی است که همفکری همیشه جواب بدهد و باعث رشد شود. وقتی تعامل به صورت تبادل فکر اتفاق بیفتد موثر است. در رابطه با فیلم خودم این تجربه را دارم. این نوع نگاه می تواند باعث ارتقای آثار هم بشود. ما چرا نباید حرف حساب را بپذیریم؟

در واقع با توجه به مناظره دبیر شورای عالی تهیه کنندگان و رئیس سازمان سینمایی که در دو جلسه برگزار شد برخلاف آنچه که در برخی رسانه ها به مخاطب منتقل می شود و سعی دارند سینماگران و حوزه هنری را مقابل هم قرار دهند باید نتیجه گرفت که هیچ کدام از دو طرف نسبت به یکدیگر حب و بغض ندارند و می توانند با درک متقابل و تعامل و دیدن حقایق به راه حل های بهتری رسید. ●

یعنی نمی شد تمام اعضای خانواده در سنین و جنسیت های مختلف را پای به تماشای یک فیلم برد. شاید در طول این چند سال تعداد انگشت شماری از فیلم های سینما را می توانستید به همراه خانواده ببینید.

وی افزود: باتوجه به آثاری که در جشنواره فجر یکی دو سال اخیر حضور داشته و اکران شده است، می توان گفت که ما سینمای اجتماعی و خانوادگی به معنای واقعی نداریم. من خودم به عنوان کسی که سال هاست در این زمینه فعالیت می کند، خیلی کم خانوادهم را برای دیدن فیلم به سینما می برم چون فیلم های موجود، فضای مناسبی را به مخاطب القا نمی کند.

او ادامه داد: فیلم های اجتماعی ما بیشتر از اینکه خطرات موجود در معضلات اجتماعی را گوشزد کند، دست به ترویج و تبلیغ آن معضلات می زند. مثلاً بحث طلاق عاطفی چیزی نیست که در فرهنگ ما وجود داشته باشد، اما در فیلم های امسال وجود داشت و روی آن مانور دادند. در فرهنگ ما حتی بعد از طلاق هم تلاش می شود تا آن زوج را با هم آشتی دهند، اما بحثی مانند طلاق عاطفی و ارتباط زن و شوهر با افراد بیگانه چیزی نیست که در فرهنگ ما وجود داشته باشد و ما در آثارمان بیشتر این فرهنگ غربی و نادرست را تبلیغ کردیم. بحث استعمال دخانیات توسط خانم ها نیز زیاد در فیلم ها وجود داشت، بحثی که بیشتر از نفی جنبه تبلیغی داشت. رسالت هنرمند نفی یک معضل است، نه ترویج آن. تهیه کننده آثاری همچون مریم مقدس، استرداد و... اضافه کرد: با ساخت چنین آثاری

بخش عمده ای از جامعه که پایبند اصول اخلاقی است، دیگر جایگاهی در سینما ندارد و سالن های سینما را رها کرده است و به این ترتیب ما تعداد زیادی از مخاطبان مان را از دست داده ایم. سال ۸۰ برای فیلم «مریم مقدس» چهار سینما را در اختیار ما قرار دادند، اما زمانی که مدت اکران فیلم به اتمام رسید، بیش از ۵۰ سالن آن را به نمایش گذاشته بود. آن قشری که فیلم را به این درجه از محبوبیت رساند حالا کجاست؟ آیا سینمای امروز ما محل امنی برای آنهاست؟ به نظرم ما در زمینه سینمای اجتماعی فراخور فرهنگ خانواده هایمان عمل نکردیم و به نوعی کم کاری کردیم.

علی اکبری صحبت هایش را اینطور به پایان رساند: ما نباید کاری بکنیم که بی اعتمادی به سینما را در بین مردم گسترش دهیم. شاید در یکی دو سال اخیر چند فیلم فروش خوبی داشته و رقم های خوبی برای سازندگان در برداشته، اما این اعداد و ارقام زودگذر هستند.

ما باید کارهای ماندگار بسازیم و به جای اینکه فرهنگ ها نامناسب غربی را وارد کنیم، به فکر گسترش و تبلیغ فرهنگ خودمان باشیم. این تبلیغ فرهنگی نه تنها برای نوجوان ها و جوان های خودمان مفید است، که می تواند هنر دوستان خارج از کشور را نیز با فرهنگ حقیقی ایران و ایرانی آشنا کند. ●

حاضر در سینماهای کشورمان اکران می شوند برای خانواده ها و به طور کلی جامعه ما مناسب نیست. در جامعه ما اختلاف طبقاتی زیادی وجود دارد، اما در اکثر این آثار خانواده هایی نشان داده می شوند که زندگی آنها از لحاظ فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی با درصد زیادی از مردم کشورمان همخوانی ندارد. سازندگان فیلم های سینمایی باید ساختار درون خانواده ها را به درستی نشان دهند تا باز خورد منفی در جامعه نداشته باشد.

وی افزود: ما قشرهای مختلفی در جامعه مان داریم که باید به همه آنها توجه شود. از خانواده های مدرن گرفته تا خانواده های سنتی، مذهبی و خانواده هایی با فرهنگ و زبان متفاوت که همگی آنها ساختارهای مختلفی در درون خود دارند. حال آنکه فیلم های حال حاضر سینما فاصله عمیقی با این خانواده ها دارد و به جز چند قشر محدود، فضای آن با مابقی خانواده های ایرانی فاصله دارد.

او ادامه داد: سینما قدرت این را دارد که راهکارهای صحیح را به خانواده ها ارائه دهد و سازندگان باید به این موضوع توجه داشته باشند که یکی از موارد مربوط به سینما، بحث آموزش است و این هنر صرفاً برای سرگرم کردن نیست. سینما می تواند مخاطبان را تحت تاثیر قرار دهد و این تاثیر گذاری زمانی مناسب است که روی خانواده ها اثرات مثبت بگذارد. ما هر چقدر فیلم و سریال و کارهای هنری بسازیم که در آن خانواده ها را سالم و شاداب نشان دهیم باز هم کم است.

دکتر فردوسی در انتها گفت: در حال حاضر تلاش هایی در سینما و تلویزیون صورت گرفته اما این مسئله جای کار بیشتری دارد. فیلم های سینمایی اجتماعی باید مشکلات موجود در خانواده ها را برطرف کند و به خانواده هایی که مشکلات درونی دارند، راهکار مناسب برای برطرف کردن مسائل شان ارائه دهد. به نظر من بهترین کار این است که فیلمسازها از کمک روانشناسان و جامعه شناسان برای ساخت آثار اجتماعی استفاده کنند، آنها که در این زمینه فعال شوند کار پژوهشی برای اثر هنری صورت می گیرد و به این ترتیب فیلم ها اثر گذاری مثبتی پیدا می کنند. کارگردان ها، بازیگران، جامعه شناس ها و روانشناسان اگر در یک تیم قرار بگیرند، می توانند راهکارهای مثبت به مخاطب ارائه بدهند و به درستی آسیب های موجود در جامعه و خانواده را بشناسند و آنها را برطرف کنند.

سینماها دیگر امن نیست

محسن علی اکبری، تهیه کننده سینما در رابطه با جایگاه خانواده در سینما و تاثیر فیلم های اجتماعی بر مخاطبان گفت: ما در این چند سال گذشته به ندرت فیلمی دیدیم که قابلیت تمام افراد خانواده با تفکرات و نگرش خاص بتوانند آن را در سالن سینما ببینند. به طور کلی با این آثار، سینماها محل امنی برای حضور خانواده ها نبود،

معرفی برگزیدگان جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان



فیلم افتخار بهترین فیلم انیمیشن کوتاه به «پدر بزرگم درخت گیلان بود» به تهیه کنندگی پاول اسمیرنوف اهدا شد. جایزه ویژه هیأت داوران برای کارگردانی فیلم کوتاه انیمیشن به امیر هوشنگ معین برای فیلم «درخت پرتقالی» اهدا شد. پروانه زرین بهترین فیلم کوتاه پویانمایی به «یک لحظه» به تهیه کنندگی استغافان مورات، وینسنت کاپلو و ماری اشگوبین اهدا شد.

فیلم‌های بلند پویانمایی

پروانه زرین بهترین کارگردانی پویانمایی به «چیری و چری» به کارگردانی ماکو تو ناکامورا اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم بلند پویانمایی به «راه طولانی شمال» به تهیه کنندگی ران دینس، کلاوس توکسویگ کایر، هنری ماگالون اهدا شد.



جوایز بخش فیلم‌های غیر سینمایی (ویدئویی)

هیأت داوران بازی بازیگران کودک و نوجوان سه فیلم شوکا، (مائده سالمی)، فقط شاگرد اول (نعیم شیخ محبوبی)، اپیزود سوم فیلم آگوست (مهسا هاشمی) را تحسین کردند.

پروانه زرین بهترین فیلم نامه به احمد علی حامد برای فیلم نامه فیلم «فقط شاگرد اول» جایزه بهترین کارگردانی: ضمن تقدیر از فرناز امینی برای کارگردانی فیلم «عشق نیکان» دیپلم افتخار به آزاده قچاق برای کارگردانی فیلم «فقط شاگرد اول»

جایزه بهترین فیلم: هیأت داوران در بخش بهترین فیلم هیچ فیلمی را مناسب دریافت پروانه زرین بهترین فیلم ندانستند. اهدای جایزه ویژه شهید بهنام محمدی به فیلم کوتاه «سلام» به کارگردانی محمدرضا حاجی غلامی



بخش جایزه یونیسف

هیأت داوران یونیسف ضمن تقدیر از کارگردان فیلم «گل سفید» علی قوی تن، جایزه‌ای را به کودک خردسال فیلم بهاره نوروزی اهدا کردند.

همچنین جایزه فیلم منتخب یونیسف به سیدمحمدرضا خردمندان برای فیلم‌های «بیست و یک روز بعد»، «دوئل» و «گزارشگر» اهدا شد. جایزه عشقی بزرگ برای جهانیان از طرف موسسه سان یو تن، آقای ژیبو ون، آقای لیانگ جونگ لین و خانم مرضیه برومند به «بیست و یک روز بعد» و «پایان رویاها» تعلق گرفت.

جایزه داوران کودک و نوجوان بین الملل (چهار جایزه در دو بخش)

جایزه ویژه هیأت داوران برای بهترین بازیگر به سلست هولشایمر برای فیلم روزی که پدرم شاخ و برگ در آورد اهدا شد.

فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» محصول سازمان سینمایی حوزه هنری در اختتامیه سی‌امین جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان اصفهان موفق به کسب ۷ جایزه در بخش‌های مختلف شد.

به گزارش سوره سینما، آیین اختتامیه سی‌امین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان ۱۵ تیرماه با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیران سینمایی و هنرمندان در ورزشگاه ۲۲ بهمن اصفهان برگزار شد. برگزیدگان بخش‌های مختلف جشنواره بین‌المللی فیلم‌های کودکان و نوجوانان به شرح زیر معرفی شدند:

فیلم‌های کوتاه داستانی

دیپلم افتخار بهترین فیلم داستانی کوتاه به فیلم «دوئل» به کارگردانی سیدمحمدرضا خردمندان اهدا شد.

فیلم‌های انیمیشن کوتاه و نیمه بلند

دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه و نیمه بلند پویانمایی به فیلم «رویاها در یک روز» به کارگردانی صادق جوادی اهدا شد.

هیأت داوران هیچ فیلمی را در بخش کوتاه و نیمه بلند و سینمایی پویانمایی شایسته دریافت جایزه بهترین فیلمنامه ندانست اما:

دیپلم افتخار بهترین فیلمنامه کوتاه و نیمه بلند پویانمایی به فیلم «کودکان» به نویسندگی هادی محمدیان طبقی اهدا شد.

پروانه زرین بهترین کارگردانی کوتاه و نیمه بلند پویانمایی به فیلم «هزار افسان» به کارگردانی اصغر صفار و عباس جلالی یکتا اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم کوتاه و نیمه بلند پویانمایی به «گل و بلبل» به تهیه کنندگی مهدی آقاجانی اهدا شد.

فیلم‌های انیمیشن سینمایی

جایزه ویژه هیأت داوران برای دستاورد تکنیکی درخشان به آقای محمد امین همدانی کارگردان فیلم «فهرست مقدس» اهدا شد.

پروانه زرین بهترین کارگردانی پویانمایی سینمایی به فیلم «رهایی از بهشت» به کارگردانی علی نوری اسکویی اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم کودک پویانمایی سینمایی به فیلم «دنیا کیف‌ها» به تهیه کنندگی حمید نخعی اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم نوجوان پویانمایی سینمایی به فیلم «رهایی از بهشت» به تهیه کنندگی علی نوری اسکویی اهدا شد.

جوایز بخش انیمیشن بین‌الملل

فیلم‌های کوتاه و نیمه بلند پویانمایی

نگاهی به یک فیلم

تلنگر به

خانواده‌ها

الناز نعمتی



فیلمسازی برای پوران درخشنده تنها روایت قصه و خلق جاذبه روی پرده سینما نیست.

فیلمسازی برای پوران درخشنده تنها روایت قصه و خلق جاذبه روی پرده سینما نیست. این کارگردان در طی سال‌ها فیلمسازی اش ثابت کرده است که همواره دغدغه‌های اجتماعی اش بر داستان و قصه مقدم بوده و این دغدغه‌های اجتماعی است که او را به فیلمسازی و داستان‌گویی ترغیب می‌کند. درخشنده کارگردانی به روز است و فیلم‌هایش فرزند زمانه‌اند. به این معنا که کارگردان مسایلی اجتماعی را با دقت رصد کرده و بر مبنای مشکلاتی که در صدر معضلات اجتماعی قرار دارند فیلم می‌سازد.

«زیر سقف دودی» یازدهمین اثر سینمایی این کارگردان نیز به طلاق عاطفی می‌پردازد که به گفته روانشناسان و کارشناسان مسایلی اجتماعی حتی از طلاق قانونی هم بیشتر در بین زوجین دیده می‌شود. این فیلم روایتگر زندگی زنی به نام شیرین (با بازی مریلا زارعی) است که زندگی زناشویی سردی با همسرش بهرام (با بازی فرهاد اصلانی) دارد و در برقراری ارتباط با پسرش آرمان نیز دچار مشکل است. شیرین که پس از مادر شدن همه تمرکزش را بر تربیت و پرورش پسرش گذاشته حالا با بزرگ شدن فرزندش در خانه فردی تنهاست که حتی همصحبتی ندارد.

درخشنده قصه اش را بدون نگاهی آمیخته به قضاوت و جانبداری روایت می‌کند. هیچ‌کدام از شخصیت‌های فیلم نه کاملاً مظلوم‌اند و نه بری از اشتباه. بهرام پس از به قول خودش پس زده شدن از طرف همسرش در جایی خارج از کانون خانواده بدنبال محبت بوده و شیرین که حالا تنها و بی همدم مانده روزگاری پس از مادر شدن همسرش را فراموش و همه زندگی اش را معطوف به تربیت فرزندش آرمان کرده است. آرمان پرخاشگر و عصبی است و به گفته روانشناس فیلم این حالات و بیماری اش نتیجه بزرگ شدن در خانه‌ای است که در آن محبتی بین پدر و مادر نبوده است. درواقع همه اعضای این خانواده هم محق هستند و هم مقصر و این نتیجه نگاه بی طرفانه کارگردان به شخصیت‌های فیلم است که نمونه‌ای هستند از هزاران خانواده‌ای که دچار مشکل طلاق عاطفی شده‌اند.

تماشای این فیلم برای زوج‌های جوان و بخصوص زوج‌های میانسال می‌تواند در حکم هشدار جدی و زنگ خطری باشد که حواس آنها را به کانون خانواده معطوف کند. همه تلاش کارگردان و رسالت فیلم «زیر سقف دودی» همین هشدار و تلنگر است و در این راستا نیز موفق عمل می‌کند. ■

بهترین بازیگر (نوجوان) را به مهدی قربانی برای فیلم «بیست و یک روز بعد» اهدا کرد. پروانه زرین بهترین بازیگر (کودک) را به عرفان برزین برای فیلم «دزد و پری ۲» اهدا کرد.

فیلم‌های کودکان و نوجوانان سینمای ایران
بخش فیلم‌های کوتاه و نیمه بلند

جایزه ویژه هیأت داوران به محمدرضا حاجی غلامی کارگردان فیلم کوتاه سلام اهدا شد. پروانه زرین بهترین فیلمنامه کوتاه و نیمه بلند داستانی به فیلم پیژامه راه راه پدر را باد برد به نویسندگی محمد صادقی اهدا شد. پروانه زرین بهترین کارگردانی کوتاه و نیمه بلند داستانی به فیلم باران آهسته می‌بارد به کارگردانی سعید نجاتی اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم کوتاه و نیمه بلند به فیلم آریو والیبال؟ به تهیه‌کنندگی نیما ربیعی اهدا شد.

بخش فیلم‌های سینمایی
پروانه زرین بهترین دستاورد فنی و هنری به پیمان عباس زاده برای فیلمبرداری فیلم سینمایی «چهل کچل» اهدا شد.

بهترین بازیگر کودک
پروانه زرین بهترین بازیگر (کودک) بلند سینمایی به امیررضا فرامرز برای فیلم «اسکی باز» اهدا شد.

بهترین بازیگر نوجوان
دیپلم افتخار هیأت داوران به شبنم مقدمی برای حضور پرمهرشان در کنار بازیگران کودک در فیلم «شکلاتی» اهدا شد.

پروانه زرین بهترین بازیگر (نوجوان) بلند سینمایی به مهدی قربانی برای فیلم «بیست و یک روز بعد» اهدا شد.

دیپلم افتخار هیأت داوران به یاس نوروزی بازیگر کودک (فیلم دزد و پری ۲) اهدا شد.

بهترین فیلم نامه
پروانه زرین بهترین فیلمنامه بلند سینمایی به سید محمدرضا خردمندان و احسان ثقفی برای فیلم «بیست و یک روز بعد» اهدا شد.

بهترین کارگردانی
جایزه ویژه هیأت داوران به فریدون نجفی کارگردان فیلم بلند سینمایی «اسکی باز» اهدا شد.

پروانه زرین بهترین کارگردانی فیلم بلند به اسکی باز به کارگردانی فریدون نجفی اهدا شد.

بهترین فیلم
دیپلم افتخار فیلم بلند (نوجوان) به دوچرخه آبی به تهیه‌کنندگی نورسن چتین کورکن، اومیت کورکن اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم بلند (کودک) به اسکی باز به تهیه‌کنندگی محمد احمدی اهدا شد.

اهدای جوایز هیأت داوران کودک و نوجوان ایرانی توسط نمایندگان هیأت داوران

هیأت داوران کودک و نوجوان پروانه زرین بهترین فیلم (کودک) از نگاه داوران کودک را به فیلم «قهرمانان کوچک» به تهیه‌کنندگی بیتا منصوری اهدا کرد.

پروانه زرین بهترین فیلم (نوجوان) از نگاه داوران نوجوان را به فیلم «بیست و یک روز بعد» به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه اهدا کرد.

هیأت داوران کودک و نوجوان پروانه زرین

جایزه ویژه هیأت داوران برای بهترین بازیگر به امیررضا فرامرز برای فیلم اسکی باز اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم بلند (کودک) به خاکستری کوچیکه پر سر و صدا به تهیه‌کنندگی سیلیه هولندایک و دیوکه بیور کلی گراور اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم بلند (نوجوان) به معجزه کوهستان به تهیه‌کنندگی فیلیپ بودوگ و توماس بلینینگر اهدا شد.

جوایز بخش فیلم‌های کودکان و نوجوانان **سینمای بین الملل** توسط نمایندگان داوران **بخش فیلم‌های کوتاه و نیمه بلند**

دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه به مشق شیدا به تهیه‌کنندگی مهرداد حسنی اهدا شد. دیپلم افتخار بهترین فیلم کوتاه به «سکوت» به تهیه‌کنندگی جیووانی پومپلینی و اولیویر شانترو اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم کوتاه به بهترین فیلم کوتاه به آریو والیبال؟ به تهیه‌کنندگی نیما ربیعی اهدا شد.

بخش فیلم‌های بلند
جایزه ویژه هیأت داوران برای بهترین بازیگر به امیررضا فرامرز برای فیلم اسکی باز اهدا شد.

جایزه ویژه هیأت داوران برای بهترین بازیگر به سلسه هولشایمر برای فیلم روزی که پدرم شاخ و برگ درآورد اهدا شد.

بهترین فیلم نامه
پروانه زرین بهترین فیلمنامه فیلم بلند به معجزه کوهستان به نویسندگی ناتیا برونکورست اهدا شد.

بهترین کارگردانی
پروانه زرین بهترین کارگردانی فیلم بلند به اسکی باز به کارگردانی فریدون نجفی اهدا شد.

بهترین فیلم
دیپلم افتخار فیلم بلند (نوجوان) به دوچرخه آبی به تهیه‌کنندگی نورسن چتین کورکن، اومیت کورکن اهدا شد.

پروانه زرین بهترین فیلم بلند (کودک) به اسکی باز به تهیه‌کنندگی محمد احمدی اهدا شد.

اهدای جوایز هیأت داوران کودک و نوجوان ایرانی توسط نمایندگان هیأت داوران

هیأت داوران کودک و نوجوان پروانه زرین بهترین فیلم (کودک) از نگاه داوران کودک را به فیلم «قهرمانان کوچک» به تهیه‌کنندگی بیتا منصوری اهدا کرد.

پروانه زرین بهترین فیلم (نوجوان) از نگاه داوران نوجوان را به فیلم «بیست و یک روز بعد» به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفاه اهدا کرد.

هیأت داوران کودک و نوجوان پروانه زرین



گزارش نشست «بیست و یک روز بعد» در جشنواره فیلم‌های کودکان و نوجوانان

خردمندان: نگاه به سینمای کودک سهل‌انگارانه است

و با چه نگاهی به تصویر کشیده می‌شود. «بیست و یک روز بعد» زنده کردن شخصیت‌ها و فیلم‌هایی است که در ذهن ما از آثار مختلف باقی مانده است و حال از بین رفته و ما می‌خواستیم آن حس نوستالوژیک را برای نسل امروز زنده کنیم.

وی افزود: اساساً سراغ سوژه‌ای می‌روم که خودم خوب می‌شناسم و در این فیلم هم کاملاً نسبت به سوژه شناخت داشتم و موضوع آشنایی بود که تلاش کردم به بهترین شکل که می‌توانم آن را روایت کنم. خردمندان در پاسخ به اینکه فیلم در جشنواره فجر کاندید نشد و از نگاه داوران دور ماند، گفت: امسال ما تنها فیلمی بودیم در جشنواره فجر که با یک کاراکتر نوجوان حضور پیدا کردیم و خدا را شکر فیلم از سوی مخاطبان و مردم خوب دیده شد ولی در مورد این فیلم‌ها شرایط به گونه‌ای است که همه این حس را دارند که در اینگونه کارها کارگردان ریسک زیادی می‌کند.

محمدرضا شفاف‌ه تهیه‌کننده فیلم نیز درباره این همکاری توضیح داد: این فیلم تجربه شیرینی برای من بود؛ چراکه در این سال‌ها که ما در کنار هم با آقای خردمندان کار می‌کردیم به یک نقطه مشترک رسیدیم که وقت آن است که فیلم بلند آقای خردمندان ساخته شود. به نظر من آنچه که در فیلم آقای خردمندان هست این بوده که در تمام اکران‌هایی که حضور داشتیم با یک نکته مواجه شدم و آن اینکه ما در این فیلم توانستیم گل بزنیم و اکثر آدم‌هایی که فیلم را دیدند با هیجان از ما تشکر کردند که این فیلم ساخته شده و از این بابت به آقای خردمندان و تیم تبریک می‌گویم.

وی در خصوص حضور این فیلم در جشنواره فجر گفت: این طبیعی است که یک جشنواره در داوری و تصمیم‌گیری‌ها بستری دارد و براساس آن

نشست رسانه‌ای فیلم سینمایی «بیست و یک روز بعد» دوشنبه ۱۲ تیرماه با حضور عوامل این فیلم و اهالی رسانه و کودکان با اجرای رضا درستکار برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، در ابتدای این نشست محمدرضا خردمندان کارگردان فیلم اظهار کرد: ساخت فیلم کوتاه و به نوعی تفاده‌ایجاز‌گویی در ساخت این فیلم که اولین تجربه فیلم بلند من است کمک بسیار کرد، من از تجربیات ساخت فیلم کوتاه اسکرمد و هر سکانس «بیست و یک روز بعد» را یک فیلم کوتاه می‌دیدم. وی به بازی خوب حسین شریفی بازیگر کرمانی این فیلم که امروز در این نشست غایب است اشاره کرد و درباره دیگر بازیگران کودک و نوجوان این فیلم گفت: راستین عزیزپور بازیگر باهوش و بالاد و با احساسی است که آینده خوبی برایش قابل پیش‌بینی است، صحنه‌ای که راستین به دسته ترمز قطار آویزان است را تنها من برایش توصیف کردم و بقیه آن صحنه از آن خودش بود که با بازی فوق‌العاده‌ای که از خود نشان داد با هر بار دیدنش اشک در چشمان من جمع می‌شود. مهدی قربانی نیز می‌توانم بگویم یک بازیگر حرفه‌ای است و روحیه فوق‌العاده‌ای دارد که علی‌رغم رقابتی که دارد و ما بارها دعوا هم کردیم که البته لازمه کار بود تا به هم نزدیک تر شویم مهدی بچه باهوشی است که بازی خیلی خوبی در فیلم داشت. صحنه‌ای که مهدی روی ریل افتاده بود و کتک می‌خورد صحنه خیلی سختی بود که مهدی از پس آن برآمد.

این کارگردان تصریح کرد: کار هنرمند آشنایی زدایی از اتفاقاتی است که هر روز رخ می‌دهد و به صورت روزمره با آن مواجه است. هنرمند یک سوژه را انتخاب می‌کند و به آن می‌پردازد این حائز اهمیت است که آن سوژه چطور پرداخت می‌شود

طراح پوستر «بیست و یک روز بعد»:

او در انبوهی از تنش‌ها راهی به رستگاری می‌جوید



بیست و یک روز بعد
twenty one days later

محمد روح‌الامین طراح پوستر «بیست و یک روز بعد» از چگونگی طراحی پوستر این فیلم سینمایی سخن گفت.

به گزارش سوره سینما محمد روح‌الامین که پیشتر طراحی پوستر فیلم‌هایی چون «رگ خواب»، «برادرم خسرو»، «هنگ عنبی»، «یتیم‌خانه ایران» و... را بر عهده داشته در مورد چگونگی طراحی پوستر فیلم «بیست و یک روز بعد» توضیح داد: با توجه به جمع‌بندی که از نظرات کارگردان، تهیه‌کننده و مدیر تبلیغات فیلم به دست آوردیم، نهایتاً برای معرفی فیلم در جشنواره کودک این پوستر را ساختیم.

وی در مورد چگونگی انتخاب این طرح گفت: بعد از دیدن فیلم و رجوع به عکس‌ها و نظر به حضور قهرمان جذاب و نوجوان فیلم که در اغلب اوقات قصه فیلم در گیر انبوهی از مشکلاتیست که از دنیای او بسیار بزرگتر است، ایده ترکیبی و محتوایی پوستر شکل گرفت.

روح‌الامین در ادامه توضیح داد: کودک در مرکزیتی از پوستر واقع شده و کسانی او را احاطه کرده‌اند. او در انبوهی از تنش‌ها راهی به رستگاری می‌جوید. او برای رهایی از مشکلات، حضور معترض و فعال دارد، مقاوم است، هر چند کوچک است (تصویر او رنگی است و دیگران حچیم و تک رنگ هستند).

وی گفت: خطوط موربی که به صورت قطعاتی کوچک، برشی به کار می‌زند، برای نمایی از تشدید تنش به کار رفته تا پوستر را از ایستایی غیر فعال خارج کند.

«بیست و یک روز بعد» قرار است از نیمه تابستان امسال به نمایش عمومی در بیاید. در این فیلم ساره بیات، حمیدرضا آذرنگ، امیرحسین صدیق، جلال فاطمی، رضا استادی، سینارازانی به همراه دو بازیگر نوجوان سینمای ایران مهدی قربانی و حسین شریفی نقش آفرینی می‌کنند.

این فیلم ملودرامی اجتماعی از زندگی نوجوانی به نام «مرتضی» است که در راه تحقق آرزوی ناکام پدرش، با چالش‌های بسیاری روبرو می‌شود. (۱)

ها تصمیم می‌گیرد. برای ما سخت بود در فجر نامزد نشدیم ولی خوشحالیم که فیلم دیده شد و در همان جشنواره یکی از بهترین انتخاب‌های مردمی شد و این بعد از برگزاری جشنواره و حال حاضر که یک ماه تا اکران عمومی آن مانده این حس را منتقل می‌کند که این فیلم نه تنها فیلم شریف و جذابی بوده فیلم آبرومندی برای گیشه نیز هست و حال مردم را خوب می‌کند و می‌فروشد. این تهیه‌کننده عنوان کرد: مهم‌ترین چیزی که باید به آن اشاره کنم اینکه خیلی از نوجوانان که امروز اینجا هستند سودای سینما را در سر می‌پروراند، باید به عنوان یک نکته بگویم همه فیلم‌ها موتورهای دارند که قصه را پیش می‌برند و در مورد «بیست و یک روز بعد» باید گفت موتور متحرک این فیلم خیلی چیزهاست و به نظر من موتور متحرک همه فیلم‌های خوب چیزی فراتر از آموزش‌های آکادمیک است و «بیست و یک روز بعد» حیات خود را مدیون کسی است که از روز اول دست دعا برای موفقیت این فیلم برداشت و هنوز هم محمد خردمندان را دعا می‌کند. ما بخش عمده‌ای از موفقیت مان را مدیون این دعای مادر محمد خردمندان هستیم امروز در میان ما نیست و معتقدم همچنان از آن دنیا دست دعا برای محمدرضا و ما برداشته است. در بخش دیگر این نشست دو بازیگر کودک و نوجوان فیلم نیز به صحبت درباره ایفای نقش در این فیلم پرداختند. راستین عزیزپور بازیگر خردسال گفت: من خیلی دوست داشتم با یک کارگردان مهربان مثل آقای خردمندان بازی کنم. در سکانس‌ها خیلی پیش می‌آید که کار خراب شود ولی به من روحیه می‌داد که کار را خراب نکنم.

مهدی قربانی نیز بازیگر نقش مرتضی گفت: امسال بخاطر بازی در فیلم «بیست و یک روز بعد» در جشنواره فیلم کودک حضور دارم و جای حسین شریفی واقعاً خالی است. امشب در سینما فلسطین ما اکان داریم این دومین کار سینمایی من است و قبل آن تئاتر هم کار کرده‌ام. من در «ابد و یک روز» و «بیست و یک روز بعد» بازی کردم و خدا رو شکر در این دو فیلم دو نقش متفاوت داشتم. در «بیست و یک روز بعد» از هفته دوم کار دورخوانی ما شروع شد و هفته بعد حسین شریفی آمد و ما دیالوگ‌ها را آماده کردیم و بعد از شروع فیلمبرداری من و آقای خردمندان که از زمان قبل ارتباط خیلی خوبی باهم گرفتیم کمک زیادی به من کردند که با نقش‌ها و سکانس‌ها ارتباط حسی خوب برقرار کنم. نقش مرتضی را خیلی دوست داشتم چون نقش خیلی مقاومی بود که تلاش می‌کرد به همه اهدافش برسد.

در پایان این نشست محمدرضا خردمندان بیان کرد: دو نکته پایانی باید بگویم یکی در مورد تهیه‌کننده که باید بگویم محمدرضا شفاه اصلاً حس تهیه‌کننده به من نمی‌داد و فقط فضا را فراهم می‌کرد که من بتوانم شرایط را پیش ببرم و در بزرگ‌ها نقش خود را نشان می‌داد. نکته دیگر اینکه در مورد سینمای کودک و نوجوان به شدت با اینگونه فیلمنامه‌ها سهل‌انگاران برخورد می‌شود و فکر می‌کنند می‌توان به شدت با آثار کودک راحت برخورد کرد چون بازیگران کودک هستند و به آسانی می‌توان از کنار مسائل گذشت. من فکر می‌کنم اگر فیلمی در نهایت به رشد فکری کودک منجر نشود تا بعد از تماشای فیلم به آن کارا کترها فکر نکند آنوقت شاید در کوتاه مدت مفید باشد ولی در طولانی مدت این موفقیت امکان‌پذیر نیست.

وی خاطر نشان کرد: از زحمات علیرضا برازنده فیلمبردار کار باید تشکر کنم، ۹۵ درصد فیلم ما روی ریل فیلمبرداری شد و هر فیلمسازی زیر بار آن نمی‌رود. آقای برازنده خیلی به ما کمک کرد و علاوه بر یک فیلمبردار با عشق در تمام بخش‌ها به کمک ما می‌آمد و قوت قلبی برای ما بود. (۲)

محمدرضا شفاه: استقبال از فیلم فرا تر از انتظار بود

چند روز از پایان سی امین جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان گذشته. شاید برای محمدرضا شفاه تهیه کننده این فیلم صحبت درباره طعم شیرین موفقیت در این جشنواره کمی زود باشد، اما آنهایی که فیلم تازه حوزه هنری را در جشنواره دیده و استقبال خانواده ها را به یاد دارند این شروع یک مسیر تازه برای رسیدن به نوعی از سینمای کودک است که هم با معیارها و اصول حوزه هنری همخوانی دارد، هم اقبال عمومی به آن زیاد است. **الناز نعمتی**



مردم فیلم را ببینند و دوست داشته باشند و داوران فیلم را درست مورد ارزیابی قرار دهند و گرفتن جایزه برایمان الویت دوم است. اما حالا از موفقیت فیلم بسیار خوشحالم و امیدوارم این روند موفقیت آمیز در اکران عمومی نیز ادامه داشته باشد.

سینمای کودک و نوجوان همانطور که خودتان هم عنوان کردید حال و روز خوبی ندارد و مورد بی مهری قرار گرفته است. اغلب تولیدات حوزه هنری در بخش سینما هم آثار مختص به بزرگسالان است. آیا موفقیت فیلم «بیست و یک روز بعد» می تواند راه را برای تولیدات بیشتر در این گونه سینمایی از طرف حوزه هنری هموار کند؟

اغلب تولیدات سینمایی حوزه هنری مختص بزرگسالان است. البته این نکته را نیز فراموش نکنیم که در تولیدات سینمایی محوریت و موضوع خانواده همواره مورد توجه حوزه هنری بوده است. ضمن اینکه در بخش تلویزیون اثر خوبی مانند «شکرستان» را تولید کرده است که بسیار مورد توجه مخاطبان قرار گرفت. ما امیدواریم بتوانیم مسیری را که فیلم «بیست و یک روز بعد» در حوزه سینمای کودک و نوجوان طی کرده ادامه دهیم و حتماً با آقای خردمندان که جوانی مستعد هستند و نویسنده ای توانا در حیطه سینما محسوب می شوند همکاری در این حیطه را ادامه خواهیم داد و باز هم برای نوجوانان عزیز فیلم خواهیم ساخت.

می دانیم که قشر کودک و نوجوان در معرض حجم وسیعی از رسانه ها قرار دارند و فیلم های روز دنیا را در اختیار دارند. بنابراین بسیار سخت پسند تراز دوران نوجوانی ما هستند و ما باید قصه هایی برایشان تعریف کنیم و فیلم هایی بسازیم که برایشان جذاب باشد و ساختار سینمایی شان را دوست داشته باشند. در واقع برایمان مهم است انتظار این قشر سنی را با ساخت آثار خوب برآورده کرده و آنها را به سمت سالن های سینما جذب کنیم. **۵۵**

به دوستان یا خانواده هاش توصیه می کرد. بارها در اکران های مختلف با افرادی ملاقات داشتیم که در اکران های قبلی دیده بودیم و به ما می گفتند اینبار با دوستان یا اعضای خانواده شان برای تماشای فیلم آمده اند که باعث خوشحالی مان بود. این موضوع ما را بیش از پیش به اکران موفق فیلم امیدوار کرد و حالا با خیالی آسوده تر و مصمم تر به استقبال اکران فیلم که مدت زمان کوتاهی به آن مانده خواهیم رفت.

حالا که صحبت از اکران عمومی فیلم شد بفرمایید چه تدابیر تبلیغاتی برای هر چه بیشتر دیده شدن این فیلم خواهید داشت؟

مهم ترین نکته برای ما این است که در تبلیغات مان به مردم بگوییم فیلمی متفاوت از آنچه این روزها در سینما رواج دارد و اکران می شود خواهند دید. «بیست و یک روز بعد» فیلمی قصه گواست و رنگ و بو و حال و هوای فیلم های موفق دهه شصت را دارد و این موضوع خودخواسته است. بسیاری از مخاطبان بزرگسال در جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان به ما گفتند که «بیست و یک روز بعد» آنها را به یاد فیلم های خاطره انگیزی که در نوجوانی و کودکی دیده اند انداخته است. دوست داریم مردم عزیزمان را مطلع کنیم با تماشای این فیلم بار دیگر لذت سینما رفتن را تجربه خواهند کرد.

فیلم در بخش های اصلی جشنواره از جمله فیلمنامه و فیلم موفق به کسب جایزه شد. انتظار این موفقیت همه جانبه را داشتید؟

راستش می دانستم اگر قضاوت منصفانه ای صورت پذیرد فیلم دیده خواهد شد اما به همین میزان هم فکر میکردم ممکن است هیئت داوران تصمیمات دیگری درباره فیلم بگیرند. خیلی خوشحالم که اعضای هیئت داوران، دبیرخانه و... فیلم ما را دوست داشتند و ما توانستیم جوایز اصلی را کسب کنیم. البته پیش از جشنواره هم گفته بودم برای ما مهم این است که

از حال و هوای سی امین جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان بفرمایید.

جشنواره کودک و نوجوان اصفهان امسال به لحاظ استقبال مردمی کم نظیر و فوق العاده بود و حضور مردم در سالن ها بسیار پررنگ بود. در سال های گذشته سالن های خلوت یکی از ضعف های این جشنواره بود که امسال با تدبیر خوب مسئولان برگزار کننده مرتفع شده بود و شاهد حضور خانواده هادر سالن های نمایش دهنده فیلم ها بودیم. متأسفانه این سال ها شاهد افول سینمای کودک و نوجوان بوده ایم و به همین جهت مسئولان برگزاری این جشنواره سعی در رونق آن و در نتیجه توجه به سینمای کودک و نوجوان دارند و در این مسیر نیز با موفقیت گام بر میدارند.

از نظر کیفی این دوره از جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان را چطور ارزیابی می کنید؟

جشنواره در دو بخش کودک و نوجوان برگزار شد. فضای این دو ژانر با یکدیگر متفاوت است. فیلم های بخش کودک فضایی شاد و مفرح دارد و فیلم هایی که در بخش نوجوان نمایش داده می شود تفکر برانگیز ترند و در عین سرگرم کننده بودن ذهن مخاطب نوجوان شان را به چالش می کشند. من فیلم های بخش کودک را ندیدم اما در بخش نوجوان شاهد اکران فیلم های خوبی بودیم. در بخشی که ما رقابت داشتیم یعنی بخش نوجوان آثار قابل توجه کم نبود اما هنوز هم در این زمینه ضعف داریم و جا دارد سرمایه گذاری بیشتری در حمایت از تولید فیلم هایی مخصوص نوجوانان صورت پذیرد. نوجوانان ما نیاز به تماشای آثار داخلی دارند و این نیاز باید به واسطه فیلمسازان مان تامین شود.

استقبال و باز خورد مردم و بخصوص مخاطبان نوجوان از فیلم «بیست و یک روز بعد» چطور بود؟

استقبال بسیار خوب و فرا تر از حد انتظار ما بود. نکته جالب برایمان این بود که مخاطبان خودشان برای فیلم تبلیغ می کردند و هر کس فیلم را می دید تماشای آنرا

نشریه سوره سینما بنا دارد در هر شماره پرونده ای را برای ایجاد فضای تحلیلی، پژوهشی و مطالعاتی نسبت به موضوعات بحث برانگیز در عرصه سینما اختصاص دهد. در این شماره با توجه به ماجرای رفع ناگهانی توقیف تعدادی از فیلم ها و عدم نمایش یکی دو فیلم توسط سینماهای حوزه هنری که زندانه از آن به تحریم تعبیر می کنند پرداخته شده است.

سازمان سینمایی حوزه هنری اکران فیلم های «مادر قلب اتمی» و «اکسیدان» را به دلایل گوناگونی مناسب برای نمایش در سینماهایش تشخیص نداد. این سازمان، برزند سینماهایش را «خانواده» طراحی و تعریف کرده و فیلم هایی که به مضامین نامناسب برای خانواده ها بپردازند و در ساختارهای محتوایی شان رویکردهایی در مغایرت با عفت عمومی و اخلاق وجود داشته باشد از سبد حمایتی اکران این نهاد برخوردار نمی شوند. این تصمیم با واکنش یکی دو تشکل صنفی و نامه نگاری های پی در پی سازندگان فیلم منجر شد و تلاش گسترده ای صورت گرفته تا با انتقاد از این اقدام فزاسازی و جوسازی های رسانه ای را علیه حوزه هنری شکل دهند.

با مروری گذرا به برخی واکنش های رسمی در رسانه های کشور در می یابیم که خوشبختانه، این اقدام حوزه هنری با همدلی قاطبه سینماگران و اهالی رسانه و منتقدان همراه شده است.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس مطرح کرد:

سیطره لودگی در سینمای کمدی و تنزل ذائقه مخاطبان سینما



جمشید جعفرپور رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در سال های اخیر برخی از فیلم های کمدی به جای انتقال پیام به لودگی کشیده شده ولی گیشه خوبی دارند که این باعث پایین آمدن ذائقه فرهنگی مخاطب می شود و آنها را عادت به دیدن فیلم های سطح پایین با سرگرمی های آنی و لحظه ای می دهد.

جمشید جعفرپور رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در گفت و گو با سوره سینما در مورد رشد فرهنگ ابتذال در سینمای ایران به خصوص رواجی که در سال های اخیر در فیلم های کمدی داشته گفت: به این نکته باید دقت کنیم که مردم جامعه به واسطه نیازهای متفاوتی که دارند به سینما می روند؛ از فیلم های جدی که به مسائل و مشکلات اجتماعی می پردازد تا فیلم های دفاع مقدس که به ایثار و فداکاری رزمندگان و خانواده های شهدا می پردازند. وی ادامه داد: بخشی از سینما برای مخاطبان علاقمند خود فیلم های دینی که به مسائل معنوی و مقدس می پردازد می سازد؛ اما در کنار اینها مخاطبان نیازمند لحظات مفرح و شاد هستند که فیلم هایی در ژانر کمدی متناسب این نیاز آنها ساخته می شود.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در بخشی دیگر از صحبت خود تاکید کرد: اما نکته بسیار مهم در ساختار فیلم های کمدی اینکه نباید به هجو و لودگی کشانده شوند و در عین حال انتقال دهنده پیام به تماشاگران هم باشند.

جعفرپور ادامه داد: متأسفانه در سالهای اخیر برخی از فیلم های کمدی به جای انتقال پیام به لودگی کشیده می شوند اما در عین حال دارای گیشه خوبی هم هستند که این باعث پایین آمدن ذائقه فرهنگی مخاطب می شود و آنها را عادت به دیدن فیلم های سطح پایین با سرگرمی های آنی و لحظه ای می دهد.

وی ادامه داد: به اعتقاد من زمانی که مجوز ساخت این گونه فیلم ها برای ساخته شدن و اکران داده می شود باید پاره ای ملاحظات صورت بگیرد تا سطح سلیقه مردم تنزل پیدا نکند ما به عنوان نمایندگان مجلس از مسئولین سینمایی می خواهیم و توقع داریم به بهانه کمدی بودن فیلم؛ از محتوای آن کاسته نشود.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس در ادامه گفت: مفهوم طنز بسیار ارزشمند است؛ در حالیکه بهترین پیام ها در قالب فیلم های جدی گفته می شود در اغلب فیلم های کمدی هم می توان پیام های مهمی را به مخاطب انتقال داد.

جعفرپور با اشاره به اینکه اغلب فیلم های کمدی را در زمان برگزاری جشنواره فیلم فجر دیده و مورد ارزیابی قرار داده گفت: اغلب این فیلم های کمدی جز در زمانی که مخاطب در سالن به تماشای فیلم نشسته هیچ اندیشه ای به مخاطب ارائه نمی دهند؛ فقط یک ساعت باعث تفریح او شده و متأسفانه حتی بد آموزی گفتاری و حرکتی هم دارند.

وی به تهیه کنندگان پیشنهاد داد: در مرحله نگارش سناریو بسیار دقت کنند و تحقیق

زیادی روی فیلم نامه صورت بگیرد ضمن اینکه به سراغ فیلمسازانی بروند که در کارهای خود فکر و اندیشه به مخاطب تزریق کنند. به واقع می گویم که کار کمدی نباید نازل ساخته شود.

رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس گفت: تعدادی از فیلم نامه نویسان و فیلمسازان هستند که یک هفته برای نگارش فیلم نامه وقت می گذارند بدون تعمق و تفکر؛ صرفاً فیلمی می سازند که در آن مضحکه و مزاح وجود داشته باشد در حالیکه همه می دانیم فیلم نامه نویسی اساسی و بنیادی احتیاج به وقت و زمان بالا دارد تا دیالوگ ها و شخصیت ها با حساب و بر اساس اصول نوشته شود. به نظر من باید به فیلم نامه نویسانی که متون غنی دارند بیشتر بها دهیم؛ آنها را رصد کنیم و ارزش مادی خوبی هم برای کارهایشان قائل شویم. تربیت فیلم نامه نویسان را جدی بگیریم و ذوق و علاقه آنها به سمت کارهای فاخر هدایت کنیم.



نگاهی به فیلم ضعیفی که پس از سه سال توقیف، مجوز گرفت

«مادر قلب اتمی» یک فیلم تقلبی ابتدایی

دیالوگ‌ها مبتنی بر تعریف رویاها، کابوس‌ها و توهمات شخصیت‌ها، مصداق همان عبارت مستهجنی است که پیش از این درباره بخش‌های اولیه بکار برده شد. مولفان، نیمه نخست فیلم را در خلأ حیرت‌آور قصه‌گویی با دایسمش جذابی به پایان رسانده‌اند. در واقع

اگر این دایسمش سه نفره آهنگرانی، ترانه علیدوستی، مهرداد صدیقیان نبود، فیلم هیچ جذابی نداشت. با این دیدن این بخش، حس می‌کنید که کارگردان عقده ساختن یک دایسمش سه نفره با این بازیگران را داشته است. کسی هم نبود که او را نصیحت خب برای ساختن یک دایسمش ساده با حضور چهره‌های سرشناس قرار نیست که فیلم سینمایی بسازد!

به همین دلیل است که در روزگار کنونی باید به روشنفکری جعلی بند کرد که سرتاپا، مستهجن و سرتقی است. روشنفکری سینمای کنونی در دوران ما چنین است که سینما را درست از سه نفر کش برویم؛ اصغر فرهادی، عبدالرضا کاهانی و عباس کیارستمی، امسال هم تب سعید روستایی، مثل تب کنگویی در حال شیوع است و اولین ترکش‌هایش نمایش فیلم پرت مفت آباد است که به مفت نمی‌ارزد.

منتها احمدزاده تب کاهانی شدن شدیدی دارد و تنها مسکنی که می‌توان برایش نوشت این است: پسر جان کاهانی فقط یکی است و دو تا نخواهد شد. بقیه فیلم نیز با نشنگی سورئال، دیوید لینچی و مارکزی، اعتبار مستهجن گرت بررداری شده را از آثار کاهانی را به باد می‌دهد. با این حال بهتر بود که احمدزاده در اقدامی خیرخواهانه فیلم «مادر قلب اتمی» را در فضای مجازی به اشتراک می‌گذاشت، تا مردم را به سینما نرود تا چنین محصول مبتذل و مستهجنی را روی پرده سینما ببینند. اما برخی با دیدن پوستر فیلم به دلیل حضور محمدرضا گلزار، تصمیم دارند که بروند و فیلم را ببینند، توصیه نگارنده به مخاطبانی که قصد دارند بروند گلزار را ببینند این است که بنده فیلم را دیدم، اما گلزار را ندیدم. گلزار اگر قرار بود در فیلم‌های روشنفکری بازی کند چرا برندهای اورجینالی مثل کاهانی را انتخاب نمی‌کند. حضور گلزار در چنین فیلمی مثل تبلیغ برند قلابی است و علی احمدزاده نسخه قلابی کاهانی است. ☞

منبع: مشرق

با این فیلم برخورد کرده و اجازه اکران عمومی و گسترده به این فیلم داده است. مادر قلب اتمی، بیشتر به درد زباله‌دان «هنر و تجربه» می‌خورد. گروه هنر و تجربه با توجه رسالت فعلی‌اش، زباله‌دان خوبی برای نمایش چنین فیلم‌هایی است.

فیلم مادر قلب اتمی مصداق یک فیلم مستهجن واقعی است. مستهجن عبارت‌تی است که در مورد فیلم‌های پوچ پورن محور بکار می‌رود. فیلم مادر قلب اتمی، با قراردادهای سینمای ایران و تمیزی‌های رایج ساخته شده، اما با همه اینها یک فیلم مستهجن واقعی است و پرونوگرافی همنجسگرایانه دو شخصیت زن اصلی فیلم پنهان شده است. مادر قلب اتمی، به این دلیل مستهجن است که مخاطبی با شعور سینمایی کافی، با توجه به نام و تبلیغات فیلم یک درام سر راست قصه‌گو را از مولفان اثر انتظار دارد، اما آنچه روی پرده سینما مشاهده می‌کند توهمات بی‌ربط دو نفری است که فیلمنامه را به نگارش درآوردند.

دو شخصیت اصلی یعنی دخترانی یعنی آرینه و نوبهار از یک پارتی شلوغ قصد بازگشت به خانه را دارند، هر دو مست هستند و توجیهی که برای مستی حداقل یکی از شخصیت‌ها در فیلم ارائه شده، مسیحی بودن کاراکتر آرینه (ترانه علیدوستی) است. هر دو سوار خودرویی گران قیمت می‌شوند، میزان بنزین آنها بسیار کم است و پولی هم در جیب ندارند. این اتفاقات در شبی رخ می‌دهد که قرار است یارانه‌ها را واریز کنند؛ که هیچ ربطی به محتوای اصلی فیلم ندارد. بخش اول فیلم، شبیه فیلم‌های کاهانی است. مسیر داستان کاملاً گرت‌برداری شده از فیلم «اسب حیوان نجیبی است». اما مسیر داستانی در آن فیلم با همه عیب‌های اساسی در فیلمنامه کاملاً هدفمند است، اما فیلم بی‌هدف «مادر قلب اتمی»، به دلیل نداشتن اهداف روایی معین، بی‌هدف به در و دیوار می‌خورد. برای بی‌هدفی فیلم همین مثال بس که فیلم در شب واریز یارانه در دوران هدفمندی یارانه‌ها آغاز می‌شود، ولی هدف فیلم چرا گم و پنهان است.

تنها بخش قابل اعتنای نیمه اول فیلم اجرایی تک نفره از مهرداد صدیقیان است. مهرداد صدیقیان به شکل نمایشی خیلی بامزه و عجیبی ادای بهتود مکرری مجری صدای آمریکا را در می‌آورد و در مابقی پرخوردها، اغلب

متاسفانه در زمانه‌ای که پنجه کشیدن، به نام پیوستگی با عناوین متعالی، مد شده و این مد به حوزه رسانه‌های مردمی اندیشه محور کشیده است. «مادر قلب اتمی» به دلیل رفتارهای رسانه‌ای اغراق آمیز و با نگارش جعلیات سه سال پیش توقیف شد.

در برخی رسانه‌های هیجانی، درج شده بود که فیلم مادر قلب اتمی به تمسخر پایداری ملی برای رسیدن به حق هسته‌ای می‌پردازد. اما از منظری هنری و سینمایی اگر بخواهیم فیلم را ارزیابی کنیم باید به این نکته بپردازیم که فیلم مادر قلب اتمی به استهزاء شعور ملی، شعور هنری، اعتبار سینما، ارزش‌های قصه‌گویی، مخاطب، جذابیت سینمایی می‌پردازد.

با دیدن فیلم در خواهیم یافت که «مادر قلب اتمی» سه سال اجازه نمایش در سینماهای سراسر کشور را دریافت نکرد چون فیلمی بود فاقد وجهت کافی برای عنوان «سینمایی بودن». مشخص نیست چرا سازمان سینمایی به فیلمنامه این فیلم مجوز ساخت سینمایی اعطا کرده است؟! چون فیلمی در این ابعاد فاقد شاخص‌های سینمایی است و بیشتر به یک فیلم ویدیویی و تلویزیونی شباهت دارد و سازمان سینمایی به دلیل کیفیت نازل داستانی باید به این فیلم پروانه ویدیویی اعطا می‌کرد.

پرسش قابل اعتنای دیگر این است که چه کسی به علی احمدزاده مجوز کارگردانی اعطا کرده است؟! چند نمای نخست کاملاً ویدیویی است و دوربین با زوم طولانی مدت روی صورت بازیگرها، رکورد طعم گیلان در مکث روی صورت بازیگران به وسیله دوربین رامی‌شکند. وقتی این نماهای طولانی را تماشا می‌کنیم، در خواهیم یافت که سازنده برای کاستن بار کاری تدوینگر، دست به چنین اقدامی زده است و کسلی و رخوت در نماهای اولیه تماشاگر را به شکل عجیبی خسته می‌کند.

کارگردان واقعا یک مبتدی واقعی است و با تماشا کردن فیلم‌های شاخص عبدالرضا کاهانی چیزک‌هایی یاد گرفته؛ اما نمی‌داند کاهانی برای ساخت فیلم‌های ابزورد، نخستین دستمایه قوی‌اش قصه ابزوردی ایرانی است و مادر قلب اتمی زور می‌زند که ابزورد باشد. با این تفاسیر شورای صنفی نمایش چقدر ساده‌انگارانه

اعتراضات شورای عالی تهیه‌کنندگان

صنفی یا شخصی؟ خودزنی بزرگ‌ترین تشکل صنفی

نوشت: «بر اساس اظهارات تهیه‌کننده و کارگردان فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» و شواهد موجود، بار دیگر حوزه‌ی هنری دست به تحریم یکی دیگر از فیلم‌های سینمایی ایران زده است. فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» که بر اساس موازین قانونی، ذیل پرچم جمهوری اسلامی ساخته شده و دارای برهه‌های معتبر پروانه ساخت و پروانه نمایش از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، به صورت نا متعارف دچار سانسور غیر رسمی و سلیقه‌های حوزه‌ی هنری شده و عملاً از سالن‌های بیشمار این نهاد که می‌بایست در زمینه قانون‌گرایی سرمشق سایر نهادها باشد، محروم شده است.

در این باره شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران، که در برگیرنده تمام اصناف تهیه‌کنندگی سینماست، در لیبیک به فرمان مقام معظم رهبری که احاد ملت را در قبال ناهنجاری‌های فرهنگی مکلف به «آتش به اختیار» فرموده‌اند، اعتراض شدید خود را به این نهاد اعلام می‌دارد و در مقابل چنین رویه‌ای از شورای صنفی نمایش مصرانه خواهان است تا دست کم به طور نمادین تعدادی از سالنهای نمایش حوزه‌ی هنری را تا زمان اصلاح رفتار آن نهاد، کلاً از سینمای ایران محروم کند تا لااقل مدیران حوزه‌ی هنری طعم تلخ محرومیت را برای زمانی کوتاه بچشند.

همچنین این شورا از علاقمندان و تماشاگران سینمای ایران می‌خواهد تا در جبران تحریم این فیلم، در سالن‌های دیگر به استقبال آن بروند تا ثابت شود سانسور نامتعارف و سلیقه‌ای خللی در جریان آزاد سینمای شریف ایران ایجاد نمی‌کند.

این بیانیه از کلید واژه مقام معظم رهبری استفاده کرده و بیان دغدغه‌های رهبری از طرف شورای عالی تهیه‌کنندگان اقدامی قابل توجه است اما واقعاً باید این کلید واژه برای حمایت از فیلمی مانند «مادر قلب اتمی» که خود مصداق ولنگاری فرهنگی است استفاده شود؟ با دیدن این فیلم مخاطب خود خواهد فهمید که غرض شورای عالی تهیه‌کنندگان از «آتش به اختیار» چه بوده است و همان منش جریان‌های فکری متضاد با فرهنگ دینی و انقلابی را پی می‌گیرد.

در نهایت با تعقیب رفتارهای شورای عالی تهیه‌کنندگان می‌توان فهمید که این شورا مشکلات صنفی و حمایتی خود را تنها معطوف به اغراض شخصی و منافع عده‌ای قرار داده و در پی آن مشکلات دیرینه خود با حوزه هنری را پیگیری می‌کند و گر نه چرا زمانی که فیلم «ویلاهای» با تمام تقدیراتی که در جشنواره فیلم فجر داشت و با وجود تمام حمایت‌هایی که جامعه منتقدان از آن کردند دچار مشکلات در اکران شد سکوت کردند؟ البته این سکوت در موارد متعددی قابل تعمیم است و می‌توان برای تک تک سکوت‌هایی که کرده تحلیل داشت. احساس می‌شود شورای عالی تهیه‌کنندگان ملعبه دست عده‌ایی با جریان‌اتی شده است. (۱)

منبع: باشگاه خبرنگاران پویا

افزاید: «با سازندگان آن چند فیلمی که بودند جلسه گذاشتیم و با برخی دیگر هم صحبت کردیم. سازندگان فیلم‌های اخیر هم به جلسات می‌آیند و صحبت کردیم. گاهی صحبت‌ها نتیجه می‌دهد و یا زمانی هست که به نتیجه نمی‌رسیم.»

اما مهرداد فرید معتقد است این گفت‌وگو در سینما شکل نگرفته است و ادامه می‌دهد: «شما باید به فیلمساز تفهیم کنید که چه فیلم‌هایی را حوزه هنری اکران نمی‌کند. برخی از فیلمسازان مشکل‌شان این است که نمی‌توانند شما را ببینند و با شما صحبت کنند و بپرسند ایراد فیلم من چیست. حوزه هنری اگر قصد اکران نکردن فیلم‌هایی را دارد باید بر اساس دستورالعملی این کار را انجام دهد تا فیلمساز بداند اگر چه فیلمی بسازد نمی‌تواند از امکان اکران در سالن‌های حوزه بهره بگیرد». حمزه زاده همچنین در پایان صحبت‌هایش گفت: «نکته‌ای که در مورد فیلم‌ها وجود دارد این است که سینماگران تصور می‌کنند اگر سراغ تصویر کردن خطوط قرمز در فیلم‌شان بروند، بیشتر جلب توجه می‌کنند. ما نمی‌توانیم فیلمی که آرمان‌های انقلاب و جنگ و باورهای مردم را زیر سوال می‌برد و مردم را ناامید می‌کند و روزگار را تیره و تار نشان می‌دهد، نمایش دهیم. سینماهای حوزه سینمای خانواده است»

اختلاف بین حوزه هنری در قامت یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین سینمادار کشور و جریان فکری حاکم بر شورای عالی تهیه‌کنندگان فعلی در حق انتخاب اکران محدود می‌شود و باید بر سر این حق انتخاب سخن به میان آورد. یک سینمادار خصوصی با نگرش اقتصادی حق انتخاب خود را با فلسفه وجودی و تداوم حیات فکری‌اش تنظیم می‌کند و فیلمی که فروش دارد را به هر ترتیبی که شده در زمان اکران مناسب و تعداد سینمای بیشتر و بهتر انتخاب می‌کند، با همین نگرش است که فیلم «تهنگ عبیر» سه برابر سایر فیلم‌های روی پرده، سالن در اختیار دارد.

حال در جریان کاپیتالیستی اکران، مفهوم انتخاب نباید زیر سوال برود همانطور که یک سینمادار هزار ترنند را برای حفظ و اکران یک فیلم پر فروش به کار می‌برد حوزه هنری هم حق دارد فیلم‌هایی را که با آرمان‌های فکری‌اش در تضاد است اکران نکند، برای انتخاب اکران، فلسفه فکری یک سینمادار خصوصی نگاهی منفعت‌گرایانه را برایش توجیه می‌کند و فلسفه فکری حوزه هنری هم به عنوان یک سینمادار باید در انتخاب فیلم‌هایش برای اکران نمود پیدا کند. ظاهراً سازمان سینمایی حوزه هنری معتقد است و به صراحت و به کرات اعلام کرده است که بزند سینماهایش «خانواده» است و هر فیلمی که به ساخت خانواده لطمه بزند جایی در این سینماها ندارد.

اما، شورای عالی تهیه‌کنندگان صرفاً برای حمایت یا تحریم یک جریان فکری اقدام به صدور بیانیه و رأی‌زنی می‌کند. اخیراً هم برای اکران فیلم «مادر قلب اتمی» حوزه هنری را آماج حملات خود قرار داد و در بیانیه‌اش

مدتی است نگاه‌های صنفی در شورای عالی تهیه‌کنندگان جای خود را به نگاه‌های شخصی و رویکردهای جریانی داده و واکنش‌های این نهاد صنفی تنها برای حمایت و محکومیت جریانات جریانات خاصی در سینما محدود می‌شود.

شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران یکی از قدیمی‌ترین صنفی سینماست. همین‌طور، از تأثیرگذارترین‌ها، اما مدتی است نگاه‌های صنفی در این تشکل جای خود را به نگاه‌های شخصی و رویکردهای جریانی داده و واکنش‌های این نهاد صنفی تنها برای حمایت و محکومیت جریانات خاصی در سینما محدود می‌شود و صنف از نگاه کلی و حمایتی دور شده است.

موضوع نه از بیانیه شورای عالی تهیه‌کنندگان برای حمایت از فیلم «مادر قلب اتمی» بلکه از گرایش‌های فکری این صنف برای حمایت از تنها یک جریان خاص در سینما که هم‌فکر و مرتبط با اعضای این شورا است آغاز می‌شود. وقتی شورای عالی تهیه‌کنندگان برای حمایت از اکران فیلم «لانتوری» بیانیه شدیدالحنی به حوزه هنری می‌نویسد، این زخم کهنه سر باز می‌زند. حوزه هنری حاضر به اکران فیلم «لانتوری» در سینماهای خود نیست و منجر به بیانیه زیر می‌شود: «از مصادیق مصادره‌ی سلیقه‌ای و گروهی، تحریم فیلم‌های اجتماعی سینمای شریف ایران است که اغلب تحسین جهانی را برانگیخته است. سوال بزرگ افکار عمومی از معدود مدیران حوزه‌ی هنری پس از قریب به سی و هشت سال از انقلاب اسلامی این است که اگر سالن‌های آن نهاد انقلابی جایی برای فیلم‌های ارزشمندی چون «لانتوری» ندارد، پس اصولاً حوزه‌ی هنری برای چه به فعالیت ادامه می‌دهد؟ آیا بهتر نیست که مدیران آن حوزه مروری دوباره بر دلایل تاسیس آن نهاد محترم کنند؟

از نظر شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران، هر فیلمی که مراحل قانونی را در تولید و نمایش طی می‌کند، استحقاق نمایش را در تمامی سالن‌های سینمایی خصوصاً آنها که به نحوی متعلق به بخش عمومی و طبعاً، مردم ایران است، دارد.»

این کشمکش‌ها ادامه پیدا می‌کند و چند ماه بعد مناظره‌ای بین محمد حمزه‌زاده رییس سازمان سینمایی حوزه هنری و مهرداد فرید، دبیر شورای عالی تهیه‌کنندگان سینما در برنامه «شهر فرنگ» برگزار می‌شود.

رییس سازمان سینمایی حوزه هنری در این مناظره می‌گوید: «کسانی که این روزها از حوزه هنری انتقاد می‌کنند، خودشان با مسئولان حوزه و در جریان افتتاح سالن‌های حوزه حضور داشتند و عکس یادگاری گرفتند. حوزه هنری چهار هزار صندلی در این هشت ماه اخیر به سینماهای کشور اضافه کرده است و تا آخر ۹۶ این تعداد به هشت هزار می‌رسد.»

او همچنین، در مورد فیلم‌هایی که برای پخش از سینماهای حوزه هنری به مشکل بر خورده‌اند، می‌گوید:

انتقاد کیهان از شورای عالی تهیه کنندگان این شورا برای باندبازی از بیانات رهبر معظم انقلاب هزینه کرده است



شورای عالی تهیه کنندگان باز هم با حمایت گزینشی از فیلم‌ها نشان داد که بیش از منافع صنفی در پی باندبازی و گروه‌گرایی است.

به گزارش دنیای سینما، شورای عالی تهیه کنندگان در واکنش به تحریم یک فیلم از سوی حوزه هنری بیانیه صادر کرده است. این در حالی است که فیلم مذکور، فاقد حداقل ارزش‌های تکنیکی و هنری است (محتوایی بماند) و اساساً چگونگی صدور مجوز برای تولید آن از سوی سازمان سینمایی محل سؤال است!

شورای عالی تهیه کنندگان سینما معمولاً در مواجهه با ظلم و اجحاف به فیلم‌ها سکوت می‌کند. به طور مثال در برابر نمایش انیمیشن «نبرد خلیج فارس ۲» که تنها در دو سه سالن و آن هم به صورت تک سانس به نمایش درآمد یا برخورد با «ویلاهی‌ها» هیچ بیانیه‌ای صادر نکرد. اما همین شورای اصطلاح صنفی، برای حمایت از فیلمی که به رغم ساختار زیر صفرش در تعداد قابل توجهی سینما اکران شده بیانیه صادر کرده است. نکته قابل توجه این است که شورای عالی تهیه کنندگان اقدام خود برای پشتیبانی غیرعادلانه از یک فیلم ضعیف را «آتش به اختیار» قلمداد کرده است و برای باندبازی، از بیانات رهبر معظم انقلاب هم هزینه کرده است!



تمسخر پایداری ایران برای حق هسته‌ای روی پرده دولت!

سیدزاده، تهیه‌کننده این فیلم به حذف تنها شش دقیقه از فیلم منجر شد. صحنه‌هایی از فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» به خیالپردازی طوفان، شخصیت اصلی فیلم با بازی محمدرضا گلزار می‌پردازد. در این فیلم سیداحسان امانی در نقش صدام ظاهر شده است. تمام صحنه‌های این فیلم در یک ماشین و در شبی در تهران فیلمبرداری شده است. علی احمدزاده و مانی باغبانی فیلمنامه این اثر را نوشته‌اند. «مادر قلب اتمی» عنوان دومین ساخته بلند سینمایی علی احمدزاده است که حدود دو سال و نیم از بلاتکلیفی آن می‌گذرد؛ فیلمی که در چند جشنواره خارجی حضور پیدا کرد و جوایز متعددی را نیز نصیب عوامل خود و نه ملت ایران کرد، اما به دلیل عدم صدور پروانه نمایش مدت‌ها بلاتکلیف بود، فیلمی که بلاهت و بی‌ریشگی بخشی از جوانان پایتخت را در دوره‌ای سرنوشت‌ساز از تاریخ پیش چشم مخاطب خارجی می‌گذارد.

ظاهراً با مرگ عباس کیارستمی باید فاتحه آن جنس از سینمای جشنواره‌ای عاری از سیاست‌زدگی را خواند. آثاری که هرچند آبی برای صنعت سینمای ایران گرم نمی‌کرد، ولی آبروی مردم ایران را هم نمی‌برد. از این به بعد ماجرا متفاوت است، شاهد دوره‌ای هستیم که از آن باید با عنوان دوران فیلمسازان میان‌مایه یاد کرد، فیلمسازانی چون رضا درمیشیان و علی احمدزاده. «مادر قلب اتمی» پس از رفت و آمدهای خارج از کشورش حالا قرار است در ایران به نمایش دربیاید، تهیه‌کننده‌اش جایی گفته: «این فیلم سینمایی واقعاً در جهت منافع نظام جمهوری اسلامی ایران است. دیالوگ‌هایی در فیلم وجود داشت که ممکن بود باعث ایجاد شبهاتی شود که در نهایت یا حذف شدند یا روی آنها یک نریشن گذاشتیم.»

منبع: روزنامه جوان

نخ‌نمای صلح‌طلبی‌اش هنوز برای فیلمساز اصالت دارد. فیلم بیش از اینکه سروشکل سینمایی درستی داشته باشد مانند بسیاری از آثار پرمدعای سیاست‌زده شبه‌روشنفکری، حراف است و با پرگویی‌های بی‌ربط و باربطش که به تصاویر سنجاق شده، قصد دارد اثری متفاوت بنماید. فوران هذیان‌هایی که نه از آرمانگرایی برخاسته و نه از واقع‌گرایی ریشه گرفته بلکه وامدار توهمات بی‌اساس و صغری، کبری‌های بی‌منطق است. از انگاره‌های همجنس‌گرایانه زوج اصلی داستان تا تشبیه تهران به بهشت تروریست‌ها و دیکتاتورهای جهان که حالا از صدام تا بن‌لادن رؤیای آن را دارند و در شبی خاص که اتفاقاً شب توزیع یارانه است به آن آمده‌اند! درباره فیلمی که پایداری ملت ایران را برای رسیدن به حش در استفاده از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای تمسخر می‌کند چه می‌توان نوشت و چه واکنشی می‌توان داشت؟

فیلم، البته چه آن زمان اکران می‌شد و چه الان توفیر زیادی در ارتباط‌گیری با مخاطب نداشت، محمدرضا گلزارش کافی است تا فروش حداقلی را تضمین کند. شورای پروانه نمایش سازمان سینمایی سال گذشته ۱۹ مورد اصلاحات را بر «مادر قلب اتمی» وارد کرده بود که این ۱۹ بند شامل حذف ۲۹ دقیقه از این فیلم سینمایی می‌شد. در نهایت این حذفیات با میانجیگری سیدامیر



«مادر قلب اتمی» را باید جزو انبوه فیلم‌های جناحی سینمای ایران محسوب کرد؛ فیلمی که در آن پایداری ملی برای رسیدن به حق هسته‌ای مورد استهزا قرار می‌گیرد، اثری که البته تاریخ مصرف مفیدش را از دست داده (فیلم تولید سال ۱۳۹۲ است).

صراط: «مادر قلب اتمی» را باید جزو انبوه فیلم‌های جناحی سینمای ایران محسوب کرد؛ فیلمی که در آن پایداری ملی برای رسیدن به حق هسته‌ای مورد استهزا قرار می‌گیرد، اثری که البته تاریخ مصرف مفیدش را از دست داده (فیلم تولید سال ۱۳۹۲ است).

از میان سه فیلمی که به زودی اکران خود را در سینماهای کشور آغاز می‌کنند، یکی هم فیلم «مادر قلب اتمی» است، اثری که با وجود اعمال اصلاحات از سوی شورای پروانه نمایش باز هم از سوی اداره نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی پشت درهای اکران متوقف مانده بود، به تازگی مجوز اکران از ۱۰ خرداد را گرفته است.

«مادر قلب اتمی» را باید جزو انبوه فیلم‌های جناحی سینمای ایران محسوب کرد؛ فیلمی که در آن پایداری ملی برای رسیدن به حق هسته‌ای مورد استهزا قرار می‌گیرد، اثری که البته تاریخ مصرف مفیدش را از دست داده (فیلم تولید سال ۱۳۹۲ است)، اما همچنان باید آن را فیلمی ضدملی قلمداد کرد؛ فیلمی عصبی که می‌خواهد خود را نقادانه بنمایاند، اما فقط به مرزهای ابتذال نزدیک می‌شود.

فیلم تلاش می‌کند انگاره‌های سیاسی خود را در قالب داستانی مبهم و بر پایه دیالوگ‌هایی بی‌سروته به مخاطب حلقه کند، اثری نازل و بی‌قواره که تراوش مغزهای حقیر و افکار کوتاه‌اندیشانه خواهان هضم ایران در جامعه به اصطلاح جهانی است؛ جامعه‌ای که شعار

نگاهی به فیلم ضعیفی که پس از سه سال توقیف، مجوز گرفت

آیا الطاف خاص ارشاد نصیب سایر توقیفی‌سازان نیز می‌شود؟

احسان سالمی

اعمال آن‌ها موجب کم‌شدن ۲۹ دقیقه از فیلم و تبدیل این اثر بلند سینمایی به فیلمی کوتاه بود! البته در نهایت با معرفی سیدضیاءالدین دری به عنوان نماینده شورای پروانه نمایش به سازندگان اثر قرار شد تا تمیزی‌ها با هماهنگی و مشورت و انجام شود و در کل ۸ دقیقه از زمان فیلم کوتاه شد و در بخش‌هایی از آن نیز از نریشن استفاده شد اما در نهایت باز هم معاونت نظارت و ارزشیابی سازمان سینمایی با صدور مجوز این فیلم مخالفت کرد. این موضوع در آن زمان این‌گونه مطرح شد که گویا شورای پروانه نمایش با نسخه اصلاح شده مشکلی ندارند اما اداره نظارت و ارزشیابی تصمیم گرفته فعلاً «مادر قلب اتمی» اکران نشود.

سرانجام پس از چند ماه کشمکش تهیه‌کننده اثر اعلام کرد که از حبیب ایل‌بیگی به خاطر جلوگیری از اکران این اثر شکایت خواهد کرد. موضوعی که رسانه‌ای از شدن آن در آن زمان تقریباً به تنها کمکی به حل مسئله نکرد بلکه ماجرای مربوط به این اثر را پیچیده‌تر کرد. الطاف خاص سازمان سینمایی به یک فیلم توقیفی! البته پرونده این ماجرا مدتی مسکوت ماند و علی‌احمدزاده کارگردان این اثر که تا آن زمان دو فیلم توقیفی در کارنامه کاری خود داشت به سراغ ساخت سومین اثر سینمایی خود به نام «پدیده» رفت. اثری با حضور بازیگران سرشناس همچون هدیه تهرانی، امیر جدیدی، مهرداد صدیقیان، پگاه آهنگرانی، نازنین فراهانی که بخش‌هایی از آن در سوئیس و با حضور دو بازیگر بومی جلوی دوربین رفت.

فارغ از این که این کارگردان جوان چگونه با داشتن دو فیلم توقیفی توانسته سرمایه ساخت تولید اثر سومش را با این تعداد بازیگر سرشناس ایرانی و در شرایطی که بخش‌هایی از آن در کشور گرانی چون سوئیس فیلمبرداری شده، بسازد؛ آنچه که در نهایت از ثمره حضور حیدریان در قامت معاونت جدید سینمایی دولت حاصل شد؛ فراهم شدن فرصت اکران ضربتی دومین اثر او یعنی «مادر قلب اتمی» بود. آن هم در شرایطی که چندی پیش اولین فیلم این کارگردان یعنی مهمونی کامی که به واسطه مخالفت ارشاد مجوز نمایش نگرفته بود توسط خود او در فضای مجازی منتشر شد؛ اقدامی که دهن کجی آشکار او به قوانین وزارت ارشاد در ارتباط با انتشار آثار سینمایی محسوب می‌شد.

اما در نهایت و با وجود چنین شرایطی دومین فیلم این کارگردان در فاصله اندکی پس از برگزاری انتخابات ریاست جمهوری دوازدهم و تعیین ادامه فعالیت تیم حسن روحانی در این عرصه، به یک باره و بدون هیچ‌گونه خبر قبلی پروانه نمایش گرفت و در روزهایی که بسیاری از آثار مهم سینمای ایران در صف اکران در جامی‌زند؛ به سرعت راهی اکران عمومی شد تا فرصتی برای اعتراض احتمالی رسانه‌ها در ارتباط با این اتفاق باقی نماند. تصمیمی که به نظر می‌رسد برنامه دولتی‌ها برای سرپوش گذاشتن بر کم‌کاری‌های دولت در پاسخ به مطالبات اقشار مختلف جامعه از جمله هنرمندان در دوران پس از انتخابات ریاست جمهوری است. ⑩

منبع: پایگاه خبری تحلیلی فردا

زمان با اظهار بی‌اطلاعی از انتشار چنین پوستری در استدلالی غیرقابل قبول گفت: «من هم این موضوع را از طریق فضای مجازی متوجه شدم و باید در این مورد با کارگردان فیلم صحبت کنم که چرا از چنین نمادی برای فیلم استفاده شده است اما در فیلم چند جمله وجود دارد که شخصیت‌ها در مورد تاریخچه توالف فرنگی صحبت می‌کنند و شاید به همین دلیل در پوستر استفاده شده است!»



خوشحالم در فجر نیستم و در برلین هستم!

در این میان اتفاقات جالب توجه دیگری نیز برای فیلم‌افتاد که قابل تأمل بود. سازندگان مادر قلب اتمی که فرم حضور در جشنواره را پر کرده بودند با مخالفت هیئت انتخاب جشنواره نتوانستند در این رویداد حضور پیدا کنند. هر چند که هیئت انتخاب دلیل این موضوع را ضعف ساختاری و فنی آثار انتخاب نشده دانست ولی به نظر می‌رسد دلیل اصلی عدم انتخاب این آثار از جمله «مادر قلب اتمی»؛ علاوه بر ضعف‌های مغرط فنی، عبور از برخی خط‌قرمزهای سیاسی و فرهنگی جامعه باشد. اما درست چند هفته پس از این اتفاق خبری در ارتباط با حضور «مادر قلب اتمی» در جشنواره فیلم برلین منتشر شد تا اثری که هنوز موفق به دریافت پروانه نمایش در داخل کشور نشده بود راهی بخش فروم یکی از سیاسی‌ترین جشنواره‌های فیلم جهان شود. علی‌احمدزاده کارگردان «مادر قلب اتمی» در آن زمان درباره این اتفاق گفت: «در حالی که هیئت انتخاب سی و سومین جشنواره فیلم فجر بارای‌های منفی خود فیلم مرا رد کردند، مسئولان جشنواره فیلم برلین آن را دیده و انتخاب کردند. در شرایط فعلی که فیلمم از فجر حذف شده، انتخاب آن در برلین برایم مهم‌تر و بارزش‌تر شده است. من دو فیلم ساخته‌ام که اولی هنوز اجازه اکران در کشور را پیدا نکرده و دومی هم از جشنواره فجر حذف شده است.»

شکایت بازی بی‌نتیجه!

در حالی که «مادر قلب اتمی» در حال پشت سر گذاشتن تور جشنواره‌گردی خود بود؛ کشمکش‌های سازندگان این فیلم با مدیران ارشاد دولت یازدهم برای صدور پروانه نمایش عمومی ادامه داشت تا در نهایت ۱۹ مورد اصلاحیه به فیلم وارد شود؛ اصلاحیه‌هایی که

به نظر می‌رسد اجرای طرح اکران ضربتی فیلم‌های توقیفی که با «مادر قلب اتمی» کلید خورده است، برنامه دولتی‌ها برای سرپوش گذاشتن بر کم‌کاری‌های دولت در پاسخ به مطالبات اقشار مختلف جامعه از جمله هنرمندان در دوران پس از انتخابات ریاست جمهوری است.

قطار سریع‌السیر رفع توقیف آثار سینمایی مشکل‌دار در حالی این روزها به ایستگاه «مادر قلب اتمی» رسیده است که به نظر می‌رسد در چند ماه آینده باید شاهد اکران فشرده و پیاپی فهرستی از فیلم‌های توقیفی سال‌های پیش در سینماها باشیم.

دولتی‌ها که از چند وقت پیش وعده رفع توقیف آثار سینمایی مشکل‌دار را به اهالی سینما داده بودند این روزها سخت مشغول کار هستند تا به هر نحوی که شده آثار سینمایی توقیف شده را به اکران عمومی درآورند و در این مسیر نام آثاری چون «خانه پدری» و «ارادتمند؛ نازنین، بهار، تینا» بیش از دیگران به گوش می‌رسد.

دلیل توقیف ۴ ساله یک فیلم

مادر قلب اتمی دومین ساخته علی‌احمدزاده کارگردان جوان سینمای ایران بود که پس از اولین ساخته توقیفی او یعنی «مهمونی کامی» ساخته شد. او که پس از ساخت این فیلم به واسطه اعتراض شورای پروانه نمایش به مسئله بدحجابی در این فیلم نتوانست از سد مجوزهای لازم برای نمایش اولین اثرش بگذارد در حالی به سراغ ساخت «مادر قلب اتمی» رفت که این بار از حضور سیدامیر سیدزاده چهره شناخته شده سینمای ایران در مقام تهیه‌کننده بهره برد. احمدزاده که در «مهمونی کامی» به سراغ داستان گروهی جوان رفته بود که برای شرکت در یک مهمانی راهی شمال می‌شوند؛ در دومین اثرش نیز فضایی در ادامه «مهمونی کامی» انتخاب کرده و با انتخاب داستانی جاده‌ای، چهار جوان را در شب واریز یارانه‌ها درگیر حادثه‌ای می‌کند که آن‌ها را در کنار هم قرار می‌دهد.

نکته جالب این است که احمدزاده پیش از این در ارتباط با قصه این فیلم آن را اثری در انتقاد از مواضع غرب علیه ایران معرفی کرده اما براساس آنچه که تاکنون درباره این اثر منتشر شده، فیلم بیشتر در جهت تمسخر پایداری ملی برای رسیدن به حق هسته‌ای حرکت کرده است و به نظر می‌رسد اساساً همین موضوع اصلی‌ترین دلیل توقیف این فیلم از ۴ سال پیش تا به امروز است.

توالف فرنگی جنجال‌برانگیز!

احمدزاده که با ساخت مهمونی کامی نشان داده بود اصولاً کارگردانی است که پرداختن به حاشیه‌ها را بر استفاده از فنون و قواعد حرفه‌ای سینمایی ترجیح می‌دهد؛ در دومین ساخته خود نیز پیش از آن که حاشیه خاصی دامن اثر را گرفته باشد؛ با انتشار پوستری هنجارشکن درباره فیلم؛ تلاش کرد تا اثر خود را فیلمی صریح و جنجالی معرفی کند.

طراحان پوستر این اثر در اقدامی عجیب با استفاده از المان توالف فرنگی و یک کش پاشنه‌بلند قرمز رنگ دست به طراحی این پوستر زدند. جالب آن که «سید امیر سیدزاده» تهیه‌کننده این اثر در آن

چراغ سبز ارشاد به فیلم‌های هنجارشکن مشاطه‌گری سیاسی و جولان فیلم‌های موهن

اهدای بسته‌های تشویقی و چراغ سبز به فیلم‌های هنجارشکن و توقیفی زنگ خطر مضاعفی را برای سینما به صدا در آورده است.

مردان سیاست و اهل تدبیر اگر چه واقفند که ایجاد فضای «گشاد فرهنگی و اجتماعی» آن هم در ماه عسل کارزار سیاسی و گذار انتخاباتی موضوعی مقطعی و قابل درک است ولی اقدام‌های شتابزده و عجولانه مردان اجرایی سازمان سینمایی ارشاد که مصداق «به جای کلاه سر آوردن» است به نظر می‌رسد برای خوش خدمتی پا را گلیف فراتر نهاده و دست به تابوشکنی های زده‌اند که به طور قطع، عواقب و پی‌آیندهای آن بیش و پیش از همه دامن وزارت فخریه ارشاد را می‌گیرد و به تداوم پاشنه آشیل دولت تبدیل می‌شود. مضافاً، اینکه احساس می‌شود کم‌ترین درایت، هوشمندی و سیاست ورزی در اقدامات صورت گرفته دیده نمی‌شود.

درست است که می‌گویند حافظه تاریخی ما ضعیف است ولی جناب وزیر، این ضعف حافظه تا بدان جا نیست که یادمان رفته باشد وزیر سلف جنابعالی در خصوص برخی فیلم‌های سینمایی از جمله: فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» نزد مراجع و علمای اسلامی اظهار ندامت کرده و به صراحت عنوان داشته است که: فیلم «پنجاه کیلو آلبالو» نباید مجوز اکران می‌گرفته و از دست شورای صدور پروانه نمایش دررفته و به اشتباه مجوز اکران دریافت کرده است.

تا جایی که به دستور وزیر وقت فیلم از پرده‌ها پایین کشیده شده و حاشیه‌های زیادی را به همراه داشته است. همچنین، در کنار این فیلم چندین فیلم توقیفی دیگر هم قرار داشته که اغلب آن‌ها از جمله همین فیلم موهن «مادر قلب اتمی» رنگ پرده سینما را هیچ‌گاه ندیده بودند. پخش نسخه ویدیویی فیلم سخیف و مخرب «پنجاه کیلو آلبالو» و اکران «مادر قلب اتمی» در سینماها و زمزمه‌های رفع توقیف فیلم‌هایی دیگر از این طیف بدون پروسه کارشناسی جای بسی نگرانی دارد. آن هم، اجرای ناگهانی سیاست درهای باز، دادن چراغ سبز به فیلم‌های توقیفی و میدان دادن برای جولان و تاخت و تاز این دست از آثار در شرایطی که رهبری معظم انقلاب بیش از هر زمانی منتقد وضعیت نابسامان فرهنگی کشور علی‌الخصوص، «سینما» هستند بسیار جای تأمل و مذاقه دارد.

در این میان ماجرای فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» بیش از بقیه قابل توجه تر است. فیلمی که هم به دلیل رفتارهای ضدقانونی کارگردان آن که اتفاقاً، متناظر به این فیلم و فیلم قبلی‌اش رکوددار توقیف فیلم در دولت‌های دهم و یازدهم است و هم به دلیل ساختار محتوایی، مفاهیم جلف و توهین آمیز و ابتذال فیلم نیاز به هوشمندی و بازاندیشی دارد.

شاید بتوان به صراحت عنوان کرد: تاکنون هیچ فیلمسازی به اندازه کارگردان «مادر قلب اتمی» به ارشاد و موازین قانونی سینما بی‌حرمتی و دهن کجی

نکرده است. این بی‌حرمتی هم در سطح نازل و ابتذال فیلم‌هایش، در واژه واژه دیالوگ‌ها، رفتارهای جنسی بازیگران، ارجاعات مفهومی ضد اخلاقی و ضد میهنی و ... ده‌ها نکته دیگر و هم در مواجهه فیلمساز با قوانین، نهادهای قانونی و مجاری آن بروز یافته است.

چرا سازمان سینمایی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به فیلمسازی هنجارشکن که هم در فیلم‌هایش هویت ملی و غیر ایرانی را به تمسخر گرفته، و هم در انتشار غیرقانونی آثارش در فضای مجازی نظام سینمایی و مجرای قانونی آن را مسخره کرده و در نقطه‌هایش در حاشیه فستیوال‌های خارجی هم بر آن تأکید ورزیده، شتابزده و از سر هیجان کور و تمنیات شائبه برانگیز سیاسی و غیر فرهنگی مجوز داده است؟

وقتی متولی حرمت امامزاده را نگه نمی‌دارد از دیگران چه انتظاری می‌توان داشت؟ آیا با اقدام غیر کارشناسی «ارشاد» این رویه زشت و خطرناک باب نمی‌شود که هر جا وزارتخانه و مراجع قانونی مانع نمایش فیلمی شوند می‌توان با لابی، مشاطه‌گری و سیاسی بازی امتیاز گرفت و راهش را گشود. یعنی وقتی اجازه ورود از در را ندهند می‌توان از پنجره به داخل پرید؟ و با ایجاد جنجال و حواشی امتیاز گرفت؟ این احتمال هم بعید نیست که مدیران سینمایی ارشاد در اقدامی احساسی و غیر کارشناسی در هرم پرالتذاذ ماه عسل انتخابات و ایجاد فضای گشاد فرهنگی این تصمیمات را گرفته باشند که آن وقت، یکی از شعارها، سیاست‌ها و رویکردهای آقای رئیس‌جمهور با محوریت قانون‌مداری را دچار خدشه و چالش کردند و به فیلم و فیلمسازی هنجارشکن و قانون گریز مجوز دادند.

احساس می‌شود فیلم «مادر قلب اتمی» نه بر اساس پارامترها و استانداردهای ارزیابی و ارزش‌گذاری در شورای نظارت ارشاد که صدور مجوز آن نتیجه «بازی سنگ - کاغذ - قیچی» باشد.

سازمان سینمایی کلاهش را بالا بیندازد با دادن مجوز نمایش به فیلمی که بدیهی‌ترین قواعد و قوانین را رعایت نکرد و زیر پا گذاشته است. فیلمی فاقد وجهت اولیه برای عنوان «سینمایی بودن» و اصلاً معلوم نیست چرا سازمان سینمایی به فیلمنامه این فیلم مجوز ساخت سینمایی اعطا کرده است؟!

مشخصات بارز این فیلم عبارتند از: «پورن محوری» با نشانه‌های رفتاری پرونوگرافیک و همجنس‌گرایانه دو شخصیت زن، دیالوگ‌های وقیح و مبتذل، بی‌حجابی بازیگران، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی حتی هنگام رانندگی، تمسخر و ریش‌خند باورهای ملی، دینی و قوانین، وطن‌گریزی و نفرت از وطن و رؤیای سفر به خارج از کشور و لو، سفر به دنیای انتزاعی از طریق خودکشی، آوازخوانی زنان فیلم، و ده‌ها مشخصه دیگر.

بعد از چراغ سبز ارشاد بر اساس آخرین مصوبه شورای نظارت مقرر شد که ۱۹ مورد و به مدت نیم ساعت از فیلم حذف گردد. متأسفانه حتی، این بار

هم سازندگان فیلم مصوبات قانونی را تمکین نکردند و تنها با حذف فقط پنج دقیقه از فیلم آن را روانه سینماها کردند. موضوعی که با اعتراض خاموش مدیران سینمایی حوزه هنری انقلاب اسلامی مواجه شد و حتی، در اعتراض به صدور پروانه نمایش برای چنین اثری اجازه اکران آن را در سینماهای حوزه ندادند. اقدامی که به نظر منطقی و درست می‌آید و جای قدردانی دارد.

شاید بتوان گفت: اکران این فیلم نشان داده است که حوزه هنری برخلاف جوسازی‌های مستمری که علیه‌اش به اسم «تحریم» صورت می‌گیرد ظاهرأ، حق دارد تا اجازه ندهد شان و منزلت سینماهایش با اکران فیلم‌های افسارگسیخته و بی‌حیا زیر سؤال برود و حق دارد اجازه ندهد تا مردم و خانواده‌ها برای تماشای چنین محصولات مبتذل و مستجهنی به سینماهایش بروند.

پیش از این‌ها هم شاهد بوده‌ایم که این نهاد انقلابی و مردمی به دلیل پیگیری مطالبات و منویات رهبری هیچ‌گاه اجازه می‌دیدان داری به فیلم‌های سخیف، موهن، هنجارشکن و ضد هویت ملی و دینی را نداده و این بار هم این مسیر را به تعبیر رهبری «آتش به اختیار» برای اصلاح، ارتقا و رشد سینمای ایران استمرار بخشیده است.

هرچند واکنش مخاطبان عمومی و خانواده‌ها در عدم استقبال از این فیلم در سایر سینماها هم نشان داده است که حریم سینما حریمی پاک و سالم است و قطعاً، از آثار مریض و مغل مبانی اخلاقی و ملی استقبال نخواهد شد. واکنش قاطبه منتقدان و رسانه‌ها در مدت اکران این فیلم مضافاً ثابت کرده است که رویکرد سینماداری حوزه هنری در مواجهه با این نوع فیلم‌ها نه تنها اشتباه نبوده بلکه گامی در جهت تقویت و بهداشت سینماهاست.

بدیهی است که این جنس آثار نان از حاشیه می‌برند و می‌کوشند با دوپینگ جنجال‌های رسانه‌ای، هیاهوها، جار و جنجال‌ها و جنگ‌های زرگری آب را گل‌آلود کنند تا بلکه بهره ببرند.

حال این سوال پیش می‌آید: چرا فیلم‌هایی که تا همین دیروز از گلوگاه‌ها و مجاری قانونی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اجازه عبور نداشته‌اند به یکباره، راهی جامعه می‌شوند؟ آن هم آثارى که بعضاً، صدای اعتراض مراجع تقلید و کارشناسان اجتماعی و دینی را هم در آورده‌اند؟ اینک، چه شده است که این آثار مبرا از اتهامات صلاحیت مصرف عموم را پیدا کرده‌اند؟ آیا محتوای فیلم‌ها تغییر کرده که شواهد نشان می‌دهد در این زمینه اتفاقی رخ نداده است. یا اینکه قوانین تغییر کرده‌اند؟

وقتی رهبری معظم انقلاب از فضای پر مسئله و پر چالش و از وضعیت بغرنج فرهنگ و سینما انتقاد دارند عرضه آثار مسئله‌دار و بعضاً، اهانت آمیز و ریش‌خندکننده به هویت ملی و آرمان‌های نظام و اعتقادات مردم چه توجیهی دارد؟ □ منبع: نسیم آنلاین



چرایی حمایت خانم نماینده از فیلم ضد دینی و موهن

شخصیت زن، دیالوگ‌های وقیح و مبتذل، بی‌حجابی بازیگران، مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی حتی هنگام رانندگی، تمسخر و ریشخند باورهای ملی، دینی و قوانین، وطن‌گریزی و نفرت از وطن و رؤیای سفر به خارج از کشور و لو، سفر به دنیای انتزاعی از طریق خودکشی، آواز خوانی زنان فیلم، و ده‌ها مشخصه دیگر.

کاش اعضای محترم کمیسیون فرهنگی نسبت به رواج و گسترش قارچ گونه سینمای مبتذل و حاشیه ساز که جا را برای جولان محصولات دغدغه مند و ارزشی تنگ کرده اند اعتراض می کردند.

عملکرد حوزه هنری به عنوان قرارگاه هنر انقلاب اسلامی در عدم اکران این فیلم‌ها نه تنها اشتباه نیست بلکه قابل توجه است. مرکزی که تلاش کرده تا با عدم نمایش این دست از آثار اعتماد خانواده ها را نسبت به سینماهایش خدشه دار نسازد.

خانم ذوالقدر! سینماهای حوزه هنری فقط در سال گذشته میزبان بیش از هشت میلیون مخاطب بودند و این رقم در سال جدید بیست درصد رشد داشته است. چرا انتظار دارید این نهاد انقلابی و مردمی با نمایش یکی دو فیلم موهن و مبتذل اعتماد خانواده ها که بزرگ ترین سرمایه سینماهای حوزه هنری است را سلب نماید.

شک نکنید ایراد در جای دیگر است و وظیفه کمیسیون فرهنگی است تا با نظارت های کنترلی، مذاقه و مراقبت اجازه ندهد در مرحله گذار دولت ها و مدیران، آثار مخرب و نامناسب از گلوگاه های نظارت و ارزشیابی ارشاد عبور کنند. □

منبع: نسیم آنلاین

میانی دینی مردم نباشد مشمول سبب حمایتی این نهاد قرار نمی گیرد.

از عضو محترم کمیسیون فرهنگی انتظار می رفت تا در شرایط فعلی که رهبری نسبت به حوزه فرهنگ و به صورت مشخص و برجسته نسبت به حوزه سینما هشدار داده اند و از وضعیت انتقاد کردند از اقدام حوزه هنری در عدم نمایش فیلم های مبتذل، مستهجن و اهانت آمیز نسبت به مقدسات، اعتقادات و حرمت خانواده قدردانی می کردند.

کاش عضو کمیسیون فرهنگی مجلس اعتراض می کرد که چرا فیلمی که توسط مراجع تقلید و علمای دینی مورد انتقاد قرار گرفته بود و وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی رسماً عذرخواهی کرده این روزها در شبکه نمایش خانگی توزیع شده است؟ کاش انتقاد می کرد نسبت به صدور مجوز فله ای فیلم های هنجارشکن و مسئله داری که مطابق همان نص قانونی که ایشان اهتمام دارند توقیف شده بودند.

کاش خانم ذوالقدر در این شرایط از اجرای ناگهانی سیاست درهای باز، دادن چراغ سبز به فیلم های توقیفی و میدان دادن برای جولان و تاخت و تاز این دست از آثار در شرایطی که رهبری معظم انقلاب بیش از هر زمانی منتقد وضعیت نابسامان فرهنگی کشور علی الخصوص، «سینما» هستند اعتراض می کرد.

چرا باید یک نماینده مجلس از سیاست و رویکرد مراقبتی حوزه هنری نسبت به سینماها و خانواده های مخاطب این سینماها برآشفته شود که اجازه ندادند فیلمی در سینماهایش اکران شود که مهم ترین مشخصه هایش عبارت است از: «پورن محوری» با نشانه های رفتاری پرونوگرافیک و همجنسگرایانه دو

فاطمه ذوالقدر، عضو هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی مجلس نسبت به عدم اکران برخی فیلم ها در حوزه هنری انتقاد کرد و باید دید چرایی این انتقاد در چیست.

فاطمه ذوالقدر عضو هیات رئیسه کمیسیون فرهنگی مجلس در تازه ترین اظهار نظرش که ظاهراً به بهانه عدم اکران فیلم مستهجن «مادر قلب اتمی» در سینماهای حوزه هنری مطرح کرده است از گزینشگری حوزه هنری در نمایش برخی از فیلم ها در سینماهای تحت مدیریتش انتقاد کرد و گفت: {کمیته فرهنگ، هنر و رسانه کمیسیون فرهنگی مجلس بررسی رویکرد اتخاذ شده از حوزه هنری در خصوص برخی از فیلم های سینمایی را در دستور کار خود قرار داده است چراکه رعایت عدالت و تبعیت از قانون بر مدیرانی که در راس کار قرار دارند لازم است. حوزه هنری رویه خوبی در قبال فیلم هایی که همگی از فیلتر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گذشته اند، در پیش نگرفته است زیرا این کار علاوه بر آنکه اقدامی خلاف قانون است، باعث می شود آسیب های متعددی به سینما و سینماگران رسانده شود. وی با بیان اینکه نباید در کشور قانونمندی همچون ایران عده ای از نص صریح قانون اطاعت نکرده و آنطور که خود می خواهند رفتار کنند، افزود: تصمیم گیری در خصوص اکران فیلم ها در شورای مجوز اکران صورت می گیرد و فیلمی که دارای مجوز ساخت و اکران از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است، نباید در مرحله اکران در گیر تصمیمات متعدد شود. }

جای خرسندی دارد که این عضو کمیسیون فرهنگی مجلس برای حفظ منافع سینماگران پا به میدان می گذارد ولی چرا در شرایطی که رهبری معظم انقلاب از وضعیت وخیم فرهنگی و حوزه پر مسئله و پرچالش سینما اظهار نگرانی می کند این نماینده محترم به بهانه حمایت از یک فیلم موهن که پس از سه سال تازه بعد از حال و هوای انتخابات یکپهویی رفع توقیف می شود ورود می کند؟

امیدواریم که سرکار خانم ذوالقدر این فیلم را ندیده باشند و گرنه بعد از تماشای یک چنین فیلم سخیف و آکنده از الفاظ رکیک و رفتارهای جنسی و جلف به انتقاد از سینماهای حوزه هنری به دلیل عدم نمایش این فیلم بپردازد و افعا، جای نگرانی مضاعف دارد.

حوزه هنری همان نهادی است که در دولت پیشین و در اوج اختلاف ها در خانواده سینما در حمایت از سینماگرانی که در اثر تعطیلی خانه سینما متواری بودند فارغ از تنگ نظری های سیاسی چتر حمایتی پهن کرد تا انسجام، وفاق و همدلی در این جامعه سینمایی کمرنگ نشود و در همان دوره هم به حسب ضرورت های فرهنگی و اجتماعی در واکنش به عملکرد بعضاً غلط تیم سینمایی گذشته و اعتراض به گسترش موج فیلم های «فسادمحور» و «عشق های مثلی» علم جلوگیری از اکران این گونه فیلم ها را برافراشت و این پرچم همواره برافراشته است تا آثار مغایر و متضارب با آرمان های انقلاب، ارزش ها و باورهای فرهنگی و اجتماعی و مخرب بنیان های خانواده و اخلاق میدان داری نکنند.

این نماینده محترم آیا اطلاع دارند که سینماهای حوزه هنری با برند و محوریت «تحکیم بنیان های خانواده و اخلاق و سرگرمی های سالم» فعال است و هر فیلمی که در راستای تحکیم خانواده، تقویت مناسبات اخلاقی، گسترش و محکم سازی باورهای فرهنگی و اجتماعی و

وقتی شورای عالی تهیه‌کنندگان

نعل را وارونه می‌زند!!

سوءاستفاده از کلیدواژه رهبری در حمایت از فیلمی موهن

محمد شیرزاد

شورای عالی تهیه‌کنندگان در اقدامی عجیب و شتابزده با سوءاستفاده از کلیدواژه «آتش به اختیار» با صدور بیانیه‌ای تند به حمایت از فیلمی سینمایی پرداخته که مصداق بارز ولنگاری فرهنگی است.



در بخشی از بیانیه شورای عالی تهیه‌کنندگان به بهانه عدم نمایش فیلم «مادر قلب اتمی» در سینماهای حوزه هنری با مصداق به مطلوب و بهره برداری غرض‌ورزانه از سخن رهبر انقلاب که به صراحت در نفی وضعیت بحران زده فرهنگ و سینما و انتقاد از رویکرد متساهلانه دستگاه‌های مختل در میدان دادن به مصداق فرهنگ و سینمای مبتذل، ضدفرهنگی و ضدملی ایراد شده، ردانه و شیطنت‌آمیز در جهت خلاف واقع استفاده کرده و به حوزه هنری تاخته است.

در قسمتی از این بیانیه آمده است: «شورای عالی تهیه‌کنندگان سینمای ایران، در لبیک به فرمان مقام معظم رهبری که احاد ملت را در قبال ناهنجاری‌های فرهنگی مکلف به «آتش به اختیار» فرموده‌اند، اعتراض شدید خود را به این نهاد (حوزه هنری) اعلام می‌دارد و در مقابل چنین رویه‌ای از شورای صنفی نمایش مصرا نه خواهان است تا دست کم به طور نمادین تعدادی از سالن‌های نمایش حوزه هنری را تا زمان

تشکیل سینمایی کشور هم نفوذ و رخنه کرده است.

تحلیل خوش‌بینانه این است که اعضای محترم شورای عالی تهیه‌کنندگان فیلم «مادر قلب اتمی» را ندیده باشند و از محتوا و فحوای آن بی‌اطلاع باشند و پس از پاره‌ای فشارهای پشت‌پرده عجولانه و ساده لوحانه، متناظر به حمایت صنفی از یک عضو، اقدام به صدور بیانیه کرده باشند، یا حتی، می‌توان به درک نازل این عزیزان از عمق دغدغه‌های رهبری اشاره داشت، در غیر این صورت، در چه حال و شرایطی اعضای تشکلی در این سطح کج‌اندیشانه برای حمایت از فیلمی موهن و هنجارشکنانه از سخن رهبری مایه می‌گذارند.

هنگامی که رهبر معظم انقلاب در اعتراض به آشفتگی و انحراف در فضای فرهنگ، هنر و سینما فرمودند: «... در مسئله فرهنگ، بنده احساس یک ولنگاری می‌کنم؛ در دستگاه‌های فرهنگی — اعم از دستگاه‌های دولتی و غیردولتی — یک نوع ولنگاری و بی‌اهتمامی در امر فرهنگ وجود دارد؛ چه در تولید کالای فرهنگی مفید که کوتاهی می‌کنیم، چه در جلوگیری از تولید کالای فرهنگی مضر که کوتاهی می‌کنیم...» اعضای محترم این شورا کجا بوده‌اند؟

وقتی رهبری عنوان کردند: بنده نگران مسئله فرهنگ هستم و اساس، باید تقویت جناح فرهنگی مؤمن باشد، این شورا کجا بوده است؟

وقتی فرمودند: چرا گاهی به بهانه نقد جامعه از روی خیلی ارزش‌ها عبور می‌کنیم؟ یا زمانی که تأکید کردند: «گاهی اوقات مشکلات فرهنگی موجب

ای‌کاش

شورای تهیه‌کنندگان

در لبیک به رهنمود رهبری گامی

فرا تر از سطح فشارها و لابی‌های

ژورنالیستی و تأمین مطامع کسانی

برای صیانت و مراقبت از شرف

سینمای ایران و قوت بخشیدن به

روند آشتی خانواده‌ها و مخاطبان با

سالن‌های سینما و اساساً، برای تقویت

جریان سالم سینمای «آتش به اختیار»

و جسورانه نسبت به رفتارهای

متجاسرانه و خیره‌سرانه یکی دو

فیلمساز هنجارشکن و حاشیه‌ساز

هم‌صنف واکنش نشان می‌داد

شده که من شب خوابم نبرده؛ به خاطر مسائل فرهنگی. این شورا چرا پاسخی نداده است؟

باید نگران بود که چه دست‌هایی پشت‌پرده صدور این بیانیه واقع شده‌اند تا تمام شأن و حیثیت یک تشکل را بر اثر فهم ناقص و واکنش احساسی خدشه‌دار کرده است؟ و از جایگاه یکی از بزرگ‌ترین صنف سینمایی برای کاور کردن و دفاع تمام‌قد از فیلمی به کار گرفته که لبریز از مفاهیم ولنگاری، ترویج ابتذال، مستی، خماری و پیام‌های ویرانگر و انحرافی است؟ فیلمی که شاکله آن را «شوخی‌های مبتذل»، «ارجاعات مفهومی ضدملی و ضددینی»، «اصرار بر هیجان‌انگیز بودن مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی»، «بی‌حجابی بازیگران»، «وقاحت رفتاری»، «تمسخر پایداری ایران برای حق هسته‌ای»، «آواز خوانی بازیگران زن»، «دیالوگ‌های مستهجن»، «روابط تعریف نشده»، «پارتنه‌های شبانه»، «تشویق به خودکشی» و «تخریب ارزش‌های معنوی و اخلاقی» و... تشکیل می‌دهد و به لحاظ وجهت و ساختار سینمایی هم فاقد استانداردهای اولیه است.

واقعاً، مسئولان وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و متولیان صنفی ما را چه می‌شود که در آشفته‌بازار این روزهای حوزه فرهنگ و هنر فیلم موهن «مادر قلب اتمی» زینت بخش پرده سینماهاست و «۵۰ کیلو آلبالو» فیلم تقبیح‌شده از سوی مراجع تقلید و علمای دینی میهمان سفره خانه‌های مردم در ماه مبارک رمضان می‌شود؟ ای کاش شورای تهیه‌کنندگان در لبیک به رهنمود رهبری گامی فرا تر از سطح فشارها و لابی‌های ژورنالیستی و تأمین مطامع کسانی برای صیانت و مراقبت از شرف سینمای ایران و قوت بخشیدن به روند آشتی خانواده‌ها و مخاطبان با سالن‌های سینما و اساساً، برای تقویت جریان سالم سینمای «آتش به اختیار» و جسورانه نسبت به رفتارهای متجاسرانه و خیره‌سرانه یکی دو فیلمساز هنجارشکن و حاشیه‌ساز هم‌صنف واکنش نشان می‌داد و با سری بلند نه فرو افتاده! از ساخت سینما و نجابت و شرف قاطلبه سینماگران و منافع کلان سینما دفاع می‌کرد.

چرا تشکلی که داعیه پاسخ‌گویی به رهنمود رهبری را دارد از فیلمی حمایت می‌کند که نه تنها نشانی از فرهنگ و ارزش‌های اسلامی و

حمایت از یک اثر ضد ملی با هجو عبارت آتش به اختیار

خود را به بی شعوری زدن

در حمایت از فیلمی مسئله دار!

شورای موسوم به تهیه کنندگان سینما روز گذشته با صدور بیانیه‌ای که بیشتر بوی تفسیر به رأی عبارت «آتش به اختیار» از آن به مشام می‌رسد، به خیال خود از اکران نشدن یک فیلم پوچ گرا، ضد ملی و هنجارشکن در برخی سالن‌های حوزه هنری انتقاد کرده است.

جواد محرمی

با وجود اینکه طی روزهای اخیر و پس از ایراد عبارت «آتش به اختیار» از سوی مقام معظم رهبری بسیاری از افراد و جریان‌های رسانه‌ای به تبیین دقیق این عبارت مبادرت کردند تا راه هر گونه سوءاستفاده و سوءبرداشت از این عبارت بسته شود اما برخی محافل و افراد ظاهراً دوست می‌کشند برداشت‌های سطحی خود را با فضا سازی‌های کودکانه و ژورنالیستی غلبه بدهند. فارغ از اینکه اعتراض به آنچه این شورا تحریم حوزه هنری خوانده اساساً چقدر به واقعیت نزدیک است، هجو عبارت آتش به اختیار در بیانیه این شورا شرم‌آور، موهن و غیرمسئولانه است و قطعاً نمی‌تواند نسبتی با شعور و عقلانیت در شورایی داشته باشد که علی‌القاعده انتظار می‌رود جمعی فرهیخته در آن حاضر باشند.

معلوم نیست عبارت آتش به اختیار دقیقاً از چه جنبه‌ای اعضای این شورا را نگران کرده و چرا ناراحتی ایشان را موجب شده که سیاست استهزا را دستاویز خود قرار داده است. در بیانیه این شورا آمده: «در لیبیک به فرمان مقام معظم رهبری که آحاد ملت را در قبال ناهنجاری‌های فرهنگی مکلف به آتش به اختیار موده‌اند، اعتراض شدید خود را به این نهاد اعلام می‌دارد و در مقابل چنین رویه‌ای از شورای صنفی نمایش مصرا نه خواهان است تا دست کم به طور نمادین تعدادی از سالن‌های نمایش حوزه هنری را تا زمان اصلاح رفتار آن نهاد، کلاً از سینمای ایران محروم کند تا لاقول مدیران حوزه هنری طعم محرومیت را برای زمانی کوتاه بچشند.»

شورای تهیه کنندگان خوب است به این پرسش پاسخ بگوید که پیش از این دقیقاً نسبت به کدام یک از فراخوان‌های رهبر معظم انقلاب خود را مکلف به صدور بیانیه کرده است که این بار دوم باشد؟! اگر دغدغه‌های فرهنگی رهبر انقلاب مورد اعتنای مدیران و دست‌اندرکاران اصلی خاصه تهیه کنندگان سینمای ایران بود که وضع سینمای کشور این نبود و سالانه شاهد تولید انبوهی از آثار هنجارشکن، ضد خانواده، بی‌ارزش و ضعیف از جیب ملت نبودیم، شورای عالی تهیه کنندگان بهتر است به جای سوءاستفاده و مصادره به مطلوب کلام رهبر انقلاب و حمایت از آثار ضعیف سینما فکری به حال وضعیت ناهنجار سینمای ایران بکند. چه اتفاقی افتاده که به یکباره دغدغه‌های فرهنگی رهبری انقلاب برای اعضای این شورا اهمیت پیدا کرده است؟! آیا این شورا یک شبه انقلابی شده است؟ در قضیه جنگ جمل هم خوارج شعار «لا حکم الا لله» را سر می‌دادند که امام علی (ع) فرمود: «کلمه حق یرید بها الباطل». در واقع آتش به اختیار کلمه حقی است که در اینجا باطل از آن اراده می‌شود. فیلمی که به واسطه لوث کردن عبارت رهبر معظم انقلاب مورد حمایت قرار گرفته و نیز فیلم پیشین کارگردان این اثر آثاری هنجارشکنانه محسوب می‌شوند. فیلم قبلی فیلمساز برخلاف قانون و با دهن کجی به وزارت ارشاد در فضای مجازی منتشر شد.

البته پیش از این مدیر پردیس سینمایی آزادی - وابسته به حوزه هنری - پاسخ برخی فضا سازی‌های رسانه‌ای درباره آنچه تحریم این نهاد خوانده می‌شد را داده بود و اعلام کرده بود که به دلیل نمایش سایر فیلم‌ها، این پردیس سینمایی امکان اکران فیلم احمدزاده را پیدا نکرده است و تأکید کرده بود که اکران نشدن این فیلم سینمایی ربطی به تحریم حوزه هنری ندارد. این شرم‌آور است که اعضای این شورا با دستاویز قرار دادن سخنان رهبر انقلاب و مصادره به مطلوب آن از فیلمی حمایت می‌کنند که مصداق بارز ولنگاری فرهنگی و ناهنجاری اجتماعی است، اتفاقاً عبارت آتش به اختیار برای سامان دادن به ولنگاری فرهنگی به کار رفته است. مخاطب این عبارت هم نیروهای دلسوز و دغدغه‌مند به ویژه قشر دانشجوی انقلابی هستند، متأسفانه دو جور شیطنیت در این بیانیه به چشم می‌خورد؛ لوث کردن سخن رهبر انقلاب و نیز حمایت از فیلمی پوچ گرا و ضد ملی. گمان نمی‌رود که مهرداد فرید و شورای تهیه کنندگان در استفاده از واژه «آتش به اختیار»، جاهلانه برخورد کرده باشند بلکه این اقدام رندانه و شیطنیت‌آمیز انجام گرفته است. ●

منبع: روزنامه جوان

ایرانی ندارد که تبلیغ مستقیم سبک زندگی غربی و رفتارهای بی‌بندوبارانه آمریکایی با چاشنی رفتارهای جنسی است؟ فیلمی ضد ملی و عصبی که در مرزهای ابتذال جولان می‌دهد و وامدار توهمت بی‌اساس و بی‌منطق همراه با انگاره‌های همجنس‌گرایانه است.

شورای پروانه نمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۱۹ مورد اصلاحات را بر «مادر قلب اتمی» وارد دانسته که این ۱۹ مورد شامل حذف ۲۹ دقیقه از این فیلم می‌شد. چه شد و با کدام میانجیگری این حذفیات تنها به شش دقیقه منجر شد؟ اختلال دستگاهی و رفتار سهل‌انگانه از کجا ناشی شد؟ چرا شورای عالی تهیه کنندگان که عطف به بیانیه صادره‌اش به «موازی قانونی و پرچم جمهوری اسلامی» اهتمام دارد نسبت به این بدعت و خبط خطرناک و رفتارهای بی‌رویه گریبان‌نچاکیده و واکنش نشان نداده است؟

متأسفانه، یک تشکل صنفی به جای رفتار کارشناسانه تحت تأثیر فشار و لابی تن به صدور بیانیه‌ای می‌دهد که با توجه به اتفاقات اخیر و رفتار برخی اعضا در آتش زدن پروانه عضویتشان از این صنف و با توجه به پیشینه شکاف‌های عمیق و بنیادین و عدم انسجام و شکل‌گیری صنف موازی به نظر می‌رسد بیش از همیشه ضعیف و ملعبه شده است.

آقایان شورای عالی تهیه کنندگان، زمانی که کارگردان همین فیلم، فیلم توقیف‌شده «مهمونی کامی» نسخه ممیزی‌نشده‌اش را برای داندول روی اینترنت قرار داده تا با دهن کجی به وزارت ارشاد، سازمان سینمایی، خانه سینما و جایگاه پروانه نمایش نظارت و ارزشیابی را زیر سؤال ببرد، واکنش تان کجا چه بود؟ و چرا آن هنگام از «موازی قانونی» دفاع نکردید؟

یادمان باشد همین فیلم سخیفی که شما امروز به‌استناد «موازی قانونی» از آن دفاع می‌کنید فیلمی است که سازندگان آن با بی‌اعتنایی و ریش‌خند بدون هماهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به‌رغم عدم صدور پروانه نمایش و با زیرپا نهادن موازی قانونی دور دنیا را گشته و ظاهراً از تشویق فستیوال‌های خارجی هم نصیب برده‌اند، آن هم فیلمی که جوانان ما را یک مشت ابله مست سرگردان حادثه‌آفرین در نیمه‌شب‌های تهران به تصویر می‌کشد که همگی سودای خروج از وطن و رفتن به خارج و ناکجا آباد را دارند، و تهرانی را روایت می‌کند که مأمین پلیس‌های ماشاات‌گر که مأمین «صدام حسین‌ها» و «بن‌لادن‌ها» ست. فیلم، نسل جوانی را به تصویر می‌کشد که افسرده، سست‌عنصر و بی‌دست و پا فقط به فکر خوشگذرانی، پارتی رفتن و علافی‌اند و دهانشان بوی شراب و مواد می‌دهد، فیلمی که زیرساخت‌های اجتماعی را نشانه گرفته، خودفروشی فرهنگی، وطن‌فروشی آشکار، بی‌اخلاقی، عیاشی و ولگردی در آن موج می‌زند.

هنوز و همچنان، جنازه غیور فرزندان و جوانان این مرز و بوم - شهیدان مدافع حرم و جهان‌وطن - روی شانه‌های این مردم است، هنوز خیابان و کوچه‌های تهران و شهرهای ما رایحه عطر دل‌انگیز شهادت دارد و همین چند روز پیش بود که خفاشان وحشی استکبار خون ده‌ها هموطن بی‌گناه ما را بر زمین ریخته‌اند؟ آن وقت شما نمایندگان مهم‌ترین صنف سینمایی قداره‌کش فیلم جلفی شده‌اید که هویت ملی، آرمان‌های انقلاب و باورهای مذهبی و معاد و آخرت را به‌سخره می‌گیرید؟ و تهران را بهشت تروریست‌ها نشان می‌دهد؟ و برای این لشکرکشی تان گل‌واژه‌های رهبری را رندانه مورد مصادره قرار می‌دهید؟ آیا این جفای مضاعف به رهبری و مردم نیست؟ آیا این نعل راوارونه زدن نیست؟ ●

منبع: باشگاه خبرنگاران پویا



ترویج ابتذال، مستی و خماری در مادر قلب اتمی فیلمی که در دقایق اول پدر و مادرها دست فرزندان را گرفته و سالن را ترک می کنند!

فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» به کارگردانی «علی احمدزاده» بالاخره بعد از ماه‌ها توانست رنگ اکران را به خود ببیند. فیلمی که پس از دو سال توقیف روی پرده آمده و مشخص نیست به چه دلیل توقیف آن برطرف شده است.

علی صفری

تصادفی که به حضور محمدرضا گلزار می‌انجامد. حضوری که نه تنها پیش برنده نیست بلکه نشان

دهنده سردرگمی بیشتر و بیشتر مخاطب است. محمدرضا گلزار با اینکه سعی در بازی متفاوت داشته اما حضور در فیلمی این چنین نه تنها نقطه‌ای مثبت محسوب نمی‌شود بلکه در کارنامه وی باری منفی دارد. شخصیت گلزار در این فیلم به فضای حاصل از وهم

مواد مخدر اضافه کرده و سعی دارد این اعتیاد را جذاب و خاص جلوه دهد.

مادر قلب اتمی

آواز خواندن بازیگران زن، شوخی‌های جنسی و دیالوگ‌های مستهجن، اصرار بر هیجان‌انگیز بودن مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی، روابط تعریف نشده، میهمانی‌های شبانه و خودکشی نمونه‌های دیگری از فیلمی است که شاید بزرگترین نقطه منفی چرخه اکران سینمای سال ۹۶ محسوب می‌شود.

حال باید دید این روند ناقص اکران فیلم‌های توقیفی ادامه خواهد یافت یا نه. فیلم‌های که در اولین گام به هدف تخریب ارزش‌های معنوی و اخلاقی تولید شده و در آشفته بازار این روزهای سینما امید به اکران دارند. در زمانی که آثاری همچون ویلای‌ها مورد بی‌مهری قرار گرفته اکران فیلم‌هایی مانند مادر قلب اتمی اتفاقی

محکوم به شکست برای سینمای ایران است. منبع: خبرگزاری میزان

فیلمنامه این اثر بدون حفظ خط روایی داستان، همچون کلیت آن دچار سردرگمی بوده و روایت خاصی را دنبال نمی‌کند. شخصیت‌ها در نیمه شبی از تهران رها شده و بی هیچ پس زمینه ذهنی صرفاً حضور دارند. مادر قلب اتمی

صحنه اول فیلم به یک میهمانی شبانه اشاره داشته و دو شخصیت اصلی زن آن مست از همان میهمانی خارج شده و به سطح شهر می‌روند. ابتذال در رفتار و دیالوگ‌ها در همان صحنه‌های ابتدایی در حدی است که برخی از تماشاگران به همراه فرزندان سالن را از ابتدا ترک می‌کنند.

حضور دو شخصیت زن اصلی این فیلم با بازی ترانه علیدوستی و پگاه آهنگرانی هیچ نقطه پیش رونده‌ای در فیلمنامه محسوب نمی‌شود. فضا و اتمسفر اثر کاملاً حاصل تخیل و مستی شخصیت‌ها بوده و همه چیز به شکلی کاملاً وهم‌آلود پیش می‌رود.

حضور مهر داد صدقیان به عنوان اولین بازیگر مرد حاضر در فیلم، فضای دیالوگ گونه و جنسی اثر را دوچندان کرده و نشان دهنده نسلی از جوانان است که کارگردان اصرار دارد آنها را درگیر اعتیاد و مشروبات الکلی معرفی کند.

مادر قلب اتمی

این شخصیت هم کمکی به داستان نمی‌کند. همه چیز به همین منوال پیش رفته تا تصادف رخ می‌دهد.

فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» به کارگردانی «علی احمدزاده» بالاخره بعد از ماه‌ها توانست رنگ اکران را به خود ببیند. فیلمی که پس از دو سال توقیف روی پرده آمده و مشخص نیست به چه دلیل توقیف آن برطرف شده است.

اظهار نظر مقام مسئول: موافقت می‌شود موافقت نمی‌شود امضا درخواست کننده: امضاء مسئول دفتر: امضاء مقام مسئول:

مادر قلب اتمی برخلاف تصور سازندگان و با وجود حضور چهره‌های سینمایی همچون محمدرضا گلزار بعد از یک هفته اکران به فروشی کم و معادل ۳۸۹ میلیون تومان رسیده و این نشان می‌دهد که این فیلم از دیدگاه مخاطبان اثری خوشایند نیست.

این فیلم از همان ابتدا و با پخش تیزر تبلیغاتی، اساس را بر ارائه شوخی‌های مبتذل نهاده و دیالوگ‌های بازیگران نشان دهنده نوعی سرگشتگی است که حاصل از مصرف مواد مخدر و مشروبات الکلی تلقی می‌شود. اظهار نظر مقام مسئول: موافقت می‌شود موافقت نمی‌شود امضا درخواست کننده: امضاء مسئول دفتر: امضاء مقام مسئول:

بالاخره و در تب اکران فیلم‌های توقیفی این فیلم روی پرده آمده و باید دید این روند منفی تا کجا پیش خواهد رفت. روندی که با اکران این فیلم زنگ خطری را برای سینما به صدا در آورده است.

نگاهی به پشت پرده هجمه‌ها علیه حوزه هنری

چرا تشکل‌های صنفی سینما

چشمشان را روی کمک‌های حوزه هنری می‌بندند؟



دو تشکل صنفی سینمایی در واکنش به عدم اکران فیلم توقیفی «مادر قلب اتمی» در سینماهای حوزه هنری به این مجموعه انتقادات غیر منصفانه‌ای روا داشتند. در پی عدم اکران فیلم مسئله دار و مبتذل «مادر قلب اتمی» از فیلم‌های توقیفی که بعد از انتخابات ریاست جمهوری در اقدامی شتابزده و غیر کارشناسی روانه سینماها شده، دو تشکل صنفی «شورای عالی تهیه‌کنندگان» و «کانون کارگردانان» با صدور بیانییه‌ای این اقدام حوزه هنری را مورد انتقاد قرار دادند. اقدامی که به نظر می‌رسد با هماهنگی و همصدایی صورت گرفته است.

فاطمه سادات بکائی

اینکه تشکل‌های صنفی برای حفظ منافع اعضای شان تلاش می‌کنند جای تشکر دارد.

ولی پرسش اینجاست که این اقدامات خودجوش و مثلاً «غیر سیاسی» چرا فقط برای حفظ منافع افراد یا گروه‌های خاص صورت می‌گیرد؟ و چرا از جایگاه نهاد صنفی برای بهره‌برداری در خدمت جریانات خاص بکار گرفته می‌شود؟ اینکه چرا هر دفعه، دست به بیانییه و خطابه این عزیزان فقط برای تخریب و تضعیف نهاد انقلابی حوزه هنری مهباست؟ موضع‌گیری‌های شدیدالحن و عصبانیت این عزیزان دال بر مدلول دیگری است. شاید منافع و مطالبه‌ای فردی از حوزه هنری داشته‌اند که تامین نشده است.

این تشکل‌های صنفی دغدغه‌مند چرا زمانی که سازمان سینمایی حوزه هنری فقط در سال ۹۵ هفت مجموعه سینمایی را در شهرهای آبادان، ارومیه، تبریز، بیجار، تهران و اصفهان بازسازی و احیای کامل کرده و نخستین پردیس سینمایی شهر اصفهان را به ناوگان سینمایی کشور متصل کرده نیامده‌اند بیانییه و نامه بنویسند؟ مگر این مجموعه‌ها در خدمت منافع کلان سینما و سرمایه‌گذاری سینمایی نبود؟

حوزه هنری در چند ساله اخیر نهضتی را در زمینه ساخت و ساز، نوسازی و توسعه سالن‌های سینمایی به راه انداخته که در یک مرحله بازسازی سینما آفریقا مشهد، سینما قدس تبریز، سینما «فلسطین» همدان، سینما «فلسطین» اصفهان و اولین پردیس سینمایی «چهارباغ»، سینما «آزادی» شهر ارومیه و ... به بهره‌برداری رسیده است؛ آن هم در شرایط سخت و دشوار اقتصادی؛ همچنین، سینماهای «فلسطین» اصفهان و سینما «آزادی» شهر آبادان که مخروبه‌هایی بیش نبودند به همت دست‌اندرکاران سینمایی حوزه هنری به بهره‌برداری و بازگشایی رسانده و در خدمت مردم و خانواده‌ها قرار گرفته است. بیش از چهار هزار صندلی فقط در سال ۹۵ به ناوگان سینمایی کشور افزوده است. پردیس سینمایی چهارباغ را با مدرن‌ترین امکانات سینمایی کرده است. وقتی فقط در سال ۹۵ حوزه هنری بیش از هشتاد هزار میلیارد ریال برای توسعه زیرساخت‌های سینمایی کشور هزینه و سرمایه‌گذاری کرده عزیزان شورای صنفی تهیه‌کنندگی و کارگردانان چرا بیانییه منتشر نکردند؟

چرا شورای عالی تهیه‌کنندگان در چنین مواقعی، بیانییه صادر نکرد؟ مگر این‌ها برای رونق و توسعه سینمای کشور نبوده است؟

مطابق آمار، بیش از هشت میلیون نفر در سال ۹۵ در سینماهای حوزه هنری فیلم دیده‌اند و از میان ۲۵ میلیون نفری که در سال گذشته به سینما رفتند، یک سوم آن‌ها در سینماهای حوزه هنری فیلم دیدند و به طور قطع، با گسترش و تقویت ظرفیت‌هایی سینمایی حوزه هنری

و بهره‌برداری از پروژه‌های در دست اقدام در سالجاری و برنامه‌های پیش‌رو، سینماهای حوزه میزبان سهم بالاتری از مشتاقان و علاقمندان سینما و خانواده‌ها خواهند شد.

آیا بی‌انصافی نیست بر این حجم از خدمات و اقدامات چشم‌پوشیم و به بهانه اکران نکردن یکی دو فیلم چالشی و مسئله‌دار که مغایر با حرمت و ساحت خانواده‌هاست این نهاد انقلابی را با سیاسی‌کاری و زد و بندهای پشت پرده مورد هجمه قرار دهیم؟ اعضای محترم شورای عالی تهیه‌کنندگان و کانون کارگردانان شما با خانواده‌های تان به تماشای این گونه فیلم‌های سخیف و آکنده از الفاظ رکیک و رفتارهای جلف می‌نشینید؟

وقتی در تهران بیخ گوش همین تشکل‌های عزیز صنفی پر سر و صدا و پرهیاهو، سینمای ۵۰ ساله برای مقاصد تجاری به مزایده گذاشته شده چرا آقایان دست به قلم نبردند و گریبانشان را برای به مخاطره افتادن منافع سینما پاره نکردند؟

به قول یکی از مدیران سینمایی حوزه هنری: «صدها میلیارد تومان از سرمایه‌های حوزه هنری در گیر سینماسست. فرض کنید این سینماها نبود و می‌خواستید بر اساس سیاست‌های دولت امروز چنین سرمایه‌ای را از داخل یا خارج کشور جذب کنید. آیا با این ادبیات با آن‌ها صحبت می‌کردید؟ آیا ادبیاتی که بعضی از آقایان درباره‌ی این سرمایه‌گذاری بزرگ به کار می‌برند، دوستی با منافع سینماسست؟ یا این که فرض کنید این سینماها در اختیار بعضی سازمان‌های اقتصادی بود که قبلاً هم بود، رفتاری که آن سازمان‌ها با سینما داشته‌اند و دارند پسندیده است؟ شک نکنید سینماهایی که در اختیار آن سازمان‌ها بوده الان تبدیل شده بود به ساختمان بانک، پاساژ، مال و همین‌ان هم که حدود ۲۵ سینمایی را که داریم تحویل می‌گیریم هنوز تیشه و کلنگ شان روی این بناهاست که این‌ها را تبدیل کنند به همان فضاها. همین چند وقت پیش در اصفهان یکی از این سینماها را که داشتند تخلیه می‌کردند تا تخریب کنند فقط توانستیم با حکم قضایی جلوی تخریبش را بگیریم.»

چرا این عزیزان صنفی در این موقعیت‌ها خموشی پیش می‌گیرند و سکوت می‌کنند؟ ده‌ها فیلم در سال توسط سینماهای حوزه هنری پخش و اکران می‌شود، برای جلب مخاطبان و اعتماد خانواده‌ها در این سینماها سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی شده است. چه انتظاری دارید تا با نمایش یکی دو فیلم موهن و هنجارشکن اعتماد گسترده خانواده‌ها را از این سینماها سلب کنیم؟ چه انتظاری دارید برای تامین منافع یکی دو عضو صنفی یا غیر صنفی منافع کلان سینما را ضایع کنیم؟

مثل روز روشن است که عزیزان جنگ زرگری راه انداخته‌اند و دارند تهاجم می‌کنند. حوزه هنری و مسئولان و مدیرانش، بارها، به صراحت اعلام کرده‌اند که سینماهای حوزه برای خانواده‌هاست و میزبان آثاری می‌شود که در خدمت «تحکیم بنیان‌های خانواده و سرگرمی سالم آن‌ها» تولید شده باشند. حال چه توقعی دارید تا اعتماد به این سینماها را؛ که بعد از سال‌ها تلاش و مجاهدت منجر به اعتمادسازی خانواده‌ها گردیده است با نمایش چند فیلم مسئله‌دار، هنجارشکن و بعضاً، شرم‌آور خدشه‌دار سازیم؟

تو به تقصیر خود افتادی از این در محروم / عرض خود می‌بری و زحمت ما می‌داری
منبع: خبرگزاری دانشجو

فیلم مادر قلب اتمی؛ هذیانی خسته کننده!

یکی از مصادیق و لنگاری فرهنگی بر پرده سینما

نیست و می‌گذارد جایی تا اگر هوس کرده سالی — ماهی برود بخواندشان و بخندد. ولی وقتی این نوشته منتشر می‌شود. وقتی این هذیان‌ها فیلم می‌شود و می‌آید روی پرده. این دیگر بخشودنی نیست. سینما حرمت دارد. مخاطب حرمت دارد. نمی‌توان مردم را در سینما روی صندلی‌ها نشاند و با استفاده از هنرپیشه‌های مشهور وقتشان را گرفت. خانواده‌ها را به سینما آورد و دو ساعت تمام از فشار دستشویی و کاسه توالت حرف زد. یا به میراث و مطالبه‌های ملی و هویتی ملتی که همچنان زخم تازه ترور یسم را بر تن و جان دارد بی‌حرمتی کرد.

اینجاست این سؤال مطرح می‌شود: مگر این سینما متولی ندارد؟ ناظر ندارد؟ که اجازه می‌دهد هر چیزی را به نام فیلم به مردم حقنه کند؟

دستگاه‌های عریض و طویلی در کشور وجود دارند تا همین چیزها را سامان دهند. آیا و لنگاری فرهنگی غیر از این است که فیلمی از گلوگاه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی عبور کند و روی پرده سینماها برود و از شروع تا پایان هویت ملی، شخصیت مخاطب، مطالبات و آرمان‌های ملی و باورهای مذهبی‌شان، و نگاه به معاد و آخرت را به‌سخره و استهزا بگیرد؟ تهران را بهشت تروریست‌ها نشان دهد که در هر گوشه و کنارش صدام حسین‌ها، بن‌لادن‌ها و آدم‌های خطرناک قایم شده‌اند؟ فیلم آن قدر بی‌سروته و آشفته و بی‌دروپیکر است که حتی نمی‌توان اسمش را فیلم گذاشت. واقعاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با چه عقل و منطقی به این هذیان‌گرایی اجازه اکران داده است؟

حتی، گفته می‌شود بر فیلم نوزده اصلاحیه خورده، آیا این نسخه اصلاح‌شده‌اش است که بر پرده سینماهاست؟ پس نسخه اصلاح‌نشده آن چی بود؟ البته بعید نیست در این فضای آشفته که ارشاد در گذار هیجان رفت و آمدهای سیاسی است اصلاً خبر نداشته باشد که چه خبر است؟

اینجاست که باید گفت بیابید حرمت و ساحت سینما را حفظ کنیم. به سینما احترام بگذاریم. به مردم و خانواده‌ها احترام بگذاریم. این احترام باید در همه سطوح اتفاق بیفتد. می‌گویند حرمت امام‌زاده را باید متولی‌اش نگه دارد. کاش متولی سینما — سازمان سینمایی وزارت ارشاد — حرمت آن را نگه می‌داشت. برای این سینما خون دل‌ها خورده شده تا سرپا باشد. برای این مردم و مخاطب که سرمایه اصلی سینما هستند حرمت قائل شویم. اجازه ندهیم هر گونه بیهوده‌گرافی و هذیان‌هایی را به نام فیلم و سینما به خوردشان دهیم. با هزار ترفند و تبلیغ آنها را نشانیم به سالن سینما و آن‌گاه، دو ساعت تحقیر و نفرت نشانسان دهیم.

اگر حواسمان نباشد و اگر کمی باهوش نباشیم همین اندک مخاطب سینما را هم از خودمان دور می‌سازیم. ②

منبع: باشگاه خبرنگاران پویا

هست. می‌توان مخاطب را ارجاع بدهیم به نشانه‌های غیرقابل فهم، ادا و اطوار، خلاقیت‌های من‌در‌آوردی و استعاره‌های فرضی و ...، سینما واقعاً یعنی این؟ شاید بتوان از این موضوع هم فیلم ساخت اما چه پردازشی باید برای آن صورت پذیرد تا نام فیلم به خود بگیرد. احتمالاً، بعضی‌ها چیزی از سینما و خلاقیت‌های گیج‌کننده آن شنیده‌اند و همان‌ها را می‌خواهند به مغز، ذهن، حافظه، روح و روان مخاطب شلیک کنند؟ می‌توان دوربین را برد تا ته ذهن یک معتاد، ته تماش و جستجوی دردناک یا کیف‌آلود ذهنش را با انگاره‌های تصویری و سینمایی نشان داد، یا دوربین را یک غروب تا سحرگاه کنار سطل زباله‌ای کاشت و از عبور و مرور آدم‌ها، آشغال‌هایی که بر هم تلنبار می‌شوند و گربه‌های آشفته و ژولیده‌ای که برای شکار لقمه‌ای تا اعماق آن فرو می‌روند و ... فیلم گرفت. یک سری چیزهای اجق و وجق را هم اضافه کرد تا مخاطب خودش زحمت بکشد و آنها را هضم کند، به‌راستی سینما یعنی این؟

به‌تازگی فیلمی در سینماها اکران شده که بی‌شباهت به همه چیزهایی که گفتیم نیست. «مادر قلب اتمی»، روایت ذهن مغشوش و عالم‌هپروتی دو دختر مست. نکته قابل توجه این است که یک‌سوم فیلم درباره فلسفه و تاریخچه کاسه توالت و گیر و گورهای دستشویی می‌گذرد و بخش عمده‌ای از فیلم جست‌وجوی دستشویی در نیمه‌شب تهران است، اساساً با دستشویی پیوند جدانشدنی دارد. یا پی دستشویی‌اند یا از دستشویی می‌آیند بیرون، یا درباره آن است.

شروع فیلم با سوهان می‌کشد روی اعصاب. چند دقیقه نفرت انگیز فقط باز و بسته شدن در آسانسور را نشان می‌دهد تا جایی که دلت برای آسانسور بیچاره می‌سوزد. شاید اگر کارگردان چاره می‌داشت سیم یا سوزنی را می‌گرفت فرو می‌کرد توی مغز استخوان‌های مخاطب.

اوج خلاقیت فیلم این است که می‌خواهد توهمات ذهنی دو دختر مست را روایت تصویر کند. از هر دری حرف می‌زند. برایش، مخاطب کشک است. ارجاعاتی دارد که مخاطب — باهوش‌ترین مخاطب — هم سر در نمی‌آورد. فیلم‌پز روشنفکرانه دارد. پا در هواست. معلق میان الفاظ فیلسوفانه و یک مشت خرده‌تکه‌ها، متلک‌ها و لنترانی‌های متناظر به سیاست. حرف‌های شیک و تر و تمیز بلغور می‌کند. شعارهای ملی و فراملی می‌دهد. بیانیه صادر می‌کند، مثلاً می‌خواهد از حقوق هسته‌ای دفاع کند.

سؤال اینجاست: ایرادی ندارد یک شخص جرأت کرده و خواسته توهماتش را فیلم بسازد. دوست داشته بداهه هذیان‌هایی را که در سیاله ذهنش می‌چرخد تصویری کند. مانند خیلی‌ها که یادداشت‌های روزانه می‌نویسند. سیاه‌مشق می‌کنند. نمی‌توان به کسی که کاغذ و قلم برداشته و هذیان‌هایش را نوشته ایراد گرفت. برای خودش، برای دلش نوشته، به کسی هم مربوط

واقعاً چه لزومی دارد هر فیلمی در سالن سینما اکران شود؟ یا هر کتابی که نوشته می‌شود منتشر شود و در دسترس دیگران قرار بگیرد؟

مدتی است فیلمی روی پرده سینما به اکران درآمده که تکلیفش با خود هم مشخص نیست چه برسد به مخاطب، شاید پرداخت به این‌گونه از موضوعات برای خود فیلمساز خوب باشد اما عرضه آن برای مخاطب و اختصاص زمانی از اکران برای او کاری نادرست و بی‌احترامی به مخاطب است.

اساساً، سینما را به چه مانند کرده‌ایم؟ قرار است با مدیوم سینما چه کار کنیم؟ با این پیش‌فرض می‌توان درباره هر چیزی فیلم ساخت، دوربین را کاشت و یک صبح تا غروب همه رهگذرانی که از یک دست‌شویی عمومی استفاده می‌کنند لحظه به لحظه آن را فیلم گرفت و ثبت کرد. بی‌شک لحظات خنده‌دار زیادی اتفاق می‌افتد. می‌توان از نحوه داخل و خارج شدن توی دستشویی، صف انتظار، رفتارهای ناهنجار، گفتگوهای گذرا، نوشته‌های دیوار و ... فیلم گرفت و اسمش را گذاشت سینما. تازه، نوعی تابوشکنی و خرق عادت هم



به بهانه اکران فیلم مادر قلب اتمی نقدی بر سینمای بنفش

آرش فهیم

انتخابات ریاست جمهوری ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ نیز همچون سایر وقایع سیاسی بر فرهنگ و هنر سینما تاثیر گذاشت. در ست بلافاصله بعد از انتخابات، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با انتشار نامه سرگشاده ای خطاب به رئیس سازمان سینمایی خواستار رسیدگی به فیلم های توقیف شده در محدوده زمانی دو ماه شد. جالب این است که تمامی فیلم های متوقف از اکران، توسط مسئولان سینمایی همین دولت به چنین وضعیتی دچار شده اند. در شرایطی که دولت یازدهم، شعار افزایش آزادی و رفع فضای امنیتی از حوزه فرهنگ و هنر را سرلوحه کار خود قرار داده بود اما در توقیف و ممانعت از نمایش فیلم های سینمایی و مستند و برنامه های تلویزیونی، رکورد کم نظیری را از خود به جا گذاشت. به طوری که حجم فیلم های توقیف شده در دولت بنفش، در هیچ دوره دیگری سابقه نداشته است. البته می توان این فرضیه را هم تصور کرد که دولت طی چهار سال گذشته، تعداد این فیلم را توقیف کرد تا شب انتخابات با وعده رفع توقیف این آثار، حمایت سازندگان آن ها را جلب کند! به این ترتیب «مادر قلب اتمی» به عنوان اولین فیلم رفع توقیف شده روی پرده سینماها رفت و پس از آن هم فیلم جنجالی «۵۰ کیلو آلبالو» به شبکه نمایش خانگی آمد.

اکران و انتشار این دو فیلم به عنوان ارمان های سینمایی دولت برای ملت در حال و هوای پس از انتخابات، بسیار معنادار است. کافی است درباره این دو اثر، کمی تأمل کنیم. «مادر قلب اتمی» دومین فیلم علی احمدزاده است. فیلم اول وی با عنوان «مهمونی کامی» به حدی ضعیف و مضحک بود که حتی خود سازندگان فیلم هم ترجیح دادند تا آن را برای عموم مردم نمایش ندهند! البته فیلم جدید این فیلمساز نیز وضعیت بهتری ندارد. این فیلم در ساختار به قدری ضعیف است که اگر در فضای مجازی درباره آن جست و جو کنید می بینید، هر کس این فیلم را دیده، مایوس و پشیمان از سینما بیرون آمده است. ما با فیلمی مواجه هستیم که در اوج پیش پاافتادگی، بی ساختاری و فقدان فرم هنری، ادا و اطوارهای شبه پست مدرن و هنری هم در می آورد. فیلمی که ظاهراً برای تمسخر برنامه هسته ای کشورمان ساخته شده است، اما جای نگرانی نیست! چون این فیلم به طریز آشکار، به تمسخر گروه سازنده خود و همچنین آن هایی که به این فیلم مجوز ساخت داده اند می پردازد! جای شگفت است که بازگران پرا داعی مثل ترانه علیدوستی و پگاه آهنگرانی چطور تن به نقش آفرینی در فیلمی داده اند که حتی نازل تر از ضعیف ترین برنامه های تلویزیونی است.

جای سوال است، سازمان سینمایی چگونه به فیلمی که حداقل الزامات یک اثر سینمایی را ندارد مجوز ساخت داده است؟ چطور یک فیلمساز که نه فیلم اولش و نه فیلم دوم او ابتدایی ترین شاخصه های یک فیلم را نداشته اند به راحتی مجوز کارگردانی می گیرد؟ این مسائل، گویای ضعف در مدیریت سینمایی دولت است. هر چند که رفع توقیف این گونه فیلم ها از این نظر مثبت است که نشان می دهد آثار توقیفی تا چه حد نازل و بی خاصیت هستند.

«مادر قلب اتمی» نماد و نمودی از سیاست های دولت در عرصه سینماست. فقط کافی است به فهرست فیلم های اکران شده در سال ۹۶ توجه کنیم تا عمق فاجعه ای که سینمای ما به آن دچار شده است را بهتر درک کرد. «مادر قلب اتمی»، «نهنگ عنبر ۲»، «گشت ۲» و ... در مدتی کمتر از دو ماه، بخش اعظم فضای سینمای ما را در بر گرفتند. در چنین فضایی، آثاری چون «ویلاهی ها»، «تیک آف»، «نبرد خلیج فارس» و ... مظلوم واقع می شوند و حداقل فرصت نمایش را پیدا می کنند. پروژه رفع توقیف سازی، یک تاکتیک شکست خورده برای دادن آدرس غلط به مردم و اهالی سینماست. وقتی مدیریت سینمایی دولت هیچ برنامه، راهبرد و چشم اندازی برای سینما ندارد، مجبور است کارزارهایی تبلیغاتی راه بیندازد و نتیجه اش هم نمایش فیلم های سخیف و موهنی چون «مادر قلب اتمی» است. در شرایطی که بسیاری از هنرمندان متعهد و دلسوخته این سرزمین مجال فیلمسازی و فعالیت هنری پیدا نمی کنند، عرصه برای فیلم های جعلی باز می شود. جهت گیری مدیریت فرهنگی دولت به گونه ای است که فیلم های انقلابی در محاق مهجوریت و مظلومیت قرار می گیرند و فیلم های قلابی، پادشاهی می کنند. قطعاً این داستان سر دراز دارد و باید منتظر ماجراهای دیگری از جنس «مادر قلب اتمی» بود.

همچنین فیلم «۵۰ کیلو آلبالو» به گونه ای است که حتی وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی خود شخصا دستور توقیف آن را صادر کرد. فیلمی که حتی ارزش نقد و ارزیابی هم ندارد.

«مادر قلب اتمی» و «۵۰ کیلو آلبالو» به عنوان اولین بازتاب های دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری، حکم «سالی که نکوست از بهارش پیداست» را دارند. فیلم هایی که می توان آن ها را نماد جریان «سینمای بنفش» دانست. فیلم هایی که حاصل و دستاورد یک دستگاه «مختل» و از لحاظ اقل، چشم انداز و راهبرد «تعطیل» هستند. ■

وقتتان را برای دیدن این فیلم هدر ندهید!

ضعف فنی و محتوایی فیلم مادر قلب اتمی این روزها صدای خیلی ها از جمله فعالان رسانه ای اصلاح طلب را در آورده و باعث شده این موضوع پیش کشیده شود که اساساً چرا باید فیلمی تا این حد ضعیف توقیف شود که عطشی کاذب برای دیده شدن آن ایجاد شده و عده ای که برای دیدن فیلم هجوم آورده اند، سرخورده از سالن سینما بیرون بیایند.

ضعف فنی و محتوایی فیلم مادر قلب اتمی این روزها صدای خیلی ها از جمله فعالان رسانه ای اصلاح طلب را در آورده و باعث شده این موضوع پیش کشیده شود که اساساً چرا باید فیلمی تا این حد ضعیف توقیف شود که عطشی کاذب برای دیده شدن آن ایجاد شده و عده ای که برای دیدن فیلم هجوم آورده اند، سرخورده از سالن سینما بیرون بیایند.

این روزها واکنش های منفی به فیلم از توقیف درآمده «مادر قلب اتمی» شدت گرفته است، برای مثال یک روزنامه نگار اصلاح طلب با اشاره به فیلم «مادر قلب اتمی» نوشت: بعضی فیلم ها توقیف بمانند بهتر است! در تمام طول فیلم احساس می کردم دارد به شعورم توهین می شود. در نمونه ای دیگر، صبا آذریک، خبرنگار روزنامه اعتماد در این ارتباط نوشت: «من سعی کردم دینم رو بهتون ادا کنم (کلی ری توثیت کردم) که وقتتون رو برای مادر قلب اتمی نگذارید، حداقل برادرم خسرو یا ویلاهی ها رو ببینید.» یک کاربر فضای مجازی نیز درباره این فیلم اینگونه توثیت کرد: «مادر قلب اتمی» رو هرگز نبینید! اگر واسه شعور و وقتتون ارزش قائل هستین، اگر نمی خواید ۹۰ دقیقه به خودتون و فیلم و همه فحش بدین نبینید آقا! نبینید! حدس ما این بود که این چند سال هم به خاطر توهین به شعور مخاطب توقیف بوده، فراتر از فاجعه بود واقعاً...

کاربر دیگری توثیت کرد: «امروز رفتیم مادر قلب اتمی رو دیدیم و بابت استفاده از این اسم برای فیلم باید از پینک فلوید عذرخواهی بشه واقعاً.» در توثیت دیگری که با نام بابک در فضای مجازی به اشتراک گذاشته شده، آمده: «یه افتضاح به تمام معنا... بدون سرتوته... بدون داستان مشخص... کش دادنای الکی... حتی می تونم بگم توهین به مخاطب... متأسفم.»

کاربر دیگری در فضای مجازی با نام حمیدرضا توثیت کرده: «بی جهت بهترین صفتی است که می توان برای مادر قلب اتمی به کار برد. بلخی، کشکی و دورهمی هم شاید در رده های بعدی صفت های خوبی باشند.» شخص دیگری نوشته: «مادر قلب اتمی یه چیزایی راجع به فیلمای هنری شنیده بود، ولی متأسفانه زیاد واسش توضیح نداده بودن! به عنوان یه آدمی که خیلی فیلم می بینم. مادر قلب اتمی مزخرف ترین فیلمی بود که تا به حال دیدم! موندم ترانه علیدوستی چرا بازی کرده توش واقعاً؟!» شخصی به نام پیمان در نوشته دیگری در فضای مجازی آورده: اینجور اکران کردن فیلم مادر قلب اتمی نوعی کلاهبرداری محسوب می شه! واقعاً فیلم ضعیف و بی سر و تهی است! (سعی کردم با ادب باشم)

مهدی هم اینگونه به فیلم واکنش نشان داده است: اگه تصمیم دارید برید مادر قلب اتمی رو ببینید، ارزش دیدن نداره، جاش ویلاهی ها رو ببینید. فیلم ضعیف «مادر قلب اتمی» می توانست همان سالی که قرار بود اکران شود با مقداری اصلاح در دیالوگ ها برای مثال در گروه دولتی هنر و تجربه روانه اکران شود و پس از شکست در گیشه به زباله دان تاریخ ببیند، اما توقیف چند ساله این اثر باعث شد عطشی کاذب برای دیده شدن آن ایجاد شود. ⑩

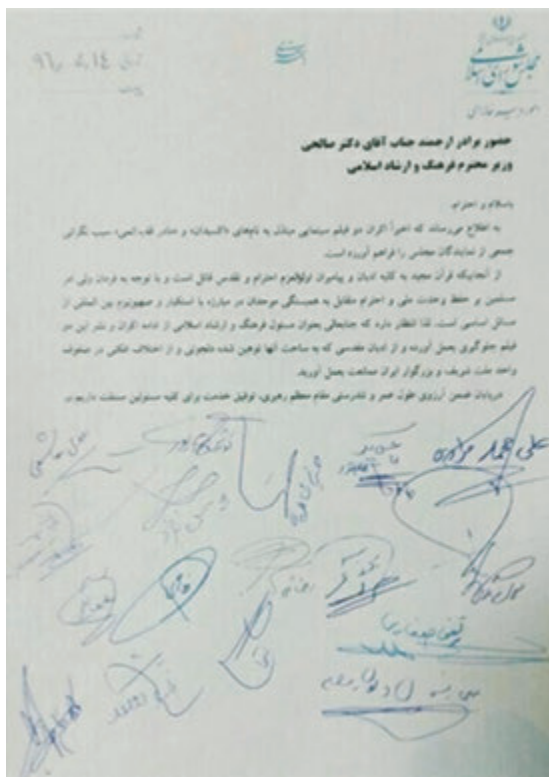
منبع: روزنامه جوان

نامه نمایندگان مجلس به وزیر ارشاد برای توقف اکران دو فیلم

جمعی از نمایندگان مجلس در نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی خواستار توقف اکران دو فیلم «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» شدند.

به گزارش سوره سینما جمعی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای به وزیر ارشاد و فرهنگ اسلامی تأکید کردند: اخیراً اکران دو فیلم سینمایی مبتذل به نام‌های «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» سبب نگرانی جمعی از نمایندگان مجلس را فراهم آورده است. در ادامه این نامه آمده است: از آنجایی که قرآن مجید به کلیه ادیان و پیامبران اولوالعزم احترام و تقدس قائل است و با توجه به فرمان ولی امر مسلمین بر حفظ وحدت ملی و احترام متقابل به همبستگی موحدان در مبارزه با استکبار و صهیونیسم بین‌المللی که از مسائل اساسی است، لذا انتظار می‌رود که جنابعالی به عنوان مسئول فرهنگ و ارشاد اسلامی از ادامه اکران و نشر این دو فیلم جلوگیری به عمل آورده و از ادیان مقدسی که به ساحت آن‌ها توهین شده جلوگیری و از اختلاف افکنی در صفوف واحد ملت شریف و بزرگوار ایران ممانعت به عمل آورید. بر اساس این گزارش، اکران دو فیلم «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» که آخرین روزهای اکران خود را سپری می‌کند، با انتقاد جامعه ارامنه و مسیحیان کشورمان همراه است.

پیش از این، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی نیز این دو فیلم را در سینماهای خود اکران نکرد.^(۱۱)



یادداشت انتقادی شراره دولت آبادی

درباره توهین به ارامنه در دو فیلم اکسیدان و مادر قلب اتمی

می‌شد و در نهایت می‌گفتیم همه ایرانی هستیم. اما حالا...! حالا کاری با ما کرده‌اند که به خود اجازه داده، با هر قوم و اقلیتی هر گونه بی‌حرمتی و توهینی را در قالب طنز انجام دهیم. در جایی از فیلم «اکسیدان» کنایه‌ای به رفتن و پناهنده شدن ارامنه از کشور زده شده، خبر مسئولین و مردم محترم کلاه خود را بالاتر بگذارند. به جایی رسیدیم که اقلیت‌های مذهبی که سالیان سال در کشور عزیزمان، ایران در کنارمان زندگی می‌کردند، حالا با رفتار بی‌فرهنگ و توهین آمیز، از ما روی برگردانده و ترکمان می‌کنند و ترجیح می‌دهند از ما فاصله داشته باشند. از شما می‌خواهم تحت تأثیر امثال این فیلم‌ها و سوره‌ها قرار نگیریم و یادمان نرود سینمایی که امروزه دستخوش عده‌ای نادان و جاهل قرار گرفته، از همان دانش و تلاش ارامنه‌ی هنرمند عزیز آغاز شده و به رشد رسیده!

«شراره دولت آبادی» همسر «آندره آرزومانیان» موزیسین ارمنی در یادداشتی انتقادی دو فیلم «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» را مورد نقد قرار داده است. او اکسیدان را مایه «خجالت و شرمندگی» دانسته که رفتار و اخلاق «کشیشان ارمنی» به طنز گرفته شده همچنین باز هم از حلال و حرام ساندویچ‌های ارامنه صحبت می‌شود، در رابطه با تغییر دین و ازدواج مسلمان و مسیحی بدون احترام به مسیحیت کنایه‌هایی زده می‌شود. دولت آبادی همچنین نشان دادن تصویر بد از دختران ارمنی در «مادر قلب اتمی» را نیز بی‌حرمتی دانسته و معتقد است این شخصیت هیچ سنخیتی با دختران ارمنی ایرانی به خصوص از نوع مذهبی و کلیسایی ندارد.

در یادداشت انتقادی این هنرمند آمده: «... سال‌ها پیش به هر دین و هر قومی ارزشی بالا داده



انتخاب هدفمند فیلم توسط حوزه هنری تحریم نیست تحریف نکنید

قضاوت می‌کنند. کدام منطقی تر است: انتقاد از حوزه هنری برای اکران تعداد زیادی از فیلم‌ها یا عدم اکران تعداد محدودی از فیلم‌ها؟!

دلیل نگارش این متن شرایطی بود که به واسطه این تصمیم حوزه هنری رخ داده است و تعدادی همواره از این فضا سوءاستفاده می‌کنند. در ادامه نگاهی به اهداف حوزه هنری و وظایف آن می‌اندازیم:

ماده ۶: اهداف

فراهم ساختن زمینه‌ی رشد و شکوفایی و گسترش هنر مبتنی بر معرفت اسلامی و متعهد به ارزشهای انقلاب اسلامی.

بهره گرفتن از هنر در تبیین و ترویج مبانی و ارزشهای اسلامی و فضائل اخلاقی. تبیین و معرفی وجوه گوناگون و ویژگی‌های ذاتی و فنی هنر و ادبیات انقلاب اسلامی.

دفاع از آرمانها و اصول انقلاب اسلامی از طریق شناخت علمی و دقیق جریانهای هنری معارض با تفکر اسلامی و کشف راه‌های اصولی مقابله فرهنگی با آنها. ایجاد زمینه‌ی رشد استعدادها و خلاقیت‌های هنری و ادبی از طریق شناسایی، تربیت، تقویت و معرفی هنرمندان برجسته‌ی مسلمان.

ایجاد جریانهای هدایت‌گر هنری بر بنیاد تولید و نمونه‌آفرینی هنری و ادبی.

وظایف اصلی حوزه عبارتست از:

مطالعه، تهیه و تنظیم سیاست‌ها و برنامه‌های مناسب جهت گسترش هنر اسلامی.

اجرای سیاست‌ها و برنامه‌ها در ابعاد و زمینه‌های مختلف هنر و ادبیات انقلاب اسلامی.

تلاش در جهت شناسایی و بکارگیر نیروهای متعهد و جوان در مقولات هنری و ادبی و شکوفایی استعدادهای آنان.

انجام مطالعات و پژوهش‌های مورد نیاز.

تولید و نمونه‌آفرینی‌های هنری و ادبی.

هدایت و پشتیبانی انجمن‌ها و تشکل‌های اسلامی، مردمی در حوزه‌ی هنر.

ایجاد زمینه‌های تجمع و تشکل هنرمندان مسلمان و متعهد و بهره‌گیری از توانایی‌های آنان.

برخورد منتقدانه و هدایت‌گرانه با معاندین و معارضین هنر اسلامی.

اهتمام در جهت انگیزه‌های اسلامی و تقویت خلاقیت‌های هنرمندان متعهد.

تولید و عرضه‌ی آثار و فرآورده‌های هنری و ادبی مورد نیاز.

ایجاد مراکز پژوهشی، آموزشی و تربیتی هنری.

ارتباط با مراکز و مؤسسات فرهنگی و هنری اسلامی. ایجاد و اداره‌ی مراکز اطلاع‌رسانی در زمینه‌ی هنر اسلامی.

برگزاری مشارکت و شرکت در مسابقات و جشنواره‌های ادبی و هنر اسلامی. ⑩

منبع: خبرگزاری فارس

که در اساسنامه‌اش آمده مغایرت دارد نمایش ندهد. همچنین باید آسیب‌شناسی شود که چه تاثیری از عدم اکران فیلم‌ها در جامعه و سینما به جای مانده و حوزه نیز چه نفعی برده است؟ یک بررسی دو سویه درباره نتیجه تصمیمات حوزه صورت بگیرد.

با تشویش اذهان عمومی مخاطب می‌آورند، این جرم است

اصولا در فضای رسانه‌ای افراد سودجو تنها با توجه به اینکه به قانونی بودن تصمیمات حوزه هنری اشراف دارند تلاش دارند با تشویش اذهان عمومی برگ برنده را از آن خود کنند و با زدن آنگ توقیف توجه مردم را به این سمت ببرند که فلان فیلم توقیف خواهد شد تا با بر انگیختن کنجکاوی مردم آن‌ها را به سالن‌های سینما بکشانند. این تشویش اذهان عمومی جرم است.

انتخاب هدفمند فیلم توسط حوزه هنری تحریم نیست تحریف نکنید

در این شرایط یک تبلیغات ناسالم صورت گرفته است. در صورتی که باید توسط رسانه‌ها به مخاطبین اطلاع رسانی شود که انتخاب هدفمند حوزه هنری تحریم نیست. بلکه تصمیم حوزه است که توسط برخی سودجو تحریف شده است و تلاش دارند یک نهاد انقلابی را مقابل مخاطبین سینما قرار دهند.

قطعا در تصمیمات حوزه هنری ایراداتی وجود داشته است مانند بسیاری از تصمیمات دیگر نهادهای شخصی و دولتی که میتواند توسط متخصصین رسانه‌ای و سینمایی (بدون حب و بغض) مورد بررسی کارشناسانه و اصلاح قرار گیرد، تادر نحوه اجرای اهداف انقلابی تصمیمات اثر بخش تری گرفته شود.

اما فراموش نکنید که اگر حوزه هنری قرار بود بر اساس اساسنامه خود و با دقت کامل فیلمها را انتخاب کند باید تا امروز تعداد زیادی از فیلمها را اکران نمیکرد و به آنها سالن نمیداد. حال آنکه ظاهرا حوزه هنری برای تعامل بیشتر با اهالی سینما حاضر شده است تا با شیبی ملایم به انتخابهایش دست زده و به واسطه اکران بعضی فیلمها گاهی از اساسنامه نیز تخطی نماید.

انتقاد از اکران تعداد زیادی از فیلم‌ها یا عدم اکران تعداد محدودی از آنها؟!

حالا با توجه به این توضیحات رسانه‌های اصولگرا باید طلبکار حوزه هنری باشند برای تعداد زیادی از فیلم‌های اکران شده که با اساسنامه مغایرت داشته یا رسانه‌هایی که شعار اپوزیسیون می‌دهند آنهم برای تعداد کمی از آثار اکران نشده؟! سینماگران انقلابی باید به آثار اکران شده اعتراض داشته باشند که برخلاف اهداف و سیاست‌های حوزه بوده است یا سینماگرانی که داد روشنفکری دارند؟! بهتر است در یک فرصت مناسب یکبار برای همیشه یک مناظره میان طرفین صورت بگیرد تا این مردم و ذهن‌های بینا باشند که

انتخاب هدفمند حوزه هنری تحریم نیست. بلکه تصمیم یک نهاد در مورد انتخاب فیلم برای سالن‌های خود است که توسط برخی سودجو تحریف شده است و تلاش دارند یک نهاد انقلابی را روبه‌روی مخاطبین سینما قرار دهند.

هر نهاد حاکمیتی بر اساس قوانین و اهدافی که برایش مشخص شده است باید در مسیر حرفه‌ای‌اش گام بردارد و طبق آنچه که برایش ترسیم شده است باید گزارش سالانه به مسئولین مرتبط ارائه دهد.

پرواضح است که هر نهادی طبق قوانین می‌تواند برای دارایی و آنچه که مالکش است در چارچوب قانون اساسی قوانینی وضع و طبق همان تصمیماتی را لحاظ کند. برای مثال ممکن است صاحبان بعضی سالن‌ها هدفشان صرفا گیشه باشد یا بعضی دیگر بخواهند اولویت را به فیلمهای دفاع مقدسی اختصاص بدهند و یا مثلا چه بسیار از صاحبان فیلم‌ها در سینما هستند که با منطق اینکه مالک فیلم‌اند آن را در هر جشنواره خارجی و بین‌المللی شرکت می‌دهند تا بتوانند دیده شوند. این در حالی است، که برخی از فیلم‌های آنها چهره چرک و سیاهی را از کشورمان به نمایش در می‌آورند. این افراد به بهانه صاحب و مالک فیلم بودن بر خلاف منافع ملی گام برداشته‌اند تا به منفعت‌های فردی خود دست پیدا کنند.

مدافعان دموکراسی حقوقی برای مالک قائلند؟! چرا شانتاز؟!

حالا نهادهای مانند حوزه هنری که یک نهاد حاکمیتی نیز محسوب می‌شود و مسیر مشخص با اهداف روشنی را باید پی‌بگیرد بنا داشته در سالن‌های سینمایی که مدیریتش را بر عهده دارد از میان فیلمهای مجوزدار فیلم‌هایی را که به لحاظ موضوعی به اولویتهایش نزدیکتر بوده را اکران کند. پیش از آنکه به این نهاد حمله‌ای از جانب منتقدانش صورت بگیرد ابتدا باید به این پرسش پاسخ داده شود که آیا این حق را برای مالک این سالن‌ها قائل هستند تا طبق صلاح دید خود و آنهم بر اساس اولویتهای خود آن را مدیریت کنند؟ قطعا همان افرادی که دم از دموکراسی می‌زنند و در مواردی عملکردی لیبرال مآبانه دارند در پاسخ به این پرسش جواب مثبت خواهند داد اما تنها می‌خواهند با سر و صدا از آب گل آلود ماهی بگیرند.

یک بررسی دو سویه درباره نتیجه تصمیمات حوزه صورت بگیرد

جدا از این که تعداد فیلمهای انتخاب نشده توسط حوزه هنری در عرصه سینما به نسبت تمام آثاری که اکران شده است بسیار ناچیز است، اما باید ریشه یابی شود که ابتدا چرا باید اعتراضات این چنینی نسبت به تصمیم حوزه هنری شکل بگیرد در حالی که مالک سالن‌هایش است. نهادهای که قطعا تمام و کمال اختیار دارد تا نسبت به سالن‌هایش تصمیماتی اتخاذ کند تا بر اساس اهدافش فیلم‌های مورد نظر خود را با آنچه

نقدی بر یک فیلم؛

«اکسیدان» سمبل ارتجاع برای سخره گرفتن آیین مسیحی!

ایمان هادی

است و موفق به ایجاد لحظات شاد و مفرح نمی‌شود. یکی از دلایل آن این است که موقعیت‌ها خیلی آشناسان و کاملاً در سینمای ایران بارها دستمایه آثار سینمایی مختلفی قرار گرفته است. روحانی مسیحی فیلم خیلی شبیه روحانی (اکبر عبدی) فیلم رسوایی است. اگر رسوایی را به یاد بیاوریم در یک صحنه خاص، چند دزد وارد خانه روحانی فیلم می‌شوند و از خانه این پرسوناژ دزدی می‌کنند و سارقین گرفتار می‌شوند و آنها را نزد روحانی فیلم می‌آورند. روحانی فیلم با چشم پوشی از دزدی آنها به سبک کشیش «بنیویان» از آنها درمی‌گذرد. همین صحنه را با همان اجرای ده نمکی، حامد محمدی در فیلمش آورده است با این تفاوت که ده نمکی روحانی مذهب شیعه را در فیلمش استفاده کرده (رسوایی) و در اکسیدان یک روحانی مسیحی در این موقعیت قرار می‌گیرد. باقی موقعیت‌ها شبیه فیلم اخراجی‌ها است، مثلاً صلوات فرستادن امیر جعفری حین تشییع مرد مسیحی در کلیسا، دقیقاً یادآور مجید سوزوکی (کامبیز دیرباز) در قسمت نخست اخراجی‌هاست، مشخص است که نویسنده و کارگردان توانایی پیشبرد روایی فیلم را نداشته‌اند به همین دلیل بخش‌هایی را از فیلم را از روی دست ده نمکی کپی کرده‌اند و محور درام را روی ریل کمدی ارتجاعی سوار کرده‌اند. کمدی ارتجاعی دین و آیین را به چالش می‌کشد، در هالیوود به صورت یک مد اساسی درآمده است. کمدی ارتجاعی با تم به چالش کشیدن شخصیت‌های مذهبی با فیلم زندگی برایان (تری جونز) محصول ۱۹۷۹ آغاز شد و این موج با فیلم «تاریخ دنیا قسمت اول» (مل بروکس) محصول ۱۹۸۱ ادامه پیدا کرد تا به مدل‌های ارتجاعی تری مثل دگما (کوین اسمیت) رسید و با «بروس قدرتمند» و «ایوان قدرتمند» وارد چالش‌های بزرگتری شد. البته کمدی‌های ارتجاعی در ایران به حادی تولیدات هالیوودی نیستند اما در ساخت فیلم اکسیدان، تم ارتجاعی وجه قالب است.

ارسطو درباره کمدی می‌نویسد: «کمدی، تقلید و محاکاتی است از اطوار و اخلاق زشت، نه این که توصیف و تقلید بدترین صفات انسان باشد؛ بلکه فقط تقلید و توصیف اعمال و اطوار شرم‌آوری است که موجب ریشخند و استهزاء می‌شود. آنچه موجب ریشخند و استهزاء می‌شود امری است که در آن عیب و زشتی هست، اما آزار و گزند از آن (عیب و زشتی) به کسی نمی‌رسد.

مذهبی بودن عیب نیست، کشیش بودن و حتی مسیحی بودن عیب نیست و اقلیت بودن عیب نیست که سینمای ایران سعی می‌کند در فیلم اکسیدان از تعارض مذهبی و آیینی از مخاطبش خنده بگیرد. با این جمله از ارسطو، این سسوال در ذهن متبادر می‌شود تلقی جامعه انقلابی از هنر - صنعت سینمای ایران، تعالی ایمان و مذهب است یا به چالش کشیدن آن؟! و پرسش آخر این است که آقای منوچهر محمدی چه زمانی قصد دارند در آثارشان مذهب و آیین را دیگر به چالش نکنند و با دین، آیین و افراد مذهبی شوخی نکنند؟! اگر عیبی هست و قابل نقد است و می‌توان آنرا در قالب فیلم کمدی به چالش کشید حتماً در رفتارهای انسانی ما مستقل از هر دین و آیینی مستتر است و همواره زمینه‌ای برای چالش و استهزاء.

منبع: خبرگزاری تسنیم

فیلم مارمولک زمینه تالیف کمدی‌های ارتجاعی را در ایران فراهم می‌کند.

چاشنی ارتجاعی سینمای کمدی، به شیوه برداشت از کمدی در فرهنگ عامه بازمی‌گردد و سینمای کمدی در ایران محدود می‌شود به نمایش مجموعه‌ای از هزلیات معمول و مرسوم فرهنگ لمپنی. موج هرل‌نگاری در سال‌های اخیر سینمایی با «پنجاه کیلو آلبالو» به تکامل می‌رسد و «من سالوادور نیستم» و «اکسیدان» به صورت مشخص تالیف کمدی ارتجاعی را تثبیت می‌کند. البته در آرایش هرل‌نگارانه اثری مثل پنجاه کیلو آلبالو نیز رگه‌هایی از ارتجاع اجتماعی را به وضوح می‌توان دید و حتی این نگاه ارتجاعی نیز به جایگاه زنان، کاملاً ملموس است، اما وجه ارتجاعی بر فیلم پنجاه کیلو آلبالو مسلط نیست. فیلم اکسیدان در نمایش کمدی ارتجاعی از «پنجاه کیلو آلبالو» و «من سالوادور نیستم» رتبه قابل اعتناتری را کسب می‌کند. اکسیدان نوعی هرل‌نگاری است که مرزهای کمدی ارتجاعی را درمی‌نوردد. با در نظر گرفتن فرهنگ عامه، این ارتجاع به صورت مشخص، به سخره گرفتن آیین، مذهب و موقعیت افراد مذهبی است. ارتجاعی که دین، مذهب و افراد شاخصی که ویژگی مذهبی دارند را به عنوان سمبل‌های تضاد با جریان اصلی جامعه یا جامعه جهانی و فرهنگ مدرن نشان می‌دهد و در نهایت تماشاگر به رفتار آیینی و مذهبی کاراکترها می‌خندد. در فیلم «اکسیدان» در لحظه آیین تشییع پیکر مرد یا زن مسیحی که فوت شده، ما به آیین تدفین مسیحی می‌خندیم. در فیلم اکسیدان به نحوه حضور اصنان (جواد عزتی) در مراسم غسل تعمید کودک مسیحی می‌خندیم.

این کمدی ارتجاعی خارج از چهارچوب قوانین معین نظارت و ارزشیابی است که فیلمساز در ارتجاعی‌ترین صحنه ممکن مراسم آیینی اقلیتی مذهبی در ایران را به سخره می‌گیرد، مثلاً در گشت ۲ در صحنه مراسم تدفین عباس (حمید فرخ‌نژاد) اشعار خواننده لس‌آنجلسی را به صورت نوحه در مراسم خاکسپاری فردی متوفی می‌خواند، اما دقیق که بررسی کنیم، در خواهیم یافت در نسبت با مراسم آیینی تدفین، وجه ارتجاعی در این سکانس قالب نیست. ضمن اینکه در گشت ۲ شوخی انجام شده آنقدر ظریف اجرا می‌شود که حتی مداحی و جایگاه مداحان به سخره گرفته نشود. در گشت ۲ ما به گروه سه نفره شیادان می‌خندیم و اجرای مراسم تدفین آنقدر جنبه عمومی دارد که برای مخاطب خنده دار نیست و ما به سه شخصیت بزدل و ریاکار محوری و کنش‌های آنان می‌خندیم. (این قیاس از وجه نازل فیلم گشت ۲ نمی‌کاهد).

اما در سکانس مراسم تدفین اکسیدان، جواد عزتی خود را جای کشیش اصلی جازده و همراه با بهمن (امیر جعفری) با یک اقلیت بسیار مذهبی و نجیب در ایران شوخی می‌کند. بخشی از هویت شیعه، ریشه در احترام به ادیان ابراهیمی دارد و به سادگی در خواهیم یافت که مولف با شیطنت دارد با اجرای آیینی تدفین با دستمایه وجه قالب جمعیت مسلمانان در ایران، با این اقلیت بسیار محترم شوخی ارتجاعی بدی می‌کند، هر چند که کارگردان سعی کرده پدرروحانی (کشیش) را محترمانه و مهربان نمایش دهد.

واقعیت این است که سیر کمدی ارتجاعی اکسیدان، برای انتقال برخی مفاهیم نتیجه معکوس به خود گرفته

مذهبی بودن عیب نیست، کشیش بودن و حتی مسیحی بودن عیب نیست و اقلیت بودن عیب نیست که سینمای ایران سعی می‌کند در فیلم اکسیدان از تعارض مذهبی و آیینی از مخاطبش خنده بگیرد.

فیلم «اکسیدان»، فیلمی ساخته حامد محمدی نیست. این اثر به صورت مشخص خروجی خاص منوچهر محمدی در مقام تهیه‌کننده است. در واقع وقتی فیلم را که تماشا می‌کنید، در خواهید یافت که حامد محمدی بیشتر نقش دستیار کارگردان را برای جمع‌آوری چند صحنه فیلمبرداری شده دارد. اگر فنی‌تر و دقیق‌تر نیمه نخست فیلم را تماشا کنید متوجه می‌شوید که هیچ تلاشی برای کارگردانی یکپارچه در پیوستگی فرمی، در فیلم وجود ندارد و وقتی فیلم به پایان می‌رسد در خواهید یافت اکسیدان بدون هیچ فیلمنامه به نگارش درآمده‌ای، ساخته شده است. اگر به فرض فیلمنامه‌ای هم وجود داشته باشد، دقت علمی - منطقی در نحوه نگارش آن نمی‌توان جستجو کرد. اغتشاش روایی، دگردیسی دراماتیک، عدم شخصیت‌پردازی مبتنی بر ادعای ژنریک فیلم، موجب می‌شود که فیلم اکسیدان را به سینمای کمدی منتسب نکنیم.

برداشت غلط از نمایش کمدی فقط شامل حال «اکسیدان» نمی‌شود، بلکه کمدی ایرانی، دچار یک سطحی‌نگری تاریخی از زمان اجرای نمایش روحوسی در ایران است. هنرمندان عرصه نمایش در ایران متأسفانه در صد سال گذشته نمایش کمدی را به شکل نامطلوبی ارائه کرده‌اند، این مسئله ربطی به سینمای قبل و پس از انقلاب و حتی ممیزی و سانسور ندارد. شکل ارائه نامطلوب موجب شده تا سخن از نمایش کمدی به میان می‌آید، ناخواسته ابتدال در پس این عبارت به ذهن متبادر شود. به عنوان نمونه عطاران، آفتابه، پیژامه در حال حاضر سمبل سینمای کمدی ایران هستند. هر کدام از سه مولفه نامبرده هم، بدون دیگری معنی کمدی نخواهد داد.

یکی از اشکالات وارد به هنر نمایشی کمدی این است که در این گونه خاص، مرزهای هجو، هزل، طنز با کمدی آمیختگی پیدا کرده و کمدی نمایشی در مدیوم‌های سینما تئاتر و تلویزیون تقریباً نابود شده است. تنها کسی که در یکصد سال گذشته توانسته با منطق نمایشی اصیل، مردم ایران را بخنداند بی شک مهران مدیری است و پرونده نمایش کمدی در ایران با مهران مدیری بسته می‌شود. اما عیب بزرگ مدیری این است که این سطح تالیف را در سطح تلویزیون رها کرده و آنرا به محدوده سینما نیاورده تا ماندگار تر شود.

فهم سینمای ایران در ساخت کمدی به دو گزاره نمایش ارتجاعی و هرل‌نگاری محدود می‌شود. در سینمای ایران برخی آثار نیز استثناء هستند، اما اصیل نیستند. «ورود آقایان ممنوع» یکی از معدود کمدی‌های درخوری است که طی سال‌های اخیر ساخته شده اما این مدل نیز مثل جریان اصلی سینمای کمدی ایران کمی چاشنی ارتجاعی دارد. رگه‌هایی از این ارتجاع را می‌توان در کما (آرش معیریان) دنبال کرد اما ساخت کمدی ارتجاعی در سینمای ایران به یک روند بدل نشد و وجه مسلطی در سینمای کمدی نبود. سینمای کمدی ایرانی در ادوار مختلف با سه مولفه عطاران، پیژامه و آفتابه به نوعی هرل‌نگاری با رگه‌های از هرزنگاری محدود می‌شود اما در اوایل دهه هشتاد،



چگونه سوداگری در سینما

تهیه کننده «از کرخه تا راین» را به حضيض «اکسیدان» کشاند

سینما دست گذاشته روی اسافل سکانس‌ها!

ایزد مهر آفرین

اتمی» به این اشاره شده که یکی از کاراکترها به بازیگری «ترانه علیدوستی» در نقش آرینه از اعضای کلیساست و در گروه کر کلیسا (گروه پرستش) خواننده سرودهای پرستشی است. پدر او کشیش کلیساست و مادر و برادرش در کلیسا خادم بوده و نوازندگی می‌کنند.

در این فیلم «ترانه علیدوستی» در نقشی ظاهر می‌شود که در آن دختران ارمنی را موجوداتی عرق خور و سوءاستفاده گر از موقعیت مسیحی بودنشان در جامعه ایرانی و اسلامی معرفی می‌کند، در سکانس‌های فیلم که پلیس «آرینه» را به جرم تند راندگی کردن توقیف می‌کند و می‌فهمد که عرق خورده است، آرینه می‌گوید: «مسیحی‌ام» و به عبارتی با این طرز بیان و فعل، مسیحیان و جامعه ارامنه را لات و بی‌قید و بند معرفی می‌کند.

دوره افول منوچهر محمدی

نکته تأسف آمیز اینکه یکی از این دو فیلم را منوچهر محمدی، تهیه کننده مطرح و شاخص سینمای ایران تهیه کرده است، اکسیدان چه به لحاظ فنی و چه به لحاظ محتوایی فیلم ضعیفی است.

فیلم را حامد محمدی پسر منوچهر محمدی کارگردانی کرده است. منوچهر محمدی یکی از شناخته شده ترین تهیه کننده‌های پس از انقلاب اسلامی محسوب می‌شود؛ سینماگری که تأثیرگذاری او بر سینمای پس از انقلاب غیر قابل انکار است، آثاری که اغلب ایده اصلی‌شان را خود او داده است، در کارنامه او تهیه آثار مشهوری چون از کرخه تا راین و طلا و مس به چشم می‌خورد که در تاریخ سینمای ایران آثار ارزشمندی به حساب می‌آیند، عجیب است که این سینماگر با این سابقه به جایی رسیده که دست به تولید فیلم ضعیف اکسیدان زده است.

فیلم مارمولک به تهیه کنندگی او اگر چه در زمان اکران با اعتراض‌های کمی از روحانیون از جمله حسن روحانی، دبیر وقت شورای عالی امنیت ملی مواجه شد و پس از دوهفته از پرده پایین کشیده شد اما به مرور زمان توانست جایگاه خود را به عنوان یک فیلم موفق و ماندگار در سینمای ایران باز کند و تاریخ ساز شود، به طوری که بیشتر روحانیون خوشفکر و صاحب نظر از آن استقبال کردند. به طور طبیعی انتظار می‌رفت که منوچهر محمدی با این سابقه پربار و موفق در تهیه کنندگی هر چه پیش می‌رود آثار مطلوب تر و پخته تری به لحاظ فنی و محتوایی تولید کند اما فیلم اکسیدان از هر لحاظ اثری ضعیف محسوب می‌شود.

سوءاستفاده از ژانر کمدی

کمدی در سینمای ایران خوب می‌فروشد و همین موضوع باعث سوءاستفاده عده‌ای شده است اما عجیب است که منوچهر محمدی تهیه کننده موفق و با سابقه

سوداگری در سینمای ایران به مرور می‌رود تا تهیه کننده‌های سرشناسی چون منوچهر محمدی را نیز به ابتذال دچار کند. در این بین نظارت ضعیف وزارت ارشاد باعث شده جمعی از نمایندگان مجلس به موضوع محتوای آثار سینمایی ورود کنند.

۱۷ تن از نمایندگان مجلس طی نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در حمایت از هموطنان ارمنی و مسیحی، توقف اکران دو فیلم «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» را خواستار شدند. اکران این دو فیلم که آخرین روزهای خود را سپری می‌کند، با انتقاد جامعه ارامنه و مسیحیان کشورمان نیز همراه است. پیش از این، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی نیز این دو فیلم را در سینماهای خود اکران نکرده بود.

۱۷ نماینده در نامه خود به وزیر ارشاد عنوان کرده‌اند: «اخیراً اکران دو فیلم سینمایی مبتذل به نام‌های «اکسیدان» و «مادر قلب اتمی» سبب نگرانی جمعی از نمایندگان مجلس شده است. از آنجایی که قرآن مجید برای کلیه ادیان و پیامبران اولوالعزم احترام و تقدس قائل است و با توجه به فرمان ولی امر مسلمین بر حفظ وحدت ملی و احترام متقابل به همبستگی موحدان در مبارزه با استکبار و صهیونیسم بین الملل که از مسائل اساسی است، انتظار می‌رود که جنابعالی به عنوان مسئول فرهنگ و ارشاد اسلامی از ادامه اکران و نشر این دو فیلم جلوگیری به عمل آورده و از ادیان مقدسی که به ساحت آنها توهین شده، دلجویی و از اختلاف افکنی در صفوف واحد ملت شریف و بزرگوار ایران ممانعت به عمل آورید.»

انتقاد گسترده جامعه ارامنه و مسیحیان

جامعه مسیحیان معتقدند در این دو فیلم تصویری منفی از جامعه ارامنه و مسیحیان ایران به نمایش درآمده است و دیالوگ‌ها و بعضی از سکانس‌ها در این دو فیلم نه تنها با اصول و مفاهیم حرفه‌ای سینما سازگار نیست بلکه به نوعی مسئله ساز است.

در نامه اعتراضی یکی از پیروان مسیحیت آمده: «در بخشی از فیلم اکسیدان به موضوع تغییر دین به منظور سوءاستفاده از آن برای موضوع پناهندگی پرداخته شده است.»

جواد عزتی نقش اول فیلم است و نامزدش ایران را ترک می‌کند و او برای گرفتن ویزای قاچاق اقدام می‌کند و به این منظور در ظاهر تغییر دین می‌دهد و مسیحی می‌شود. وی به کلیسایی کاتولیک رفته و لباس کشیش را می‌زد اما طی اتفاقاتی که پس از آن در فیلم می‌افتد کشیش حاضر می‌شود «جواد عزتی» را تعلیم داده و به او تأییدیه دهد تا به عنوان کشیش ویزای پناهندگی در انگلستان را بگیرد!

همچنین در اعتراض مسیحیان به فیلم «مادر قلب

سینمای ایران هم خود را وارد بازی فروش به هر قیمت در سینمای ایران کرده است. اینکه فیلم‌های کمدی در سینمای ایران می‌فروشند موضوعی طبیعی محسوب می‌شود، سینمای ایران به طور کلی از تلخی در محتوا رنج می‌برد، کمدی ژانری است که در سینمای کم تنوع ایران، به لحاظ سرگرمی نسبت معین و درستی با ذات سینما پیدایی کند اما متأسفانه این موضوع سبب سوءاستفاده عده‌ای شده که در سینما تنها به دنبال کسب سود هستند و نه تنها قدمی در راه تقویت فرهنگ بر نمی‌دارند بلکه آثار آنها مشحون از بد اخلاقی‌های فردی و اجتماعی است. فیلم اکسیدان به هر دری می‌زند تا بفروشد، شوخی‌هایی که می‌تواند به تدریج مرزهای اخلاقی و رفتاری جامعه را تغییر دهد. گرایشی که با بی‌مسئولیتی در حال انتقال ذائقه مخاطب به سمت فیلم‌های نازل و سطحی است و این زنگ خطری برای سینمای ایران محسوب می‌شود. سینمای ایران نیاز به صنعتی شدن دارد و برای رسیدن به این مقصود باید با شاخصه‌های اخلاقی عامه پسند اشته کند. سینمای عامه پسند از مسیر ابتذال گذر نمی‌کند، عامه پسند بودن نیاز به ارتقای فنی و تکنیکی در فرم و محتوا دارد، سینماگری چون منوچهر محمدی بهتر از هر کس دیگری می‌داند که برای رسیدن به مقصود باید وقت و انرژی بیشتری صرف کرد و تن به سطحی‌گری نداد.

نامه ۱۷ نفر از نمایندگان مجلس به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در این برهه که صدای اعتراض مسیحیان و ارامنه به واسطه محتوای دو فیلم سینمایی بلند شده، از جهت مسئله امنیت ملی نیز حائز اهمیت است. در حالی که گروه‌های تکفیری مانند داعش با پشتیبانی رژیم صهیونیستی در منطقه جنوب غرب آسیا در حال تخریب وجهه مسلمانان و ایجاد قطب‌بندی کاذب میان ادیان الهی هستند، بی‌تدبیری و بی‌سلیقه‌ی در انتخاب محتوای هنری و فرهنگی می‌تواند زمینه بروز نارضایتی در میان اقوام و اقلیت‌های مذهبی را فراهم کند؛ مسئله‌ای که لازم است وزارت ارشاد به آن بی‌توجه نباشد و در نظارت بر محتوای آثار آن را دست کم نگیرد. (۱)

نقد فیلم اکسیدان به کارگردانی حامد محمدی

خنده به چه قیمت؟

فیلم اکسیدان نمی‌داند در پی چه چیزی در بستر روایی خود دست و پا می‌زند. از طرفی پشت یک کانسپت با محوریت مهاجرت، خود را پنهان می‌کند و از طرفی دیگر کوچک ترین توجه‌ای به مضمون اصلی ندارد و ترجیح می‌دهد تمام تمرکز خود را بر ساخت فضایی کمیک معطوف کند.

نکته جالب توجه، عدم موفقیت فیلمساز در ساخت همین فضاهای کمدی و اگر بهتر بگوییم ایجاد موقعیت های کمیک است. موقعیت کمدی در دل تصویر شکل می‌گیرد و سپس با همراهی کلام یک صحنه با مزه را خلق می‌کند اما در اکثر فیلم هایی از این دست در سینمای ایران، طنز یا مبتنی بر کلام می‌شود که آنهم در بهترین حالت خود مبتنی بر شوخی های بی ربط جنسی زننده ی خارج از متن می‌شود.

این که چرا مخاطب با دیدن این سکانس ها می‌خندد نیاز به گفتمان روانشناسانه دارد که در این بحث نمی‌گنجد اما فیلمساز به هیچ وجه نمی‌تواند از فروش بالای فیلم و خنده مخاطبان خود در یک نامکان انباشته از ناخودآگاه جمعی، برای خود سپر بسازد. هرگز نمی‌توان با داشتن یک فیلمنامه بی در و پیکر که حتی کوچکترین عناصر فیلمنامه را نادیده می‌گیرد فیلمی را ساخت که قابل دفاع باشد. فیلمنامه‌ای که از همان ابتدا قبل از اینکه شخصیت بسازد بهانه های جهت گیری کنش های کاراکترش را می‌تراشد که حتی این بهانه‌ها قابل قبول و باور پذیر نیستند.

اکسیدان و بدترین فیلم سال

مشکل اصلی فیلم اکسیدان، پرداخت شخصیت است. وقتی شخصیت ساخته نشود نمی‌توان انتظار شکل دهی و ادراک کنش های کاراکتر را داشت. از طرفی ساخت یک رابطه دم دستی که هیچ چیز از آن نمی‌بینیم به جز دلبری های تصنعی پشت در بسته اصلاً برای تحریک قهرمان در راستای تلاش‌ها و اشتیاق افسار گسیخته‌اش برای پیگیری اهداف کافی و قابل قبول نیست. وقتی ذهن مخاطب برای فهم و درک هدف اصلی قهرمان آماده نباشد و فیلمساز عامدانه همین چند دقیقه را دستمایه توجیه کنش های نامتعارف کاراکترش قرار می‌دهد نتیجه به پس زدن فیلم توسط مخاطب ختم می‌شود.

این طور که از ظواهر امر پیداست فیلمساز نه تنها ژانر کمدی را نمی‌شناسد بلکه آن را به مثابه لودگی و بی بند و باری می‌بیند. کارگردانی اثر چیزی نزدیک به فاجعه است. کاراکتر از POV خود وارد کادر می‌شود و فیلمساز نمی‌تواند بازی مطلوبی از بازیگرانش بگیرد. تصویر سازی ها و میز انسنس به جای طنز و کمدی نوعی انزجار مشمئز کننده را منتقل می‌کند. صرف نظر از این که فیلم می‌تواند به فروش دلخواهش برسد یا که خیر، باید اذعان کرد «اکسیدان»، قابلیت این که لقب بدترین فیلم سال ایران را به خود بگیرد به حد چشمگیری همراه دارد.

منبع: شبکه اطلاع رسانی مرصاد

فرزند تهیه کننده با سابقه سینما منوچهر محمدی است. او متولد سال ۱۳۵۸ در تهران است. حامد محمدی دانش آموخته دانشگاه تهران و در رشته حقوق بین الملل است. وی فعالیت سینمایی خود را در مقام نویسندگی از سال ۱۳۸۷ و با فیلم طلا و مس آغاز کرد. محمدی در فیلمان سویی مه به کارگردانی منوچهر عسگری نسب نیز به ایفای نقش پرداخته است.

ضعف فیلمنامه و داستان

در دومین بخش از نقد فیلم اکسیدان به بررسی محتوا و داستان این اثر می‌پردازیم. اکسیدان از آن دست فیلم هایی است که موفقیت در گیشه به هر قیمتی را به هر متر و معیار سینمایی و هنری ترجیح می‌دهد. به همین دلیل فیلم حامد محمدی، فرزند منوچهر محمدی خود را دنباله رو فیلمهای کمدی سطحی و سطحی قرار می‌دهد تا شاید مانند آن ها بتواند گیشه را در تصاحب کامل خود در بیاورد. اما این تمام موضوع نیست.

اندیشیدن به گیشه می‌تواند محرک ساخت و پرداخت یک فیلم ناب هم باشد به همین دلیل می‌توان گفت گیشه محوری، به خودی خود مورد نفی قرار نمی‌گیرد. اما وقتی برای رسیدن به گیشه و فروش قابل قبول، فرم سینمایی را به طور کلی نادیده بگیریم و به این ببالیم که مخاطبمان به لفاظی های کلیشه ای اروتیک دو پهلو بخندد! باید گفت نام این کار فیلمسازی و فعالیت فرهنگی نیست، بلکه در بهترین حالت ممکن نوعی شارلاتانیسم مدرن با تمام شدت و حدت آن است و نتیجه این تفکر و اندیشه یک فیلم ضعیف از منظر سینمایی و هنری و از سویی دیگر فیلمی ارتجاعی به فیلمسازی می‌شود.

طنز کلامی و شوخی های جنسی

در این بخش از نقد فیلم اکسیدان به بررسی طنزها و شوخی های به کار گرفته شده در این فیلم می‌پردازیم.

در اولین بخش از نقد فیلم اکسیدان به بررسی سوابق کارگردان آن می‌پردازیم. حامد محمدی فرزند تهیه کننده با سابقه سینما منوچهر محمدی است. او متولد سال ۱۳۵۸ در تهران است. حامد محمدی دانش آموخته دانشگاه تهران و در رشته حقوق بین الملل است. وی فعالیت سینمایی خود را در مقام نویسندگی از سال ۱۳۸۷ و با فیلم طلا و مس آغاز کرد. محمدی در فیلمان سویی مه به کارگردانی منوچهر عسگری نسب نیز به ایفای نقش پرداخته است.

ضعف فیلمنامه و داستان

در دومین بخش از نقد فیلم اکسیدان به بررسی محتوا و داستان این اثر می‌پردازیم. اکسیدان از آن دست فیلم هایی است که موفقیت در گیشه به هر قیمتی را به هر متر و معیار سینمایی و هنری ترجیح می‌دهد. به همین دلیل فیلم حامد محمدی، فرزند منوچهر محمدی خود را دنباله رو فیلمهای کمدی سطحی و سطحی قرار می‌دهد تا شاید مانند آن ها بتواند گیشه را در تصاحب کامل خود در بیاورد. اما این تمام موضوع نیست.

اندیشیدن به گیشه می‌تواند محرک ساخت و پرداخت یک فیلم ناب هم باشد به همین دلیل می‌توان گفت گیشه محوری، به خودی خود مورد نفی قرار نمی‌گیرد. اما وقتی برای رسیدن به گیشه و فروش قابل قبول، فرم سینمایی را به طور کلی نادیده بگیریم و به این ببالیم که مخاطبمان به لفاظی های کلیشه ای اروتیک دو پهلو بخندد! باید گفت نام این کار فیلمسازی و فعالیت فرهنگی نیست، بلکه در بهترین حالت ممکن نوعی شارلاتانیسم مدرن با تمام شدت و حدت آن است و نتیجه این تفکر و اندیشه یک فیلم ضعیف از منظر سینمایی و هنری و از سویی دیگر فیلمی ارتجاعی به فیلمسازی می‌شود. درباره کارگردان

در اولین بخش از نقد فیلم اکسیدان به بررسی سوابق کارگردان آن می‌پردازیم. حامد محمدی



اکسیدان، اکسید شدن اخلاق و احترام به ادیان



در حالی که این روزها بحث تلاش برای جذب خانواده‌ها به سینماهای کشور، برای رونق سینما و بهره‌مندی از یک سرگرمی سالم و ارزشمند به میان می‌آید، فیلم‌هایی را بر پرده سینماها شاهد هستیم، که نه تنها از خاصیت سازنده بودن در حوزه‌ی فرهنگ و اخلاق بهره نمی‌برند؛ بلکه آفت‌هایی در سینمای کشور هستند که موجب تخریب اخلاق، فرهنگ و در نهایت جایگاه خانواده‌های ایرانی می‌شوند.

با وجود ممیزی‌های متفاوتی که در مسیر تولید آثار هنری نظیر سینما وجود دارد، هر از گاهی فیلم‌هایی را شاهد هستیم که گویا از آسمان و جهانی آمده‌اند که نه بر روی آن نظارتی وجود دارد و نه ممیزی‌های مرسوم بر آن موثر بوده و هست.

ظهور فیلم‌های ساختار شکنانه با اثرات مخرب بر حوزه‌های پراهمیتی چون اخلاق و فرهنگ جامعه، اتفاقی نامیمون و نامبارک است و نمی‌شود آن را پیش‌پاافتاده و اتفاقی دانست. توجه به ساخت هنر موضوعی است که در سینمای کشور حال حاضر کشور، کمتر به آن توجه می‌شود.

یکی از فیلم‌های پر حاشیه‌ی در حال اکران سینمای کشور، که حرف و حدیث‌های فراوانی در مورد آن وجود دارد فیلم اکسیدان است.

این فیلم برای ایجاد موقعیت‌های طنز وارد حوزه‌ی شوخی با ادیان و مضامین دینی شده است. فیلم‌ساز از متلک‌های زشت است. روند به استهزا کشیدن و مغلطه در مورد مضامین دینی، اتفاقی است که در فیلم اکسیدان، با بی‌ادبانه‌ترین لحن و ادبیات ممکن رخ می‌دهد.

اکسیدان با موضوع تقلا برای مهاجرت و شوک ناشی از خیانت برای مهاجرت آغاز می‌شود. موضوع مهاجرت به‌خودی‌خود سوژه‌ی پر کششی است و این موجب می‌شود انتظار دیدن یک فیلم متفاوت را داشته باشیم. اما در همان ابتدا فیلم به مفاهیمی چنگ اندازی می‌کند که تقریباً موضوع اصلی یعنی مهاجرت را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد.

هر چه فیلم به پیش می‌رود موضوع خیانت و مهاجرت به حاشیه می‌رود و انواع و اقسام متلک‌ها و زدالت‌های اخلاقی بهمن (امیر جعفری) و ورود به مباحث مربوط به دین مسیحیت جایگزین آن می‌شود. این پراکنده‌گویی و جزیره‌ای بودن موضوعات به مسئله هم‌جنس‌گرایی هم کشیده می‌شود و در آنجا هم ورود به مسئله تنها برای خنداندن مضاعف بیننده است.

بد نیست یادآور شویم که سال‌های سال ورود طنزپردازان به حوزه‌های دینی، امری پر ریسک و پر دردسر بود. اما چند سالی است که از آن سوی بام افتاده‌ایم و آثاری را در سینمای کشور شاهدیم که به حوزه‌ی موضوعات اخلاقی و دینی مستقیم و غیرمستقیم حمله ور می‌شوند.

آن چه که در اکسیدان رخ می‌دهد تنها استفاده از موقعیت‌های طنز موجود در موضوعات دینی و یا دگرپاش‌های جنسی نیست؛ بلکه ادبیات سخیف به کار گرفته شده، رفتارهای زشت و زدیانه‌ی بهمن و بی‌احترامی به ادیان است که در قالب موضوع مهاجرت در دل قصه پرورانه شده است.

متأسفانه در اکسیدان شاهد دیدن فیلمی در

مذکور اگر چه که در ظاهر و در طول فیلم به صورت مستقیم متوجه مسیحیان است؛ اما وقتی برآیند بی‌احترامی‌ها را می‌نگیریم، شاهد بازگشتن آن به شخص گوینده یعنی بهمن هستیم. زمانی که فرد هتاک جواب نزنند و مقابله به مثل از فرد مقابل نبیند، بدترین جواب را با همان صبوری و سکوت دریافت کرده است. شاید شما در طول فیلم به متلک‌های رکیک و رفتارهای زشت نسبت به مسیحیان بخندید، اما صبوری و سعه صدر مسیحیان موجب می‌شود تا آنها را بدرستی محترم بشمارید و در مقابل، خوار و خفیف شدن بهمن را به وضوح ببینید.

تنها نهادی که در مقابل این فیلم ایستاده و به مخالفت صریح با آن پرداخته سازمان حوزه هنری است که از اکران آن در سینماهای زیرمجموعه‌ی خود خودداری کرده است. اما تا الان اکسیدان نزدیک به یک و نیم میلیارد تومان فروش داشته و هیچ مخالفت و اعتراض جدی نسبت به آن صورت نگرفته است.

متأسفانه چند سالی است که بازار این گونه فیلم‌ها در سینمای کشور بسیار داغ است. طرفداران چنین فیلم‌هایی دائماً با توجیه نیاز به شاد زیستن! به مقابله با منتقدان، اعم از معترض و منصف می‌پردازند. بی‌سلیقگی و سیاست‌های سطحی مدیران فرهنگی کشور در ادوار مختلف زمینه‌ساز شرایط موجود بوده و هست. در این شرایط نه تنها فیلم‌های بی‌ارزش کم فروغ نیستند؛ بلکه جزو رکوردداران فروش سینمای کشور هستند. در شرایط فعلی شاهد بلعیده شدن اخلاق و هنر توسط اژدهای خوش خط و خالی هستیم که آتش دهانش اوراق فیلم‌نامه‌های با مفهوم و نگاتیو فیلم‌های مفرح اما ارزشمند را می‌سوزاند.

این روند تا آنجا به پیش رفته که یک فیلم‌نامه‌نویس و تهیه‌کننده با سابقه‌ی فیلم‌ها و قصه‌هایی با مضامین عموماً ارزشی دست به ساخت چنین فیلمی بزنند. حامد محمدی نویسنده فیلم‌نامه فیلمی چون طلا و مس، اکسیدان را نوشته و بسازد و در مقام تهیه‌کننده نام پدر خود منوچهر محمدی را ببیند.

این اتفاقات زنگ خطرهایی برای سینمای کشور هستند که باید آنها را جدی گرفت.

برای همین از وزیر محترم ارشاد آقای دکتر صالحی می‌خواهم هر چه زودتر این فیلم را (البته بدون خانواده)

جامعه‌ی اسلامی ایران هستیم که توهین و به استهزا گرفتن یک دین الهی آن قدر تکرار می‌شود؛ که اثر ثانویه‌ای در پی دارد و آن نفرت از شخصیت بهمن است. اگر چه که زدالت‌های اخلاقی یک شخصیت را نمی‌شود به یک دین و یا جامعه تعمیم داد و در فیلم بهمن را در حال نماز خواندن و یا مناسک دین اسلام نمی‌بینیم؛ اما با توجه به تکه کلامها و حرف‌هایی که به زبان می‌آورد قطعاً می‌توان او را یک مسلمان زاده دانست. حالا اگر شخصیت بهمن با آن نگاه کثیف به زنان و ادبیات سخیف را با رفتار متین و انسانی مسیحیان حاضر در فیلم مقایسه کنیم به چه نتیجه‌ای خواهیم رسید؟ اگر چه که نباید توقع رفتاری مناسب از یک قاچاقچی انسان را داشته باشیم (بهمن) اما فارغ از شخصیت مثبت شقایق دهقان، ما اجتماع جالبی را در مقابل مسیحیان نمی‌بینیم.

اگر به شخصیت روحانی که به نوعی نقطه‌ی مقابل کشیش محسوب می‌شود نگاهی داشته باشیم، پیام‌های جالبی را دریافت می‌کنیم. این روحانی در مواجهه با کشیش قلابی (اصلان) و مسیحی طالب اسلام، مدهوش شخصیت آنها می‌شود، از کشیش می‌خواهد تا در مسجد به منبر برود و از سوی دیگر فرصت را مغتنم شمرده و مصرانه و با سماجت خاصی در فکر تلاش برای گرویدن آنها به دین اسلام است؛ در نوع رفتار او تفاوت‌های متعددی نسبت به کشیش وجود دارد که قابل تأمل است. اگر کشیش در برابر دزدی بهمن انسانیت به خرج می‌دهد و با ممانعت او را آزاد می‌گذارد و به آنها برای اخذ ویزا کمک می‌کند؛ در مقابل روحانی دست آنها را همانند یک بازداشتی می‌گیرد و با زور به داخل مسجد می‌برد! جذب کردن این کجا و آن کجا!

در پارهای از اوقات بی‌احترامی‌ها به مسیحیان، مراسم دینی آنها و بی‌ادبی به اشخاص مسیحی آن قدر زیاد و زشت است، که انتظار اعتراض افراد عادی و مسئولان این اقلیت مذهبی نسبت به فیلم را باید حق آنان بدانیم. البته همان طور که در آثار سینمایی و تلویزیونی کشورهای غربی دیده‌ایم، شوخی با مقدسات در ادیان دیگر به‌ویژه مسیحیت به‌مانند اسلام اتفاقی قبیح و یا امری مجرمانه محسوب نمی‌شود و شاید واکنش نشان ندادن این عزیزان براساس نوع متفاوت نگاه آنها در مورد شوخی با مقدسات است.

اما نکته‌ی اکسیدان آنجاست که بی‌احترامی‌های

ببینند.

منبع: سینما پرس



آکسیدان، نمونه‌ای بارز از ولنگاری فرهنگی در دولت یازدهم

وحیده شاه حسینی

در خصوص آن؛ عدم موفقیت اصلان در این شگرد را به نحوی گنگ و در عین حال مسخره! در لوکیشن و فضای سفارت انگلیس در تهران به پایان می‌برد و بابت توجهی هر چه تمام نسبت به اقناع مخاطب خود در چرایی عدم موفقیت اصلان، اثر را در موقعیت طرح دومین روش دریافت ویزای قانونی اروپا، یعنی مجرمیت سیاسی قرار می‌دهد. البته مطرح شدن این روش تنها به دیالوگ خوانی جواد عزتی و امیر جعفری خلاصه می‌شود و هیچ دستاورد بصری و ویژه‌ای برای مخاطب سینمایی به همراه ندارد. این در حالی است که کارگردان با تنظیم این دیالوگ‌ها به وضوح تلاش ویژه‌ی خود را در جهت‌دهی چیدمان متلک اندازی‌های رایج سیاسی خود و به منظور جلب حمایت طیف حاکم در عرصه‌ی مدیریتی کشور کرده است.

البته بعید نیست که سازندگان اثر ضمن تامین هزینه فیلم خود از شرکت‌های وارد کننده خودرو، سعی در جذب بودجه‌ی فرهنگی کشورهای غربی نیز داشته و در این راستا آکسیدان را به عنوان اثری در قالب پروژه‌های فرهنگی اتحادیه اروپا و به منظور جلوگیری از روند مهاجرت به کشورهای این اتحادیه تعریف کرده باشند! آکسیدان پس از ناکام نشان دادن اصلان در اجرای نقشه تغییر دین و همچنین راهکار قرار دادن متقاضی ویزا به عنوان مجرم سیاسی، به سراغ سومین روش اخذ ویزای اروپا، یعنی شگرد ترنسکشوال (Transsexual) و هموسکشوال (Homosexual) نشان دادن اصلان می‌رود و در این بخش است که جوان معتقد ایرانی مجبور می‌شود تا برای همجنس باز نشان دادن خود، اقدام به رنگ کردن مویش نماید و برای این امر بایستی آکسیدان مصرف نماید! مبتنی بر این تصور، سازندگان اثر بدون اطلاع کافی از ماهیت آکسیدان و توجه به این واقعیت که در عالم واقع نه عمل آکسایش و نه عمل کاهش به تنهایی انجام‌پذیر نیستند (چون یک ماده نمی‌تواند کاهیده شود

ماجرای فلاکت جوان متعهد ایرانی برای دریافت ویزا دانست؛ جوانی به نمایندگی از طبقه‌ی متوسط کشور که تنها به سبب خروج نگارش از کشور، البته همراه با تمام دارایی‌شان، گام در مسیر اخذ ویزا نهاده و تلاش ویژه می‌کند تا راهی غرب شوند.

در این روند آکسیدان با وارد کردن یک دلال بظاهر حرفه‌ای (با بازی امیر جعفری) به طرح شگردهای اخذ روادید و ترسیم ماهیت کلاهبردارانه‌ی این روش‌ها می‌پردازد. فیلم در این مسیر ابتدا به سراغ متداول‌ترین شیوه‌ی اخذ ویزای اروپا برای انسان‌های مسلمان رفته و عمده زمان فیلم و همچنین داشته‌های کمیک خود را صرف ترسیم ابعاد تغییر دین و مسیحی شدن اصلان می‌کند.

آکسیدان، آخرین محصول تولیدی یکی از خانواده‌های نام‌آشنا در صنعت سینمای کشور، اثری ضعیف است که از لحاظ فرم قطعاً نمی‌تواند مخاطب سینمایی خود را اقناع کند و بار دیگر به تماشای اثر بکشد. اثری به شدت ضعیف با ناتوانی کارگردان در گرفتن بازی‌های طبیعی از هنرمندان توانمند همچون جواد عزتی و امیر جعفری و ترسیم ری اکشن‌های چاق و لاغر این دو در کنار یکدیگر که موقعیت‌های طنز اثر را به صورتی یکبار مصرف در می‌آورد.

البته آکسیدان شاید به ظاهر در ابعاد کمیک بخش مسیحی شدن اصلان موفق‌تر عمل کرده باشد اما باید توجه داشت که عدم وجود منطق در کیفیت مسیحی شدن و اصولاً چرایی راهب شدن یکباره‌ی اصلان، به همراه بازی‌ها و کارگردانی آشفته اثر، همه و همه سبب می‌شود تا موقعیت‌های طنز فیلم یکی پس از دیگری ضایع شود و اصولاً کیفیت کمیک آن در سطحی غیربیادماندنی برای مخاطب سینمایی باشد.

آکسیدان پس از تمرکز ویژه‌ی خود بر ترسیم یکی از متداول‌ترین شگردهای اخذ روادید و در عین حال تصویر سازی غیرمنطقی و بدون پشتوانه کارشناسی

با توجه به ترسیم فلاکت مذهب در آکسیدان، می‌توان آن را اثری شاخص در سینمای تا به امروز ایران دانست؛ اثری ضعیف از لحاظ فرم سینمایی که در محتوای خود ماهیت ادیان الهی در جامعه امروز را به چالش می‌کشد و حتی در برخی از دیالوگ‌های طنز، نفی می‌کند و ضمن حقه‌ی پلورالیسم دینی؛ اصل موضوعیت داشتن دین و اعتقاد به ادیان الهی را برای انسان امروزی در ذهن مخاطبان خود با تردید مواجه می‌سازد

آکسیدان داستان زندگی پسر محبوب و با شرافتی به نام اصلان (با بازی جواد عزتی) است که به عنوان جوانی از طبقه‌ی متوسط اجتماعی ایران، در یک تعمیرگاه ماشین (تعمیرگاه گارانتی شرکت کرمان موتور، یا همان سرمایه‌گذار و اسپانسر اصلی اثر) مشغول به فعالیت است؛ پسر جوانی که نامزدی به نام نگار (با بازی لیندا کیانی) دارد.

شروع آکسیدان بدون پرداخت مناسب به شرایط خانوادگی و مراحل پیشین آشنایی اصلان و نگار؛ تنها به شرح احوال عشق و عاشقی این دو تمرکز دارد. در ادامه نیز به سرعت، اصلان پس از اخذ وام ۵۰ میلیون تومانی از شرکت، جهت اجاره مسکن و تشکیل زندگی رسمی خود با نگار، وجه را در اختیار نامزدش قرار می‌دهد و این در حالی است که به یکباره داستان متحول شده و خروج غیرقانونی نگار از کشور را طرح می‌کند؛ خروجی که سبب آشفته‌گی اصلان و پیگیری وی برای بازگرداندن نگار به کشور می‌شود.

بر این اساس آکسیدان وظیفه‌ی اصلی خود را شرح کیفیت دریافت ویزای قانونی و ترسیم راه‌های امروزی آن برای انسان ایرانی قرار می‌دهد و با محور قرار دادن اصلان و طرح این ادعا که او می‌خواهد با اخذ ویزای قانونی، اقدام به بازگرداندن نگار خود از غرب کند، سه روش اصلی اخذ ویزای اروپا برای انسان مسلمان را مرور می‌کند. از این جهت است که آکسیدان را می‌بایست



مگر آن که هم‌زمان ماده‌ای دیگر اکسید شود و ماده کاهیده شده سبب آکسایش است و لذا عامل آکسنده نامیده می‌شود و ماده‌ای که خود اکسید می‌شود، به نوعی عامل کاهنده است) به سراغ ساخت اثری معقول در موضوع مهاجرت و پناهندگی مبادرت ورزیده و این در حالی است که ایشان به دلیل عدم فهم مناسب خود، توجه نداشتند که با این گونه آکسایش، عملاً به کاهیدن از معتقدات دینی و به طور کلی سبک زندگی انسان مسلمان ایرانی مبادرت ورزیده‌اند و انسان ایرانی را موجودی مفلوک و هرهری مذهب معرفی کرده‌اند.

در این بخش سوم، آکسیدان از تعریف صحنه‌های اروتیک بر بستر روابط بین زن و مردهای داستان فاصله محسوسی می‌گیرد و تمام وجوه سکسی و هنرمندی خود را در حلقه‌ی فضای گمیک به اثر را در روابط جواد عزتی و امیر جعفری به عنوان پارت‌نر جنسی خلاصه می‌نماید؛ این در حالی است که مبتنی بر آنچه در اثر به تصویر آمده نهایتاً این شگرد موفقیت‌آمیز بوده و سبب می‌شود تا اصلاً با تمام سادگی و ناتوانی خود، بتواند ویزای قانونی اروپا را اخذ کند.

آکسیدان، نمونه‌ای بارز از ولنگاری فرهنگی در دولت یازدهم است؛ ولنگاری لجام گسیخته‌ای که در عرصه‌های مختلف فرهنگ و هنری کشور ظهور و بروز یافته و این بار در قامت یک اثر سینمایی ضعیف، سعی در پوچ انگاری دین و مذهب و حلقه‌ی باورهای آمانیستی، با ضرب و زور سکس پیدا و پنهان، به جامعه‌ی مسلمان ایران دارد. پس شاید به زعم دست‌اندرکاران؛ آکسیدان در ظاهر هر سه روش تغییر (تغییر دین؛ مجرمیت سیاسی؛ هموسکسوال) را به نوعی مردود و غیر قابل حصول برای مهاجرت قانونی و اخذ ویزای قانونی اروپا بیان می‌کند؛ اما باید توجه داشت که به سبب ترسیم بی‌لیاقتی اصلاً در اجرا و پیشبرد نقشه‌های دلالت‌آور، این امر از زاویه دیدی دیگر می‌تواند آکسیدان را به اثری کاملاً مخرب تبدیل نماید و آن را به عنوان فیلمی برای آموزش شگردهای اخذ روادید و ویزای قانونی اروپا برای جوانان بیکار در عصر تدبیر و امید مبدل سازد. به ویژه آنکه راهبرد و شگرد هم جنس گرا شدن و هموسکسوال نشان دادن را موفق‌ترین و تضمین‌شده‌ترین راهکار برای اخذ مجوز اقامت قانونی در غرب تصویرگری می‌کند؛ راهکاری که حتی اصلاً ساده‌دل نیز توانایی به سرانجام رساندنش را دارد، اگر چه وی نهایتاً این روش را به انجام نمی‌رساند.

با این همه آکسیدان پیام دیگری نیز درون خود داشت و آن تبیین کیفیت آکسایش محمدی‌ها در آینده سینمای جمهوری اسلامی ایران است؛ خانواده‌ای که شاید تا پیش از این، اهتمام ویژه‌ی خود را بر بسط تفکر اسلام‌منهای روحانیت در قالب سینما و ترسیم انسان بودن روحانیت، بدور از شان و وظیفه‌ی اسلامی ایشان نهاده بودند و در این مسیر شخصیتی از روحانیت شیعه به تصویر می‌کشید که فارغ از روحانی بودن در درجه اول یک انسان هستند و البته اگر می‌خواهند انسان بمانند، مجبور هستند تا همچون دیگران بر سر کار رفته و از قبل بازوی خود، نان حلال برای زن و بچه‌ی خویش محیا سازند؛ نان حلالی که از طریق نشستن و درس خواندن و تولید فکر و برآورده ساختن مایحتاج سعادت دنیوی و آخروی جامعه و ملبس بودن به لباس روحانیت، حاصل نمی‌شود و تنها از مسیر پوشیدن لباس کارگری و برق کشی ساختمان و بازیگری و... صورت می‌پذیرد و... و اکنون آکسایش محمدی

ها سبب شده تا بار جدیدی بر اولویت سینمایی ایشان افزوده شود و در این مسیر سعی کنند تا اصل وجود روحانیت را در حد و قواره‌های شاهدی اجتماعی فروکاست دهند و اوج ترسیم حقارت دین و مذهب را به سکانس پایانی اثر جلوه‌گر ساخته و در سکانس موتور سواری روحانیت (حاج آقای تازه‌وارد به مسجد) تصویر سازی نماید.

ایده توجه داشت که دغدغه‌ی اصلی روحانیت مورد تصویر محمدی کوچک و بزرگ در این اثر سینمایی، دیگر محدود به روحانیت شیعه نشده و حتی روحانیت مسیحی را نیز در بر می‌گیرد؛ روحانیتی که در هر ورژن و گونه‌ای که باشد، (خواه در مسجد و خواه در کلیسا) انسانی مفلوک است و هیچ توانی در تغییر امور ندارد و نمی‌تواند تحولی در جامعه ایجاد نماید. در مقابل جامعه نیز از ایشان جز انجام مراسمات عقد و کفن و دفن و موعظه‌های نیم‌بندی و... و، توقع دیگری نداشته و ندارد.

پس اگر چه می‌توان دیالوگ‌های پایانی اثر در تبیین هجو گونه این موضوع که وقتی فرمون در دست اسلام است، آب تو دلت تکون نمی‌خورد و یا حواس روحانیت به همه امور است را به نوعی در سطح سایر دیالوگ‌های جنسی و سکس پیدا و پنهان اثر مورد ارزیابی قرار داد؛ اما در واقع دقت در محتوای اثر به وضوح نشان می‌دهد که آکسایش محمدی‌ها به سطح تقابل با دین و مفاهیم دینی افزایش پیدا کرده است. در این میان اگر چه زمانی ایشان در لوا و پوشش سازمان صدا و سیما و یا حوزه‌ی هنری و با بودجه‌ی سازمانی که تبلیغات اسلامی و رسانه‌ای جمهوری اسلامی را متولی و عهده‌دار بودند و... سعی در حلقه و بسط تفکر اسلام‌منهای روحانیت داشتند؛ اما فی الواقع وجود آن پشتوانه‌ها، اسباب حضور امروزی و متکی به سرمایه‌ی شخصی و آکسایش ویژه ایشان شده و موجب شده تا عملاً تبلیغ سکولاریسم بر بستر باورهای انسان‌گرایی سکولار (Secular Humanism) در قالب تصویر ایشان از شفافیت برخوردار شود و حلقه‌ی پلورالیسم دینی (Religious pluralism) آن هم به شکل زننده آن، سرلوحه‌ی تصویر سازی و تصویرگری ایشان بر پرده‌ی نقره‌ای سینمای جمهوری اسلامی قرار گیرد.

البته در برابر دیدگاهی که معتقد به غرض‌ورزی سازندگان اثر است؛ می‌توان دیدگاه دیگری را مبتنی بر عدم فهم و درک مناسب پدیدآورندگان اثر مطرح ساخت. دیدگاهی که مبتنی بر

آن، عمل این خاندان سینمایی در تولید چنین اثر مبتذل و فرومایه‌ای را حمل بر صحت گذاشته و در ذیل آن چنین متبادر می‌سازد که ایشان با معلومات ضعیف و شناخت ناقص خود، بار دیگر به خطا رفته‌اند و آکسایش خود در صنعت سینمای ایران را هویدا ساخته‌اند.

در مجموع باید توجه داشت که فلاکت مذهب در آخرین اثر ترسیم شده توسط محمدی‌ها به نحوی ویژه و خاص است که می‌بایست آکسیدان را اثری شاخص در سینمای تا به امروز ایران دانست؛ اثری ضعیف از لحاظ فرم سینمایی که در محتوای خود به وضوح ماهیت ادیان الهی در جامعه امروز را به چالش می‌کشد و حتی در برخی از دیالوگ‌های طنز، نفی می‌کند و ضمن حلقه‌ی پلورالیسم دینی؛ اصل موضوعیت داشتن دین و اعتقاد به ادیان الهی برای انسان امروزی و بویژه طبقه‌ی متوسط اجتماعی را در ذهن مخاطبان خود با تردید مواجه می‌سازد و ایشان را به پوچ انگاری ادیان الهی معتقد می‌کند. اثر برای این مهم، ضمن ترسیم فرایند مسیحی شدن و هم‌جنس باز شدن اصلاً برای اخذ ویزا و رسیدن به نگار و... به موازات این داستان اصلی؛ به طرح داستان فرعی اسلام آوردن جوان مسیحی می‌پردازد و جوان مسیحی سربازی را ترسیم می‌کند که عاشق دختر فرمانده‌ی مسلمان خویش می‌شود و برای به دست آوردن دختر، راهی جز مسلمان شدن، مسجد رفتن و شهادتین گفتن و... ندارد.

آکسیدان به وضوح اثری بدون تعلیق است؛ اثری که در درنگ ابتدایی خود تمام داستان را برای مخاطب مکشوف می‌سازد و در ادامه، تنها این صحنه‌های اروتیک اثر و حضور بدقواره بازیگران در صحنه است که به همراه دیالوگ‌های سکسی و به شدت جنسی، سبب می‌شود تا اثر برای یکبار قابل تحمل جلوه نماید. اثری که در نهایت به صورتی شبیه آثار بالیوودی (Bollywood) و با ازدواج تمام کاراکترها به پایان می‌رسد و قطعاً به سبب شان و مرتبت خاندان پدید آورنده، که برخی ایشان را در زمره‌ی همان مافیای پنهان سینمای کشور محسوب می‌کنند؛ توانسته با این حجم از سکس پنهان و آشکار خود و همچنین با این مقدار دیالوگ‌های مبتذل و فحاشی‌ها و تمسخر ادیان ابراهیمی و بویژه دین مبین اسلام، از فیلترهای مختلف تولید و ارگان‌های نظارتی عبور نماید و بر پرده‌ی نقره‌ای سینماهای جمهوری اسلامی به نمایش درآید.

منبع: سینماپرس

اُکسایش محمدی های صنعت سینما؛

در خشنده: ارائه محدودیت سنی باید بر اساس آموزه های اسلام صورت گیرد



عباس لاجوردی کارگردان ارزشی و انقلابی سینمای ایران که به تازگی فیلم «جشن تولد» را روی پرده داشته با تأکید بر لزوم رعایت محدودیت سنی برای تمامی فیلمها در گفت و گو با خبرنگار گروه فرهنگی خبرگزاری میزان گفت: متأسفانه این روزها خیلی از فیلمها بدون ارائه محدودیت سنی روی پرده می روند و اکثر خانواده ها به اجبار با توجه به زنده بودن فیلمها سالن را ترک می کنند. این قضیه اعتماد مردم را سلب کرده و باعث می شود به کل سینما بدبین شوند. خود من به شخصه در شرایط حاضر ترجیح می دهم که کودکان را به سینما نبرم.

وی افزود: در این مورد در اولین گام باید سازمان سینمایی اقدامات سریع و درستی را انجام دهد و اگر نه پخش کنندگان کاملاً به دنبال منافع شخصی خودشان هستند.

کارگردان فیلم «جشن تولد» وضعیت حال حاضر سینمای ایران را برگشت به عقب خواند و داد: ما با اکران این آثار به زمانی برمی گردیم که خانواده ها به سینما می رفتند و با فحش و الفاظ رکیک فراوان بازیگران روبرو می شدند. آن دوران هم استفاده از این الفاظ در آثار رایج بود و گاهی اینها را دلیلی بر کیفیت اثر می دانستند. این روند باعث فاصله بیش از پیش مردم با سینما خواهد شد.

وی سینمای ایران و تولیدات سینمایی را نامناسب خواند و تصریح کرد: قبلاً می گفتیم آن فیلم بد است



آموزه های اسلام و ایران صورت گرفته و کپی برداری از جایی نباشد. فیلم و سینما عرصه انسان سازی است و هر آنچه باعث شود انسان به تعالی برسد در این عرصه شایسته است. در دین اسلام جایگاه اصلی و اساسی انسان تعریف می شود و لذا باید تمامی حرکات و رفتارها بر اساس و منطبق با آموزه های اسلام باشد.

این کارگردان مطرح سینما افزود: همواره جایگاه فیلم های دینی و مذهبی بسیار خالی است. این نوع فیلمها امر به نوعی معروف و نهی از منکر هنرمندانه است. ما باید بیش از پیش در ساخته هایمان به رسالتی که بر دوش داریم و بر اخلاق گرایی تکیه کنیم.

وی با ابراز گلایه نسبت به برخی جوسازی ها در قبال آثار خود ادامه داد: متأسفانه بعضی وقتها فیلم هایی مثل فیلم های من که بر همین مبنای اخلاق اسلامی هستند را متهم به شعارزدگی کرده و با تمام قدرت در طرد آنها تلاش می کنند که از نظر من جدا از کیفیت آثار این راه راه درستی در مسیر فیلم سازی اخلاق گرا نیست.

کارگردان فیلم «بچه های ابدی» ساخت فیلم های مناسب برای جامعه را وظیفه هنرمند دانست و اضافه کرد: هنرمند باید آزاد باشد و آزادی را قبول داشته باشد و آن چیزی را دیده و تولید کند که جایگاه والای انسان را نشان دهد. این حرفها چیزی نیست که نسخه بنویسیم. ما نمی توانیم برای برخی از فیلم های سخیف نسخه صادر کنیم زیرا سازندگان این آثار باید به خودشان بیایند. برای شخص من این چنین دغدغه هایی دارای اهمیت بوده و مردم مهم هستند. اگر بتوانم با فیلم چهار نفر را به سمت خانواده و بستر آن برگردانم کار خودم را کرده ام.

در خشنده با اشاره به سلطه سینمای کمدی خاطر نشان کرد: متأسفانه این روزها همه سینماها در اختیار سینمای کمدی است و همه سالن ها را از فیلم های ژانرهای دیگر گرفته اند. سینمای کمدی بد نیست و شادی مردم لازم است اما این بهای قربانی کردن بسیاری از فیلم ها اتفاق می افتد. کمدی های سخیف خوراک مسموم به جامعه تزریق می کنند و با روندی که سالن در اختیار آنها گذاشته در این کار پیش می روند.

بسیاری از خانواده ها با توجه به تبلیغات گسترده محیطی و مجازی فیلمها به دیدن آثار رفته اما پس از آنکه از مضمون و محتوای اثر با خبر می شوند در میانه های فیلم به ناچار سالن سینما را ترک می کنند. به گزارش خبرنگار گروه فرهنگی خبرگزاری میزان، این روزها فیلم های مختلفی با مضامین و ژانرهای متفاوت در سینمای ایران روی پرده رفته و خانواده ها از قشرهای مختلف به تماشای این آثار می نشینند. آنچه در حال حاضر و با وجود اکران برخی از آثار مبتذل و سخیف بیش از پیش ملموس بوده و باعث اعتراض برخی خانواده ها و همچنین هنرمندان عرصه سینما شده، نبود و عدم رعایت درست محدودیت گروه سنی برای تماشای این آثار است.

این موضوع تا آنجا پیش می رود که بسیاری از خانواده ها با توجه به تبلیغات گسترده محیطی و مجازی فیلمها به دیدن آثار رفته اما پس از آنکه از مضمون و محتوای اثر با خبر می شوند در میانه های فیلم به ناچار سالن سینما را ترک می کنند. بی شک این پدیده و نداشتن برچسب محدودیت سنی برای اکثر فیلم های روی پرده بیش از هر چیز اعتماد خانواده ها نسبت به این عرصه را از بین برده و باعث قهر دوباره مردم با سینما خواهد شد.

پوران در خشنده کارگردان نامی زن سینمای ایران که این روزها فیلم «زیر سقف دودی» را روی پرده دارد با ابراز گلایه از وضعیت نامناسب اکران در گفت و گو با خبرنگار میزان در خصوص عدم رعایت محدودیت سنی برای فیلم های نامناسب گفت: بدون شک باید برای برخی از آثار محدودیت سنی اعمال شود. به نظر من بعضی از فیلمها به آگاه سازی مخاطب کمکی نمی کنند و حتی در بسیاری مواقع مخرب هستند. برای چنین فیلم هایی حداقل کار ممکن رعایت محدودیت گروه سنی برای رده های مختلف جامعه است.

وی با اشاره به مضامین آثار خود و تأکید بر سینمای اخلاق محور افزود: فیلم های من اکثر آفیلیم های خانوادگی هستند و خوب است که خانواده ها بعضی از مسائل را در کنار بچه ها ببینند زیرا فکر می کنم در برخی موارد باید برای آموزش درست بچه ها آنها را به سینما آورد. کودکان و نوجوان در جامعه ما و مخصوصاً آینده کشور بی نهایت تأثیر گذار هستند پس باید درباره خوراک فرهنگی که به آنها داده می شود با دقت عمل کرد. دقتی که متأسفانه این روزها هیچ خبری از آن نیست.

کارگردان فیلم «هیس دخترها فریاد نمی زنند» با اشاره به اکران کمدی های سخیف و فروش میلیاردي آنها در سینماها تصریح کرد: فیلم های کمدی سخیف، دیالوگ های مبتذل و آثاری که الفاظ و حرکات زشت به کار می برند این روزها گیشه را در دست دارند. وی با اشاره به لزوم ایجاد رده بندی سنی متناسب با اسلام و کشور تأکید کرد: رده بندی سنی برای فیلمها باید برای کشور خودمان و بر اساس هنجارها و



نماینده ارامنه در مجلس:

هنجارها و آموزه‌های دین مسیحیت در «مادر قلب اتمی» و «اکسیدان» به چالش کشیده شده‌اند



سال پیش که نشریه «شارلی ابدو» به ساحت مقدس پیامبر اسلام توهین کرد و نمایندگان اقلیت همراه با نمایندگان مسلمان مجلس اقدام این روزنامه را محکوم کردند، طبیعی است که نمایندگان مسلمان نیز نسبت به توهین به دین دیگر در یک فیلم واکنش نشان دهند.

این نماینده اقلیت در مجلس ادامه داد: نمی‌توان گفت مسیحیان خود نماینده دارند لذا لازم نیست شما خود را قاطی ماجرا کنید! ارزش‌های توحیدی مربوط به تمام موحدان است لذا چه کسی گفته هر کس باید نسبت به توهین به دین خودش واکنش دهد؟

وی در رابطه با فیلم «مادر قلب اتمی»، گفت: متأسفانه این فیلم یکی از بانوان عضو گروه کُر کلیسا را فاقد اصول اخلاقی معرفی کردند در حالی که با قاطعیت می‌گوییم امکان ندارد چنین بانوی مسائل اخلاقی مطرح شده در فیلم را داشته باشد، ضمن آنکه مقام اجتماعی چنین بانویی برای مسیحیان کمتر از کشیش نیست اما «مادر قلب اتمی» چنین شخصیتی را به چالش کشیده است.

خانلری با تاکید مجدد مبنی بر اینکه موضع مثبتی در قبال این دو فیلم ندارد، توضیح داد: فیلم «اکسیدان» به صورت غیرمستقیم می‌گوید؛ یک شهروند مسلمان ایرانی می‌تواند برای دریافت پناهندگی تغییر دین دهد در حالی که این اقدام نه تنها واقع‌گرایانه و امکان‌پذیر نیست بلکه ترویج چنین نگرشی هم درست نیست.

نماینده مردم ارامنه شمال در مجلس شورای اسلامی در رابطه با این موضوع که فیلم «مادر قلب اتمی» ۳ سال به دلیل «ترویج ادیان دیگر» توقیف شده است، گفت: من ترویجی در این فیلم ندیده‌ام و نمی‌توانم درباره آنچه سه سال گذشته بر فیلم گذشته اظهار نظر کنم ولی برداشت خودم و موکلین و نمایندگانی که با آن‌ها صحبت کرده‌ام این است که این فیلم دین مسیحیت را به چالش کشیده است.^⑩

نماینده مردم ارامنه شمال در مجلس می‌گوید موضع مثبتی نسبت به فیلم «مادر قلب اتمی» و «اکسیدان» ندارد زیرا به اعتقاد وی این دو فیلم هنجارها و آموزه‌های دین مسیحیت را به چالش کشیده‌اند.

به گزارش سوره سینما کارن خانلری در گفت‌وگو با خبرگزاری خانه ملت با اشاره به حواشی پیش آمده در رابطه با اکران فیلم‌های «مادر قلب اتمی» و «اکسیدان»، گفت: شخصا این فیلم‌ها را دیده‌ام و با موکلین و دیگر نمایندگان حوزه انتخابیه درباره آن‌ها صحبت کرده‌ام اما اکثریت این دو فیلم را نپسندیدند چرا که به هر حال این آثار، هنجارها و آموزه‌های دین مسیحیت را به چالش کشیده‌اند؛ بماند که کشیشیان در فیلم «اکسیدان» وسیله‌ای برای تمسخر و خنده شده‌اند.

نماینده مردم ارامنه شمال در مجلس شورای اسلامی ادامه داد: مجبورم به‌عنوان نماینده ارامنه پیامدهای اجتماعی پیرامون این دو فیلم را برعهده بگیرم بنابراین باید بر مبنای این پیامدها اظهار نظر کنم یا واکنش نشان دهم، در حالی که گمان نمی‌کنم که صاحب این دو اثر مسئولیت و عواقب آثار خود را در جامعه بپذیرند. آن‌ها فقط از طریق فیلم‌های خود اطلاعات ناقصی را به تمامی جامعه تزریق می‌کنند اما عواقب کار آن‌ها را باید مسئولان رفع و رجوع کنند.

خانلری با اشاره به نامه اعتراضی تعدادی از نمایندگان نسبت به اکران این فیلم درباره این موضوع که چرا امضاء وی پای این نامه نیست، توضیح داد: احتمالاً نماینده جمع‌کننده اعتراض به من دسترسی نداشتند چرا که تمایل به این امضاء داشتم.

وی با بیان اینکه ای کاش سازندگان این دو فیلم مشورت بیشتری از کارشناسان ارامنه قبل و حین ساخت فیلم دریافت می‌کردند، در خصوص دلایل اعتراض ۱۷ نماینده مجلس به محتوای این دو فیلم، گفت: همان طور که دو

و نباید آن را ببینیم ولی الان کار به جایی رسیده که باید بگردیم که کدام فیلم را می‌شود دید. تبلیغات و فضای مجازی هم فیلم‌های مبتذل و سخیف را تبلیغ می‌کنند. مسئولین می‌توانند با کمک به تبلیغات و دادن تیزر رایگان به آثار ارزشی در معرفی این آثار گام مثبتی بردارند تا مردم با فیلم‌هایی روبرو شوند که ارزش دیدن دارد.

این کارگردان سینما اکران یکباره فیلم‌های توقیفی را اتفاقی غلط دانست و اضافه کرد: این فیلم‌ها یا از همان ابتدا مشکل داشتند و توقیف شدند و یا اینکه نداشتند. اگر مشکل نداشتند که توقیفشان اشتباه بوده و اگر توقیف شده‌اند حالا اکرانشان اشتباه بزرگی است. برخی آثار هستند که با ممیزی موردی و حذف بعضی سکانس‌ها برای پخش ایرادی ندارند اما برخی فیلم‌ها از پایه برای اکران نامناسب بوده و با اکران آنها به بدنه فرهنگ جامعه ضربه سهمگینی وارد می‌شود. با این وجود اگر مسئولین می‌خواهند هر فیلمی نشان دهند که بروند فیلم‌های هالیوودی اکران کنند.

وی در همین راستا ادامه داد: برخی از فیلم‌ها فقط ستاره دارند و برای فرهنگ و فرهنگ‌سازی نه تنها چیزی ندارند بلکه خطرناک هم هستند. به نظر من در این ورطه حساس دستگاه قضایی کشور می‌تواند وارد شده و از مجرای قانونی با این نوع از هجوم فرهنگی برخورد کند. در سینما باندهایی وجود دارد که از بررسی و نظارت درست روی این آثار جلوگیری می‌کنند و دستگاه قضا می‌تواند به خوبی با این معضل برخورد کند. اگر در خیابان کسی عملی خطا انجام دهد پلیس بسا او برخورد می‌کند، حالا فیلمساز آمده و در سطح کشور خطایی بزرگ انجام می‌دهد پس ورود قوه قضائیه به این مبحث بسیار کاربردی و به جا است.

لاجوردی با اشاره مستقیم به رعایت درست گروه‌بندی سنی خاطر نشان کرد: اینجا این اتفاق یعنی رده‌بندی سنی به درستی انجام نمی‌شود. برخی از آثار با این کار حتی به فروش بیشتر خودشان فکر می‌کنند و مثلاً با برچسب بالای ۱۸ سال مخاطب را برای مشاهده فیلم تهیج می‌کنند. این روند و این سازگار نادرست باید توسط مسئولین سینمایی به درستی بررسی و از بنیاد متحول شود و اگر نه آینده روشنی در انتظار سینمای ایران نیست.

حال باید دید روند اکران بدون نظارت و بررسی فیلم‌های ایرانی تا چه زمانی پیش رفته و مخاطبان تا چه وقت می‌توانند با این بی‌برنامگی در خصوص عدم رعایت محدودیت گروه سنی در سینماها کنار بیایند. پدیده‌ای که با اکران فیلم‌های مبتذل، سخیف و در حال حاضر بسیاری از فیلم‌های توقیفی شدت بیشتری گرفته است.^⑪

منبع: خبرگزاری میزان



درباره تازه‌ترین اثر منوچهر محمدی؛

چرا «اکسیدان» باید روی پرده بماند؟

ایران تثبیت کرده است. به هر حال محمدی سال‌ها با شارژ برخی قلم‌ها در برخی رسانه‌ها، سعی کرده خودش را به عنوان تهیه‌کننده مولف تثبیت کند و طبیعی است که با اکسیدان توانسته مولفی ماندگار در تثبیت این ژانر باشد.

البته این محمدی به این مدل اروتیسم‌نمایی دلبستگی خاصی دارد. زمانیکه دوران ساخت فیلم‌های ارگانی و سفارشی را پشت سر می‌گذاشت اروتیسم‌نمایی موصوف نمود کم رنگی داشت. محمدی در رقابت با فرحبخش خیلی علاقه مند به نمایش حریم خصوصی زناشویی است و به عنوان نمونه می‌توان به نمایش حریم زناشویی در فیلم «امکان مینا» اشاره کرد، یا در فیلم «فرشته‌ها باهم می‌آیند» روحانی جوان فیلم به سراغ همسرش داخل حمام می‌رود. از روی چنین نشانه‌هایی می‌توان حدس زد که منوچهر محمدی به عنوان تهیه‌کننده مولف دلش برای اروتیسم‌نمایی قنچ می‌رود و البته اکسیدان به عنوان یک فیلم مستقل و شخصی فرصت خوبی است که محمدی هر آنچه سال‌ها نتوانسته در فیلم‌های ارگانی‌اش نمایش دهد را در این فیلم رو کند.

محمدی که در سال ۹۰ بانی شورش، تجمع، توقیف، اعتراض به اکران فیلم‌های سهیلی و فرحبخش بود اما در شرایط کنونی خودش در همان کوزه افتاده است. این تهیه‌کننده سینما در آستانه‌ی اکران عمومی «اکسیدان» با بیان این مطلب به ایسنا گفت: شورای پروانه نمایش وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این سال‌ها نشان داده است که شورایی است که با وسواس، دقت و سخت‌گیری فیلم‌ها را بازبینی و برای آنها پروانه نمایش صادر می‌کند و در صورت لزوم اصلاحیه‌های جدی هم به فیلم‌ها می‌دهد که پس از انجام اصلاحیه‌ها آن فیلم، قابل نمایش می‌شود. طبعاً اتفاقی که در زمینه فیلم «اکسیدان» افتاده، دوستان در حوزه هنری نظرات و اصلاحیه‌های اضافه‌تری داشتند؛ حجم و ساختار اصلاحیه‌ها نسبتاً زیاد بود و ساختار فیلم را بهم می‌ریخت و علی‌رغم رایزنی‌ها سرانجام اعلام کردند که فیلم در سینماهای تحت پوشش حوزه هنری به نمایش درخواهد آمد.

این گفتگو از تهیه‌کننده اکسیدان در سی‌ام خرداد نشان داد که حوزه هنری که روزگاری محمدی روی تخت سلطنت تولیدات سینمایی آن نشسته بود، حاضر به اکران فیلم اکسیدان نیست. اما اتفاق عجیب‌تر روز پنج شنبه هفته گذشته افتاد.

هفته گذشته چند تن از نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز پنج‌شنبه با انتشار نامه‌ای به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، خواستار توقف نمایش دو فیلم «اکسیدان» و «مادر قلب‌آمی» شدند. در نامه نمایندگان مجلس به وزیر ارشاد اشاره شده «با اکران این دو فیلم، به ساحت ادیان مقدس الهی توهین شده» است. رسانه‌های حامی محمدی، درباره این واکنش‌ها به صورت یکپارچه نوشته‌اند فیلم طنزآمیز اکسیدان،

پس از اخراج منوچهر محمدی از حوزه هنری مشخص نشد که او در مقام تهیه‌کننده، با حمایت کدام نهاد فیلم شکست خورده «امکان مینا» را ساخت؟! امکان مینا آخرین ورق فیلمسازی ارگانی منوچهر محمدی را رقم زد. طبیعی است که محمدی پس از فیلم مارمولک با ساختن فیلم «طلاوس» (به یقین ماحصل زحمت همایون اسعدیان است)، در دورانی که فیلم سفارشی - ارگانی می‌ساخت، روی موج ارزش‌نمایی سوار شده و تابلوی «من تهیه‌کننده ارزشی هستم» را بالای سر داشت. اما پس از آنکه تمام ارگان‌های حامی‌اش از وی ناامید شدند در اقدامی عجیب دست به ساخت فیلم اکسیدان زد. در واقع ساخت اکسیدان برای منوچهر محمدی یک هاراگیری (خودکشی به سبک ساموایی‌ها) محسوب می‌شود. او پس از ساخت مارمولک، سال‌ها تلاش کرده بود که چهره ارزشمندی از خود به جامعه فرهنگی نشان دهد و در شرایطی که حمایت‌های سازمانی از او به پایان رسید، هجویه مثل اکسیدان را ساخته است.

این متد فیلم‌سازی نوعی خودزنی است و مختص فیلمسازانی نظیر سعید سهیلی، قدرت اله صلح میرزایی، آرش معیریان، حسین فرحبخش و اصغر نعیمی است که روزگاری توسط منوچهر محمدی تکفیر می‌شدند. منوچهر محمدی با ژست ارزشی حین برگزاری جشنواره جنبالی سی‌ام فجر به عنوان میهمان تلفنی در برنامه هفت، حضور پیدا کرد و فیلمسازان نامبرده را تحت لوای نمایش خیانت، مورد انتقاد قرار دارد. منوچهر محمدی با آتشی که در برنامه هفت افروخت، سبب شد فیلم‌های سعید سهیلی (گشت ارشاد ۱) و حسین فرحبخش (زندگی خصوصی) از روی پرده سینماها پایین بیاید و در واقع در ضایع کردن همتایانش با ژست ارزش‌گرایی از هیچ تلاشی فروگذار نکرد. محمدی در جشنواره سی‌ام فجر را متهم به نمایش خیانت و بی‌اخلاقی کرد اما چند سال بعد کمال تبریزی به نمایش تخته‌خواب زناشویی در فیلم امکان مینا به تهیه‌کنندگی منوچهر محمدی افتخار کرد. حالا منوچهر محمدی با ساخت فیلم اکسیدان، در تثبیت ژانر مستهجن سینمایی روی دست سهیلی و فرحبخش بلند شده است. در واقع فیلم‌های سهیلی و فرحبخش در مقابل اکسیدان منوچهر محمدی، آثار اخلاق‌گرایی هم هستند. تصور کنید اکسیدان چقدر مستهجن است که در قیاس با آن گشت ۲ سعید سهیلی فیلم اخلاق‌گرایانه‌ای محسوب می‌شود!

«اکسیدان» آنطور که به نظر می‌رسد پس از نزدیکی سی سال فعالیت محمدی در سینما، نخستین فیلم غیر ارگانی وی به شمار می‌رود که با هزینه شخصی ساخته شده است. منوچهر محمدی که روزگاری سهیلی و فرحبخش را در کوزه می‌انداخت، حالا خودش در کوزه فرحبخش و سهیلی افتاده است و گامی فراتر برداشته و ژانر کمدی «مستهجن» را با اکسیدان در سینمای

در چندروز گذشته در فضای مجازی تویتر و کانال‌های تلگرامی دائماً مطلبی عنوان می‌شود که اصولگرایان بانی پایین آمدن این فیلم از پرده سینماها خواهند شد.

منوچهر محمدی طی سال‌های اخیر تله‌فیلم‌های میلیاردی فراوانی برای ارگان حوزه هنری و سایر ارگان‌ها ساخته است. اما قبل از ساخت فیلم اکسیدان، ساز و کار تولید فیلم در حوزه هنری در پست در اختیار منوچهر محمدی بود.

پس از دریافت این پیام، رابطه ارگانیک و سازمان یافته منوچهر محمدی در حوزه فیلمسازی با حوزه هنری کمرنگ شد و «فرشته‌ها باهم می‌آیند» که اثری ضد فرزندآوری است، زمینه‌ای برای قطع همیشگی محمدی با سازمان حوزه هنری را موجب شد.

اما در سال‌های جنبالی پسمارمولک، عده‌ای سعی کردند منوچهر محمدی را تطهیر کنند و به بهانه تولید آثاری نظیر «طلا و مس»، نسبت ارزشی را به پیشوند عنوان تهیه‌کنندگی وی الصاق کنند. منوچهر محمدی چیزی بیشتر از یک تهیه‌کننده نیست که طی سال‌ها موفق شده بواسطه روابط سیاسی، به عنوان مدیر تولید از ارگان‌های مختلفی حمایت مالی دریافت کند و تله فیلم بسازد و به اسم فیلم سینمایی در سینماهای مختلف اکران کند. حتی بواسطه فیلم جاودان «بازمانده» نیز نباید تقدیس شود. او جز ارتباط با عطاءالله مهاجرانی، کار دیگری انجام نداده است. سیف الله داد فقید کارگردان بازمانده، همواره شأن خود را حفظ می‌کرد و به همین دلیل حاضر نبود مستقیم وارد مذاکره با عطاءالله مهاجرانی مسؤول سابق کمیته «حمایت از انقلاب اسلامی فلسطین» شود تا برای ساخت این فیلم بودجه‌ای را دریافت کند. منوچهر محمدی در سینما این روابط و طریق دریافت کمک مالی را از ابتدا خوب بلد بود و نباید او را تهیه‌کننده بازمانده برشمرد. در واقع او یک واسطه (مدیر تولید) بیشتر نیست و متأسفانه همین مراودات سبب شده که او را به عنوان تهیه‌کننده فیلم بازمانده بشناسیم.

اگر به سابقه محمدی رجوع کنیم در خواهیم یافت، او با گربه لاته (گربه آوازه خوان) و فیلم وسترن ایرانی «هی جو» به عنوان تهیه‌کننده وارد سینما شد. محمدی حاضر است بنا به درخواست سفارش دهنده مواضع سیاسی و محتوایی آثارش را تغییر دهد به همین دلیل فیلم «ده رقمی» را در کارنامه‌اش دارد. با این تحلیل بدون در نظر گرفتن فیلم مارمولک، او یک سفارشی ساز دست چندم است و حوزه هنری با هوش و فراست مدیر عملگرا و آتش به اختیارش، محمد حمزه‌زاده مسئولان عالی رتبه سینمایی این نهاد حتی ارگان سازمان تبلیغات را به این نتیجه رساند که همکاری با منوچهر محمدی حاصلی جز خسران فرهنگی نخواهد داشت.

مروری بر اساسنامه حوزه هنری

دو فیلم و نقش منفی ارامنه و مسیحیت



مگر غیر از این بوده که در هر جا آباد کردنی بوده ارامنه به نوبه خود انجام وظیفه کردند؟ خواهشاً کمی تفکر بفرمایید و تحقیق!

اما در فیلم مادر قلب اتمی شخصیت «آرینه» با بازی ترانه علی دوستی، از اهالی کلیسا بوده و در گروه کر کلیسا خوانندگی کرده و پدر او کشیش کلیسا است و مادر و برادرش در کلیسا نوازندگی می کنند. در این فیلم دختران ارمنی را عرق خور سوءاستفاده کننده از موقعیت مسیحی بودن (در سکانسی از فیلم که پلیس آرینه را به جرم تند رانندگی کردن توقیف می کند و می فهمد که عرق خورده است، آرینه می گوید: «مسیحی ام ها...» لات و بی قیدوبند معرفی کرده است.

این فیلم هیچ محتوایی ندارد و به طور زیر کانه ای دختران ارامنه را بد جلوه داده است؛ جناب آقای علی احمدزاده، کارگردان محترم فیلم، در فیلم می گوید آرینه فرد مذهبی است. آیا شما آگاهید کسانی که به این شدت مذهبی هستند آهنگ های جاز و متال گوش نمی کنند؟ آیا آگاهی دارید که چنین افرادی دارای چهار چوب خاص خود هستند و به غیر از افراد کلیسای خود با هیچ کس طرح دوستی ندارند؟ دختران ارمنی نمونه بارز صداقت، پاکی، نجابت هستند و اهل خانواده که در هیچ جای دنیا نظیر آنها را پیدا نخواهید کرد، شما در فیلم خود این را ۱۸۰ درجه وارونه توصیف کرده اید.

سینمایی که شما در آن فعالیت می کنید، حاصل زحمات بنیانگذار آن مرحوم «آوانس او گایانس» هست، آن زمان که سپنتا در هندوستان فیلم می ساخت، او گایانس در ایران فیلم ساخت و مدرسه فیلم ابداع کرد. حال متأسفانه برای شما که برای پر کردن کارنامه هنری خود از هر توهین و ناسزاگویی به ارامنه دریغ نکرد اید. ➔

منبع: باشگاه خبرنگاران پویا

سیامانتو بار سقیاس، منتقد سینما، درباره نقش منفی ارامنه در دو فیلم اکسیدان و مادر قلب اتمی یادداشت انتقادی نگاشته است.

سیامانتو بار سقیاس، منتقد سینما، درباره نقش منفی ارامنه در دو فیلم اکسیدان و مادر قلب اتمی یادداشت انتقادی نگاشته است که به شرح زیر است:

قاچاقچی فیلم اکسیدان برای دریافت ویزای شخصیت اصلی، پیشنهاد تغییر دین از مسلمانی به مسیحیت را می کند و دو شخصیت به کلیسای کاتولیک رفته و لباس کشیش را می دزدند، بعد از اتفاقاتی کشیش حاضر می شود جواد عزتی را تعلیم داده و به او حکم تأییدیه بدهد تا به عنوان کشیش ویزای پناهندگی در انگلیس بگیرد. طی این آموزش ها موارد زیر را مشاهده می کنیم:

برای تعمیر سنگ های قبرستان صلیب را شبیه حضرت عیسی بر دوش می گیرند. شخص مسیحی برای ازدواج پیش کشیش می آید، می پرسد برای ازدواج با مسلمان تغییر دین از نظر مسیحیت ایرادی ندارد که کشیش اعلام می کند نه ایرادی ندارد.

در ساندویچی آندره بعد از گرفتن ساندویچ پرسیده می شود ساندویچ حلال است یا نه و بدون اینکه به ساندویچ لب بزنند از مغازه خارج می شوند.

در سکانس تغییر دین حتی کشیش با شخص مسیحی که می خواهد دین را عوض کند همراهی می کند که این شخصیت کشیش را جریحه دار می کند.

جناب آقای حامد محمدی، کارگردان محترم فیلم «به کجا چنین شتابان؟»، مگر ما ارامنه چه هیزم تری به شما فروخته ایم که این گونه رفتار می کنید؟ مگر چه کار خلاف عرفی انجام داده ایم که باز مهر نجس بودن را به پیشانی ارامنه زدید؟

به کارگردانی حامد محمدی، درباره فردی ست که قصد مهاجرت دارد و در آن، موضوعاتی مانند ممنوع تصویر رُوسای جمهور پیشین مطرح شده است در صورتیکه این نمی است که خود منوچهر محمدی به رسانه های خدمتگزار داده است تا با موج سواری سیاسی بتواند از چاله ای که فیلم در آن گیر کرده خلاصی یابد و از سوی دیگری با موج سواری سیاسی مخاطب را به داخل سینماها بکشانند. در صورتیکه موضوع ممنوع تصویر رُوسای جمهور در حد یک دیالوگ ادا می شود و آنقدر در چشم مخاطب نمی آید. نکته مهم دیگر این است که بی احترامی به ادیان در متن فیلم به چشم نمی آید و این تحلیل جای بحث فراوانی دارد. اما نکته مهمتر این است که اکسیدان بی حیاترین و غیر اخلاقی ترین فیلمی است که از منوچهر محمدی اکران شده و پایین آمدن فیلم از روی پرده سینما سبب قهرمان شدن منوچهر محمدی می شود.

وقتی یک تولید کننده یک محصول خاص، اثر قابل مصرف تولید نمی کند رسانه ها باید اطلاع رسانی کنند تا مصرف کنندگان، آن جنس بنجل را تهیه نکنند. درباره فیلم اکسیدان باید اطلاع رسانی دقیقی انجام شود که مردم با فرزندان جوان و نوجوان خود به تماشای فیلمی نروند که عمده شوخی هایش مستهجن است و ثانیاً به کسانی برای وقت گذرانی به سینما می روند توصیه کرد که تماشای فیلم اکسیدان مساوی با جفت پوچ است. منوچهر محمدی همانطور که سال ها جنس بنجل به ارگان های سفارش دهنده تحت عنوان فیلم ارزشی تحویل داده است، در نخستین فیلم مستقل خود شعور مخاطبش را هدف گرفته و مخاطبان محترم سینما با تحریم فردی و غیر سیاسی خود زمینه بنجل سازی را در سینمای ایران بر خواهند چید. البته این امیدواری وجود دارد منوچهر محمدی و نور دیده اش (حامد محمدی) برای ادامه چنین رویه ای حتما در ورکشاپ های حسین فرحبخش و سعید سهیلی شرکت کنند. در چندروز گذشته در فضای مجازی توییتسر و کانال های تلگرامی دائماً مطلبی عنوان می شود که اصولگرایان بانی پایین آمدن این فیلم از پرده سینماها خواهند شد. در صورتیکه یک گشت و گذار ساده در رسانه های اصولگرا نشان می دهد که نسبت به فیلم اکسیدان، غیر از چند نقد فنی، در رسانه های اصولگرا مطلب خاصی منتشر نشده است. اگر نمایندگان منتخب مجلس هم به فیلم واکنشی نشان می دهد، بیهوده به پای اصولگرایان نوشته نشود. مثلاً در فضای مجازی پس از واکنش اتفاقات و رویدادهای مجلس عده ای حقوق بگیر محترم در سینما توثیت می کنند که دلوپسان نسبت به این فیلم چنین و چنان....

نکته قابل اعتنا و یادآوری این است که رسانه های اصولگرا با شناختی که از موج سواری منوچهر محمدی دارند قطعاً واکنشی به این فیلم که قصه درست و درمانی ندارد، نشان نخواهند داد. چون همین الان هم تهیه کننده در یکی دو مصاحبه تهدید به افشاگری کرده است که خیلی این تهدیدها خنده دار است. تحریم حوزه هنری به صورت فنی در مورد این تله فیلم نازل واقعا جای تشویق فراوان دارد. در قیاس فنی (نه محتوایی) گشت ارشاد با همه سخیف بودن، ساختاری سینمایی دارد و حوزه هنری می تواند آنرا به عنوان فیلم سینمایی اکران کند.

در تحلیل دیگر از جولان های منوچهر محمدی باید به این مهم اشاره کرد کسی که فیلمی سطحی ساخته است چگونه می تواند ادعای افشاگری کند؟! برای افشاگری کافیتست مصاحبه قدیمی منوچهر محمدی از خبرگزاری ایسنا در سال ۱۳۹۲ را دوباره بازخوانی کنیم. ➔

منبع: فرهنگ نیوز

مواجهه و تعامل میان هنر و حکومت

کدام گروه توانایتر مآبانه رفتار می کند؟

علی دهبان



در نظام‌های مختلف حکومت‌ها همواره رفتار سلبی و یا ایجابی دارند و از راه‌های گوناگون برای هدایت سینماگران در تلاش هستند که بیشتر مانند فریب است این در حالی است که هر کدام رفتار دیگری را توانایتر مآبانه می‌خوانند.

معمولاً در هر دوره و شرایطی همواره حکومت‌ها با هنر و هنرمندان در تعامل و یا تقابل بوده‌اند. در طی تاریخ و تشکیل حکومت‌ها و از همان زمان پیدایش هنر این رابطه به شکل‌های مختلفی مسیر خود را طی کرده است.

به نظر می‌رسد در میان هفت هنر، «هنر-صنعت» سینما بیشترین ارتباط و البته حساسیت را با حکومت‌ها در عصر جدید برقرار کرده است. ابزار قدرتمندی که می‌تواند بیشترین تأثیرگذاری و هدایت‌گری را در مسیر اهداف مطرح شده در میان مردم داشته باشد.

از این رو سینما به لحاظ تربیت رفتاری و اندیشه‌ای بسیار عمیق و تأثیرگذار عمل می‌کند اما با چنین شرایطی چگونه میتوان کاری کرد تا «هنر-صنعت» سینما از مسیر در نظر گرفته شده دور نشود تا در عوض زایش و ساختن، تأثیرات مخربی بگذارد که سالیان دراز تصحیح آن به طول بینجامد.

هنرمند زیر ذره‌بین کمونیست‌ها حذف فردیت‌ها در نظام‌های کمونیستی

به طور مثال در دولت‌هایی که اندیشه کمونیستی وجود دارد تمام افراد در هر رشته‌ای که فعالیت داشته باشند توسط دولت و حکومت کاملاً مدیریت شده رفتار می‌کنند تا قدمی خلاف آنچه که در نظر حکومت است برداشته نشود. هنرمندان و به ویژه سینماگران به دلیل تأثیرگذاری‌شان در حجم گسترده در جامعه نیز بیش از سایرین زیر ذره‌بین بوده‌اند و چه بسیار سینماگرانی که به دلیل چنین سیاست‌های سلطه طالبانه‌ای کشورشان را رها کرده تا در دیگر کشورها به کار خود ادامه دهند و کم نیستند فیلم‌های مطرحی که به دلیل چنین رویکردی توقیف شده‌اند و از اکران‌شان جلوگیری شده است.

نظام‌های کمونیستی تمام فردیت یک فرد را زیر سوال می‌برند و برای زندانی درست می‌کنند که تعداد شماره‌های نفس آن را نیز محاسبه می‌کنند. تفکر سوسیالیستی هم نشانی از هدایت‌گری ندارد در یک قدم جلو تر نظام‌های سوسیالیستی حاکم بر کشورها است که چنین محدودیتی را برای افراد در جامعه ایجاد می‌کند و در آن بستر مواجه هنر و هنرمند با حکومت به شکل دخالتی نیست و تا حدی تعاملی است که وزنه آن بیشتر به سمت حکومت می‌چرید. در این نوع رویکرد به هیچ عنوان مبحث هدایت‌گری مطرح نیست. سوسیالیست‌ها عموماً خود را از هر نوع دیکتاتوری

مسئله است که باید برایش پاسخ روشنی یافت. نظام سرمایه‌داری و قدرتمند آمریکا توانسته به صورت غیر مستقیم و نامحسوس و البته ناجوانمردانه سینماگران خود را بی‌آنکه با آنها وارد چالش و بحث شود به سمتی که خود خواهان آن است هدایت کند.

هالیوود یک شهر پر از رویا در آمریکا است که هنرمندان به قوانین و چارچوب‌های ساخت فیلم در آن احترام می‌گذارند تا با تعریف هالیوودی، رستگار شوند. ایالات متحده آمریکا برای رستگاری هنرمندانش به ویژه سینماگران آن پلی به نام هالیوود گذاشته است که توسط آن نه تنها افکار جامعه خود بلکه بسیاری از جهانیان را به کنترل در آورده است در حقیقت آمریکا با کمک هالیوود توانسته یک حکومت پنهان و تأثیرگذار در دیگر کشورها باشد و با وجود خط و مرز جغرافیایی حکمفرمایی کند.

تغییر لباس کمونیست‌ها در نظام سرمایه‌داری سینما

مخالفین نظام حکومتی و سرمایه‌داری آمریکا در کمال آزادی دست به ساخت فیلم‌هایی می‌زنند که نقد جدی به کلیت نظامشان دارد، اما این تنها یک نمایش است. در پروسه در نظر گرفته شده و غیر اخلاقی آنها، بی‌آنکه سینماگر خود بداند در چه دامی افتاده است کم از دایره فعالیت کاری‌اش دور می‌شود و ناخواسته فیلم‌هایش به محاق می‌روند و البته این، بدین معنی نیست که توقیف شود بلکه با راه کارهایی که وجود دارد نمایش چنین فیلم‌های که مخالف خوانی دارد به

بری می‌دانند آنها طرفدار انتخابات آزاد و درجات مختلف آزادی کسب و کار هستند ولی معتقدند که منابع اصلی و خدمات عام المنفعه عمده وسایل تولیدی من جمله هنر و در رأس آن سینما باید در مالکیت حکومت باشد.

در تفکر سوسیالیستی حرف تازه‌ای شنیده نمی‌شود با چنین نگاهی می‌توان نظام‌های سوسیالیستی را در برخورد و مواجهه با هنر و هنرمندان را نسبت به فضا و تفکر کمونیستی یک پله بالاتر و تفاوت اصلی آنها را در نوع برخورد با افراد دانست، اما دیکته کردن آنچه که در نظر است در زیر بنای چنین خانه‌ای وجود دارد. حرف تازه‌ای در این نوع سینما تحت سلطه زده نمی‌شود، خلقی وجود ندارد و این یک آغاز غم‌انگیز برای هنرمند است چرا که زیست یک هنرمند و ماندگاری آثارش تا حدود زیادی وابسته به تجربه‌های شخصی و شناخت او از محیط پیرامونش است، اما غافل از اینکه حتی در بسیاری از کشورهای داعیه‌دار آزادی بحث نظارت و دیکته کردن آنچه که نظام حاکم خواهانش است وجود دارد در اینجا رهایی از زندان وجود ندارد و هنرمند تنها زندان و زندان‌بانش را تعویض می‌کند.

هدایت پنهان هالیوود

مبحث هدایت‌گری در همه نظام‌های حکومتی - بجز آنهایی که قائل به دیکتاتوری و دیکته کردن سلیق حکومتی هستند - وجود دارد و با هر سلیقه و تفکر شاهد این تلاش از سوی آنها هستیم اما اینکه هدایت‌گری به چه سمت و چگونه باید باشد، مهمترین

مادر قلب اتمی؛ فیلمی نامنسجم، آشفته و با پیکره ای چاک چاک!



جبار آذین منتقد و مدرس سینما همزمان با اکران فیلم سینمایی «مادر قلب اتمی» گفت: «مادر قلب اتمی» به هنگام داغی بازار مذاکرات هسته ای و متأثر از فضای ملتهب آن روزها ساخته شده و چون سازندگانش کوشیده اند با مضامین وقت این مذاکرات همگام باشند در پیکره چاک چاک قصه و فیلمنامه و ساختار نامنسجم و آشفته فیلم مسائلی را گنجانیده اند که امروز دیگر تاریخ مصرف ندارند.

این منتقد افزود: بخشی از مضامین «مادر قلب اتمی» از جمله گرایش ها و تمایلات همجنسگرایانه شخصیت های اصلی فیلم و زیر سؤال بردن پابندی ایران اسلامی به داشتن حق تشکیلات هسته ای به رغم چندین مورد اصلاحیه همچنان پاشنه آشیل و یا چشم اسفندیار فیلم است. وی ادامه داد: یکی از خروجی های ناصواب و غیر کارشناسی کمیته ویژه تعیین تکلیف فیلم های توقیفی سازمان سینمایی فیلم پر اشکال و پر مسأله و شبه روشنفکرانه «مادر قلب اتمی» ساخته علی احمدزاده است که بعد از حدود ۳ سال توقیف و اعمال برخی ممیزی های سلیقه ای اجازه اکران یافته است. «مادر قلب اتمی» دومین فیلم سینمایی احمدزاده و اثری اجتماعی با رویکردهای شبه سیاسی، ملی و امنیتی و تقلیدی خامدستانه از آثار پست مدرن است.

آذین سپس با بیان اینکه افزون بر این مسائل کلیت فیلم هم دارای داستانی قوام یافته و پرداخت شده نیست و پراکندگی موضوعات و بازی های فرمیک سینمایی آن را لطمه پذیر ساخته است اظهار داشت: پردازش ضعیف کاراکترها و موضوعات مختلف فیلم به دلیل ناتوانی فیلمساز در هدایت بازیگران و معادل سازی تصویری ناملموس و نامطلوب برای سوژه ها و ماجراها سبب شده تا بازیگران نتوانند بازی هایی خوبی ارائه کرده و فیلم اثری سرپا، تماشایی و قابل تأمل باشد. وی خاطرنشان کرد: گرچه اقدام کمیته ویژه سازمان سینمایی این فیلم را از بایگانی شدن و حبس شخصی نجات داده ولی مشکلات مضمونی، محتوایی و ساختاری آن نتوانسته برای «مادر قلب اتمی» مشتری جمع کند.

آذین در خاتمه این گفتگو متذکر شد: این تجربه تلخ تلنگری است برای فیلمسازانی که دچار جو زدگی شده و خام و ناپخته مسائلی را در قالب داستان به تصویر می کشند که از منظر داستان پردازی و فیلمسازی دچار مشکلات عدیده بوده و گرایش های سیاسی و جناحی و نقص در پرداخت هنری و منطبق نبودن محتوای آن با حرف روز جامعه آن ها را از مسیر سالم هنری دور کرده است. «مادر قلب اتمی» با بضاعت اکران شده فیلمی تاریخ مصرف گذشته، ناقص و نارسا و از یاد رفتنی است. ➡

منبع: سینماپرس

حدافل رسیده یا بر عکس در هیاهوی ساخت آثار اعتراضی که بخشی از آن توسط دولت شکل می گیرد از دید مخاطبین خارج می شود. در حقیقت اینجا هم کمونیست هایی وجود دارند که تنها در نظام سرمایه داری لباس دیگری پوشیده اند، شکل دیگری حرف می زنند اما نتیجه کارشان همان حذف فردیت افراد است.

برخی کارشناسان نام این رفتار آمریکایی ها را هدایت پنهان گذاشته اند غافل از اینکه چون در بطن کلمه هدایت، معنای روشننگری نیز نهفته است، اما در نوع رفتار امریکا با منتقدانش کوچکترین روشننگری وجود ندارد، شاید بهتر باشد از کلمه فریب پنهان استفاده کرد.

حکومت های مختلف به نسبت شرایط و اعتقادات و ... معمولاً با جامعه و اهالی هنر و به خصوص در عصر حاضر با سینماگران در حال بحث و کشمکش و یا مدیریت آنها هستند. در این میان نظام هنری کشور ما در دوران پس از انقلاب تلاش دارد تا با تعامل و به دور از فریب کاری و دروغ گویی مدیریتی هدایت گرانه داشته باشد.

نظام اسلامی بر اساس آموزه های آن می تواند به دور از فریب کاری و دروغ گویی و همچنین ارائه حق آزادی بیان زمینه ای را فراهم کند که سینماگر دست به خلق اثر هنری بزند، اما با همه این احوال نمیتوان از بحث هدایت گری نیز غافل بود و بعضاً در سینمای ما نیز مثل هر جای دیگری ممکن است آثاری ساخته شود که بر خلاف عرف جامعه و قوانین اسلامی باشد که باید برای آن فکری کرد. به همین منظور قوانین پیشگیرانه ای بر اساس همین نگاه در نظر گرفته شده است. با همه این احوال مشکل وقتی پیش می آید که دستگاه دولتی مأمور به اجرای قوانین پیشگیرانه، به درستی عمل نمی کند متأسفانه با اختلال مواجه شده است.

قوانین پیشگیرانه درست اجرایی نمی شود

اگر چه دستگاه نظارتی (وزارت ارشاد) در اغلب موارد درست عمل می کند اما طبیعی است که درصد خطای کمی هم داشته باشد. درصد خطایی که حوزه هنری مدتی است به عنوان نهادی که سالن های سینمایی را در اختیار دارد تصمیم گرفته تا از میان آثار مجوز گرفته، اندک آثار سینمایی را که نتیجه های اخلاقی مناسبی برای جامعه ندارد نمایش ندهد.

حوزه هنری ممکن است از میان مثلاً ۱۰۰ فیلم مجوز گرفته، ۲ فیلم را به این دلیل از دایره انتخابش خارج کند و ۳ تای دیگر را به دلایل اقتصادی یا هر دلیل دیگری نپسندد.

هدایتگری در سینما

اساساً هدایتگری به چند شکل امکان پذیر است. اشکالی از جمله شکل برج مراقبت (که در کشورهای کمونیستی و ... لحاظ می شود)، فانوس دریایی (شیوه ای که حوزه هنری آن را محور حرکت قرار داده است)، شکل انعکاسی و ...

اگر چه برخی تلاش دارند تا یکسان سازی و حذف اندیشه ها و حرکت در مسیر توتالیتاری را به حوزه هنری و نظام نسبت دهند اما ظاهراً این نهاد تلاش دارد تا مانند یک فانوس دریایی مسئله هدایتگری را انجام دهد. آنها خود را به تفکر دیگران که در چارچوب های دیگر است نزدیک نمی کنند و البته کسی را هم مجبور به رعایت و پذیرفتن آنچه که آنها خواهند گفت نیستند نخواهند کرد و تا کنون نیز همین طور بوده است. اما آنها اهداف خود و تفکری را که مورد پذیرش شان است چون فانوس دریایی می دانند که دیگران با دیدن نور آن می توانند خود را به آنها نزدیک کنند. حال این انتخاب بر عهده افراد است که از مسیر این فانوس خارج شوند و یا اینکه خود را به آن نزدیک کنند.

در چنین شرایطی بوده است که مثلاً فیلمی مانند «پنجاه کیلو آلبالو» چون از نظر نزدیک شدن به ساختار تقویت بنیان خانواده یا دلایلی از این دست به نقطه قابل قبول حوزه هنری نمی رسد، در سینماهای حوزه نمایش داده نمی شود اما همین فیلم در دیگر سالن ها به اکران در می آید.

اساساً در میان دریا و زمانی که راه و بیراه شبیه هم شده اند، برای هدایت به فانوس نگاه میکنند و فانوس برای نزدیک شدن دیگران به اهداف و نگاهی که در نظر دارد از خود نوری ساطع می کند که نشانگر یک جغرافیای مشخص است که باید با رعایت آن خود را به آن نزدیک کرد. این در حالی است که اگر منصفانه نگاه کنیم، این نهاد تنها دارد به وظایفش عمل می کند اما بعضی ها تلاش دارند کاری کنند تا حوزه همانند آنها فکر کند و از سویی رفتار توتالیتار مآبانه خود را به این نهاد نسبت دهند. ①

منبع: خبرگزاری فارس

کارنامه قابل قبول سینماهای حوزه هنری در جشنواره فیلم کودک



خبرنگاران و سینماگرانی که در ایام جشنواره فیلم کودک و نوجوان اصفهان، در این شهر و در سینماهای حوزه هنری فیلم دیدند، از کیفیت برگزاری این رویداد و نحوه میزبانی سینماها راضی بودند. سیدمصطفی حسینی مدیر امور سینمایی استان اصفهان، در این گفت و گوازی ویژگی‌های این جشنواره می‌گوید.

مخاطبان با آقای شادمهر راستین و سایر دوستان هماهنگی داشتیم. در بسیاری موارد نمایش فیلم‌ها به سانس فوق‌العاده رسید.

بله این جشنواره ۷۵ سانس فوق‌العاده داشت. برای جشنواره فیلم فجر به دلیل اهمیت و گستردگی مخاطب این تعداد سانس فوق‌العاده طبیعی است اما برای جشنواره فیلم کودک، رکورد محسوب می‌شود.

نمایش «بیست و یک روز بعد» هم خوشبختانه با موفقیت انجام شد؟

نمایش این فیلم برای ما، به عنوان بخشی از مجموعه حوزه هنری حساس بود. خوشبختانه از همان نخستین نمایش فیلم با استقبال مواجه شد و ۱۲ سانس فوق‌العاده داشت. در همه سانس‌ها هم فیلم مخاطب بسیاری داشت. معمولاً یک فیلم بعد از دو یا سه سانس فوق‌العاده، از مخاطبان کم می‌شود اما «بیست و یک روز بعد» بسیار با استقبال همراه بود.

این موضوع می‌تواند تبلیغ خوبی برای اکران عمومی باشد؟

بله، به ویژه این نکته را باید در نظر گرفت که اغلب مخاطبان فیلم را دوست داشتند، فردی سالن را ترک نکرد و کسی از تماشای این فیلم ناراضی نبود. «بیست و یک روز بعد» فیلم خوبی است که با تبلیغات و معرفی درست می‌تواند مخاطب بسیاری داشته باشد.

پردیس چهارباغ اصفهان با جشنواره فیلم کودک به نوعی بیشتر دیده شده. جشنواره و تیربینی بود تا این سینمای زیبا در معرض دید قرار بگیرد.

امسال استقبال از فیلم‌های جشنواره کودک نسبت به دوره‌های قبل تفاوت محسوسی داشت. چقدر نحوه برگزاری این رویداد با دوره‌های قبل متفاوت بود؟

سید مصطفی حسینی: بله، یکی از ویژگی‌های این دوره استقبال خوب خانواده‌ها و کودکان بود. استقبالی که می‌توان گفت دور از انتظار بود.

شما از چه زمان مطلع شدید که سه سینمای حوزه هنری میزبان این رویداد هستند؟

یک هفته قبل از شروع جشنواره. و این کار را برایتان سخت نکرد؟

(می‌خندد) فکر می‌کنم تمام مدیران امور سینمایی حوزه هنری و دوستان و همکارانم مرد روزهای سخت هستند. زمان کمی برای برنامه ریزی داشتیم اما سعی کردیم بر اساس تجربه‌هایی که داریم در خدمت جشنواره باشیم.

در زمینه اجرای امور و نحوه جذب مخاطب چقدر به تیم برگزارکننده این رویداد کمک کردید؟

دوستان در تیم برگزاری و اجرایی جشنواره ایده‌ها و طرح‌هایی داشتند، حرف‌ها، تجربه‌ها و نظر ما را هم شنیدند و به این نتیجه رسیدند که در بخش اجرایی، سینما و مخاطب امور را به ما بسپارند. ما هم از امکاناتمان استفاده کردیم، در بخش فروش اینترنتی بلیت و در بخش اطلاع رسانی در فضای مجازی همکاری کردیم و در نهایت این استقبال از فیلم‌های جشنواره شکل گرفت. البته بین ما و بخش‌های مختلف جشنواره، ارتباط موثر و دو سویه برقرار بود. مثلاً در بخش باشگاه

بله. ما جشنواره را در سه سالن شروع کردیم و به دلیل استقبال سالن چهارم هم به جشنواره اضافه شد. سعی کردیم پذیرایی و خدمات رسانی‌مان به نحوی باشد که مخاطبان راضی باشند و بازخوردهای مثبتی که داشتیم نشان دهنده این موضوع است که مخاطبان و سینماگران راضی بوده‌اند. در سینما فلسطین بخش بزرگداشت‌ها برگزار می‌شد و در سینما سپاهان فیلم‌های بخش مسابقه روی پرده می‌رفت. به نظرم مجموعه سینماهای حوزه هنری در این رویداد، حضوری موثر و پررنگ داشتند.

امور اجرایی جشنواره را فقط با پرسنل سینماها انجام دادید یا از تیم جشنواره کمک گرفتید؟

فقط با همکاران و پرسنل سینماها. حتی در بخش بین‌الملل در بخش امور اجرایی و کارهای جنبی به برگزارکنندگان جشنواره کمک کردیم.

یکی از تمهیدهای هوشمندانه تیم برگزاری این رویداد اختصاص یک بخش از صندلی‌های سالن به خبرنگاران بود.

بله، البته دوستان تیم برگزاری برای اهالی رسانه کارت در نظر گرفته بودند. اما ما در هر سانس ردیفی را مشخص می‌کردیم تا اگر از خبرنگاران و عکاسان، دوستی بدون کارت ماند یا وارد سالن شد و جایی برای نشستن نداشت بتواند از فیلم یا برنامه آن سانس استفاده کند. اولویت ما در سینماداری آسودگی خاطر مخاطب است، دوستان رسانه‌ای هم جایگاه و اعتباری دارند که باید حفظ شود.

بعد از جشنواره و این کار سخت و شبانه روزی چه چیزی خستگی شما را از بین برد؟

استقبال مخاطبان از جشنواره و اکران موفق «بیست و یک روز بعد». واقعا حضور مردم و خانواده‌ها به جشنواره شور و حالی خاص داده بود.



پایان تصویربرداری «پله‌های یک منبر» در ابرکوه



تصویربرداری بخش سوم مستند داستانی «پله‌های یک منبر» به کارگردانی اصغر عباسی در ابرکوه پایان یافت.

به گزارش سوره سینما، رئیس حوزه هنری یزد گفت: تصویربرداری بخش سوم مستند داستانی «پله‌های یک منبر» به نویسندگی، کارگردانی و تهیه‌کنندگی اصغر عباسی که همزمان با ماه مبارک رمضان در شهرستان ابرکوه آغاز شده بود به پایان رسید.

محمدصادق کوچک‌زاده افزود: این فیلم مذهبی - تاریخی، موضوع ممنوعیت روضه‌خوانی در زمان رضاخان در ابرکوه را روایت می‌کند و اینکه چگونه یک خانواده مسلمان متعهد و دغدغه‌مند می‌تواند با تکیه بر سبک زندگی اسلامی - ایرانی بر این تحریم ظالمانه غلبه کند و پرچم‌دار قیام اباعبدالله الحسین (ع) در زمان خفقان رژیم طاغوت در یک منطقه باشد.

وی اظهار داشت: «پله‌های یک منبر» محصولی از حوزه هنری استان یزد است که با مشارکت مرکز مستند سوره تولید می‌شود و امیدواریم محرم امسال از شبکه‌های سراسری پخش شود.

اصغر عباسی کارگردان این مستند داستانی هم با بیان اینکه تصویربرداری این اثر در سه بخش صورت گرفت، اظهار داشت: تصویربرداری بخش مستند عاشورای سال گذشته، بخش روایان فروردین‌ماه و بخش نهایی که شامل بازسازی روایت‌ها می‌شد نیز همزمان با ماه مبارک رمضان امسال انجام شد. وی با اشاره به اینکه بخشی از فیلم در زمان قاجار روایت می‌شود، گفت: بعضی از روایان خود شاهد ماجرا بوده‌اند و برخی نیز محقق و پژوهشگر عزاداری‌های عاشورایی هستند که در فیلم به بازگویی وقایع و حوادث آن دوران می‌پردازند.

عباسی همچنین دلیل طولانی شدن پروسه تصویربرداری را آماده‌سازی لوکیشن و تهیه لباس و لوازم صحنه عنوان کرد. این کارگردان به حضور حدود ۷۵ بازیگر و هنرور در این اثر اشاره کرد و افزود: ترکیبی از بازیگران یزدی و ابرکویی در این فیلم حضور دارند که حدود ۷۰ درصد آنان ابرکویی هستند. وی ادامه داد: در این فیلم از بازیگران چهره و شاخص استفاده نکردم تا برای مخاطب ذهنیتی از قبل به وجود نیآورد و بتواند

ارتباط بهتری با آن برقرار کند.

تهیه‌کننده فیلم «پله‌های یک منبر» با بیان اینکه تصویربرداری این اثر در هشت جلسه انجام شد، از روستای شهرسب، خانه تاریخی آقازاده و محله‌های دروازه میدان و درب قلعه شهرستان ابرکوه به عنوان لوکیشن‌های تاریخی مورد استفاده در فیلم نام برد.

به گفته عباسی این مستند داستانی به منظور پخش از شبکه‌های سراسری و ارسال به جشنواره‌ها بین ۳۰ تا ۴۰ دقیقه تولید خواهد شد.

وی با اشاره به بهره‌گیری از ظرفیت‌های بومی در این اثر گفت: حسین فلاح زاده، مسیح ریاحی، شهروز چغاززدی، محمدحسن برهان پناه، ابوالفضل صادق‌پان، سیدامیرمحمد زارعی، سیدهاشم حسینی، سیدآقانوور حسینی دوست، محمد رضا کارگر، سپیده احمدزاده و ثریا شهبازیان در این فیلم به ایفای نقش پرداختند.

به گفته وی دیگر عوامل فیلم را مشاور کارگردان: حسن نقاشی، تصویربردار: محمد جواد دهقان، صدابردار: حمید زیبا کلام، تدوین: سیاوش گرد جان، صداگذار: مهدی جمشیدیان، جلوه‌های ویژه: وحید ربانی، طراح صحنه: حبیبه گلمکانی، طراح لباس: عاطفه صالحی، طراح گریم: بهناز علی محمدی و عکاس: امیر جلالی تشکیل می‌دهند.

همزمان با آغاز تصویربرداری این فیلم، رئیس و معاون فرهنگی حوزه هنری یزد از پشت صحنه این اثر تاریخی بازدید و ضمن گفتگو با کارگردان و عوامل آن از نزدیک در جریان روند تولید این اثر قرار گرفتند. ⑩



گزارشی از اردوی آموزشی سازمان سینمایی حوزه هنری در «زیباکنار»



های هنری در سه استان مورد اشاره طی سه هفته نشست هایی با حضور فیلمسازان منتخب در این استان ها برگزار کرد. سرپرست کارگاه های مذکور مهرداد غفارزاده بود که مسئولیت اردوی زیباکنار را نیز برعهده دارد.

مدیر واحد توسعه فعالیت های استانی سازمان سینمایی حوزه هنری «با بیان اینکه «نمایش و نقد و تحلیل آثار فیلمسازان، بحث و بررسی در خصوص بهترین ایده های فیلمسازان استان ها و جلسات مشاوره برای اصلاح و پرورش این ایده ها از برنامه های شاخص در نشست های قبلی بود. خاطر نشان ساخت: در پایان از هر استان تعدادی از فیلمسازان برای حضور در اردوی حاضر در زیباکنار انتخاب و به این اردو دعوت شدند تا فرصت بیشتری برای کار روی ایده ها، طرح ها و فیلمنامه های آنان و نیز هماهنگی بیشتر این تیم به دست آید. تیمی که قرار است انشا... مشترکاً در تولید یک پروژه سینمایی با مشخصه های اثر بومی و منطقه ای حضور داشته باشند.

به گفته وی، به منظور استفاده ی بیشتر اعضای این اردو از تجربیات فیلمسازان حرفه ای، سه استاد مهمان به این اردو دعوت شده اند و کامبوزیا پرتوی کارگاه هایی با موضوع فیلمنامه نویسی و کارگردانی را برگزار کرده و ضمن صحبت در خصوص فیلمنامه نویسی و کارگردانی تجربه های ارزشمند خود از حضور در سینمای حرفه ای را با فیلمسازان این اردو در میان گذاشته است. همچنین، شاهین باباپور نیز کارگاهی با موضوع تدوین در سینما، تدوین عامه پسند و تدوین دیجیتال بر گزار نموده که به شدت مورد استقبال حاضرین قرار گرفته است. کارگاه فیلمبرداری در سینما نیز برعهده محمد آلاپوش بود که فرصت خوبی به فیلمسازان جوان این اردو داده تا با ویژگی های تولید حرفه ای در سینما و رابطه ی کارگردان و فیلمبردار حرفه ای آشنا شوند.

حسینی اضافه کرد: گردش در سطح شهر و تالاب انزلی، نشست های شبانه و نقد و بررسی آثار فیلمسازان اردو در این نشست ها با حضور مهرداد غفارزاده و کار روی فیلمنامه های انتخاب شده از دیگر برنامه های این اردو بوده است.

به گفته وی؛ حسن قهرمانی، توحید توانای رشید، حسین پورستار، رضا جمالی، عبدالله شکری پشکو، کریم عظیمی، مهدی حیدری، علی مردمی، محمدتقی فکوری نیا، امیر اطمینان از جمله فیلمسازان جوان حاضر در این دوره آموزشی بوده اند.

اردوی آموزشی سازمان سینمایی حوزه هنری که از دهم تیر ماه در «زیباکنار» آغاز شده بود با برپایی کارگاه های توسط کامبوزیا پرتوی، محمد آلاپوش و شاهین یاراحمدی به کار خود پایان داد.

به گزارش سوره سینما، جعفر حسینی با اعلام این مطلب افزود: این اردو به همت «واحد توسعه فعالیت های استانی سازمان سینمایی حوزه هنری» از تاریخ دهم تیر در زیباکنار آغاز شده و تا پانزدهم همین ماه ادامه یافته است.

وی با بیان اینکه اردوی زیباکنار به قصد پرورش استعدادها و مهارت افزایی فیلمسازان جوان و هنرمندانی از استان های آذربایجان غربی، شرقی و اردبیل برگزار شده و برنامه ای در ادامه سلسله نشست های سازمان سینمایی حوزه هنری در استانهای مذکور است. اضافه کرد: در زمستان گذشته سازمان سینمایی حوزه هنری با همکاری حوزه



فعالان فرهنگی هنری و رسانه‌ای و انتقال تجربیات و توانمندی‌های موفق تشکل‌ها و خلق ایده‌های نواز جمله اهداف برگزاری این جشنواره است.

مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری خراسان شمالی در خاتمه اظهار کرد: از ابتدای سال جاری تاکنون به همت هنرمندان استان، هشت فیلم کوتاه با موضوعات مختلف با حمایت و تهیه‌کنندگی حوزه هنری خراسان شمالی در استان تولید شده است.

به همت حوزه هنری خراسان شمالی صورت گرفت؛

تهیه سه فیلم با موضوع مضرات مصرف مشروبات الکلی

شمالی برای حضور در جشنواره «ازلام» و اکران عمومی و تلویزیونی تهیه شده‌اند. خدادادی خاطرنشان کرد: جشنواره «ازلام» با رویکرد آسیب‌های اجتماعی مصرف مشروبات الکلی و در قالب کلیپ‌های کوتاه به همت سازمان تبلیغات اسلامی به‌عنوان نهادی فرهنگی با همکاری وزارت کشور برگزار می‌شود. وی افزود: آگاه‌سازی و حساسیت‌آفرینی نسبت به آسیب‌های اجتماعی به‌ویژه مصرف مشروبات الکلی، ایجاد دغدغه و حساسیت در جامعه به‌ویژه نسل جوان در مواجهه با آسیب‌های اجتماعی، کشف، جذب و پرورش استعدادها و برنامه‌ریزی برای استمرار این گونه طرح‌ها، هماهنگی هدفمند بین دست‌اندرکاران تولید، توزیع و

مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری خراسان شمالی گفت: سه فیلم کوتاه با موضوع مضرات مصرف مشروبات الکلی از سوی هنرمندان حوزه هنری استان تهیه شد. به گزارش سوره سینما به نقل از روابط عمومی حوزه هنری خراسان شمالی، رضا خدادادی قره‌باشلو، مسئول واحد هنرهای تصویری حوزه هنری استان، از تهیه سه فیلم کوتاه با موضوع مضرات مصرف مشروبات الکلی به همت حوزه هنری خراسان شمالی و هنرمندان این استان خبر داد.

وی افزود: این فیلم‌ها با اسامی «آخرین تولد»، «توقف» و «ناخودآگاه» به کارگردانی یونس محمدی و تهیه‌کنندگی حوزه هنری خراسان

به مناسبت هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر آمریکایی برگزار شد

کارگاه «کارتون، کاریکاتور و پوستر»

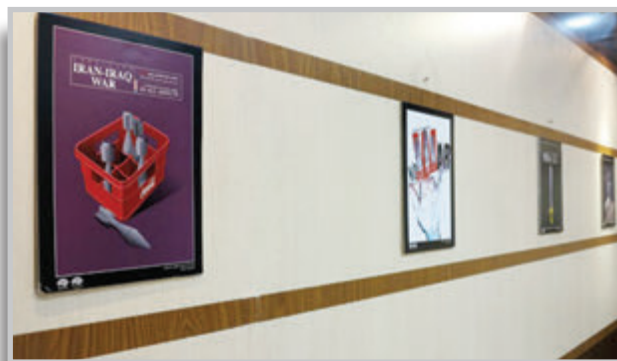
در روز نخست این ورک‌شاپ هنرمندان شرکت‌کننده ضمن آشنایی با موضوع کارگاه، به ایده‌یابی پرداخته و در روز دوم اقدام به تولید اثر کردند که در مجموع حدود ۲۵ اثر با موضوعات مرتبط به سیاست‌های مداخله‌جویانه، جنگ‌طلبی و حمایت از تروریسم از سوی آمریکا تولید شد.

آثار تولیدی این کارگاه آموزشی به دومین جشنواره بین‌المللی هنری حقوق بشر آمریکایی ارسال می‌شوند که بر اساس برنامه امسال به میزبانی استان البرز برگزار خواهد شد.

در بخش جنبی این کارگاه آموزشی نمایشگاه آثار هنرمندان خارجی و داخلی نخستین جشنواره بین‌المللی حقوق بشر آمریکایی در نگارخانه بجنورد برپا شد و این نمایشگاه تا عید سعید فطر برای بازدید علاقه‌مندان دایر خواهد بود.

گفتنی است ششم تیرماه سال ۱۳۶۰ سالروز سوءقصد منافقان به رهبر معظم انقلاب اسلامی، هفتم تیر ۱۳۶۰ شهادت دکتر بهشتی و ۷۲ تن از یارانش، یازدهم تیر ۱۳۶۱ سالگرد ترور شهید صدوقی امام جمعه یزد، هشتم تیر ۱۳۶۰ ترور شهید محمد کچویی رئیس زندان اوین، هشتم تیر ۱۳۶۶ بمباران شیمیایی سردشت و دوازدهم تیر ۱۳۶۷ مصادف با سالروز ساقط کردن هواپیمای مسافربری ایران به دست آمریکا در خلیج فارس است.

به همین مناسبت از ششم تا دوازدهم تیرماه از سوی شورای مرکزی هماهنگی تبلیغات اسلامی به‌عنوان هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر آمریکایی نام‌گذاری شده است.



ورک‌شاپ «کارتون، کاریکاتور و پوستر» با موضوع حقوق بشر آمریکایی به همت حوزه هنری خراسان شمالی و با همکاری اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در بجنورد برگزار شد.

به گزارش سوره سینما، به مناسبت هفته بازخوانی و افشای حقوق بشر آمریکایی کارگاه آموزشی «کارتون، کاریکاتور و پوستر» با حضور هنرمندان استان در محل نگارخانه اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی شهرستان بجنورد برگزار شد.

کارگاه آموزشی به همت حوزه هنری خراسان شمالی و اداره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان از بیست و نهم تا سی‌ام خردادماه برگزار شد که ۱۵ هنرمند در آن حضور داشتند و در زمینه‌های کارتون، کاریکاتور، تصویرسازی و گرافیک هنرآفرینی کردند.

فیلم کوتاه «سایه‌های سپید» در حوزه هنری قم تولید شد



فیلم کوتاه «سایه‌های سپید» که به مسائل اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد به نویسندگی و کارگردانی مهدی امینی و تهیه‌کنندگی مشترک این کارگردان و حوزه هنری استان قم تولید شد.

به گزارش سوره سینما؛ فیلم «سایه‌های سپید» که به مسائل اخلاقی و اجتماعی می‌پردازد به نویسندگی و کارگردانی مهدی امینی و تهیه‌کنندگی مشترک این کارگردان و حوزه هنری استان قم تولید شد. این فیلم داستانی روایت دو جوان است که در مترو کنار یکدیگر قرار می‌گیرند و رفتار متفاوتی میان آن‌ها و در عالم واقع و عالم سایه‌هایشان اتفاق می‌افتد و مخاطب به قضاوت درباره تفاوت این دو رفتار دعوت می‌شود.

در این فیلم کوتاه آریا توسلی و محمدمهدی احمدی به ایفای نقش پرداخته‌اند. همچنین آرش سیفی تصویربرداری، احسان شیرین جلوه‌های ویژه، محمد حسینی‌نژاد تدوین و آریا آهنگران آهنگ‌سازی این اثر تصویری را به عهده داشته‌اند.

فیلم‌ساز حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کردستان رهبر فرهنگی سازمان ملل شد

بهشت است، می‌خورد بر بام خانه، چیدن سپیده دم، ساعت، که همگی محصول حوزه هنری کردستان است در کنار چند فیلم دیگر که به صورت شخصی تهیه نموده، توانسته است موفقیت‌های فراوانی را در جشنواره داخلی و خارجی کسب کند.

وی متولد ۱۳۶۹؛ کردستان - کامیاران - بوده که فعالیت هنری خود را از سال ۸۶ آغاز کرده است. از جمله موفقیت‌های این هنرمند می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

- برنده جایزه جشنواره جوان خوارزمی (رتبه دوم کشور) به خاطر مجموعه داستان «تابستان سرد» ۸۷ - برنده دیپلم افتخار از مسابقه بزرگ داستان نویسی «تالیف کتاب نماز» ۸۷ - برنده جایزه بهترین داستان نویس سال مجله اطلاعات هفتگی بخاطر داستان (ساده، مثل باران)، به داور علی اصغر شیرزادی (برنده جایزه بیست سال ادبیات داستانی ایران) ۸۸ - مقام دوم کشور در مسابقه داستان نویسی «پرچم سه رنگ من» ۸۶ - هجده داستان چاپ شده در مجلات کشور - داور افتخاری (مرحله استانی) یازدهمین جشنواره جوان خوارزمی ۸۸ - خبرنگار افتخاری نشریه دوچرخه (ضمیمه روزنامه همشهری) - کارگردان چهار فیلم کوتاه داستانی: بر اساس خاطرات مادر بزرگم، یک سفره نان و شبنم، چیدن سپیده دم، - برنده تندیس طلایی بهترین فیلم جشنواره از فستیوال فیلم قاصدک - تهران ۸۶ - «بر اساس خاطرات مادر بزرگم» فیلم منتخب دهمین جشنواره بین‌المللی Lebou Cine شیلی ۲۰۱۰ - «بر اساس خاطرات مادر بزرگم» برنده جایزه بهترین فیلم از جشنواره فیلم هدی ۸۹ - حائز رتبه دوم کشور در مسابقه فیلم‌نامه نویسی هدی ۸۹ - تصویر بردار سه فیلم کوتاه داستانی: دیدار - آفتابگردان - مشق فرشته‌ها - داستان یک گدا، برنده جایزه بهترین کارگردانی جشنواره فیلم کوتاه دینی «رویش»، مدال برنز جشنواره جهان اسلام مالزی، بهترین فیلم جشن تصویر سال، و جایزه بهترین فیلم جشنواره نماز همدان، کسب جایزه بهترین فیلم هیئت داوران جشنواره courtoujours فرانسه، عنوان سوم جشنواره بین‌المللی جهان اسلام در مالزی، جایزه بهترین فیلم کوتاه بیست و پنجمین جشنواره فیلم کودک اصفهان و گنجشک طلا جایزه بهترین کارگردانی بین‌المللی فیلم کودک رانیه عراق. جایزه اول هفتمین جشنواره فیلم‌های کردی لندن و سومین دوره مسابقه فیلم کوتاه یادبود «یولماز گونای»، کسب آهوی زرین چهارمین جشنواره فیلم‌های کردی سلیمانیه و جوایز متعدد دیگر



تیمور قادری، فیلم‌ساز جوان و از هنرمندان عضو حوزه هنری انقلاب اسلامی استان کردستان، با ساخت فیلم کوتاه «ماهی بزرگ» موفق به کسب عنوان رهبر فرهنگی سازمان ملل شده است.

به گزارش سوره سینما، این فیلم با موضوع مهاجرت، داستانی است درباره غرق شدن آیلان کودک گُرد سوری که در پی جنگ‌های داخلی سوریه در دریا غرق شد و توانست برنده جایزه جهانی یونسکو شود.

در پی این موفقیت، سازمان ملل متحد وی را یکی از رهبران بین‌فرهنگی یونسکو با هدف «تقویت و درک همکاری بین‌فرهنگ‌ها به وسیله سینما» معرفی کرده است.

تیمور قادری با نویسندگی و کارگردانی فیلم‌های انار میوه



ساره بيات
 مهدي قرباني
 حميد رضا آذرنك
 امير حسين صديق

حسين شريف
 سينما رازاني
 جلال فاطمي
 رضا استادي

کارگردان: سيد محمد رضا خردمندان
 تهیه کننده: محمد رضا شفا

بیست و یک روز بعد

twenty one
 days later

نویسندگان: سيد محمد رضا خردمندان، احسان لنگي
 مدير فيلمبرداري: علي رضا برازنده
 تدوين: محمد رضا موييني، هدي موييني
 طراح صحنه و لباس: کاميلا امين عشايري
 طراحي و تركيب صدا: محمود موسوي نژاد
 مدير صداي دري: امير نويخت
 طراح گریم: جلال موسوي
 جلوه هاي ویژه رايانه اي: محمد رضا نجفي امامي
 مدير توليد: ابراهيم زاهدی فر
 مشاور کارگردان: محمد لطيفي
 عکاس: نوید سجادی حسيني
 مشاور رسانه اي: هادي پرومندی
 مدير تليفات: سيد علي طاهياني
 مجري طرح: باشگاه فيلم سوره
 محصول سازمان توسعه سينمايي سوره حوزه هنري

